

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خانواده در نگرش اسلام و روانشناسی

محمد رضا سالاری فر

www.fa.islamic-sources.com

خانواده

در

نگرش اسلام و روان شناسی

محمد رضا سالاری فر

بهار ۱۳۸۷

سالاری فر، محمدرضا

خانواده در نگرش اسلام و روان شناسی / محمدرضا سالاری فر . - تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)؛ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۴.
هشت، ۲۳۲ ص. - پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۱۰۲. روان شناسی؛ ۱۲) سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)؛ ۱۰۰۶. روان شناسی؛ ۴۹)
ISBN: 964-7788-44-4 . بهاء: ۱۴۰۰۰ ریال.

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.
کتابنامه: ص. ۲۰۵ - ۲۱۶؛ همچنین به صورت زیرنویس.
نمایه.

چاپ دوم: بهار ۸۶. چاپ سوم: پاییز ۸۶. چاپ چهارم: بهار ۱۳۸۷ (بهاء: ۱۹۰۰۰ ریال).
۱. اسلام و خانواده. ۲. خانواده - جنبه های روان شناسی. الف. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت). ب. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ج. عنوان.
خ ۲ س / ۲۵۳ BP
۲۹۷/۶۴
۱۳۸۴

م ۸۴ - ۲۵۵۷۴

کتابخانه ملی ایران



خانواده در نگرش اسلام و روان شناسی

تألیف: محمدرضا سالاری فر، عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
زیر نظر: حجة الاسلام و المسلمین سیدمحمد غروی و دکتر محمد کاظم عاطف وحید
پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (شماره انتشار ۱۰۲، روان شناسی ۱۲) و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) شماره انتشار ۱۰۰۶، روان شناسی ۴۹
ویراستار: سید محمد حسن جواهری
حروفچینی و صفحه آرایبی: اداره نشر و ویرایش پژوهشگاه
چاپ چهارم: بهار ۱۳۸۷
تعداد: ۲۰۰۰ نسخه
چاپ: قم - زیتون
قیمت: ۱۹۰۰ تومان

کلیه حقوق اعم از چاپ و تکثیر، نسخه برداری، ترجمه و جز اینها برای ناشران محفوظ است.
(نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.)

قم: ابتدای بلوار امین، بلوار جمهوری اسلامی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۲۹۰۶۰۳۰ و ۲۱۱۱۱، نمابر: ۲۱۱۱۲۲۲
تهران: خیابان انقلاب، بین وصال و قدس، نبش کوی اُسکو، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۶-۹۳۵-۶۶۴۶۰۲۱۱ و ۶۶۹۷۰۲۱۱
تهران: بزرگراه جلال آل احمد، تقاطع پل یادگار امام، روبه روی پمپ گاز، سازمان مطالعه و تدوین (سمت)،
تلفن: ۴۳۲۲۲۸۴۲-۳، نمابر: ۰۲۴۲۲۸۷۷۷ □ تهران: خ انقلاب، خ ابوریحان، ش ۲- تلفن: ۰۶۶۴۰۸۱۲۰، نمابر: ۰۶۶۴۰۵۶۷۸



پدران باید معلم باشند از برای فرزندان خود، خانواده شما باید مدرسه
باشد، تعلیم احکام اسلام، تهذیب اخلاق نونهالان.

صحیفه نور، ج ۷، ص ۱۶۲

مقدمه ناشران

نیاز گسترده دانشگاه‌ها به منابع و متون درسی با نگرش اسلامی در رشته‌های علوم انسانی، و محدود بودن امکانات مراکز علمی و پژوهشی که خود را موظف به پاسخگویی به این نیازها می‌دانند، ایجاب می‌کند امکانات موجود با همکاری دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی در مسیر اهداف مشترک به خدمت گرفته شود و افزون بر ارتقای کیفی و کمی منابع درسی از دوباره کاری جلوگیری به عمل آید.

به همین منظور، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) هفدهمین کار مشترک خود را با انتشار کتاب خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی به جامعه علمی کشور عرضه می‌کنند.

این کتاب به عنوان منبع کمک درسی برای دانشجویان رشته روان‌شناسی، تهیه شده است. امید است علاوه بر جامعه دانشگاهی، همه علاقه‌مندان نیز از آن بهره‌مند شوند.

فهرست مطالب

فصل اول: نگاه اسلام به ازدواج

مقدمه	۵
۱. سیر تاریخی مباحث خانواده از دیدگاه اسلامی	۵
۲. تعریف خانواده	۱۲
۳. مراحل تحوّل خانواده	۱۶
۴. تعریف ازدواج از دیدگاه اسلام	۱۷
۵. زمان مناسب ازدواج از دیدگاه اسلام	۲۰
۶. شرایط گزینش همسر از دیدگاه اسلام	۲۵
۶-۱. ملاک‌های عرفی گزینش همسر	۲۷
۶-۲. صفات همسر مناسب از دیدگاه اسلام	۳۰
۶-۳. اولویت‌بندی و وزن ملاک‌های مختلف	۳۵
۶-۴. اهداف گوناگون و گونه‌های مختلف ازدواج	۴۲

فصل دوم: آثار روان‌شناختی ازدواج

۱. ارضای نیازهای جنسی	۴۵
۲. آرامش روانی	۵۳
۳. رشد و تکامل شخصیت	۵۷
۴. زمینه‌سازی برای تربیت فرزند	۵۸
۵. گسترش روابط اجتماعی از طریق خویشاوندی	۶۱
۵-۱. اهمیت روابط خویشاوندی	۶۲
۵-۲. گونه‌های روابط خویشاوندی	۶۳

۶۴	۳-۵. روابط خویشاوندی پس از ازدواج
۶۶	۴-۵. تأثیرهای روابط خویشاوندی
۶۹	۵-۵. آثار قطع روابط خویشاوندی
۷۱	۶-۵. مراتب خویشاوندی در اسلام
۷۲	۷-۵. آسیب شناسی روابط خویشاوندی

فصل سوم: ارکان خانواده

۷۵	۱. مسئولیتهای متقابل زن و شوهر
۷۵	۱-۱. سازگاری اولیه
۷۷	۲-۱. استمرار روابط مطلوب
۸۰	۲. مسئولیتهای والدین
۸۵	۳. مسئولیتهای فرزندان
۸۵	۱-۳. وظایف فرزندان نسبت به والدین
۸۹	۲-۳. وظایف فرزندان نسبت به یکدیگر
۹۱	۴. سلسله مراتب در خانواده
۹۶	۵. مرزها در خانواده
۹۶	۱-۵. مرزها در خانواده از دیدگاه مکتب ساخت‌نگر
۹۸	۲-۵. مرزها در خانواده از دیدگاه اسلام

فصل چهارم: راهکارهای اسلام برای کارایی و رشد مطلوب خانواده

۱۰۹	۱. نقش بینشهای دینی در خانواده
۱۱۰	۱-۱. اعتقاد به خدا
۱۱۲	۲-۱. اعتقاد به رسالت و امامت
۱۱۴	۳-۱. اعتقاد به زندگی پس از مرگ
۱۱۶	۲. توصیه‌های اخلاقی برای کارایی بیشتر خانواده
۱۱۶	۱-۲. صداقت
۱۱۸	۲-۲. خوش‌بینی
۱۱۹	۳-۲. قناعت

۱۲۰ ۲-۴. صبر
۱۲۲ ۲-۵. سخاوت
۱۲۳ ۳. آموزه‌های رفتاری اسلام برای کارایی مطلوب خانواده
۱۲۳ ۳-۱. روابط کلامی
۱۲۵ ۳-۲. روابط غیرکلامی
۱۲۷ ۳-۳. محیط خانه
۱۲۹ ۳-۴. اداره امور خانواده
۱۳۱ ۳-۵. عبادت در خانواده

فصل پنجم: تعالیم اسلام و مشکلات خانوادگی

۱۳۴ ۱. عوامل مؤثر بر تعارضها و اختلافهای خانوادگی
۱۳۴ ۱-۱. عوامل روان‌شناختی
۱۳۷ ۱-۲. عوامل اجتماعی و فرهنگی
۱۳۸ ۱-۳. عوامل اقتصادی
۱۴۰ ۱-۴. عوامل جسمانی و بدنی
۱۴۱ ۱-۵. عوامل دینی
۱۴۴ ۲. راههای پیشگیری از اختلافهای خانوادگی در آموزه‌های اسلام
۱۴۴ ۲-۱. توجه به گزینش همسر مناسب
۱۴۵ ۲-۲. آموزش زوجین
۱۴۶ ۲-۳. آموزش دینی
۱۴۷ ۲-۴. رعایت حدود و مرزها در خانواده
۱۴۷ ۲-۵. توجه به اصل مشورت و کسب توافق در خانواده
۱۵۰ ۳. راهکارهای حل اختلافات خانوادگی بر اساس تعالیم اسلام
۱۵۰ ۳-۱. پذیرش و تعهد نسبت به سلسله مراتب در خانواده
۱۵۱ ۳-۲. حل مشکلات عاطفی و جنسی
۱۵۲ قرآن و حل اختلافات خانوادگی
۱۶۰ ۳-۳. مشاوره و حکمیت
۱۶۲ ۳-۴. جدایی زن و شوهر

فصل ششم: نظام خانواده در اسلام

۱۶۷	۱. انواع خانواده از دیدگاه اسلام
۱۶۹	۱-۱. خانواده‌های تک‌همسری
۱۷۰	۱-۲. خانواده‌های چند همسری
۱۷۳	۱-۳. خانواده‌های ازدواج موقت
۱۷۸	۲. آثار روان‌شناختی قوانین اقتصادی اسلام در خانواده
۱۷۹	۲-۱. مهریه
۱۸۲	۲-۲. نفقه
۱۸۴	۲-۳. ارث
۱۸۴	۳. خانواده‌های الگو در اسلام
۱۸۶	۳-۱. رویارویی با ازدواج
۱۸۷	۳-۲. برخورد پیامبر(ص) با همسران
۱۸۹	۳-۳. برخورد پیامبر(ص) با فرزندان
۱۹۰	۳-۴. روش زندگی حضرت علی(ع) و فاطمه(س)
۱۹۲	۳-۵. سیره خانوادگی سایر ائمه(ع)
۱۹۴	۴. طرحی کلی از نظام خانواده در اسلام
۱۹۴	۴-۱. جامعیت دیدگاه اسلام درباره خانواده
۱۹۵	۴-۲. مهم‌ترین راهبردهای سلامتی و کارکرد مناسب خانواده از دیدگاه اسلام
۲۰۰	۴-۳. سخن پایانی
۲۰۳	منابع
۲۱۵	نمایه اشخاص و اماکن

مقدمه

خانواده یکی از نظامهای اولیه جوامع بشری است که با وجود تحولات اساسی، در اهداف و کارکردهای خود ثابت مانده و هنوز در همه جوامع اهمیت اساسی دارد. خانواده مناسبترین نظام برای تأمین نیازهای مادی، روانی و معنوی بشر بوده و بهترین بستر را برای تأمین امنیت و آرامش روانی اعضا، پرورش نسل جدید و اجتماعی کردن فرزندان و برآورده ساختن نیازهای عاطفی افراد فراهم نموده است. با این حال، در عصر حاضر نظام خانواده دچار مشکلات و چالشهای اساسی گردیده و حتی گاه اساس و تمامیت آن نیز زیر سؤال رفته است. متأثر از تحولات اجتماعی، صنعتی و علمی، در بیشتر جوامع از جمله ایران مشکلات متعددی برای خانواده پدید آمده است؛ اختلافهای خانوادگی، طلاق، فرزندان بی سرپرست و بزهکاری نوجوانان و جوانان، نشان دهنده مشکلات اساسی در خانواده‌های ماست. سنتها، اخلاقیات و روشهایی که به تقویت خانواده می‌انجامند، بعضاً متزلزل شده‌اند و دوری از هویت ملی و دینی و پذیرش هویت‌های دنیاگرایانه و دور از اخلاقیات انسانی، بسیاری از مردم ما را تهدید می‌کند.

همه این مشکلات نشان می‌دهد که خانواده‌ها نیازمند توصیه‌های تربیتی و روان‌شناختی بسیاری برای رویارویی با پیچیدگی‌های زندگی کنونی، هستند. اکنون تربیت فرزندان و برقراری روابط مناسب با همسر به سادگی چند دهه گذشته نیست. عوامل مؤثر بر خانواده به قدری زیادند که برای مقابله با عوامل آسیب‌زا، نیازمند آموزش و تربیت خانواده‌ها در سطح ملی هستیم. نکته جالب توجه آن است که ما از پیشینه فرهنگی و علمی غنی و کارآمدی برای رویارویی با مسائل خانواده بهره‌مندیم. مهم‌ترین متون دینی ما، یعنی قرآن و کلمات پیامبر(ص) و معصومان(ع)، سرشار از

توصیه‌های کارآمد و متناسب با عصر حاضر، در باب اساسی‌ترین مسائل خانواده تا جزئی‌ترین موارد آن است. مجموعه تعالیم اسلامی در مورد خانواده، ما را به نظام و ساختاری رهنمون می‌کند که پاسخ‌گوی همه نیازهای مادی، روانی و معنوی خانواده است.

افزون بر ساختار خانواده که به مراتب و مرزهای درونی و بیرونی آن اشاره دارد، اهداف تشکیل خانواده را نیز می‌توان از گزاره‌های صحیح متون اسلامی استنباط کرد. تعالیم اسلام دربارهٔ چگونگی روابط اعضای خانواده و به عبارتی حقوق و مسئولیتهای متقابل آنها، توصیه‌های الزامی و اخلاقی فراوانی دارد. سخنان معصومان(ع) و سیره خانوادگی آنان ظرایف رفتاری جالب توجهی در بردارد که هر چند جزئی به نظر می‌رسد، گاه در تحکیم پایه‌های خانواده نقش اساسی دارد. در این کتاب مباحث خانواده را با تعریف خانواده، ازدواج و مقدمات آن، مانند شرایط همسرگزینی، آغاز کردیم و سپس به آثار روان‌شناختی ازدواج و روابط اعضای خانواده پرداختیم و دیدگاههای اسلام را در هر مورد تبیین نمودیم.

روابط خویشاوندی را به عنوان یکی از آثار ازدواج در نظر گرفته و ابعاد مختلف آن را بررسی کردیم. در فصل سوم به ارکان خانواده از قبیل مسئولیتهای زن و شوهر، والدین و فرزندان پرداختیم، و در فصل چهارم نقش باورهای دینی، توصیه‌های اخلاقی و رفتاری اسلام بررسی شد. در فصل پنجم به عوامل مشکلات خانوادگی و راهکارهای اسلام برای پیشگیری و حل آنها پرداختیم. در فصل ششم، انواع خانواده در اسلام و قوانین اقتصادی خانواده در اسلام از نگاه روان‌شناختی بررسی شد. در پایان با اشاره به خانواده‌های الگو در اسلام، طرحی کلی از نظام خانواده در اسلام، ارائه نمودیم و در بحثهای مختلف کتاب سعی کردیم مسائل را از هر دو جنبه اسلامی و روان‌شناختی مورد بررسی قرار دهیم. این در حالی است که معمولاً در تألیفات مربوط به خانواده، به یکی از دو جنبه علمی و دینی خانواده پرداخته شده است. امید است مطالب این کتاب با پذیرش همه نقصها و بضاعت علمی اندک مؤلف، در جهت روشن شدن مسائل روان‌شناختی و دینی خانواده گامی مفید به شمار آید. اینجانب با توسل به خاندان عصمت و طهارت، امید به رشد و تکامل معنوی و اخلاقی هر چه بیشتر خانواده‌ها را دارم. از انتقادات و پیشنهادهای دانش‌پژوهان و همه متخصصان درگیر با مباحث خانواده

و از جمله خانواده درمان‌گران استقبال می‌کنم، به این امید که بتوانم در جهت رفع کاستی‌های این موضوع مهم، گامی بردارم.
در پایان، مراتب تقدیر و تشکر خود را از مساعدت‌های همراهان این طرح اعلام می‌کنم:

استاد حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمد غروی، مدیر گروه روان‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه که مباحث این کتاب با نظارت و اشراف ایشان بوده است. استاد دکتر محمد کاظم عاطف وحید که در همه مراحل تدوین این کتاب، با نظارت و راهنمایی‌های خود بر غنای آن افزودند.

استادان گرامی حجت‌الاسلام والمسلمین بهشتی، دکتر مظاهری و دکتر فتحی آشتیانی که از نظریات آنان در مباحث این کتاب بهره‌مند شدم.

مسئولان پژوهشگاه حوزه و دانشگاه به ویژه ریاست محترم حجة الاسلام والمسلمین اعرافی که با حمایت‌های بی‌دریغ، این فرصت پژوهشی را برای اینجانب فراهم کردند. سرانجام از همهٔ مسئولان و کارکنان بخش‌های پژوهشگاه حوزه و دانشگاه که بدون زحمات صادقانه آنان چنین تحقیقاتی به ثمر نمی‌رسید، سپاس‌گزاری می‌کنم: معاونت محترم پژوهشی، معاونت محترم اجرایی، بخش‌های ویراستاری، تایپ و نشر به ویژه آقایان سید عدنان اسلامی، ابوالفضل احمدی و همکارانش در کتابخانه و همه کسانی که فعالیت‌های پژوهشی مرهون تلاش‌های آنهاست.

درود و سلام بر خانواده‌ای که برترین زن عالم را به والاترین اوصیای الهی پیوند زد تا شریف‌ترین انسانها را در دامان خویش پرورش دهد، پسری ابوالعجائب که پرشکوه‌ترین صحنه عشق را در تاریخ بشریت آفرید و دختری که پیام این عزت و آزادگی را با صبر و شجاعت به عالم رساند.

به امید روزی که یازدهمین ثمرهٔ این پیوند، عدالت، معنویت و معرفت را در جان و روان همه انسانها جوشش دهد.

«بقية الله خير لكم ان كنتم مؤمنين»



نگاه اسلام به ازدواج

مقدمه

خانواده، یکی از نهادهای مهم جامعه بشری است که زیربنایی ترین و اولین نهاد اجتماع به شمار می‌رود. تأثیر خانواده بر رشد، تعادل و شکوفایی افراد و جامعه به حدی است که هیچ صاحب‌نظری نمی‌تواند آن را انکار کند؛ از این رو، همه فلاسفه و صاحب‌نظران علوم انسانی از ابتدای تاریخ مکتوب علمی، در باره خانواده توصیه‌هایی داشته‌اند. ادیان الهی نیز به جهت نقش مهم خانواده در اخلاق و معنویت انسانها، آموزه‌های مهمی در این زمینه ارائه کرده‌اند، و در همین راستا آخرین دین الهی یعنی اسلام، در ابعاد مختلف زندگی خانوادگی، دستورها و آموزه‌های مفیدی ارائه کرده است. در این دین، ازدواج و زندگی خانواده محبوب‌ترین^۱ و عزیزترین^۲ نهاد بشری نزد خداوند اعلام شده است. در حدیثی از پیامبر گرامی اسلام (ص) آمده است: درهای آسمان، هنگام بروز چهار پدیده گشوده می‌شود (کنایه از نزول برکات و رحمت خداوند) که دو مورد از آنها مربوط به خانواده است: وقتی عقد ازدواج برگزار می‌شود و هنگامی که فرزند به چهره والدین خود نگاه می‌کند.^۳ با این مقدمه، به بررسی سیر تاریخی مباحث خانواده از دیدگاه اسلامی می‌پردازیم.

۱. سیر تاریخی مباحث خانواده از دیدگاه اسلامی

بر اساس متون اسلامی خداوند از ابتدای حیات بشر پیامبرانی را از میان انسانها برای هدایت آنها برگزیده است تا به تدریج آداب زندگی اجتماعی مطلوب و از جمله تشکیل خانواده را به آنها بیاموزند. از آنجا که خانواده تأثیری اساسی بر سراسر زندگی فرد و

۱. «ما بنی فی الاسلام احب الی الله من التزویج». حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۳.

۲. «... بناء احب الی الله واعز من التزویج». بحارالانوار، مجلسی، محمدباقر، ج ۱۰۰، ص ۲۲۲.

۳. «یفتح ابواب السماء فی اربعة مواضع... عند نظر الولد فی وجه الوالدین و عند النکاح»، همان، ص ۲۲۱.

همه ابعاد اجتماع دارد، همه ادیان الهی به آن توجه ویژه‌ای داشته‌اند. دین اسلام به عنوان آخرین دین الهی، بخش عمده‌ای از قوانین و توصیه‌ها را به خانواده اختصاص داده است. آداب ویژه‌ای برای زندگی خانوادگی وضع کرده و بسیاری از هنجارهای مربوط به ازدواج و خانواده را در بخش عمده‌ای از جهان تغییر داده و در واقع ساختار مطلوب و بهنجار خانواده را بر اساس آموزه‌های دینی بنا کرده است.^۱ پیامبر اسلام (ص) و اولیای دین (ع) به مسائل خانوادگی توجه داشتند و افراد را در زمینه روابط خانوادگی حتی روابط بسیار خصوصی زناشویی راهنمایی می‌کردند. آنان در مورد شیوه انتخاب همسر، کیفیت روابط خانوادگی، برخورد با فرزندان و انواع روابط عاطفی در خانواده، به راهنمایی و حل مشکلات مردم می‌پرداختند. در این کتاب، آموزه‌های اسلام در مورد خانواده بررسی شده است. متون اصلی دین اسلام را قرآن (وحی خداوند به پیامبر گرامی اسلام (ص)) و کلمات معصومین (ع) تشکیل می‌دهد. قطعیت و اعتبار قرآن به تواتر مسلمانان طی قرن‌ها ثابت شده است. کلمات معصومین (ع) نیز از برخی کتب روایی از جمله بحارالانوار، وسائل الشیعه و چند کتاب روایی معتبر دیگر، به دست آمده است. در ابتدای بحث مناسب است، تاریخچه موضوع را در دیدگاه‌های اسلامی بررسی کنیم.

دانشمندان مسلمان از صدر اسلام تاکنون به مسائل خانواده توجه داشته و وظایف و حقوق متقابل اعضای خانواده را مورد تأکید قرار داده‌اند، که در این جا به برخی نظریات برجسته قرون گذشته و برخی نظریات صاحب‌نظران قرن حاضر در باب خانواده اشاره می‌شود تا سیر تاریخی مباحث خانواده در دیدگاه‌های اسلامی روشن گردد.

۱-۱. ابن سینا: این دانشمند بزرگ قرن چهارم و پنجم هجری، در تألیفات خود به بیان اهمیت خانواده و ارکان آن، چگونگی روابط میان زن و شوهر و نیز والدین و فرزندان می‌پردازد. وی اهداف تشکیل خانواده را انگیزه‌های، اقتصادی، اجتماعی، محبت و آرامش و رفع نیازهای جنسی دانسته است. او زن را شریک اقتصادی و امین مرد، همکار و یاور وی در اداره منزل و مایه آرامش و سکون او می‌داند، و نیازهای جنسی را امری طبیعی معرفی می‌کند که تنها باید از راه ازدواج برآورده شود. ابن سینا معتقد است برای تشکیل یک مدینه فاضله، باید اصولی بر ازدواج حاکم باشد؛

اولاً: باید مردم را به ازدواج تشویق و ترغیب کرد تا بقای نوع بشر تضمین شود.

ازدواج باید به صورت علنی و آشکار صورت گیرد تا نسبتهای خانوادگی معین و مشخص باشد. سن ازدواج منوط به حدی از رشد جسمانی و عقلانی است که در آن، فرد در اداره خانواده موفق باشد. ابن سینا به ویژگی‌های مطلوب برای زن اشاره می‌کند که اغلب از متون اصلی دین اسلام برگرفته شده است. برخی از این ویژگی‌ها عبارت‌اند از: عقل و زیرکی، حیا و دین داری، مهربانی و توانایی فرزندآوری، فرمان برداری و امین شوهر بودن، وقار، هیبت و تسلی بخش بودن برای همسر

به نظر ابن سینا، مرد باید در روابط با همسر و اداره نهاد خانواده، سه اصل را مورد نظر قرار دهد:

الف - هیبت؛ که اساس تدبیر مرد در خانواده است؛ نواقص را تکمیل کرده و نقاط ضعف را می‌پوشاند و بدون آن روابط زن و شوهر بر اساس صحیح استوار نیست. هیبت شوهر نسبت به همسر آن است که مرد احترام خویش را در خانه حفظ کند، از دین و مروت خویش پاسداری نماید و به وعده‌هایش پایبند باشد. اگر مرد در برابر همسرش از هیبت و احترام لازم برخوردار نباشد، زن وی را کوچک می‌شمارد و به فرمان او واقعی نمی‌نهد و در نهایت زن مدیر و مدبّر خانواده می‌شود. ابن سینا این امر را نکوهش می‌کند؛ زیرا بر این باور است که زن نمی‌تواند مدیر و رئیس خانواده باشد.

ب - تکریم؛ شوهر باید زن را بزرگ دارد و او را تکریم نماید. زن هم در مقابل، وقتی کرامت مرد را دید، در حفظ و تدوام آن می‌کوشد و در نتیجه احترام و تکریم متقابل میان زوجین حاکم می‌شود. ابن سینا معتقد است راه اداره زن همین است و اجبار و تهدید ره به جایی نمی‌برد.

ج - اشتغال. شوهر باید زن را دائماً به امور خانه‌داری و تربیت و اداره فرزندان مشغول کند تا اوقات فراغت زن به اموری که ممکن است به روابط سالم آسیب رساند، صرف نشود، در غیر این صورت ممکن است زن به زینت و آرایش برای مردان بیگانه پردازد و در نتیجه احترام متقابل زن و مرد از میان برود.^۱

ابن سینا با تأکید فراوان بر محبت و الفت در خانواده و استمرار پیوند خانوادگی، طلاق را به صورت استثنایی و با شرایطی سنگین به پیروی از شرع مقدس اسلام، می‌پذیرد. به نظر وی باید تا جایی که امکان دارد برای صلح و سازش میان زوجین کوشید و تنها زمانی

به جدایی رضایت داد که امیدی به سازش آنها نباشد. همچنین طلاق نباید به دست زن باشد، و باید در اختیار مرد باشد و در صورت عدم تدبیر و تعقل کافی در مرد، باید به دست حاکم باشد؛ زیرا این امر در استحکام خانواده نقش بسیاری دارد. ابن سینا مسئولیت اصلی تربیت کودکان را متوجه والدین می‌داند و بر اساس مراحل رشد، وظایفی را مقرر کرده است. وی تربیت فرزندان شایسته و تحویل آنها به جامعه را از اهداف اساسی ازدواج بیان می‌کند.^۱

۱-۲. غزالی: این دانشمند قرن پنجم هجری، در ضمن مباحث اخلاقی، به آداب زندگی خانوادگی به شرح زیر پرداخته است:

ادب اول: در مراسم ازدواج میهمانی برگزار کند. ادب دوم: در برخورد با زن، اخلاق نیکو در پیش گیرد به طوری که نه تنها او را نرنجاند، بلکه رفتار و گفتار نادرست وی را تحمل کند. ادب سوم: با همسر با مزاح و روی خوش برخورد کند و با سعی و کوشش زمینه درک متقابل را فراهم نماید. ادب چهارم: مزاح و روی خوش را به حدی نرساند که هیبت وی به کلی از دست برود و همیشه مرد باید برتر باشد. ادب پنجم: در غیرت اعتدال را رعایت کند. ادب ششم: در مخارج زندگی، سخت‌گیری نکند و در عین حال اسراف در پیش نگیرد. با خانواده غذا بخورد و هیچ غذایی را به تنهایی نخورد. ادب هفتم: در آموزش علم دین به همسر کوتاهی نکند. ادب هشتم: میان همسران به عدالت رفتار کند. ادب نهم: در هنگام نافرمانی زن، با تَلَطُّف و رفق با او مدارا کند. ادب دهم: در مسائل جنسی، لذت متقابل در نظر گرفته شود. این آداب در واقع وظایف مرد نسبت به زن است. زن وظایف مهم‌تری بر عهده دارد؛ از جمله: همیشه خویش را پاکیزه نگه دارد، به طوری که زمینه مناسبی برای معاشرت فراهم باشد؛ با شوهر خویش به جمال خود فخر نکند؛ بر شادی او حریص باشد؛ بدون علت دچار خشم و عیب‌جویی نشود؛ در اموال شوهر و زندگی قناعت را رعایت کند و اختلافهای بین خود و شوهر را برای دیگران بازگو نکند.^۲

۳-۱. خواجه نصیرالدین طوسی: وی از دانشمندان قرن هفتم هجری بوده است. طوسی در مورد راه تدبیر و برخورد مرد با زن سه امر هیبت، تکریم و اشتغال زن را لازم

۱. اعرافی، علیرضا، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، ص ۲۹۱-۲۹۴.

۲. غزالی طوسی، ابوحامد، کیمیای سعادت، ج ۱، ص ۳۰۱.

می‌داند. وی در مورد حفظ کرامت زن و احترام گذاردن به او می‌گوید: مرد باید به وضعیت اقتصادی و ظاهری زن توجه و در بهبود آن بکوشد؛ در پوشش او از دیگران سعی وافر داشته باشد؛ در مسائل خانواده با او مشورت کند؛ در تصرف امور منزل دست او را باز بگذارد؛ البته باید مراقب باشد که زن بر او غالب نشود. با خویشان زن رابطه خوبی داشته باشد؛ وقتی آثار صلاحیت و شایستگی در او دید، زن دیگری را بر او ترجیح ندهد؛ زیرا غیرت زنان موجب اخلال در امور خانواده و همکاری نکردن آنها و به هم ریختگی نظام خانواده می‌شود؛ زیرا مرد در منزل مانند دل است در بدن، و چنان‌که یک دل منبع حیات دو بدن نتواند بود، یک مرد را تنظیم دو منزل میسر نشود.

به نظر طوسی شوهر باید در اداره خانواده از اموری خودداری کند: در محبت به زن افراط نکند و او را از روابط نامناسب خارج منزل باز دارد. زنان برای تحصیل رضایت شوهر باید همواره عفت را رعایت کنند، به آنها احترام بگذارند، اخلاق خوب، همسر داری به وجه نیکو و همکاری در روابط جنسی را همواره در پیش گیرند؛ همچنین از سرزنش شوهر خودداری کنند. طوسی در مورد نوع رابطه زن و شوهر می‌گوید: زن شایسته شبیه مادر و دوست است. از این جهت شبیه مادر است که شوهر مایل به حضور او در خانه است و نبود زن برای مرد مشکل آفرین است، و شباهت به دوست از جهت قناعت زن و عدم زیاده‌طلبی او نسبت به مایحتاج زندگی است؛ لذا شوهر را در کمبود برخی امکانات و لوازم آسایش زندگی معذور می‌داند.^۱

۴-۱. فیض کاشانی: وی از دانشمندان قرن یازدهم هجری است که به آثار روان‌شناختی ازدواج و زندگی خانوادگی توجه خاصی مبذول کرده و به مسئله آرامش و سکونت حاصل از روابط زن و شوهر اشاره نموده است. به باور وی، بدون وجود روابط مناسب در زندگی خانواده، مقابله با دشواری‌ها و خستگی‌های ناشی از زندگی روزانه، دشوار است. وی از اولیای دین (ع) نقل می‌کند فردی که از خانواده خود فرار کرده است، مانند بنده فراری است که نماز و روزه او قبول نمی‌شود تا به کانون خانواده باز گردد؛ همچنین فردی که در انجام وظایف خانوادگی کوتاهی کند، مانند بنده فراری است، هر چند در جمع اعضای خانواده حاضر باشد. فیض یکی از وظایف والدین نسبت به فرزندان خود را آموزش نحوه برخورد با همسر و زندگی خانوادگی اعلام کرده، نمونه‌ای

از آن را به دختر خود هنگام ازدواج به عنوان توصیه‌های پدری برای برقراری زندگی متعادل و متعالی چنین بیان می‌کند: «دخترم، از آشیانه‌ای که در آن بزرگ شدی، به سوی جایگاهی می‌روی که شناخت کافی از آن نداری و همنشینی که هنوز با او انس نگرفتی، در مقابل او متواضع باش تا او مایه سربلندی‌ات باشد؛ به منزله گهواره‌ای برای او باش تا او تکیه‌گاہت باشد؛ از او اطاعت کن تا او مطیعت باشد؛ او را به خشم نیاور و از او دوری مکن؛ اگر به تو نزدیک شد، تو نیز به او نزدیک‌تر شو و اگر از تو دوری کرد، تو نیز از او دور شو»^۱.

۵ - ۱. علامه طباطبایی: وی در تفسیر المیزان، هنگام بررسی آیات مربوط به مسائل زندگی خانوادگی، نظریاتی در این باره ارائه کرده است: آفرینش انسان به صورتی است که زن و مرد در ساختمان طبیعی بدن، مکمل یکدیگرند و هریک به تنهایی ناقص و محتاج دیگری است. این نیاز و احتیاج موجب می‌شود که زن و مرد به سوی یکدیگر حرکت کنند و بدین طریق، سکونت و آرامش یابند. به نظر ایشان، این امر از بزرگ‌ترین و آشکارترین نعمتها و موهبت‌های عالم طبیعت است؛ زیرا ساختمان جامعه بشری بر آن استوار می‌شود و به همین سبب است که تعاون و همکاری میان افراد پدید آمده است. ایشان در مورد مودت و رحمت بین زن و شوهر می‌گوید: مودت، محبتی است که اثرش در رفتار ظاهر شود و رحمت نوعی تأثیر روانی است که از دیدن محرومیت یا نقص کسی پدید می‌آید و فرد را وا می‌دارد که به او کمک کند. از روشن‌ترین جلوه‌گاه مودت و رحمت، جامعه کوچک خانواده است؛ زیرا زن و شوهر در محبت و رحمت، ملازم یکدیگرند و این دو به هم و به ویژه زن نسبت به فرزندان کوچک‌تر، عطف می‌ورزند. این محبت و مودت، والدین را بر می‌انگیزد که در حفظ، تغذیه و تربیت فرزندان بکوشند.^۲

وی در مورد سلسله مراتب افراد در خانواده، به پیروی از آیه «الرجال قوامون علی النساء»^۳، قائل به مدیریت مرد در خانواده است و با اشاره به نکاتی از زندگی اجتماعی و شرایط طبیعی زن و مرد، این امر را تبیین می‌کند. لزوم شدت و قدرتمندی برای جنس مرد و وجوب نرمی و پذیرش برای جنس زن، امری است که همه ملتها، کم و بیش به آن

۱. فیض کاشانی، محسن، المحجة البيضاء فی تہذیب الاحیاء، ج ۳، ص ۶۷ و ۹۶-۱۳۵.

۲. طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ج ۴، ص ۲۸۵.

۳. نساء، ۳۴.

معتقدند، به طوری که زبانهای مختلف عالم، هر شخص پهلوان و تسلیم‌ناپذیر را «مرد» و هر شخص نرم‌خو و تأثیرپذیر را زن می‌نامند. دین اسلام این قانون طبیعی را در تشریح احکام خود، پذیرفت و قوام بودن را برعهده مرد گذاشت.^۱

خداوند به جهت طاقتی که مردان در اعمال سخت و دشوار دارند، و از طرفی زندگی زنان، احساسی و عاطفی است و اساس و سرمایه‌اش رقت و لطافت است، این قوامیت را به مرد داده است. علت دیگر این امر مسئولیت اداره امور اقتصادی خانواده است که برعهده مرد می‌باشد. قیومیت مرد بر زن از نظر مسائل زناشویی است و بر زن لازم است که در این امور و هرچه به آن مربوط است، از شوهر خود اطاعت کند. این امر بدان معنا نیست که مرد از اداره و تصرف زن در مایملک خود، سلب آزادی کند، یا استقلال زن در حفظ حقوق فردی و اجتماعی و دفاع از منافعش را سلب نماید؛

به بیان دیگر، از آن‌جا که مرد هزینه زندگی زن را از مال خویش می‌پردازد، بر زن نیز لازم است در همه آنچه مربوط به روابط جنسی است، از مرد اطاعت کند.^۲

۶-۱. شهید مطهری: او در تألیفهای خود به مسئله ازدواج، اهمیت فراوانی داده و به تبیین قوانین اسلام با توجه به نیازهای انسان در عصر حاضر پرداخته است. به نظر وی، دین اسلام اصرار فراوانی دارد که محیط خانوادگی، آمادگی کامل را برای کامیابی زن و شوهر از یکدیگر، داشته باشد. زن یا مردی که در این امور کوتاهی کند، مورد نکوهش صریح اسلام قرار گرفته است. به اعتقاد شهید مطهری، از میان ادیان الهی، دین اسلام بیشترین توجه خود را به بعد جنسی زندگی خانوادگی معطوف کرده و این امر را مقدس شمرده است. در بعد عاطفی، محیط خانواده، محل بروز عمیق‌ترین روابط و منشأ روابط عاطفی در اجتماع است. نکته جالب توجه در نظریات شهید مطهری، تقارب دیدگاه ایشان در باب خانواده با دیدگاه سیستمی است^۳ که در آن افراد در خدمت سیستم هستند و باید روابط اجزا به گونه‌ای باشد که کل خانواده، به عنوان یک واحد به اهداف مورد نظر نائل شود. به نظر ایشان، ازدواج اولین گامی است که انسان از خودپرستی و خود دوستی به سوی دیگر دوستی بر می‌دارد. تا پیش از ازدواج تنها یک «من» وجود

۱. کلمه قیم به معنای فردی است که مسئول رسیدگی به امور فرد دیگر است، و قوام نیز مبالغه در این امر است.

۲. طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۴، ص ۲۸۹ و ۵۴۴-۵۴۷.

۳. این دیدگاه را برتالانفی (Bertalanffy) گسترش داد. در این دیدگاه، به خانواده به عنوان یک واحد مشکل‌نگریسته می‌شود و فرد به عنوان بخشی از سیستم فراگیر خانواده تلقی می‌شود (زیمون، ف، مفاهیم و تئوری‌های کلیدی در خانواده‌درمانی، ص ۲۵۳).

داشت و همه چیز برای «من» بود. اولین مرحله‌ای که این «من» شکسته می‌شود، یعنی موجود دیگری در کنار این «من» قرار می‌گیرد و برای او معنا پیدا می‌کند، کار می‌کند، زحمت می‌کشد، خدمت می‌کند نه برای «من» بلکه برای «او»، در ازدواج است. سپس وقتی دارای فرزند می‌شود دیگر «او»، «اوها» می‌شود و گاهی «من» نیز فراموش می‌شود.^۱

به نظر ایشان، از جنبه‌های مهم ازدواج، ایجاد کانونی برای پذیرش نسل آینده و تأمین سعادت آنهاست. دست توانای خلقت برای ایجاد، بقا و تربیت نسلهای آینده، علائق نیرومند زن و شوهری را از یک سو و علائق پدر و مادر و فرزند را از سوی دیگر به وجود آورده است. عواطف اجتماعی و انسانی در محیط خانواده رشد می‌کنند. حرارت محیط فطری و طبیعی پدر و مادر روح کودک را نرم و ملایم می‌کند. ما وقتی می‌خواهیم عواطف دو نفر را نسبت به یکدیگر تحریک کنیم، می‌گوییم افراد یک ملت برادر یکدیگرند. قرآن نیز عواطف پاک ایمانی مؤمنان را به عواطف برادری تشبیه می‌کند: «انما المؤمنون اخوة»^۲. عواطف برادری تنها از خویشاوندی و هم‌خونی پیدا نمی‌شود، عمده این است که دو برادر در یک کانون محبت بزرگ می‌شوند و منشأ عواطف در اجتماع نیز همین عواطف برادری است.^۳ به‌طور کلی، از مجموعه نظریات فوق نکاتی را می‌توان در باب نظام روان‌شناختی خانواده بیان نمود. بحث سلسله مراتب در خانواده و اقتدار بیشتر مرد، مورد اتفاق همه این صاحب‌نظران است. وظایف اعضای خانواده و حدود و مرزهای آن تا حدی بیان شده است، و زمینه‌های ناکارآمدی خانواده و عوامل اختلال در کارکردها، معرفی و به راههای پیشگیری توجه شده است. حالات روانی هر یک از زن و مرد و نکات روان‌شناختی تحکیم بخش روابط مطلوب در خانواده نیز تا حدی مورد توجه قرار گرفته است.

۲. تعریف خانواده

«خانواده» گروه کوچکی است که حد فاصل بین فرد و جامعه قرار گرفته است. صاحب‌نظران تعریفهای متعددی برای خانواده ارائه کرده‌اند، ولی هر تعریف به بعدی از خانواده توجه داشته است؛ از این رو شاید مناسب‌تر باشد که خانواده را با توجه به

۱. مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۲۶۶ و ۲۶۷.

۲. به راستی مؤمنان برادر یکدیگرند؛ حجرات، ۱۰.

۳. مطهری، مرتضی، اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب، ص ۴۶ و ۴۷.

ویژگی‌های اساسی آن تعریف کنیم:

الف - از عمومی‌ترین سازمانهای اجتماعی است که بر اساس ازدواج بین یک مرد و دست‌کم یک زن شکل می‌گیرد.

ب - در آن، مناسبات خونی یا اسناد یافته (پذیرش فرزند) به چشم می‌خورد.

ج - معمولاً دارای نوعی اشتراک مکانی است.

د - معمولاً کارکردهای گوناگون شخصی، جسمانی، اقتصادی، تربیتی و جز اینها را بر

عهده دارد.

خانواده همچون آینه‌ای عناصر اصلی جامعه را در بر دارد و انعکاسی از نابسامانی‌های اجتماعی است. در عین حال، تأثیرپذیری شدیدی از جامعه دارد و می‌توان گفت: جامعه سالم فقط در پرتو خانواده سالم ممکن است^۱. تعالیم اسلام نیز بر ویژگی‌های یاد شده در خانواده، تأکید می‌کند. بر اساس تعالیم اسلامی، خانواده مجموعه‌ای است از افراد با رابطه‌های سببی (عقد ازدواج) و نسبی (والدینی - فرزندی و خواهر و برادری). این افراد نسبت به هم متناسب با نوع نسبت و ارتباط، مسئولیتهای اجتماعی، حقوقی، تربیتی، رفتاری، اقتصادی و دینی دارند. بر اساس این تعریف، از نظر تعالیم اسلام خانواده شامل خانواده‌های هسته‌ای و گسترده می‌شود. با وجود این، با توجه به میزان مسئولیتهای و حقوق اقتصادی، اجتماعی و رفتاری اعضای خانواده نسبت به هم، سه مرتبه خانواده در اسلام دیده می‌شود:

- خانواده مرتبه اول: زن و شوهر و فرزندان بدون واسطه؛

- خانواده مرتبه دوم: زن و شوهر، فرزندان، والدین زن یا شوهر (اجداد فرزندان)؛

- خانواده مرتبه سوم: زن و شوهر، فرزندان به علاوه والدین زن یا شوهر و دایی، خاله،

عمو و عمه فرزندان.

این اولویت‌بندی بر اساس مسئولیتهای زن و شوهر نسبت به هم، والدین نسبت به فرزندان بدون واسطه و باواسطه، فرزندان نسبت به اجداد، عمه، عمو، خاله و دایی، و قوانین اقتصادی اسلام مانند نفقه، ارث و زکات واجب، و قوانین حقوقی مانند ولایت جد پدری و دیه عاقله در نظر گرفته شده است. بیشتر آیات قرآن که به روابط اعضای خانواده مربوط می‌شود، به مسائل خانواده مرتبه اول پرداخته^۲ و آیات کم‌تری به

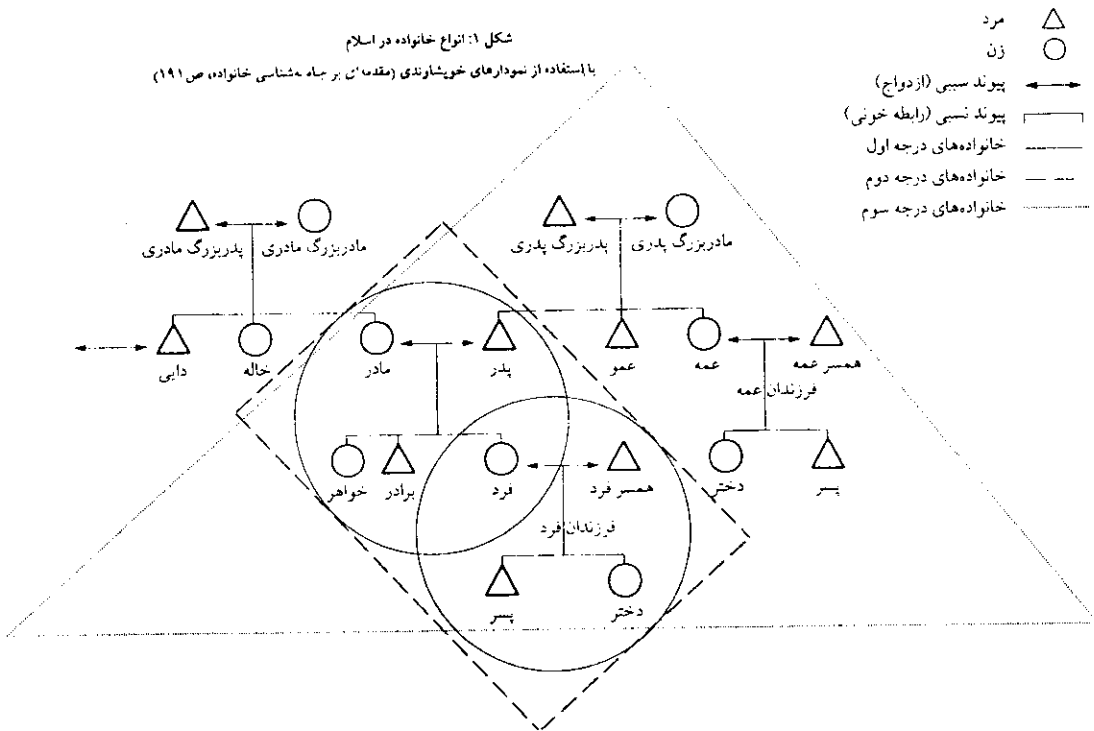
۱. ساروخانی، باقر، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، ص ۱۳۶.

۲. مانند: بقره، ۱۰۲، ۱۸۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۱، ۲۳۲ و ۲۲۳؛ آل عمران، ۱۴؛ نساء، ۳، ۳۴، ۳۵، ۱۲۸، ۱۲۹ و ۲۱؛

نور، ۳۳؛ روم، ۲۱؛ مجادله، ۱-۴؛ تحریم، ۱، ۵ و ۱۱؛ تغابن، ۱۴؛ فرقان، ۷۴.

خانواده مرتبه دوم^۱ و آیات محدودی، مانند آیات ارث، به مسائل خانواده مرتبه سوم پرداخته است.^۲ شکل ۱ این سه مرتبه خانواده را نشان می‌دهد. بر اساس این طرح ممکن است فردی مانند الف متعلق به ۶ خانواده باشد: دو خانواده مرتبه ۱، دو خانواده مرتبه ۲ و دو خانواده مرتبه ۳:

- خانواده مرتبه ۱: فرد، همسر و فرزندانش؛ او، خواهر، برادر و پدر و مادرش؛
- خانواده مرتبه ۲: فرد، همسر، فرزندان و پدر و مادرش؛ او، همسر، فرزندان و پدر و مادر همسرش؛
- خانواده مرتبه ۳: فرد، همسر، فرزندان، اجداد پدری فرزندان، عمو و عمه و فرزندان آنها؛ او، همسر، فرزندان، اجداد مادری فرزندان، خاله، دایی و فرزندان آنها.



۱. اسراء، ۲۳ و ۲۴؛ یوسف، ۸، ۱۲، ۸، ۹۲ و ۱۰۰؛ بقره، ۱۳۲.

۲. مانند: نساء، ۱؛ انفال، ۷۵؛ احزاب، ۵۰؛ نور، ۲۴.

این تعریف از خانواده مبتنی بر مسئولیتهای افراد نسبت به اعضای خانواده و خویشان و نیز اهدافی است که تعالیم اسلام برای ازدواج و تشکیل خانواده در نظر دارد. تعالیم اسلام برای سعادت و سلامت دنیوی و اخروی انسانها، برنامه‌هایی را قرار داده که از جمله آنها تشکیل خانواده است. در این برنامه‌ها نیازهای طبیعی انسان و شرایط اجتماعی او در همه عصرهای تاریخ در نظر گرفته شده است؛ از این رو، تحولات اجتماعی بشر، به ویژه تحولات عصر حاضر که خانواده را دچار دگرگونی‌های اساسی کرده و گاه موجبات دوری از اهداف تشکیل خانواده را فراهم آورده است، نباید ما را از تعریف مناسب خانواده دور کرده و به جهتی سوق دهد که نتوانیم اهداف تشکیل خانواده را تحقق بخشیم؛ به همین جهت باید تلاش کرد، تحولات اجتماعی در جهت تشکیل و استمرار خانواده‌هایی که سعادت و سلامت بشر را تضمین می‌کنند، سوق داده شود. البته تحقق این امر در بیشتر جوامع دشوار است. با وجود این، می‌توان در جوامعی که زمینه فرهنگ اسلامی در آنها وجود دارد، در این راستا گامهایی برداشت. تقویت روابط خویشاوندی یکی از راهکارهایی است که خانواده‌ها را در جهت تحقق بخشیدن به اهداف مورد نظر، یاری می‌کند. چگونگی روابط خانواده‌های مرتبه دوم و سوم، بیشتر در ضمن موضوع خویشاوندان در فصل دوم بررسی می‌شود، و در فصلهای دیگر بیشتر، مباحث مربوط به خانواده مرتبه اول مورد توجه قرار می‌گیرد، هر چند در مواردی به مسائل خانواده‌های مرتبه دوم و سوم نیز پرداخته می‌شود.

افزون بر این، مانند نظریه سیستمی، خانواده در اسلام به عنوان یک واحد اجتماعی در نظر گرفته شده و چیزی بیش از مجموعه افرادی است که آن را تشکیل می‌دهند. یکی از شواهد این امر، مسئولیت افراد در قبال خانواده در جنبه‌های اقتصادی و تربیتی است. در قرآن به سعادت اخروی فرد در کنار خانواده او توجه شده و خداوند از انسانها می‌خواهد نه تنها خویش، بلکه خانواده خود را از گرفتاری و عذاب اخروی محافظت کنند.^۱ همچنین خداوند به پیامبر(ص) خطاب می‌کند که خانواده خود را به نماز دعوت کن.^۲ آیاتی که به تأثیر رفتار فرزندان در تعالی معنوی والدین اشاره کرده^۳، نیز دلیلی بر شدت وابستگی اعضای خانواده در امور دنیوی و اخروی به یکدیگر است. حساسیت

۱. «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا...» تحریم، ۶. «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا» طها، ۱۳۲.

۳. «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أُمَّلًا» کهف، ۴۶.

پیامبران نسبت به خانواده خود و هدایت آنها^۱، نیز از جمله دلایلی است که ارتباط و تأثیر متقابل اعضای خانواده را نشان می‌دهد. شدت این ارتباط به حدی بوده است که گاه پیامبران برای اعضای خانواده خود طلب آموزش و نجات می‌کردند و چون این اعضا بر گمراهی خود اصرار می‌نمودند، خداوند این پیامبران را به خاطر طلب آموزش برای اعضای خانواده خود، ملامت کرده است.^۲

۳. مراحل تحوّل خانواده

روان‌شناسان برای گروه‌های اجتماعی، مراحل تحوّل را در نظر می‌گیرند که از شکل‌گیری تا انقضای گروه را در بر می‌گیرد.^۳ خانواده نیز مراحل متعددی را در گذر زمان تجربه می‌کند و می‌توان هر خانواده مفروض را در یکی از این مراحل در نظر گرفت. خانواده یک واحد اجتماعی ایستا نیست، بلکه فرآیندی از تغییر مداوم است. ورود افراد به مجموعه خانواده یا خروج از آن، از موجب تغییر و تحول در خانواده است. اگر تغییر را مطابق زندگی بشری بهنجار بدانیم، خانواده را نیز باید بسیار انعطاف‌پذیر با نوسان دائمی و بیشتر در حالت عدم تعادل ببینیم. خانواده مانند همه ارگانیزم‌های زنده مایل به بقا و استمرار است و تغییر آن نیز گاه به منظور حفظ بقا و تعادل می‌باشد. برای تحوّل خانواده چهار مرحله [واحد دو نفره زن و شوهر (مرحله زوجیت)، خانواده دارای فرزندان خردسال، خانواده دارای فرزندان مدرسه‌ای یا نوجوان و خانواده دارای فرزندان رشد یافته]^۴ و گاه تا نه مرحله در نظر گرفته شده که به شرح ذیل است: ۱. مرحله گزینش همسر و نامزدی؛ ۲. زوجهای بدون فرزند؛ ۳. خانواده‌های دارای کودکان کم‌تر از سی ماه؛ ۴. خانواده‌های دارای کودکان پیش‌دستانی (۲/۵ - ۶ ساله)؛ ۵. خانواده‌های دارای کودکان مدرسه‌ای (۶ - ۱۳ ساله)؛ ۶. خانواده‌های دارای نوجوان (۱۳ - ۲۰ ساله)؛ ۷. خانواده‌هایی که جوانان از آنها جدا می‌شوند؛ ۸. والدین میان‌سال؛ ۹.

۱. از جمله این موارد، توصیه پیامبران به فرزندان خود و دعا برای هدایت آنهاست؛ برای نمونه رک: بقره، ۱۳۲ و ابراهیم، ۴۰.

۲. از جمله این موارد، طلب نجات فرزند نوح(ع) توسط وی (هود، ۴۶) و طلب آموزش ابراهیم(ع) برای پدر خود (توبه، ۱۱۴) است.

3. Forsyth, D.R., Our Social World. P. 362.

4. Minuchin, S, Family Therapy Techniques P. 20-26.

مرحله کهولت اعضای خانواده^۱. دووال، به هشت مرحله تحول در خانواده معتقد است، ولی مرحله گزینش همسر را نیز گرچه پیش از ازدواج است، باید از مراحل مهم زندگی خانوادگی دانست^۲. هرچند برای تحول خانواده الگوی کلی - مانند آنچه گفته شد - ارائه شده است، باید توجه داشت هر خانواده ضرب آهنگ، سرعت، پاداشها، رویدادها، هماهنگی ها و ناسازگاری های ویژه خود را دارد که در پذیرش یک مرجع و قالب کلی برای تحول خانواده ها، باید در نظر گرفته شود.

خانواده ها در هر مرحله تحول، وظایف و مسئولیتهایی متناسب با آن مرحله دارند؛ همچنین ویژگی های روانی افراد و مشکلات هر مرحله، با مراحل دیگر متفاوت است؛ از این رو باید متناسب با مرحله تحولی خانواده، به راهنمایی و حل مشکلات و سعی در رشد آن پرداخت. به جهت های یاد شده، شناخت مراحل تحول خانواده در هر فرهنگ اهمیت ویژه دارد.

۴. تعریف ازدواج از دیدگاه اسلام

ازدواج مرحله مهمی از تشکیل خانواده است که بیش از همه مراسم و رویدادهای زندگی انسان در جنبه های متعدد فردی و زیستی و اجتماعی، امری جهانی و از نظر هدف ثابت و پایدار است. این فرآیند عبارت است از کنش متقابل مرد و زنی که برخی شرایط قانونی را تحقق بخشیده اند. ازدواج، بین فرهنگ و طبیعت تعادل برقرار می کند و از نوعی تقدس برخوردار است و در مقایسه با سایر روابط انسانی، تمامیتی بی نظیر دارد؛ بدین معنا که ابعاد زیستی، اقتصادی، عاطفی، روانی و اجتماعی زندگی را پوشش می دهد^۳.

تعالیم اسلام نیز بر نکات فوق در ازدواج تأکید دارد، هرچند برخی را بیشتر مورد توجه قرار می دهد. اسلام ازدواج را قراردادی با شرایط ویژه می داند^۴ و نسبت به ملل و ادیان دیگر، برای مسلمانان در ازدواج شرایط بیشتری مقرر کرده است، هر چند ازدواج سایر فرهنگها را در ظرف و قالب خود به رسمیت می شناسد^۵. نکته دوم، استحکام این

1. Goldenberg, I, ..., Family Therapy, P. 13-16.

2. Ibid.

۳. مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده، ص ۲۳-۲۴. ۴. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، ج ۲۹، ص ۵-۸. ۵. در این رابطه می توان به مواردی اشاره کرد که اولیای دین (ع) به شدت با کسانی که به افرادی از فرهنگهای دیگر نسبت زنا می دانند، برخورد کرده و ازدواج آنها را به رسمیت می شناختند، هرچند بر خلاف شرایط ازدواج در اسلام صورت گرفته باشد. (لکل قوم نکاحاً) کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۱، ص ۳۵۳.

قرارداد است. در قرآن از ازدواج به عنوان «پیمانی محکم» یاد شده است^۱، و جملاتی که در عقد ازدواج و هم‌زمان با آن از سوی یک طرف گفته می‌شود و طرف مقابل نیز آن را می‌پذیرد، نشان از استواری این پیوند دارد^۲. برخی از این جملات از متن قرآن گرفته شده و بر این استوار است که زن و مرد باید به صورت مناسب و مطلوب به زندگی مشترک خویش ادامه دهند، و در صورتی که بخواهند از هم جدا شوند باید با احسان و نیکی به یکدیگر همراه باشد^۳. در عین حال، پیمان زناشویی محکم‌ترین قرارداد اجتماعی است که می‌توان آن را ناشی از دوستی شدید و رحمت متقابل بین زن و شوهر دانست که قرآن به آن اشاره کرده است^۴. این دوستی، قوی‌ترین امری است که فرد بر آن اعتماد کرده، والدین، خواهر و برادر و همه خانواده را رها می‌نماید و راضی می‌شود با فردی که نسبت خونی با او ندارد، زندگی کند و در سختی و آسایش با او شریک باشد. از نشانه‌های مهم خداوند در خلقت انسان، جذب روان‌شناختی در وجود مرد و زن است که می‌پذیرند از نزدیکان جدا شوند و فرد ناآشنایی را به همسری برگزینند تا مایه آرامش یکدیگر شوند و رابطه دوستانه آنها از هر رابطه دیگر عمیق‌تر گردد. به نظر می‌رسد، زن و مرد تنها در صورت اطمینان به عمق این رابطه و گوارا بودن زندگی مشترک، به ازدواج رضایت می‌دهند. این پیمان فطری، بسیار محکم و امری ورای ارضای جنسی است و اطمینان زن و مرد به یکدیگر بیش از اطمینان افراد به هم در هر رابطه دیگر انسانی است. این امور باعث می‌شود ازدواج به پیمان محکمی تبدیل شود^۵.

از آثار روان‌شناختی ازدواج که تا حدی به نوع این پیمان مربوط می‌شود، تأثیر و تأثر شدید زن و شوهر از یکدیگر است که شاید بتوان آن را عمیق‌ترین و قوی‌ترین تأثیر و تأثر متقابل در روابط اجتماعی دانست. عبارتهایی در متون اسلامی، به این واقعیت روان‌شناختی اشاره دارد. در مورد مردان گفته شده است که با ازدواج، اختیار خود را به دست زن می‌دهند، پس متوجه باشند عنان اختیار خود را به دست چه کسی می‌دهند^۶. همچنین هنگام ازدواج گفته شده است که ببین چه کسی را کنار خود قرار می‌دهی، در مالت شریک می‌کنی و بر دین و اسرار ت آگاه می‌سازی^۷. در مورد زنان نیز گفته شده

۱. «وَ أَخَذْنَ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا» نساء، ۲۱. ۲. مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۶۷-۲۶۹.

۳. «الطَّلَاقُ مَرَّتَانٍ فَإِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِخْسَانٍ» بقره، ۲۲۹ و «أَوْ سَرَحوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ» بقره، ۲۳۱. ۴. روم، ۲۱.

۵. رشیدرضا، محمد، تفسیر المنار، ج ۴، ص ۴۶۰.

۶. «انما المرأة قلاة فانظر ماتتقلد»، حرز عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۷.

۷. «انظر این تضع نفسک و من تشکره فی مالک و تطلعه علی دینک و سؤک»، همان، ص ۱۴.

است که با ازدواج به تبعیت کامل شوهر در می آیند^۱. هر دو تعبیر، نشان از وابستگی عمیق و متقابل بین زن و مرد دارد. بر این اساس، هر یک از زن و مرد، در رفتار و افکار و نگرشها به شدت تحت تأثیر طرف مقابل قرار می گیرند. از آنجا که این امر لازمه ازدواج است، در تعالیم اسلام توصیه های اکیدی در باره گزینش همسر به ویژه شوهر وجود دارد؛ از جمله این که اعتقادات و رفتار فرد مورد گزینش در مسیر صحیح باشد.

از نکات دیگر، نگاه معنوی به ازدواج و جنبه تقدّس آن در اسلام است. به طور کلی می توان گفت: هرگونه تقدّس در ازدواج ریشه در ادیان الهی دارد^۲. بسیاری از جوامع بشری مراسم ازدواج را در عبادتگاهها برگزار می کنند؛ برای مثال، مسیحیان ازدواج را یک امر دنیوی نمی دانند؛ زیرا ازدواج نشانه محبت خدا، به بشریت است. آنان این مراسم را در کلیسا، و ادیان دیگر در عبادتگاه های خود برگزار می کنند^۳. تعبیرهای متون اسلامی، چه قرآن و چه کلمات اولیای دین (ع)، به گونه های مختلف بر تقدّس ازدواج تأکید می کنند. برخی از این جملات عبارت اند از: بیشتر اهل جهنم کسانی هستند که ازدواج نکرده اند^۴؛ کسی که ازدواج کند، نیمی از دین خود را کامل کرده است^۵؛ یکی از زمانهای نزول رحمت خدا هنگام برگزاری عقد ازدواج است^۶. همچنین بسیاری از رفتارهای خانوادگی، در اسلام به منزله عبادت محسوب می شوند و حتی بعضی از آنها در شرایط خاص محبوب تر از برخی عبادتها اعلام شده است^۷. همه این امور که به تقدّس و معنویت ازدواج اشاره دارد، فرد را تشویق می کند تا مسئولیتها و رفتارهای خانوادگی را جزو وظایف دینی خویش قرار دهد و بدین ترتیب، امور زندگی دنیوی در مسیر تکامل معنوی و اخروی قرار گیرد. این در مقابل نگرشی است که راه رشد معنوی را در دوری از ازدواج جستجو می کند. اگر می بینیم در تعالیم اسلام به افراد توصیه می شود پیش از اقدام به ازدواج، در گزینش همسر و انجام مراسم در مراحل بعدی، با نماز و دعا و توکل بر خدا رفتارهای خود را همراه کنند^۸، به این جهت است که ازدواج را با معنویت همراه کنند و به آن تقدّس بخشند تا بتوانند زمینه تکامل و رشد انسانی را فراهم آورند.

۱. «النکاح رِقٌّ فاذا انکح احدکم ولیده فقد ارقّها فليظنر احدکم لمن یرق کریمته» همان، ص ۵۲.

۲. میشل، توماس، کلام مسیحی، ص ۹۴. ۳. سیف، سوسن، تئوری رشد خانواده، ص ۸۶.

۴. «اکثر اهل النار العزّاب»، حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۸.

۵. «من تزوّج احرز نصف دینه» همان، ص ۵. ۶. مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۲۱.

۷. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۷۹. ۸. همان، ص ۲۸۵ و ۲۸۹.

از نکات دیگری که دین اسلام در ازدواج مورد توجه قرار داده، مراسم و تشریفات آن است. اهمیت این مراسم به حدی است که اولیای دین (ع) تفاوت ازدواج و روابط جنسی نامشروع را در برگزاری مراسم ویژه که معمولاً همراه با جشن و شادمانی است، اعلام کرده‌اند.^۱ جالب توجه آن است که تعالیم اسلام برای مراسم ازدواج، استثناهایی در نظر گرفته^۲ که در واقع به بعد لزوم جشن و شادمانی در ازدواج باز می‌گردد. غنا که آوازخوانی طرب‌انگیز است، در برخی مراسم ازدواج با رعایت حدود خاص، جایز شمرده شده است.^۳ برگزاری مراسم ازدواج باعث می‌شود زن و شوهر، خود را از نظر روانی برای شروع یک زندگی مشترک آماده کنند و ازدواج را امر مهمی تلقی نمایند که افرادی زیادی در فراهم آوردن شرایط آن یاری کرده‌اند، نه یک مسئله ساده در زندگی که بتوان به آسانی آن را به هم زد، یا به وظایف مترتب بر آن بی‌اعتنا بود. حضور و شادی دیگران در این مراسم به رضایت زوجین و افزایش ارزش مثبت خود آنها کمک می‌کند. شروع زندگی جدید با برگزاری مراسم، تشویق دیگران را به نوعی همراه دارد و زمینه ازدواج افراد دیگر را نیز فراهم می‌کند.

۵. زمان مناسب ازدواج از دیدگاه اسلام

برای انجام ازدواج در فرهنگهای مختلف، محدودیت زمانی وجود ندارد، ولی بیشتر مردم در دوران جوانی ازدواج می‌کنند. امروز به علت تقویت خانواده هسته‌ای و دشواری‌های اقتصادی در جوامع صنعتی، متوسط سن ازدواج افزایش یافته است. بررسی‌های آماری نشان می‌دهد در ایران نیز میانگین سن در اولین ازدواج همین روند را دارد، با این تفاوت که این افزایش در مورد زنان بیشتر است. بر اساس سرشماری سال ۱۳۷۵، میانگین سن ازدواج در مردان ۲۵/۶ سال است که نسبت به سال ۱۳۶۵، ۲ سال افزایش داشته و در زنان ۲۲/۴ سال بوده که افزایش ۲/۶ سال را نشان می‌دهد.^۴ افزایش میانگین سن ازدواج در ایران پیامدهای ویژه‌ای را به دنبال خواهد داشت. در ایران، هرگونه روابط بین زن و مرد و از جمله روابط جنسی، ضوابط ویژه‌ای دارد که فرهنگ و

۱. فسمع صوت دفّ فقال (ص): «... حسن هذا النکاح لا السفاح... اسندوا النکاح و اعلنوا بینکم و اضربوا علیه بالدفّ...» مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۷۵ و «فرق بین النکاح و السفاح ضرب الدّف»، همان، ص ۲۶۷.
 ۲. «اجر المغنیه التي ترف العرائس لیس به بأس...» حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۱۲۱.
 ۳. از جمله: خمینی، سید روح‌الله، تحویر الوسیله، ص ۳۸۸، مسئله ۱۳ از مسائل مکاسب، و انصاری، شیخ مرتضی، مکاسب محرّمه، بحث غنا.
 ۴. امانی، مهدی، جمعیت‌شناسی عمومی، ص ۶۲.

ارزشهای اسلامی آن را اقتضا می‌کند. این در حالی است که در فرهنگهای دیگر، آزادی بیشتر روابط جنسی به خودی خود برخی پیامدهای تأخیر ازدواج را برطرف می‌سازد. جوانان نیازمند به ازدواج در صورت نبود امکانات مناسب، باید تا زمان نسبتاً طولانی، مهار رفتاری و انگیزشی قوی داشته باشند یا به روابط جنسی نامشروع روی آورند، البته بین این دو حد، مراتب متعددی قرار می‌گیرد. کنترل شدید نیازهای جنسی، مشکلات روانی از جمله بازداري فرد و گاه تا حد افسردگی را به دنبال خواهد داشت. از سوی دیگر، تخلف از محدوده شرعی در روابط جنسی گاه به احساس گناه در فرد می‌انجامد. احساس گناه نیز خود پیامدهایی روان‌شناختی مانند خود را سرزنش کردن، احساس حقارت در برابر دیگران و در پیش گرفتن نوعی انزوا و دوری از روابط اجتماعی، به دنبال خواهد داشت.^۱ از آن‌جا که این دو شیوه به سلامت روانی افراد و جامعه آسیب می‌رساند، و به علاوه پایبندی به ارزشهای اسلامی در ایران، جزء جدایی‌ناپذیر فرهنگ ما به شمار می‌رود، شایسته است نخست: به زمان مناسب ازدواج که سلامت روانی فرد را تا حدی تضمین می‌کند، اشاره کنیم و سپس به موانع موجود بپردازیم، به این امید که زمینه تأمین بهداشت روانی فردی و اجتماعی، و تحقق و شکوفایی ارزشهای اسلامی هرچه بیشتر فراهم شود. بدیهی است اگر پذیرفته شود که سن معینی برای ازدواج مناسب‌تر است، همه نهادهای اجتماعی، از خانواده تا نهاد آموزش و پرورش و دولت و سازمانهای مختلف، وظیفه خواهند داشت زمینه ازدواج آحاد جامعه را در این مرحله سنی حتی الامکان فراهم و در جهت کاهش موانع و محدودیتهای آن تلاش کنند.

در اسلام، ازدواج در هر مرحله از زندگی امری مجاز است^۲، به طوری که حتی ازدواج در کودکی با شرایط خاص و رعایت مصالح فرد بر اساس قوانین اسلام، می‌تواند صحیح باشد. البته بدیهی است که رعایت مسئولیتها و وظایف خانوادگی در این گونه ازدواج‌ها منوط به بلوغ جنسی و رشد اجتماعی کافی است^۳؛ از این رو، ازدواج در کودکی مشکلات متعددی دارد که اغلب ناشی از رشد نایافتگی شناختی، عاطفی و جسمانی فرد است. در سخنان اولیای دین(ع) نیز دشواری در انس گرفتن با یکدیگر از مشکلات ازدواج در کودکی شمرده شده است.^۴ با بررسی اهداف و کارکردهای ازدواج

۱. آزاد، پیمان. زندگی بدون احساس گناه، ص ۱۷۰-۱۷۳.

۲. نجفی، جواهر الکلام، ج ۲۹، ص ۱۴۶.

۳. همان، ص ۲۰۰؛ بنی هاشمی، سید محمد حسن، توضیح المسائل مراجع، ج ۲، ص ۳۸۶.

۴. کلینی، کافی، ج ۵، ص ۳۹۸.

از دیدگاه اسلام، می‌توان زمان مناسب برای ازدواج را سالهای آغاز جوانی دانست؛ چنان‌که ائمه اطهار(ع) به صراحت توصیه می‌کردند که جوانان در صورت توان ازدواج کنند.^۱ از اهداف اساسی ازدواج در اسلام ارضای نیازهای جنسی است، به طوری که بروز این نیازها و تشدید آنها فرد را هرچه سریع‌تر به ازدواج کردن سوق می‌دهد. از دوران نوجوانی نیازهای جنسی در فرد پدیدار شده و به تدریج شدت می‌یابد و ازدواج راهی شروع برای ارضای این نیازهاست. در مقابل، مهار و سرکوب کردن این نیازها و در پیش گرفتن رهبانیت، در اسلام پذیرفته نشده^۲ و در کلمات ائمه اطهار(ع) افرادی که از ازدواج خودداری می‌کنند، مورد خطابه‌های ملامت‌آمیز شدیدی قرار گرفته‌اند.^۳ افزون بر این، روابط عاطفی زن و شوهر در دوران جوانی با تفریحات و سرگرمی‌هایی در بیرون محیط خانه و در درون آن همراه است. در متون دینی با کلمه «ملاعبه» از این امر تعبیر می‌شود و در مواردی به افراد توصیه می‌گردد تا همسری جوان اختیار کنند تا روابط آنها به مقتضای سنی هر دو با روابط کلامی و غیرکلامی محبت‌انگیز و خوشایند نیز همراه باشد.^۴ روشن است که برقراری این گونه روابط امری متقابل است و تنها در صورت آمادگی روانی زن و مرد تحقق می‌یابد؛ به علاوه، ملاعبه با شور و نشاط جوانی متناسب است و اگر فرد وارد میان‌سالی شود یا به انتهای دوره جوانی برسد، آمادگی روانی برای تعامل نشاط بخش با همسر نخواهد داشت. نکته دیگر، تأثیرهای روانی و جسمانی روابط جنسی است که نوعی تعادل روانی را به دنبال دارد^۵ و حصول آن در جوانی اهمیت بیشتری دارد؛ بنابراین، با توجه به اهتمام دین اسلام به همه نیازهای طبیعی از جمله نیازهای جنسی، شایسته نیست ازدواج از سال‌های آغازین دوره جوانی که اوج نیازهای جنسی است، به تأخیر انداخته شود.

از اهداف دیگر ازدواج، سکون و آرامش و دوستی متقابلی است که فقط در پرتو آن برای زن و مرد حاصل می‌شود.^۶ از سوی دیگر، در دوره جوانی فرد بیش از هر دوره

۱. «یامعشر الشباب علیکم بالباه» حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۲۵.

۲. «لم یرسلنی الله بالرهبانیه و لکن بعننی بالحنیفیه السمحه اصوم واصلی و المس اهلی فمن احب فطرتی فلیستنّ بسنتی و من سنتی النکاح» همان، ص ۷۴.

۳. «ردّآل مورتاکم العزّاب» همان، ص ۷ و نیز تعبیرهای «اخوان الشیاطین» و «شرار امتی عزّابها» و مشمول لعنت

الهی شدن، نوری طبرسی، حسین، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۵۵ - ۱۵۶.

۴. «فهلّا فتاة تلاعبها و تلاعبک» همان، ص ۱۷۹.

۵. «المرأة الجمیلة تقطع البلغم» حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، باب ۲۱، ص ۳۷.

۶. روم، ۲۱.

دیگر نیازمند این امور است؛ زیرا دوره جوانی، اوج دوستی‌ها و روابط عاطفی شدید است؛ افزون بر این، این دوره دوره پدیدایی بحرانها و مشکلات روانی و اجتماعی متعددی است^۱ و بدون ازدواج، فرد از روابط عاطفی مطلوب در جوانی محروم خواهد شد و در مشکلات جوانی، از حمایت فردی مناسب و نزدیک مانند همسر بی بهره خواهد بود. در کلمات اولیای دین (ع) به برخی پیامدهای نامطلوب در تأخیر ازدواج اشاره شده است؛ برای نمونه، تأخیر ازدواج به‌ویژه در دختران به نچیدن میوه رسیده از درخت تشبیه شده که آفتاب و وزش باد آن را فاسد می‌کند^۲ و به سخن دیگر، تأخیر ازدواج از دوره جوانی که نیازهای عاطفی - جنسی در فرد فعال است و روحیه و انرژی کافی در او وجود دارد، موجب می‌شود که گذشت زمان و شرایط محیطی نامساعد، آسیبهای جدی به شخصیت فرد وارد کند؛ برای نمونه، اگر کششهای جنسی فرد بسیار شدید باشد و نتواند آنها را به گونه‌ای تعدیل نماید، باید این نیازها را سرکوب کند یا با رفتارهای خلاف هنجارهای جامعه نیازهای خود را برآورده سازد. در صورت دوم ممکن است فرد دچار احساس گناه شده و حرمت خود (عزت نفس) او آسیب ببیند.

از اهداف دیگر ازدواج که در اسلام مورد تأکید قرار گرفته، حفظ عفت و اخلاق فردی و اجتماعی است^۳. از آن‌جا که جوانان معمولاً در مهارت‌های جنسی با مشکلات جدی روبه‌رو و معمولاً در این جهت کم‌تر موفق‌اند، زمینه بروز رفتارهای ضد اخلاقی و خارج از محدوده شرع در آنها بیشتر است و ازدواج در این مقطع مناسب‌ترین راه برای جلوگیری از این رفتارها و حفظ عفت و اخلاق فردی و اجتماعی است^۴. تعالیم اسلام، ازدواج را برای افراد دارای نیاز شدید جنسی، لازم شمرده^۵ و پیامدهای نامطلوب ترک ازدواج را متوجه خود فرد و همه کسانی می‌داند که در فراهم کردن زمینه ازدواج او کوتاهی کرده‌اند^۶. در این باره، در کلمات ائمه اطهار (ع) آمده است که ترک ازدواج با وجود تأمین شرایط در زن و مرد، از قبیل دین‌داری، اخلاق مناسب و همسانی، موجب

۱. احمدی، سید احمد، روان‌شناسی نوجوانان و جوانان، ص ۴۴-۴۸ و ص ۱.

۲. «ان الابکار بمنزلة اللمر على الشجر اذا ادرك ثمارها فلم تجتن افسدته الشمس و نثرته الرياح و كذلك الابكار اذا ادركن ما يدرك النساء فليس لهن دواء الا البعولة و الا لم يؤمن عليهن الفساد لانهن بشر» حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۹.

۳. «افضل العبادة عفة البطن و الفرج» کلینی، کافی، ج ۲، ص ۷۹-۸۰.

۴. «من احب ان یلقى الله... طاهراً مطهراً فلیلقه بزوجة» نوری، مستدرک الوسائل، باب ۱.

۵. «تزوج و الا فانك من المذنبین» همان، باب ۲. ۶. کلینی، کافی، ج ۵، ص ۳۴۷.

بروز گناه و فساد در زمین خواهد شد.^۱ تولید مثل و پرورش نسل نیز که از اهداف مهم ازدواج در اسلام است، در سنین معینی به ویژه برای زنان مناسب و بهداشتی است و پس از آن، سلامت مادر و فرزند در معرض خطر قرار می‌گیرد. اگر هرم سنی جامعه^۲ رو به پیری رود، ساخت سنی زنان بارور نیز در شرف پیری قرار خواهد گرفت، اوج باروری در ایران ۲، در سالهای ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۵ در گروه سنی زنان ۲۰ تا ۲۲ ساله بوده است، در حالی که در سال ۶۵ به گروه سنی ۲۵ - ۲۹ ساله کشیده شده است. این امر نشان دهنده تغییراتی در الگوی باروری در ایران است. احتمال بروز مشکلات که مربوط به باروری در سنین بالاتری را تشدید می‌کند^۳ و در نتیجه، در دو بعد طول باروری و معلولیت فرزندان، دشواریهایی را پدید خواهد آورد^۴؛ بنابراین، از جنبه تولید مثل نیز افزایش سن متوسط ازدواج مناسب به نظر نمی‌رسد.

با توجه به آنچه گذشت، ازدواج در اوان جوانی، از جنبه سلامت روانی و تکامل معنوی و دینی برای افراد مناسب‌تر است البته نمی‌توان سن معینی را به عنوان زمان مناسب ازدواج اعلام نمود؛ هر چند نظر سنجی در ایران نشان می‌دهد که بیش از ۹۰ درصد افراد ۲۰ تا ۲۵ سالگی را سن مناسب ازدواج برای دختران می‌دانند و کم‌تر از ۵ درصد ۲۶ سالگی و بالاتر را مناسب و مطلوب برای ازدواج دانسته‌اند. درصد کمی از افراد نیز بالاتر از ۳۰ سال را مناسب می‌دانند. برای ازدواج پسران نیز ۲۱ تا ۲۵ سالگی بیشتر مورد اتفاق افراد و سن ایده آل است؛ البته جوانان سنین بالای ۲۵ سال را مناسب می‌دانند که این امر مربوط به بالا رفتن سطح درآمد می‌شود.^۵ در نتیجه لازم است جوانان و همه نهادهای اجتماعی برای فراهم آوردن زمینه ازدواج و رفع موانع موجود تلاش کنند. بدیهی است شروع زندگی مشترک در دوران جوانی با مشکلات متعددی همراه است که ازدواج در سنین بالاتر و میان‌سالی برخی از این مشکلات را ندارد، لیکن جوانان باید مزایای روانی و اجتماعی ازدواج در جوانی را به برخی مزایای دیگر ترجیح دهند و انتظار فراهم بودن همه شرایط زندگی مطلوب را نداشته باشند؛ برای مثال،

۱. «إذا جائكم من ترضون خلقه و دینه فزوجه و آلا تفلوه تكن فتنة في الارض و فساد كبير» حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۲.

۲. هرم سنی. نموداری است که توزیع جمعیت بر حسب سن را نشان می‌دهد. اگر عده زیادی از افراد یک جامعه، مانند انگلستان، در سنین بالا قرار گیرند، جمعیت آن کشور پیر یا سالخورده محسوب می‌شوند (امانی، مبانی جمعیت‌شناسی، ص ۲۴، ۱۳۷۷).

۳. جوان، جعفر، جغرافیای جمعیت ایران، ص ۲۸۵.

۴. کاظمی پور، شهلا، بررسی دموگرافیک تغییر سن ازدواج، ص ۷۱.

۵. محسنی، منوچهر و...، ازدواج و خانواده در ایران، ص ۱۴۶ - ۱۷۵.

ازدواج در دوره دانشجویی به مقتضای این دوره، باید ساده‌تر و با امکانات و انتظارات مادی کم‌تری همراه شود تا افراد بتوانند از مزایای ازدواج در این دوره که با نشاط و شادابی بیشتری همراه است، برخوردار گردند.

یکی از موانع مهم ازدواج جوانان مشکلات اقتصادی و از جمله شغل و مسکن است. در این مورد هرچند نباید از مسئولیتهای همه مردم و نهادها چشم پوشید، لیکن خود افراد نباید در صورت نیاز شدید به ازدواج و وجود مشکلات اقتصادی، ازدواج را به تأخیر اندازند؛^۱ زیرا مطابق آیه صریح قرآن و وعده خداوند، در صورت فقر، خداوند زن و شوهر را از فضل خود بی‌نیاز خواهد کرد؛^۲ در کلمات اولیای دین (ع) نیز آمده است که ازدواج موجب گسترش روزی می‌شود.^۳ بدیهی است با ازدواج، روابط اجتماعی فرد گسترده‌تر می‌شود و تشویقها و کمکهای والدین زوجین نیز زمینه‌ای برای بهبود وضعیت معیشتی خانواده نوپا فراهم می‌آورد.

۶. شرایط‌گزینش همسر از دیدگاه اسلام

از مراحل مهم زندگی هر فرد، مرحله مهم‌گزینش همسر است که فرد باید تقریباً تا پایان عمر، پیامدهای انتخاب خود را بپذیرد. برخی مسائلی که در این مرحله برای فرد مطرح است، از این قرارند: ملاکهای‌گزینش همسر، چگونگی رعایت نظریات والدین در عین حفظ استقلال در تصمیم‌گیری و آمادگی، و رشد و پختگی لازم برای ازدواج. یکی از ویژگی‌های روانی نوجوانان و جوانان، شدت میل جنسی است که آن را نوعی جهش در تحول شمرده‌اند.^۴ از وظایف مهم فرد در این دو مرحله، مهار میل جنسی پیش از فراهم آمدن زمینه ازدواج است. در این رابطه قرآن به افرادی که زمینه ازدواج برایشان مقدور نیست، توصیه می‌کند پاکدامنی در پیشگیرند تا خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز کند؛^۵ از این رو، تعالیم اسلام راههایی برای مهار میل جنسی پیشنهاد می‌کند که از جمله آنها روزه گرفتن و برخی امور دیگر از جمله اشتغال و فعالیت است.^۶ این امور به نوعی

۱. «من ترک التزویج مخافة العیلة فقد اساء بالله الظن» حرّعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۲۴.

۲. «وَأَذِکْهُمُ الْآیْمَنُ مِنْکُمْ وَالصَّنَیْلِجِیْنِ مِنْ عِبَادِکُمْ وَإِمَائِکُمْ إِنْ یَکُونُوا فُقَرَاءَ تُغْنِیْهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ...» نور،

۳۲

۳. «اتخذوا الاهل فأنه لوزق لکم» حرّعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۲۴.

۴. ماسن، پاول، رشد و شخصیت کودک، ص ۵۳۳. ۵. نور، ۳۲.

۶. «ما اکثر شعر رجل قط آلا قل شهوته» مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۸۷.

تمرین و ورزش جسمانی به منظور تقویت اراده باز می‌گردد^۱. یادآوری و مرور عبارات متون دینی در مورد نعمتهای اخروی و فضیلت کسانی که در جوانی امیال خود را مهار می‌کنند، می‌تواند در تقویت اراده فرد مؤثر باشد^۲؛ برای نمونه، گفته شده است فرد عقیف که دامن خود را از آلودگی‌های جنسی حفظ کند، نزدیک است فرشته شده و به مقام روحانی معصومیت دست می‌یابد^۳. در عین حال - چنان‌که گذشت - توصیه‌های اکیدی وجود دارد که افراد دارای نیازهای شدید جنسی هرچه سریع‌تر ازدواج کنند. این عبارتها فرد را به ازدواج مشتاق‌تر می‌کند؛ عبارتهایی مانند: «هرکس ازدواج کند، نیمی از دین خود را حفظ کرده است»^۴ یا «دو رکعت نماز فردی که ازدواج کرده، با ارزش‌تر از هفتاد رکعت نماز ازدواج نکرده است»^۵.

فرد در آستانه ازدواج، دغدغه‌های روانی متعددی دارد. ترس و اضطراب در مورد مسائل اقتصادی، و ویژگی‌های همسر آینده از این موارد است. اعتماد به خداوند و وعده‌های او، و توصیه‌های دیگری مانند برگزاری دو رکعت نماز و دعا برای طلب همسری شایسته و ازدواجی مناسب^۶، می‌تواند تا حدی فرد را در رویارویی با فشارهای روانی این مرحله، یاری رساند. شاید بتوان مسئله‌گزینش همسر را، یکی از فشارزاترین رویداد جوانی دانست که فرد را معمولاً دچار نوعی بحران در تعیین ملاکهای لازم برای همسر مطلوب و تعارضهای اساسی در تطبیق ملاکها بر فرد مورد نظر و تصمیم‌گیری نهایی می‌کند. میل و انگیزه‌های جنسی، جاذبه‌های ظاهری، ملاکهای روانی و اعتقادی و تحمیل نظرهایی از سوی والدین و سایر افراد، نیروهایی است که فرد را دچار تنیدگی شدید می‌نماید. تعالیم اسلام توصیه‌های عملی برای حل این مسئله دارد. اکنون پیش از بررسی دیدگاه اسلام، به ملاکهای عرفی‌گزینش همسر که در بیشتر جوامع کم و بیش مورد تأکید قرار می‌گیرد، می‌پردازیم.

۱. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ذیل آیه ۳۳ سوره نوره، ص ۲۲۰ و نراقی، مهدی، جامع السعادات، ج ۲، ص ۸-۱۷.

۲. «افضل العبادۃ العفاف» کلینی، کافی، ج ۲، ص ۷۹؛ «ما عبد الله بشيء افضل من عمّة بطن و فرج» همان.

۳. «لكاد العقیف ان یكون ملكاً من الملائكة» نهج البلاغه، حکمت، ۴۷۴.

۴. «من تزوج احرز نصف دینه» حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵.

۵. «رکعتان یصلیها المتزوج افضل من سبعین رکعة یصلیها اعزب» همان، ص ۸.

۶. همان، ص ۷۹.

۱- ۶. ملاک‌های عرفی گزینش همسر

فرآیند گزینش همسر، در دوره‌های گذشته کم‌تر در اختیار دختر و پسری بود که با هم ازدواج می‌کردند. معمولاً بزرگ‌ترها، به ویژه والدین، بیشترین نقش را در ازدواج فرزندان داشتند. این امر شاید به دلیل ازدواج در سن کم به ویژه در مورد دختران بود. به علاوه، خانواده‌گسترده و وابستگی دختر و پسر جوان تا سالها به خانواده اصلی موجب می‌شد تصمیم‌گیری اصلی بر عهده خانواده آنها باشد. در عصر کنونی، به ویژه در دهه‌های اخیر در ایران، به تدریج خواست دو زوج در امری که بزرگ‌ترین اقدام در تعیین سرنوشتشان به شمار می‌رود، عامل اساسی گردیده است. آزادی‌های فردی دختر و پسر، در گزینش همسر فزونی یافته است، با وجود این، آنان در انتخاب شریک زندگی باید قواعد پیچیده و دقیقی را رعایت کنند و در این میان نقش والدین هنوز برجسته است. دختر و پسر باید در فرآیندی که عواطف و شناختها در نظر گرفته می‌شود، به انتخاب شریک زندگی بپردازند. اینک با بررسی ملاکهای گزینش همسر، به چالشهای جوانان در این تصمیم‌گیری عقلانی و عاطفی اشاره می‌کنیم.^۱

در بررسی ملاکهای گزینش همسر، با پنج‌گونه ملاک کلی روبه‌رو هستیم: جسمانی، روان‌شناختی، اقتصادی، اجتماعی و خانوادگی. در زمینه ملاکهای جسمانی، سلامت ظاهری و جسمانی فرد، اولین ملاکی است که مورد توجه قرار می‌گیرد. سن همسران و تفاوت سنی آنها ملاک دیگری است که برخی تحقیقات جامعه‌شناسی خانواده را به خود اختصاص داده است.^۲ زیبایی چهره و اندام نیز ملاک جسمانی دیگری است. با وجود تعالیم خردمندانۀ بیشتر فرهنگها درباره اهمیت خصلتهای درونی، واکنش بیش‌تر افراد بر اساس زیبایی قیافه و ظاهر خوشایند صورت قرار می‌گیرد؛ البته بررسی‌ها نشان می‌دهد که مردان بیش از زنان تحت تأثیر زیبایی قرار می‌گیرند.^۳ توانایی باروری نیز ملاک جسمانی دیگری است که در گذشته در مورد زنان بیشتر مورد توجه بود، ولی در حال حاضر، باروری مردان نیز یک ملاک مهم به شمار می‌رود. رنگ پوست و به تعبیر دیگر، نژاد، ویژگی جسمانی است که در گزینش همسر آن چنان اهمیت دارد که برخی گمان کرده‌اند همسان همسری نژادی پدیده‌ای غریزی است. با وجود تردیدها، گرایش

۱. ساروخانی، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، ص ۳۸۳۳.

۲. صدیق اورعی، غلامرضا، جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، ص ۹۱-۹۹.

۳. آذربایجانی، مسعود و دیگران، روان‌شناسی اجتماعی، ص ۲۵۰.

انسانها به این پدیده قابل انکار نیست^۱.

دومین دسته ملاکها، به صفات روان‌شناختی افراد مربوط می‌شود. هوشمندی و همگونی زن و شوهر در آن، به عنوان یک شرط زمینه‌ساز زندگی رضایت‌بخش زناشویی مورد تأکید قرار گرفته است. تحقیقات در مورد رابطه هوشمندی همسران و سعادت خانوادگی نشان می‌دهد که اگر زن یا مرد شریک زندگی خود را کم‌هوش‌تر از خود بدانند، میزان رضایت زناشویی در این خانواده‌ها کم‌تر خواهد بود^۲. تحصیلات نیز در عصر حاضر به عنوان ملاکی برای گزینش همسر پذیرفته شده است. تشابه در نگرشها، ملاک روان‌شناختی دیگری است که در اولین ملاقات بین دو نفر عامل مهمی برای جذب افراد به یکدیگر است^۳. برخی ملاکها نیز به بُعد عواطف و شخصیت افراد بازمی‌گردد؛ برای نمونه، اقتدار در مرد و در مقابل همراهی و پذیرش در زن، به نوع عواطف آن‌ها بازمی‌گردد.

ملاک‌های رفتاری و اخلاقی نیز، در گزینش همسر مؤثر است. داشتن صفات اخلاقی مناسب گاه به حدی مورد تأکید قرار می‌گیرد که یکی از شرایط لازم به شمار می‌آید. نظرسنجی‌ها در ایران نشان می‌دهد، صفاتی مانند اخلاق و رفتار خوب، نجابت، صداقت، گذشت، از نظر بیش از نیمی از افراد، مهم‌ترین ویژگی یک مرد یا زن خوب برای ازدواج به حساب می‌آید^۴. از آن‌جا که رفتار، یکی از مهم‌ترین ابعاد روان‌شناختی افراد محسوب می‌شود و صفات اخلاقی نیز در رگه‌های شخصیت جای می‌گیرد، این دو بعد را در ضمن ملاکهای روان‌شناختی در نظر می‌آوریم.

سومین دسته از ملاکها، به جنبه‌های اقتصادی مربوط می‌شود. توانایی اداره خانواده، نوع شغل، ثروت و درآمد در مرد و کم‌هزینه بودن، توانایی کسب درآمد و اشتغال و توانایی کافی برای انجام کارها و اداره خانه در زن، ویژگی‌هایی است که برای فرد در آستانه ازدواج در نظر گرفته می‌شود^۵. چهارمین دسته ملاکها به مسائل اجتماعی بازمی‌گردد. نوع فرهنگ، طبقه اجتماعی، قومیت، ملیت، دین و مذهب به جنبه‌های اجتماعی هویت هر فرد مربوط می‌شود. در همه دنیا، اعتقادات دینی از مهم‌ترین عوامل

۱. ساروخانی، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، ص ۵۱-۵۲.

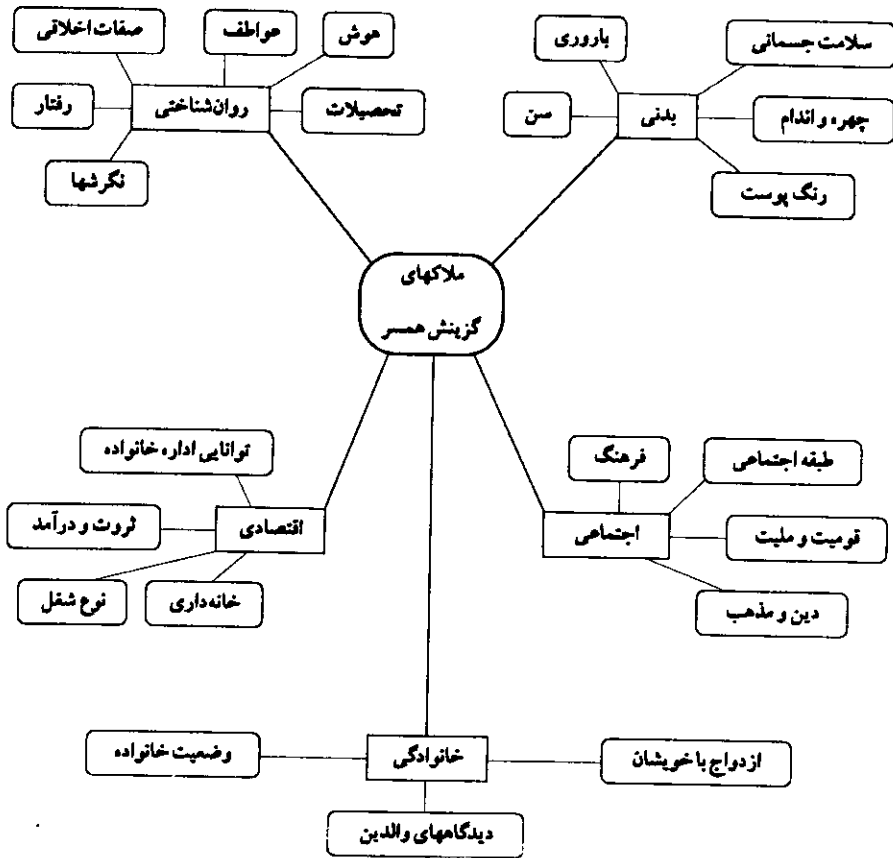
۲. همان، ص ۶۳-۶۴.

۳. آذربایجانی و دیگران. روان‌شناسی اجتماعی.... ص ۲۵۶-۲۵۷.

۴. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ارزشها و نگرشهای ایرانیان، ص ۳۸-۳۹.

۵. همان.

مؤثر در گزینش همسر است، به طوری که بیش از ۹۸ درصد ازدواجها بین یهودیان و ۹۳ درصد ازدواجها بین کاتولیکها و بیش از ۷۴ درصد ازدواجها بین پروتستانها درون دینی است. همسانی طبقات اجتماعی نیز ملاک مهمی برای ازدواجهاست هر چند در سالهای اخیر، ازدواجهای مختلط از طبقات اجتماعی متفاوت رو به افزایش نهاده است.^۱ ملاکهای خانوادگی به مسائلی چون ازدواج با خویشاوند یا بیگانه، وضعیت خانوادگی فرد، مانند پدر و مادر، و خواهر و برادر و نظر مثبت یا منفی خانواده در مورد یک فرد باز می‌گردد. در شکل ۲، طرح کلی ملاکهای گزینش همسر دیده می‌شود.



شکل (۲): ملاک‌های گزینش همسر

قاعده همسان همسری: صرف نظر از توجه به ملاکها برای یک همسر مناسب، به طور کلی انتخاب همسان، به عنوان یک قاعده جهانی همسرگزینی پذیرفته شده است. تشابه و همسانی همسران در مکان زندگی و تولد، طبقه اجتماعی، صفات اخلاقی و ویژگی‌های روان‌شناختی، مذهب و سن، و ویژگی‌های فرهنگی و نژادی، مورد تأکید بیشتر محققان قرار گرفته است.^۱ در تبیین روان‌شناختی این قاعده می‌توان گفت که در مرتبه نخست، تشابه موجب جذب افراد به یکدیگر به سبب برانگیخته شدن عواطف مثبت آنان است. تعمیم گسترده پیوستگی دو امر «مشابهت» و «جاذبه» در مطالعه افراد گروه‌های سنی متفاوت، سطوح اقتصادی - اجتماعی متفاوت و فرهنگهای مختلف، ثابت شده است. در مرتبه دوم، تشابه بیشتر، موجب سازگاری بیشتر است. هر چه توافق میان دو نفر بیشتر باشد، بیشتر به هم علاقه‌مند خواهند شد. هنگام بروز اختلاف که در واقع ناشی از تفاوت‌هاست، طرفین می‌کوشند با تغییر وضعیت روانی خود، به تشابه و توافق دست یابند.^۲ تحقیقات نشان می‌دهد همسانی به استمرار و استحکام پیوند نیز کمک می‌کند، از سوی دیگر، بررسی علل اختلافات زناشویی نشان می‌دهد که در این موارد زوجین نوعی عدم تشابه در خصصتهای مختلف از خود بروز می‌دهند. مطالعه درجه رضایت خانواده‌ها نیز به همین نتایج دست یافته است.^۳

۲-۶. صفات همسر مناسب از دیدگاه اسلام

در تعالیم اسلام نیز بر نقش و اهمیت ملاکهای یاد شده، تأکید گردیده و در عین حال، ملاکهای دیگری نیز بیان شده است. صفات مناسب برای همسر (زن)، بر اساس تعالیم اسلام عبارت‌اند از:

۱. صفات جسمانی مانند سلامت، فرزندآوری^۴ و دوشیزه بودن^۵، و زیبایی‌های

۱. همان، ص ۷۲-۴۰.

۲. آذربایجانی و دیگران، روان‌شناسی اجتماعی...، ص ۲۵۶-۲۶۱.

۳. ساروخانی، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، ص ۴۱.

۴. «السلیم الطرفین...»، هر چند این روایت در مورد مردان است، مسئولیتهای اداره خانه و فرزندان و تأمین نیازهای عاطفی همسر، این ویژگی را در زن نیز حائز اهمیت می‌کند: «ان خیر نسائکم الولود...» حرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۴.

۵. «نزوّجوا الایبار فانهن اطیب شیئاً افواها»، همان، ص ۲۰ و ۳۴.

ظاهری مانند زیبایی چهره،^۱ اندام^۲، و موها^۳؛ ولی اسلام، رنگ پوست و نژاد را ملاکی غالب و مسلط در نظر نیاورده است.^۴

۲. صفات روان‌شناختی مانند هوشمندی در حد مناسب،^۵ و صفات اخلاقی، حالات و رفتارهای مناسب مانند فروتنی در برابر همسر،^۶ سهل‌گیری و نرم‌خویی،^۷ امانت‌داری،^۸ سپاس‌گزاری از همسر،^۹ مهربانی و عشق به همسر و فرزندان،^{۱۰} تسلیم و همراهی در روابط جنسی،^{۱۱} و صبر و بردباری در مشکلات.^{۱۲}

۳. توانایی‌ها و ابعاد اقتصادی؛ مانند مهارت‌های ویژه در اداره خانه، کم بودن مهریه،^{۱۳} هزینه ازدواج و سایر مخارج شخصی^{۱۴} و یاری کردن مرد در مسائل زندگی.^{۱۵}

۴. صفات دینی که در اعتقادات به اموری مانند ایمان به خداوند و زندگی پس از مرگ^{۱۶}، دین‌داری^{۱۷}، تکیه و توکل بر خداوند در مشکلات زندگی باز می‌گردد. توصیه

۱. «... امرأة ذات دین و جمال»، نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۶۹؛ «انظر الی وجهها و کفیها»، ص ۱۹۴؛ «خیر

نساء امتی اصبحهنّ وجهاً»، حرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۷۸.

۲. «... وینظر الی خلفها...»، حرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۵۹؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۳۱.

۳. «اذا ارادکم احدکم ان یتزوج امرأة فلیسأل عن شعرها کما یسأل عن وجهها فان الشعر احد الجمالین»، مجلسی،

بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۳۷.

۴. حجرات، ۱۱؛ کلینی، کافی، ج ۵، ص ۳۴۴ (در مورد ازدواج مقدار با یکی از دختران عبدالمطلب).

۵. «ایاکم و تزویج العمماء، فان صحبتها ضیاع و ولدها ضیاع»، مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۳۷؛ «و خیر

الجواری ماکان لها عقل و ادب فلست تحتاج الی ان تأمر و تنهی»، حرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۳.

۶. «الدلیلة مع بعلمها...»، همان، ص ۱۴.

۷. «الهیة اللیة...»، همان، ص ۱۵.

۸. «... اذا غاب عنها حفظته فی نفسه و ماله»، همان، ص ۲۲.

۹. «... عن النبی (ص): «خیر النساء اذا اعطیت شکرت و اذا حرمت صبرت» و «لا ینظر الله الی امرأة لا تشکر لزوجها و

هی لا تستغنی عنها» سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور، ج ۱، ص ۱۵۲.

۱۰. «... اللطفین بازواجهن و ارحمهن باولادهن...» و «... احنی علی ولد...» حرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۲۰.

۱۱. «المترجعة مع زوجها الحصان علی غیره... و اذا خلا بها بذلت له ما یرید منها» همان، ص ۴.

۱۲. سیوطی، الدر المنثور، ج ۱، ص ۱۵۲.

۱۳. «الطیبة الطیبخ المقتصدة القلیلة المهر» حرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۳.

۱۴. همان؛ «من بركة المرأة خفة مؤنتها» (مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۳۱).

۱۵. «... تعین زوجها علی دهره و تساعده علی دنياه و لاتعین الدهر» طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق،

ص ۱۹۹؛ «... زوجة صالحة تعینه علی امر الدنیا و الاخرة» مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۳۸.

۱۶. «و لائمة مؤمنة خیر من مُشْرِکة» بقره، ۲۲۱.

۱۷. «علیک بذوات الدین تربت یداک» حرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۲۲؛ «ما افاد رجل بعد الایمان خیر من

امرأة ذات دین و جمال» نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۶۱.

همسر به صبر،^۱ تقوا و دوری از گناهان،^۲ رعایت عفاف و پوشش شرعی،^۳ و دوست داشتن اولیای دین (ع) و پیروی از آنها،^۴ برخی نمودهای عاطفی و رفتاری دین‌داری است.

۵. شرایط اجتماعی و فرهنگی که در این امور غالباً تشابه زوجین مورد نظر است. در برخی روایات توصیه شده است که با زنان برخی مناطق و اقوام ازدواج نکنید.^۵ این روایات را می‌توان نوعی تأکید بر همسانی فرهنگی زن و شوهر دانست. تبیین دقیق‌تر آن است که این روایات به شرایط اجتماعی و فرهنگی مناطق فوق اشاره دارد که اخلاق و رفتارهای نامناسبی^۶ را پرورش داده است؛ در غیر این صورت، بر اساس تعالیم اسلام صرف زندگی در یک منطقه خاص یا تعلق به قومیت و ملیتی خاص، موجب برتری یا کهنتری فرد نمی‌شود.

۶. از میان ملاکهای مربوط به خانواده زن و مرد، خویشاوندی نیز می‌تواند ملاکی مناسب برای گزینش همسر باشد،^۷ هر چند در برخی روایات به احتمال بروز نقصهایی در فرزندان پدید آمده از این گونه ازدواجها اشاره شده است.^۸ تعالیم اسلام بر مناسب بودن خانواده همسر بسیار تأکید دارد و تأثیرات خانواده زن و شوهر را بر فرزندان به عنوان یک رکن مهم در تربیت و پرورش آنها در نظر می‌گیرد.^۹ ازدواج با فردی که خود ویژگی‌های مناسبی دارد ولی اعضای خانواده او از صفات اخلاقی، باورهای دینی و

۱. «لی زوجة اذا رأتی مهموماً قالت لی: ما یهتک؟ ان کنت تهتم لرزقک فقد تکفل لک به غیرک... فقال رسول (ص): هذه من عماله [الله] لها نصف اجر الشهدید» همان، ص ۱۷.
۲. «ان من شر نساکم... التي لا تتوزع من قبیح...» مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۳۵.
۳. «خیرالنساء ان لا یرین الرجال ولا یراهن الرجال» حرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۴۳؛ «ان من خیر نساکم... الستیرة...» مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۳۵؛ «خیر نساکم... العیفة فی فرجها» ص ۲۳۷.
۴. «لا یتزوج المؤمن ناصبة ولا یتزوج الناصب مؤمنة» مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۳۶.
۵. حرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۵۲.
۶. «ایناکم و نکاح الزنج فانه خلق مشوة» مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۳۶.
۷. «من تزوج لله و لصلة الرحم توجه الله بتاج الملک» حرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۳۱؛ در سیره ائمه (ع) نیز ازدواج با خویشان، زیاد دیده می‌شود.
۸. «لا تنکحوا القرابة القریبة فان الولد یخلق ضاویاً» فرید، مرتضی، الحدیث، ج ۱، ص ۱۸۴؛ عن رسول‌الله (ص) قال «اغتربوا و لاتضوا» همان.
۹. «تختیروا لظفکم فان النساء یلدن اشباه اخوانهن و اخواتهن» محمدی ری‌شهری، محمد، میزان الحکمه ص ۲۲۵۸، ج ۵؛ کلینی، فروع الکافی، ج ۵، باب اختیار الزوجه، ص ۳۳۲.

رفتارهای مناسب برخوردار نیستند، آشکارا نهی شده است.^۱ تأثیر خانواده بر فرزندان چه از بعد وراثت و چه تربیت، مهم‌ترین عامل شکل‌گیری شخصیت آنهاست؛^۲ از این‌رو، هر چند فرد می‌تواند با اراده و پشتکار تا حدی بر این عوامل غالب شود، از آنجا که بیشتر افراد تحت تأثیر شدید این عوامل هستند، اولیای دین (ع) به طور جدی توصیه می‌کنند که وضعیت خانوادگی فرد، ملاکی مهم محسوب گردد. افزون بر این، چگونگی برخورد خانواده دختر با وی و برخورداری او از احترام و عزتمندی مناسب در میان اعضای خانواده، می‌تواند نشانه‌ای از رفتارها و صفات مناسب فرد باشد.^۳

تعالیم اسلام برای گزینش یک مرد به عنوان همسر مناسب، افزون بر ملاکهای یاد شده، بر نکات دیگری نیز تأکید دارد. به علت تأثیر بیشتر مرد بر زن در زندگی خانوادگی، برخورداری او از باورهای دینی و مذهبی استوار، بیشتر مورد تأکید قرار گرفته است.^۴ اولیای دین (ع) حسن خلق را ملاکی اساسی در مرد اعلام نموده و توصیه می‌کنند که در صورت بداخلاقی مرد، ازدواج با وی صورت نگیرد.^۵ تقوا و پرهیزگاری نیز ملاک مهمی است که بر زندگی خانوادگی و روابط مناسب، حتی در صورت اختلاف بین زن و شوهر، تأثیری بارز دارد.^۶ دوری از گناهانی مانند روابط نامشروع جنسی^۷ و شراب‌خواری^۸، از ملاکهای اساسی یک همسر مناسب است. در بعد اقتصادی نیز توانایی مرد در اداره خانواده،^۹ گشاده‌دستی و دوری از بخل،^{۱۰} ملاکهای اصلی یک همسر مناسب بیان شده است. اولیای دین (ع) توجه به ثروت و طبقه اجتماعی و اقتصادی بالاتر

۱. «...إياکم و خضراء الدمن... المرأة الحسنة فی منبت السوء» حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۹.

۲. «اختاروا لطفکم فان الخال احد الضجیعین»، همان، ص ۲۹؛ «تزوجوا فی الحجر الصالح فان العرق دساس»،

محمّدی ری شهری، میزان الحکمة، ح ۷۸۴۸. ۳. «خیر نسائکم... العزیزة فی اهلها» همان، ص ۱۴.

۴. «... لا تزوجها الا ممن هو علی رأیها» مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۳۷۸؛ «تزوجوا فی الشکاک و لا تزوجوهم، لان المرأة تأخذ من ادب الرجل و یفهرها علی دینه» ص ۳۷۷؛ «لا یتزوج المستضعف مؤمنة» ص ۳۷۸.

۵. «لا تزوجه ان کان سیئ الخلق» حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۵۴.

۶. «التقی التقی...» همان، ص ۱۸؛ «زوجها ممن یتقی الله فان احبها اکرمها و ان ابغضها لم یظلمها» فرید تنکابنی،

الحديث، ج ۱، ص ۱۷۷.

۷. «الزانی لا ینکح إلا زانیة أو مشترکة والزانیة لا ینکحها إلا زانی أو مشرک و حرّم ذلک علی المؤمنین» نور، ۳.

۸. «لا یتزوج شارب خمر فان من فعل فکانما قاده الی الزنا» مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۳۷۲.

۹. «... عنده یسار»، حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۸.

۱۰. «... السح الکفین... لا یلجئ عیاله الی غیره... ان من سز رجالکم البهات البخیل الفاحش. الاکل وحده... الملجئ

عیاله الی غیره...» همان.

را به صراحت نهی کرده‌اند.^۱ در مورد ملاکهای خانوادگی، - افزون بر آنچه در مورد زنان گفته شد - روابط مناسب با والدین، برای مردان به عنوان یک ملاک در نظر گرفته شده است.^۲ بدیهی است کسی که نتواند والدین خود را که بالاترین خدمت و فداکاری را در حق او انجام داده‌اند، خشنود سازد، در برقراری رابطه با همسر و فرزندان نیز مشکل خواهد داشت.

تعالیم اسلام در گزینش همسر، بر اصل کفو به معنای همتایی و همانندی تأکید دارد؛ به عبارت دیگر، بهتر است زن و مرد در ویژگی‌های مناسب برای ازدواج، مشابه و تقریباً همتا^۳ باشند. این شرط که در سخنان اولیای دین (ع) مورد تأکید قرار گرفته، بر قاعده همسان همسری قابل تطبیق است. البته این همسانی بیشتر در خصوص ایمان تأکید شده، و زن و مرد به سبب ایمان، همتای یکدیگر دانسته شده‌اند^۴ و ملاکهای قومی، طبقاتی و اقتصادی، در همتایی در نظر گرفته نشده است.^۵ در نتیجه، افزون بر خورداری فرد از ویژگی‌های مناسب، همتایی زن و مرد نیز ملاکی مهم برای گزینش همسر است. پس از همانندی و تشابه زن و مرد در اصل ایمان و باورهای دینی، تشابه مراتب ایمان و ویژگی‌های اخلاقی نیز باید مورد توجه قرار گیرد. این که گفته شده اگر حضرت علی (ع) نبود، همتا و همانندی برای ازدواج با حضرت زهرا (س) در میان انسانها یافت نمی‌شد،^۶ به همانندی در مراتب ایمان و اخلاق اشاره دارد. در تعبیری دیگر آمده است که برخی مؤمنان، همتا و همسان هم هستند؛^۷ از این‌رو، صرف ایمان باعث همتایی دو نفر نمی‌شود و باید مراتب ایمان و ویژگی‌های اخلاقی را نیز در نظر گرفت. تصریح قرآن به تعلق افراد پاک و وارسته به افراد پاک،^۸ دلیل دیگری بر همتایی زن و مرد در تقوا، دوری

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۲۶۵؛ «ان خطب الیک رجل رضیت دینه و خلقه فزوجہ و لایمنعک فقره و فاقته...» ج ۱۰۰، ص ۳۷۹.

۲. «ان من خیر رجالکم... البی بوالدیه... أن من شرّ رجالکم... العاق بوالدیه» حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۸.

۳. «انکحوا الاکفاء و انکحوا فیهم و اختاروا لنطفکم» همان، ص ۲۹.

۴. «المؤمن کفو المؤمنة و المسلم کفو المسلمة» همان، ص ۴۴.

۵. ازدواج «جویری» که مردی فقیر و فاقد زیبایی‌های ظاهری و از سیاهان سودان بود، با دختری از اشراف عرب به نام «ذلفاء» به تشویق پیامبر (ص) روی داد و در نفی ملاکهای قومی و طبقاتی مؤثر بود (همان).

۶. «لولا انّ الله خلق فاطمة لعلی ماکان لها علی وجه الارض کفو، آدم فمن دونه» همان، ص ۴۹.

۷. «المؤمنون بعضهم اکفاء بعضی» همان.

۸. «... وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ...» نور، ۲۶.

از گناهان و دین داری است^۱. در یک نظر سنجی از دانشجویان، تفاهم اخلاقی و تشابه در باورهای دینی، یکی از ملاکهای همسر ایده‌ال اعلام شده است.^۲

۳-۶. اولویت‌بندی و وزن ملاکهای مختلف

پس از روشن شدن ملاکهای همسر مناسب، باید به بررسی میزان اهمیت و نقش هر یک از آنها در گزینش همسر پرداخت. آنچه در مورد ملاکهای همسر مناسب بیان شد، به صورت فهرستی از ملاکها بود، ولی اکنون نقش آنها و اولویت‌بندی بین ملاکها را بررسی می‌کنیم. پس از آن باید در مقام عمل و گزینش مصادیق، شرایط هر فرد و اقتضائات محیط اجتماعی در نظر گرفته شود؛ زیرا معمولاً افراد از همه ویژگی‌های مناسب یا از حد مناسبی از آنها برخوردار نیستند. در این موقعیت، فرد در تصمیم‌گیری دچار تعارض و مشکل می‌شود. در این بحث به دو مرحله نظری و کاربردی فرآیند گزینش همسر می‌پردازیم.

بر اساس تعالیم اسلام، ایمان و باورهای صحیح و در حد مناسب مهم‌ترین ویژگی لازم برای همسر محسوب می‌شود. این شرط را می‌توان یک ملاک مطلق دانست که در همه شرایط زمانی و مکانی، برای یک همسر مناسب ضروری است؛ بنابراین، اگر فردی از ایمان و باورهای دینی در حد مناسبی برخوردار نباشد، فاقد شرایط محسوب می‌شود؛ هر چند ویژگی‌های دیگر را در حد مناسب دارا باشد. آیات قرآن^۳ و کلمات اولیای دین(ع)^۴، بر مطلق بودن شرط ایمان تصریح دارند: «زنان مشرک را تا ایمان نیاورده‌اند، به زنی مگیرید و کنیز مؤمن بهتر از آزاد زن مشرک است، هر چند زیبایی او شما را به شگفت آورد و به مردان مشرک تا ایمان نیاورده‌اند، زن مؤمن ندهید و برده مؤمن بهتر از مرد آزاد مشرک است، هر چند شما را به شگفت آورد؛ آنان شما را به سوی آتش فرامی‌خوانند...»^۵ بر اساس مضمون این آیه، ازدواج با افراد بی‌ایمان، فرد را از سعادت اخروی باز می‌دارد؛ بنابراین، چنین ازدواجی نباید صورت گیرد. نکته مهم در

۱. طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۵، ص ۱۱۵.

۲. حق دوست، علی اکبر و دیگران، «بررسی دیدگاه دانشجویان...»، اندیشه و رفتار، سال دوم، ش ۳.

۳. «وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ» نور، ۲۶.

۴. «... و عليك بذات الدين...» حرعالملی، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۳۰ و احادیث ۲۳، ۲۲، ۲۱، ۱۷، ۱۵ و ۱۴.

این آیه آن است که حتی اگر با فردی از پایین‌ترین طبقات اجتماعی آن روز یعنی بردگان که نه تنها هیچ دارایی نداشتند بلکه خود متعلق به فرد دیگری بودند، ازدواج صورت می‌پذیرفت، بهتر از ازدواج با فرد آزادی بود که ایمان و باورهای دینی مستحکمی نداشت. امام باقر(ع) فرمود: سزاوار نیست، مسلمان با غیرمسلمان ازدواج کند و حرمت این عمل را به آیه «وَلَا تَنْسِكُوا بِعِصَمِ الْكَوَافِرِ»^۱ استناد داد. صاحب‌نظران علوم اسلامی نیز بر اساس دلایل فوق، ایمان و باور دینی را شرط لازم برای همسر می‌دانند.^۲

ایمان و باورهای دینی به عنوان یک نگرش اصلی و محوری، به طور مستقیم و غیرمستقیم بر همه ابعاد شخصیت فرد مانند هدف زندگی، ابعاد اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی زندگی و دیدگاه‌های فرد نسبت به شغل، ازدواج، تحصیل و حتی جنبه‌های جزئی‌تری مانند تفریحات، علایق و ترجیحات رفتاری در زندگی، اثرگذار است^۳؛ از این رو، تعالیم اسلام بر ملاک ایمان بیشترین تأکید را دارد.

دومین ویژگی لازم برای یک همسر مناسب، حسن خلق است. مراد از حسن خلق در این‌جا، رفتارها و تعاملهای مناسب در زندگی، سازگاری و مدارا با افراد است.^۴ اساس زندگی زناشویی، سازگاری، تفاهم و همکاری است که این امور فقط در پرتو حسن خلق فراهم می‌شود.^۵ حسن خلق نیز شرطی لازم و ملاکی مطلق برای همسر مناسب است؛ بنابراین، اگر فردی از حسن خلق در حد مناسب برخوردار نباشد، فاقد شرایط لازم محسوب می‌شود؛ به همین جهت، اولیای دین(ع) به صراحت از ازدواج با افراد بدخلق نهی کرده‌اند.^۶ در این‌جا باید توجه داشت که اگر پس از ازدواج روشن شود که زن یا مرد ناسازگار و بدخلق است، شیوه برخورد با موضوع، با مرحله گزینش همسر متفاوت است. در این شرایط و در رویارویی با این مشکل، اگر بدخلقی به ناسازگاری شدید بین

۱. «فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ لَأَهْنَّ جِلُّ لُثْمِهِمْ وَلَا هُمْ يُحِلُّونَ لِهِنَّ... وَلَا تَنْسِكُوا بِعِصَمِ الْكَوَافِرِ...» متحنه، ۱۱۰، کلینی، کافی، ج ۵، ص ۳۵۸.

۲. نجفی، جواهر الکلام، ۳۴، ج ۳۰، ص ۹۳.

۳. آذربایجانی و دیگران، روان‌شناسی اجتماعی...، ص ۱۶۲.

۴. «قیل للصادق(ع) ما حد حسن الخلق؟ قال: تلین جانبک و تطیب کلامک و تلقی اخاک بپسر حسن» مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۱۷۱.

۵. «حسن خلق عیش به فی الناس» همان، ج ۶۹، ص ۴۰۴؛ «حسن خلق یداری به الناس» همان، ص ۴۰۸.

۶. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۴.

زن و مرد بینجامد، ادامه زندگی مناسب نیست.^۱ اما اگر بدخلقی در حد پایین تر و در برخی شرایط روی دهد، صبر و مدارا و ادامه زندگی خانوادگی بهترین شیوه مواجهه با مشکل است. روایاتی که به ثواب صبر و تحمل مرد یا زن در برابر بدخلقی همسر، اشاره دارد^۲ نیز مربوط به چنین شرایطی است. در غیر این صورت، اگر از ابتدا روشن شود که فردی بدخلق است، اصولاً چنین ازدواجی به دلیل عدم برخورداری فرد از دستکم یکی از شرایط لازم همسر، مناسب نیست. نکته دیگر این که حسن خلق یکی از ارکان مهم ایمان است^۳ و به همین دلیل بداخلاقی فرد نشانه‌ای از ضعف ایمان او نیز محسوب می‌شود و درجات ایمان افراد به حسن خلق آنها مربوط می‌شود.^۴ حسن خلق در خانواده نیز از ملاکهای دین‌داری و کمال افراد محسوب می‌شود؛^۵ بنابراین، اخلاق نامناسب موجب می‌شود فرد در ویژگی ایمان نیز ناقص باشد.

سومین صفت لازم برای یک همسر مناسب، برخورداری از تقوا^۶ در حدی است که از گناهانی مانند زنا^۷ و شرابخواری^۸ دوری کرده و به طور علنی و آشکار مرتکب گناه نشود.^۹ این ملاک نیز مطلق محسوب می‌شود و در صورتی که روشن شود فرد مورد نظر فاقد چنین تقوایی است، برگزیدن او مناسب نخواهد بود. سلامت جسمانی و روانی نیز جزء شرایط لازم یک همسر مناسب به شمار می‌رود؛ بنابراین، اگر فرد به بیماری جسمی لاعلاج یا بیماری روانی شدید دچار باشد، گزینش او به عنوان همسر، کارکردها و اهداف مورد نظر ازدواج را تأمین نخواهد کرد؛ به همین جهت، فقها در مواردی از نقصان جسمانی و روانی، ازدواج را قابل فسخ می‌دانند.^{۱۰}

۱. «اصناف لایستجاب دعاؤهم رجل تؤذیه امراته بکل ما تقدر علیه... یقول له:.... فان شئت خلیتها و ان شئت امسکتها» مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۲۴.
۲. «من صبر علی خلق امرأة سیئة الخلق و احتسب فی ذلک الاجر. اعطاه الله ثواب الشاکرین فی الآخرة» همان، ص ۲۲۴؛ «من صبرت علی سوء خلق زوجها، اعطاها مثل [ثواب] آسیة بنت مزاحم» ص ۲۴۷.
۳. «أربع من کن فیہ کمل اسلامه... و حسن خلقه مع اهله» همان، ج ۷۵، ص ۹۳.
۴. «ان اکمل المؤمنین ایماناً احسنهم خلقاً» همان، ج ۷۱، ص ۳۷۳.
۵. «خیارکم، خیارکم لسنائہ» همان، ص ۳۹۲.
۶. «زَوْجها من رجل تقی، فان احبها اکرمها و ان ابغضها لم یظلمها» همان.
۷. «الزانی لا ینکح إلا زانیة أو مشرکة و الزانیة لا ینکحها إلا زان أو مشرک و حرم ذلک علی المؤمنین» نور، ج ۳.
۸. «لا یتزوج شارب خمر فان من فعل فکنا ما قادهما الی الزنا» مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۳۷۲.
۹. «من زوج کریمته من فاسق نزل علیه کل یوم الف لعنة» نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۹۱.
۱۰. برخی از این نقصها در قانون مدنی مواد ۱۱۲۰-۱۱۲۵ مطرح شده است.

به جز چهار صفت یاد شده، سایر ملاکهای اعلام شده، نسبی محسوب می‌شود؛ بدین معنا که باید آنها را با توجه به سایر ملاکها و بود و نبود یا ضعف و قوتشان، در نظر گرفت. باید توجه داشت که پس از آگاهی از برخورداری فرد از ایمان، تقوا و حسن خلق در حد مطلوب، پاسخ رد به درخواست ازدواج بدون دلیل عرفی یا عقلی قابل توجه، ممکن است موجب بروز مشکلات اخلاقی در بُعد فردی و اجتماعی شود؛ از این رو، در کلمات اولیای دین (ع) آمده است وقتی خواستگاری پیدا شد که اخلاق و دین‌داری او را می‌پسندید، زمینه ازدواج با او را فراهم کنید؛ در غیر این صورت، فتنه و فساد بزرگ زمین را فرا خواهد گرفت.^۱

زیبایی و جذابیت ظاهری یکی از ملاکهای مهم در پیوند ازدواج و استمرار آن است. حصول میل و علاقه متقابل و برطرف شدن نیازهای جنسی، مبتنی بر احساس زیبایی زن و مرد نسبت به یکدیگر است. جذابیت و کشش زیبایی، خصوصیتی طبیعی است که در متون اسلامی شواهدی بر آن وجود دارد: «خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد...»^۲ و «خوبی را نزد خوب‌رویان بجوید؛ زیرا اعمال و رفتار آنان برای نیکویی شایسته‌تر است».^۳

اگر در ازدواج میل و علاقه وجود نداشته باشد، زمینه نارضایتی خانوادگی از ابتدا فراهم می‌شود؛ بنابراین، علاقه و میل فردی که قصد ازدواج دارد، اهمیت بسیاری دارد و حتی بر میل و نظر والدین ترجیح می‌یابد.^۴ تأکید اولیای دین (ع) بر این پدیده روان‌شناختی، یعنی گرایش عاطفی به طرف مقابل در زن و مرد^۵ در آستانه ازدواج، برای تأمین اهداف مهم ازدواج مانند حصول دوستی و عواطف شدید^۶ بین زن و مرد و حمایت روانی^۷ آنها از یکدیگر است؛ بنابراین، توجه به زیبایی و جذابیت ظاهری به

۱. «إذا جئکم من ترضون خلقه و دینه فزوجوه ألا تفلحوه تکن فتنه فی الارض و فساد کبیر» حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۵۱. این حدیث از رسول خدا (ص) و امام باقر (ع) به طرق مختلفی نقل شده است.

۲. «ان الله جمیل و یحب الجمال...» مفتی هندی، علاء‌الدین، کنز العمال، ح ۱۷۱۶۶.

۳. پیامبر اکرم (ص): «اطلبوا الخیر عند حسان الوجوه فان افعالهم احرى ان یكون حسناً» مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۱۸۷.

۴. «تزوج التی هویت و دع التی هوی ابواک» همان، ج ۱۰۰، ص ۲۳۵.

۵. «خیر الجواری ما کان لک فیها هوی و کان لها عقل و ادب» حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۳.

۶. «و من آتیتیه ان خلق لکم من أنفسکم أزواجاً لتشکرتوا إلیها و جعل بینکم مودةً و رحمةً»، روم، ۲۱.

۷. حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۳: «زوجة سالحة تعاونه و یحصن بها فرجه» ص ۲۱: «امرأة سالحة اذا رآها سرته و اذا اقسم علیها ابرته» ص ۲۲ و روایات ص ۲۴-۲۲.

عنوان یک ملاک، زمینه اساسی میل و علاقه دو طرف به یکدیگر را که ملاک مهم دیگری برای گزینش همسر است، فراهم می‌آورد؛ از این رو، بر اساس تعالیم اسلام نگاه به چهره و اندام فرد مورد نظر به جهت ازدواج، در صورتی که قصد لذتی در آن نباشد، نه تنها مجاز شناخته شده^۱ بلکه مورد تأیید قرار گرفته است؛^۲ زیرا این امر زمینه استمرار عواطف مثبت بین زن و شوهر را فراهم می‌کند.^۳ نکته درخور توجه آن است که زیبایی و جذابیت مرد یا زن باید نسبت به طرف مقابل و اعضای خانواده هر دو طرف دز نظر گرفته شود؛ بنابراین، ممکن است دو فرد از لحاظ جذابیت جسمانی با هم متناسب باشند، هر چند از منظر فرد دیگری یکی از آن دو زیبا به نظر نرسد.

با وجود این، هر چند از دیدگاه اسلام جذابیت ظاهری در خور اهمیت است، لیکن برخی ملاکهای دیگر مانند دین‌داری و فرزندآوری بر آن ترجیح دارد؛ در نتیجه اگر معلوم شود که فردی فرزندآور نیست، هر چند زیبا باشد، از شرایط قابل قبول برخوردار نخواهد بود.^۴ همچنین اگر کسی فقط با توجه به زیبایی فرد با او ازدواج کند، ممکن است نه تنها از زیبایی بلکه از صفات دیگری مانند دین‌داری وی نیز محروم شود.^۵ فرزندآوری به عنوان یک ملاک مهم در ازدواج، نقص در جذابیت ظاهری را جبران می‌کند،^۶ در حالی که در صورت نقص در فرزندآوری، فرد از شرایط لازم برخوردار نیست، هر چند دارای جذابیت ظاهری و کمال دینی باشد.^۷ توجه صرف به ثروت نیز ممکن است فرد را از جنبه‌های دیگر محروم کند، در حالی که اگر ازدواج بر اساس دین‌داری صورت گیرد، زیبایی و ثروت نیز از جانب خداوند تأمین خواهد شد.^۸ از آنجا که یکی از اهداف مهم ازدواج، تولید و پرورش فرزند است و یکی از نیازهای مهم روانی

۱. «أينظر الرجل الى المرأة يريد تزويجها فينظر الى شعرها و محاسنها؟ قال: لا بأس بذلك اذا لم يكن مثلثذا» همان، ص ۶۰ و روایات باب ۳۶، ص ۶۱-۵۹.

۲. «الرجل يريد ان يتزوج المرأة يجوز له ان ينظر اليها؟ قال: نعم و ترقق له الثياب لانه يريد ان يشتريها باغلى الثمن» همان، ص ۶۱.

۳. «انه قال للمغيرة بن شعبة و قد خطب امرأة: لو نظرت اليها فأنه احرى ان يدوم بينكما» همان.

۴. «تزوجوا بكرا ولوداً و لا تزوجوا حسناء، جميلة عاقراً فاني اباهي بكم الامم يوم القيامة» همان، ص ۳۳.

۵. «من تزوجها لجمالها رأى فيها ما يكره» و «من تزوج امرأة لايتزوجها الا لجمالها لم ير فيها ما يحب» همان، ص ۳۱.

۶. «تزوج سواء ولوداً فاني مكائر بكم الامم... ما السواء قال: القبيحة» همان، ص ۳۳.

۷. «يا نبى الله، ان لى ابنة عم قد رضيت جمالها و حسنها و دينها ولكنها عاقرة؛ فقال: لا تزوجها» همان، ص ۳۳.

۸. «اذا تزوجها لدينها رزقه الله المال و الجمال» همان، ص ۳۰.

انسانها تعلق و پیوستگی، به ویژه به فرزند است^۱، فرزندآوری یک ویژگی مهم برای همسر مناسب در نظر گرفته شده است البته در مواردی نادر، پیش از ازدواج می‌توان ناباروری مرد یا زن را تشخیص داد.

کفو بودن و همانندی زن و شوهر، با وجود اهمیت زیاد، از ملاکهای نسبی همسر مناسب محسوب می‌شود. مفهوم کفو امری نسبی است؛ بدین معنا که دارای مراتب متعدد است و باید با توجه به ملاکهای دیگر در نظر گرفته شود. همان‌گونه که گفته شد، «کفو» مشابه مفهوم «همسان همسری» در جامعه‌شناسی خانواده است. همسان همسری نیز دارای جنبه‌های متعدد است که به آن اشاره شد؛ بنابراین، باید همتایی دو نفر در جمع‌بندی همه ملاکها در نظر گرفته شود. ممکن است فردی نسبت به همسرش در جنبه‌های بالاتر باشد، در حالی که همسر او در جنبه‌های دیگری از او بالاتر است. در کلمات اولیای دین (ع) آمده است: همتا و هم شأن به این است که فرد پاکدامن و زندگی با او همراه با آسایش باشد.^۲ در جایی دیگر، امام جواد (ع) در پاسخ به نامه فردی می‌فرماید: در مورد نیافتن مثل و مانند، زیاد فکر و توجه نکنند بلکه اگر از اخلاق و دین‌داری خواستگاران رضایت داشت، دختران را به همسری آنان درآورد و گرنه فتنه و فساد بزرگ در زمین ایجاد می‌شود.^۳ امام رضا (ع) نیز فرمود: «اگر ما می‌خواستیم اعضای خانواده خود را به افرادی که کاملاً همتا و هم شأن ما باشند، به همسری دهیم، بدون همسر می‌ماندند...»^۴

از مجموع این سه روایت روشن می‌شود که همتایی در ازدواج امری نسبی است و لازم است در برخی شرایط زمانی و مکانی، از آن صرف نظر شود.

در نتیجه، مناسب نیست اصل ازدواج که یک سنت مهم پیامبران الهی است، به دلیل فراهم نبودن همانند، ترک شود، و حال آن که ملاکهایی مانند ایمان، اخلاق و سلامت روانی و جسمانی، مطلق به شمار می‌رود و در صورت تأمین آنها در فرد مورد نظر، ازدواج با او مناسب است. نکته جالب توجه آن است که بسیاری از همسران ائمه اطهار (ع) و پیامبر اکرم (ص) همتا و کفو آنها نبودند، ولی این باعث نمی‌شد که از ازدواج

۱. مزلو، ابراهام، انگیزش و شخصیت، ص ۷۹.

۲. «الکفو ان یکون عقیفاً و عنده یسار» مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۳۷۲.

۳. همان، ج ۷۵، ص ۳۶۷.

۴. همان، ص ۳۷۳.

با آنها خودداری کنند.^۱ در مجموع، بر اساس تعالیم اسلام و برخی آیات قرآن،^۲ اصل حاکم ازدواج کردن با افراد دارای شرایط لازم مانند ایمان و اخلاق خوب است و نبود سایر ویژگی‌ها نباید مانع ازدواج شود.^۳

همسانی زن و مرد در امور فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی به سازگاری بیشتر آنان کمک می‌کند، ولی نمی‌توان این امر را به عنوان ملاک لازم برای همسر مناسب در نظر گرفت. بر اساس آیات قرآن^۴، رهنمودها و سیره عملی اولیای دین(ع)^۵ در ازدواج، توجه صرف به این ملاکها، برای ترجیح افراد مردود دانسته شده است. امام سجاد(ع) در مخالفت با در نظر گرفتن ملاکهای قومی و اقتصادی در ازدواج^۶، فرمود: خداوند به وسیله اسلام، پایین را بالا برد، ناقص را کامل کرد، و افراد پایین جامعه را کرامت بخشید؛ مسلمان پست نیست، پستی، پستی جاهلیت است.^۷ پیامبر(ص)، سیاهی فقیر را به ترویج زنی قریشی و بسیار ثروتمند درآورد و فرمود: «من برای آسان شدن ازدواجها چنین کردم» شیوه عمل رسول خدا(ص) را سنت و رسم خودتان قرار دهید و بدانید که گرامیترین شما نزد خدا با تقواترین شماست...^۸

تشابه زن و مرد متقاضی ازدواج در امور روان‌شناختی مانند هوش، عواطف، تحصیلات و نگرشها، در ضمن ملاک کفو بودن قرار می‌گیرد. همان‌گونه که گذشت، این امور در پیوند دو نفر و استحکام و استمرار پیوند آنها تأثیر بسیار دارد. در مقابل، اختلاف زیاد بین هوش زن و شوهر موجب تفاوت‌هایی در رفتار، استدلال و حتی عقاید آنها می‌گردد و امکان بروز بحران در خانواده را به دنبال دارد.^۹ بنابراین، ملاک فوق در

۱. قمی، شیخ عباس، منتهی الآمال، ج ۱ و ۲.

۲. مانند «وَأَنْكِحُوا الْأَيْمَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ»، نور، ۳۲.

۳. «وَمَنْ لَّمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا أَنْ يَنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمِنْ مَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِّنَ فِتْيَانِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ». نساء، ۲۵.

۴. «يَتَأْتِيهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِن ذَكَرٍ وَأُنثَىٰ وَجَعَلْنَاهُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىٰكُمْ». حجرات، ۱۳.

۵. «ان خطب الیک رجل رضیت دینه و خلقه فزوجه و لا یمنعک فقره و نفاقته» مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۳۷۹.

۶. مانند ازدواج امام سجاد(ع) با کنیزها و اینکه پیامبر(ص) عمه خود را به ازدواج خدمتکارش درآورد. همان، ص ۳۷۴.

۷. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۷۲.

۸. مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۲۶۵ و ۴۳۷. ۹. ساروخانی، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، ص ۶۳.

جمع‌بندی ملاکهای همسر مناسب، دارای وزن قابل ملاحظه‌ای است. البته تشابه در این امور مانند ملاک کفویت، امری نسبی است و صرف نبود یا نقص در آن، فرد را فاقد شرایط لازم نمی‌کند، و در این مورد باید اوضاع زمانی و مکانی و شخصیت افراد داوطلب ازدواج در نظر گرفته شود. بدیهی است هر چند تشابه بیشتر باشد، فرد مورد نظر از موقعیت بهتری برخوردار خواهد بود. تشابه فرهنگی و قومی نیز تا حدی که در سازگاری زن و مرد مؤثر باشد، در ضمن ملاک کفویت قرار می‌گیرد و می‌توان برای آن نیز وزنی در انتخاب همسر مناسب در نظر گرفت.

۴-۶. اهداف گوناگون و گونه‌های مختلف ازدواج

نکاتی که در مورد ملاکهای همسر مناسب بیان شد، مبتنی بر جهان‌بینی الهی و تعالیم اسلام است. از آن‌جا که اسلام تأمین نیازهای عاطفی و جنسی، تولید و پرورش فرزندان صالح، حفظ افراد از آلودگی‌ها و تکامل اخلاقی و معنوی را از اهداف اساسی ازدواج می‌داند، ملاکهای همسر مناسب را نیز در راستای تأمین این اهداف در نظر می‌گیرد؛ از این رو، فردی که جهان‌بینی مادی دارد یا در باورهای دینی ضعیف است، ممکن است ملاکهای مادی از جمله جذابیت ظاهری و شرایط اقتصادی را اصل قرار دهد.

در عین حال اهدافی که برای ازدواج بیان شد، مربوط به غالب ازدواجها به ویژه ازدواج اول و معمولاً تنها ازدواج افراد است. تعداد اندکی از ازدواجها نیز ممکن است برای تأمین برخی اهداف دیگر صورت پذیرد؛ برای مثال، فردی که همسر خود را از دست داده و دارای چند فرزند است، در ازدواج دوم دیگر توجهی به باروری ندارد و ممکن است با فردی نابارور ازدواج کند. همچنین، در ازدواجهایی که گاه اهدافی کوتاه مدت برای آنها در نظر گرفته شده، فقط به ملاکهایی مطلق و ضروری توجه می‌شود.

تعارض ملاکها و تصمیم‌گیری: در فرآیند‌گزینش همسر پس از شناخت ملاکهای لازم، تطبیق آنها بر فرد مورد نظر امری مهم و برای بیشتر افراد دشوار است. همسان‌همسری جغرافیایی و به عبارت دیگر، نزدیکی محل سکونت، و تحصیل یا اشتغال دو نفر، به شناخت آنها از صفات یکدیگر بسیار کمک می‌کند. با وجود این، اکنون ازدواج با افراد متعلق به فرهنگهای گوناگون افزایش یافته است. این امر و برخی تحولات اساسی در گزینش همسر، از آثار پیشرفتهای علمی و فن‌آوری اطلاعاتی عصر حاضر است. همین امر فرآیند شناخت ویژگی‌ها و گزینش همسر مناسب را دشوارتر کرده است. در این

شرایط، اولین گام سعی در شناخت تحقق شرایط لازم مانند حد نصاب ایمان، تقوا، حسن خلق و سلامت جسمانی و روانی در فرد مورد نظر است. بدیهی است در این مرحله، اوصاف روانی و جسمانی ظاهری زن و مرد در نظر یکدیگر، آنان را تا حدی مجذوب هم ساخته است؛ زیرا در غیر این صورت به دنبال شناخت بیشتر هم نبودند. همان گونه که گذشت، حتی اگر یکی از این چهار شرط تأمین نشود، فرد از شرایط لازم برخوردار نیست. با اطمینان یافتن از وجود شرایط لازم در فرد مورد نظر، باید به بررسی ملاکهای دیگر و تصمیم‌گیری پرداخت. در میان ویژگی‌های دیگر، مهم‌ترین نکته توجه به همسانی و تشابه زن و مرد است. در تعارض صفات، برخی جنبه‌های روان‌شناختی افراد که در سازگاری و رضایت زناشویی تأثیر بیشتر دارد، باید ترجیح داده شود. این موارد عبارت‌اند از: رفتار و شیوه برخورد در خانواده، و نگرشهای مربوط به زندگی خانوادگی، مانند فرزندپروری، مهار و تعدیل عواطف. با توجه به این اولویت‌بندی، به نظر می‌رسد بروز تعارض، بیشتر در اثر عدم شناخت کافی از فرد است؛ زیرا در صورت کسب اطلاعات کافی از فرد مورد نظر، با تأمل و دوری از احساسات گذرا می‌توان به فرد فاقد شرایط لازم، پاسخ منفی داد و به بررسی ویژگی‌های دیگر فرد واجد شرایط پرداخت. البته پاسخ رد به فرد واجد شرایط لازم که فاقد یا دارای برخی صفات دیگر در حد پایین است، باید با تأمل بیشتری صورت گیرد؛ زیرا انتخاب او نیز مشکلی در زندگی آینده زناشویی در پی نخواهد داشت. همان‌گونه که بیان شد، بر اساس رهنمودهای اولیای دین (ع)، رد کردن چنین افرادی، ممکن است پیامدهای اجتماعی و فردی ناخوشایندی به دنبال داشته باشد؛ بنابراین، دو اصل مهم در فرآیند گزینش همسر، باید رعایت شود:

اول: شناخت شرایط لازم و سایر ویژگی‌های همسر مناسب، و نیز، شناخت صفات، حالات و رفتارهای مخل زندگی زناشویی مطلوب.

دوم: تلاش برای به دست آوردن اطلاعات لازم و کافی از فرد داوطلب برای ازدواج؛ بدین منظور با تحقیق در مورد ویژگی‌های فرد مورد نظر از محل تحصیل، کار و زندگی، و در مورد خانواده او، از بخش مهمی از شخصیت فرد آگاهی کسب می‌شود. افزون بر این، با برگزاری چند جلسه ملاقات و توجه به گفتار و سایر حالات غیر کلامی فرد، اطلاعات مطلوبی برای تصمیم‌گیری در اختیار طرفین قرار می‌گیرد. به نظر می‌رسد، هر چه دختر و پسر در فرآیند گزینش همسر به این دو اصل بیشتر پایبند باشند، انتخاب آنها مناسب‌تر خواهد بود.

در مرحله‌گزینش همسر از وظایف مهم والدین و نزدیکان، کمک به جوان در انتخاب همسر و شروع زندگی خانوادگی است. قرآن در خطابی عام به مسلمانان توصیه می‌کند که مردان و زنان مجرد به ویژه افراد کم درآمد را همسر دهید^۱. والدین افزون بر کمکهای اقتصادی و راهنمایی در انتخاب همسر، باید به کسب استقلال جوان و آزادی او در تصمیم‌گیری توجه داشته باشند. کمک دیگر افراد به ازدواج دو نفر^۲ و معرفی اشخاص آماده ازدواج و وساطت در این امر نیز در اسلام بسیار با ارزش شمرده شده است، به گونه‌ای که آن را بالاترین شفاعتها (واسطه‌های خیر) اعلام کرده‌اند.^۳ یاری دیگران ممکن است به صورت حمایت‌های مالی، در قالب دادن وام، هدیه و حتی کمکهای بلاعوض، و حمایت‌های عاطفی مانند درک نیازها و وضعیت روانی فرد و کمک به رفع تردیدها، و راهنمایی جوانان در قالب مشاوره و آموزش مسائل ازدواج و خانواده باشد.

۱. «وَأَنْكِحُوا الْأَيَّتِمَّ مِنَ الَّذِينَ يَدِينُونَ مِنَ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ...» نور، ۳۲.

۲. «من زوّج اخاه المؤمن امرأة يأنس بها و تشد عضده و يستريح اليها... انسه بمن احب من الصديقين» نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۲۱۴.

۳. «افضل الشفاعات من تشفع بين اثنين في نكاح حتى يجمع الله شملهما» همان، ص ۱۷۳.

آثار روان‌شناختی ازدواج

ازدواج و تشکیل خانواده در همه مراحل تاریخ آثاری گسترده بر ابعاد مختلف زندگی بشر داشته است و نمی‌توان تأثیرهای آن را به زمینه‌ای خاص محدود ساخت. با اذعان به این واقعیت، در این فصل در پی آنیم که آثار روان‌شناختی ازدواج را بر زندگی افراد بررسی کنیم. پس از آن، با توجه به یکی از آثار ازدواج که گسترش روابط اجتماعی است، به روابط خویشاوندی و آثار آن از دیدگاه اسلام خواهیم پرداخت.

۱. ارضای نیازهای جنسی

احساس جنسی و اندامهای مربوط به آن، بخشهای مهمی از وجود انسان هستند. برای حفظ و استمرار سلامت و آرامش روانی، اولین نکته تصدیق صریح و درک احساس و جنبه جنسی خویش و جنس مخالف است. عدم توجه به این نکته ممکن است افراد را دچار ناراحتی‌های جدی کند.^۱ در روان‌شناسی فلسفی، یکی از قوای انسان را قوه شهویه نامیده‌اند که بخشی از آن به نیازهای جنسی مربوط می‌شود،^۲ با وجود این، در بیشتر جوامع تا چند دهه قبل و پیش از افرادی مانند فروید، مسائل جنسی به صورت تابوی فرهنگی محسوب می‌شد؛ برای نمونه، تحقیقی در مورد دانش‌آموزان نشان داد که آنان اغلب نمی‌توانند در باره مسائل جنسی از والدین پرسش کنند؛ زیرا آنها عصبانی شده و فرزندان را به بداخلاقی و سوء تربیت متهم می‌کنند. گاه به احساس حقارت یا سراسیمگی دچار شده و احتمالاً با پاسخ دروغ و اظهار بی‌اطلاعی، واکنش نشان می‌دهند. هرچند انگیزه والدین صیانت کودکان است، لیکن به شکل رمز و راز در آوردن

۱. ستیر، ویرجینیا، آدم‌سازی در روان‌شناسی خانواده، ص ۱۳۱.

۲. خواجه‌سوی، محمد، ترجمه اسفار، ج ۴/۲، ص ۸۵-۸۷.

مسائل جنسی، آنان را در آینده دچار مشکل می‌کند^۱. راه حل این مشکل، آموزش مناسب امور جنسی است و اولین گام تغییر این تلقی است که اطلاعات جنسی و اصل این رفتار شرم‌آور و زشت است. برای تغییر این نگرش باید مرز بین فضای خصوصی خانواده و فضاهای عمومی را به طور واضح تعریف نمود. در محدوده زن و شوهر، انتقال اطلاعات در مورد رفتار جنسی در حد سالم و مشروع و کمک به آموزش یکدیگر، امری مطلوب و گاه لازم است. اگر سنوالات و مشکلاتی در این زمینه بروز نماید، زن و شوهر باید با رعایت حدود لازم، مسائل را با متخصصان روان‌شناسی و پزشکی در میان بگذارند. در غیر این صورت، مشکلات تشدید می‌شود. در تعالیم اسلام حیا در محدوده‌ای که بیان شد، نامطلوب محسوب می‌گردد؛^۲ به همین جهت، اولیای دین (ع) در پاسخ به مراجعان، با صراحت راهنمایی‌هایی ارائه می‌دادند که گاه به نحوه روابط جنسی مربوط می‌شد.^۳ با وجود این، در فضاهای عمومی صحبت از این روابط باید با پوشش و در حد لازم باشد. آنچه در مورد حیا و اهمیت آن در دین اسلام بیان شده، به همین امر باز می‌گردد؛^۴ از این رو در متون اسلامی، در بحث از مسائل جنسی بیشتر از استعارات استفاده می‌شود؛ یعنی از کلماتی که به طور صریح بر این روابط دلالت دارد، استفاده نمی‌شود؛ برای مثال، در قرآن برای اشاره به روابط جنسی از کلماتی مانند «مباشرت»^۵ به معنای تماس بدنی و پوستی دو نفر، «لباس بودن برای هم» و «رفت»^۶ به معنای انواع لذت جنسی زن و مرد از هم، استفاده شده است.^۸ گام دوم، ایجاد تلقی مثبت از روابط جنسی و محبتی است که در اثر آن پدید می‌آید. در اثر این تلقی، فرد از احساس جنسی خود و همسر لذت می‌برد و استفاده از آن را فقط در حد ضرورت

۱. ستیر، آدم‌سازی در روان‌شناسی خانواده، ص ۱۳۱.

۲. از جمله، روایاتی که حیا نکردن زن در کنار شوهر را از صفات نیک زن به شمار می‌آورد، این روایت است: «خیر نسائکم التی اذا خلعت مع زوجها خلعت له درع الحیاء» حرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۵.

۳. رک: همان، ص ۳۸، ۷۲، ۷۵، ۷۷، ۸۳ و ۸۴.

۴. «لایمان لمن لاحت له» کلینی، کافی، ج ۲، ص ۶۰۶؛ و مجلسی، بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۳۳۱.
«العیاء علی وجهین، فتمنه الضعف و منه قوّة و احلام و ایمان» مجلسی، بحارالانوار، ج ۵، ص ۱۹۷. روایاتی که بر لزوم رازداری و پوشش روابط جنسی تأکید شده است، به علاوه آیه ۵۸ سوره نور، در مورد لزوم اجازه کودکان در سه وقت از شبانه روز برای ورود به اتاق والدین، همه بر لزوم حیا در محدوده عمومی دلالت دارد.

۵. «فَالْمَنْ بَشِيرُهُمْ وَأَبْتَعُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ» بقره، ۱۸۷.

۶. «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ» بقره، ۱۸۷.

۷. «أَجِلٌ لَكُمْ لَيْلَةَ الصَّيِّمِ الرَّفَثُ إِلَيَّ نَسَآبِكُمْ...» بقره، ۱۸۷.

۸. اسماعیلی، علی، جوان، انگیزه و رفتار جنسی، ص ۴۰.

نمی‌بیند. در غیر این صورت، ممکن است فرد در ارضای نیازهای جنسی خود در پرتو ازدواج دچار مشکل شود. همین امر ممکن است فرد را دچار تمایل به همجنس یا اختلال در روابط جنسی و یا جنایات جنسی کند. این‌گونه افراد اغلب با تحریمهای غلط و نابجای جنسی رشد و نمو کرده‌اند. افزون بر این، حتی تحریم احساس صحیح جنسی می‌تواند فرد را در سازگاری با اشخاص و حتی عواطف خویش به دشواری افکند.^۱ برخی مانند فروید، در رابطه با نیاز جنسی پا را فراتر گذاشته و رشد روانی و تحول شخصیت افراد را بر اساس غریزه جنسی و تمرکز آن بر بخشهای مختلف بدن تبیین کرده‌اند. هرچند همه منتقدان، نگاه فروید به غریزه جنسی را مبالغه‌آمیز و افراطی تلقی می‌کنند^۲، ولی در مجموع اهمیت مسائل جنسی و نقش مؤثر آن در رفتارهای انسان قابل انکار نیست، به طوری که سرکوب و بی‌توجهی به این غریزه می‌تواند منشأ بسیاری از اختلالات روانی باشد.

اینک با تفصیل بیشتری به بررسی دیدگاه اسلام در باره رفتار جنسی می‌پردازیم. تعالیم اسلام مطابق طبیعت انسان است^۳ و به همه نیازهای جسمانی و روانی انسانها توجه دارد. در این میان، نیاز جنسی مورد تأکید قرار گرفته و در بسیاری از آیات قرآن، نکاتی در باره آن بیان شده است. دوست داشتن و روابط جنسی و زینت آن برای زندگی، در قرآن تصریح شده^۴ و حتی توجه انبیا به دوست داشتن زنان و روابط جنسی مورد تأکید قرار گرفته است^۵، به گونه‌ای که پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: از دنیای شما عطر و زنان را دوست دارم^۶. در متون اسلامی وقتی از روابط جنسی سخن به میان می‌آید، مردان بیشتر مورد خطاب هستند، یا به زنان توصیه می‌شود که با همراهی و علاقه، به این روابط تن دهند. این امر ممکن است به دلیل لزوم رعایت حیا در زنان بیش از مردان

۱. سنیر. آدم سازی در روان‌شناسی خانواده، ص ۱۳۲-۱۳۴.

۲. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، مکتبهای روان‌شناسی حوزه و دانشگاه، ص ۳۲۱.

۳. آیات بسیاری از قرآن بر این واقعیت تأکید دارد، از جمله آیه ۳۰ سوره روم: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» و نیز «لم يرسلني الله تعالى بالرهبانية ولكن بعثني بالحنيفة السهلة السمعة» كليني،

كافي، ج ۵، ص ۴۹۴.

۴. «رُئِيَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ...» آل عمران، ۱۴.

۵. «من اخلاق الانبياء حب النساء» حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۰ و «ثلاث من سنن المرسلین... کثرة الطرقة»، ص ۴.

۶. «حب الی من الدنیا ثلاث: الطیب و النساء و قرة عینی فی الصلاة» مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۶۴۹.

باشد^۱. «الحياء حسن و لكن في النساء احسن». همانگونه که گفته شده است: حیا ده جزء دارد که نه جزء آن به زنان تعلق دارد و یک جزء آن در مردان است^۲. دلیل دیگر این امر، فعال بودن مردان، هر چند در ظاهر، در این روابط است؛ گویا زنان کم‌تر فعال یا بیشتر منفعل‌اند. در بحث انواع خانواده در اسلام بیشتر به این موضوع خواهیم پرداخت. در هر صورت، یکی از ابعاد مهم زندگی انسان لذت‌جویی است که می‌توان اوج آن را در روابط جنسی دانست^۳. تعالیم اسلام، این واقعیت زندگی بشری را تأیید کرده و حتی آن را به زندگی پس از مرگ تعمیم داده است. در سخنان اولیای دین (ع) آمده است که مردم در دنیا و آخرت از هیچ چیز به اندازه روابط جنسی لذت نمی‌برند^۴. افزون بر این، اسلام به این روابط با دید مثبت نگاه می‌کند و حتی به آن رنگ معنوی و عبادی می‌دهد. اولیای دین (ع) در موارد متعدد از پاداش اخروی در روابط جنسی سخن می‌گفتند که گاه تعجب افراد را برمی‌انگیخت^۵. اولیاء دین (ع) با معادل‌سازی پاداش روابط جنسی با برخی تکالیف دینی دشوار مانند جهاد، ریزش گناهان و پاک شدن افراد^۶، به دنبال ایجاد نگرش مثبت دینی به این رفتار در زن و شوهر هستند که این امر باعث می‌شود آنان احساس مثبتی از این روابط داشته باشند و لذت و نشاط بیشتری برای آنها حاصل شود. تقویت این نگرش، مانع بروز احساس گناه در اثر روابط جنسی در زن و مرد است. هرچند تعالیم اسلام با روشهای متعدد به دنبال فراهم آمدن لذت در روابط جنسی زن و مرد است، سنتهای غلط و برداشتهای نادرست از دین و اخلاق باعث بروز احساس گناه در اثر روابط جنسی در برخی افراد می‌شود که با استفاده از آموزه‌های دینی می‌توان از بروز چنین حالتی جلوگیری کرد. از امتیازهای مهم دین اسلام نسبت به برخی ادیان که غالباً به روابط جنسی با دید منفی می‌نگرند^۷، ارزش‌گذاری مثبت به این روابط است. ارضای نیازهای جنسی با رعایت عفت و تقوا منافاتی ندارد، بلکه تنها در پرتو رعایت تقوا و عفت می‌توان این نیاز را در حد کافی ارضاء نمود و جلو هیجانهای بی‌جا و ناراحتی‌هایی

۱. فرید، مرتضی؛ نهج الفصاحة، ص ۴۲۵. ۲. مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۳۳۶.

۳. «الذ الاشياء مباضعة النساء» حرعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۰.

۴. «ماتلذذ الناس فی الدنيا و الآخرة بلذة اکثر لهم من لذة النساء» همان.

۵. «انت اهلك توجر فقال: یا رسول الله (ص)، آتیهم و أوجر؟... اذا خاف علی نفسه فأتی الحلال أجر» همان، ص ۷۷.

۶. همان، ص ۷۶؛ نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۵۰.

۷. اکبر، ر. ا. برگزیده افکار راسل، روان‌شناسی رابطه زناشویی، ص ۱۲۱-۱۳۶.

مانند احساس محرومیت و سرکوب شدید را گرفت و به عبارت دیگر، پرورش و ارضای یک نیاز، غیر از تحریک غیرطبیعی و ارضای بدون قید و شرط آن است.^۱

با توجه به نکات یاد شده، اسلام ارضای جنسی را تنها از راه ازدواج می‌پذیرد و آن را رکن اساسی ازدواج می‌داند، به طوری که اگر به دلایلی، ارضای نیازهای جنسی در سایه ازدواج زن و مردی مقدور نباشد، به راحتی می‌توان این ازدواج را بر هم زد.^۲ بیماری‌ها یا ناتوانایی جنسی که در مرد مانع برقراری روابط جنسی می‌شود، طبق ماده ۱۱۲۲ قانون مدنی و متون روایی، موجب حق فسخ عقد ازدواج برای زنان می‌شود. در مورد زنان نیز طبق قانون ۱۱۲۳ قانون مدنی و متون روایی، برخی نقصها که موجب اختلال در روابط جنسی می‌شود، موجب حق فسخ ازدواج برای مرد می‌گردد.^۳ همچنین از وظایف اساسی زن و مرد در ازدواج، ارضای نیازهای جنسی طرف مقابل است. در این رابطه زن یا مرد نمی‌توانند حتی به بهانه عبادت از روابط جنسی سر باز زنند.^۴ تعالیم اسلام نه تنها به اصل برقراری روابط جنسی اهمیت می‌دهد، بلکه به حاصل آن که لذت طرفین است نیز توجه دارد؛ از این رو، راهکارهایی به زن و مرد توصیه می‌کند که لذت متقابل حاصل شود. به زن توصیه می‌کند که تا آن جا که امکان دارد، به این روابط تن دهد، حتی اگر در شرایط کاملاً مساعد قرار نگرفته باشد.^۵ افزون بر همراهی، مناسب است زن با استفاده از زیباترین لباسها و خوشبوترین عطرها و بهترین لوازم آرایشی خود، خویش را بیاراید^۶ و هرگونه حیا و خودداری حین روابط جنسی را کنارگذارد^۷ و همه نیازهای جنسی مرد را در چهارچوب قوانین شرعی تأمین نماید^۸ و در زمانهای مناسبی از شبانه‌روز، زمینه برآورده شدن این نیازها را به طور کامل فراهم کند.^۹

۱. مطهری، اخلاق جنسی، ص ۵۵.

۲. مطابق قوانین اسلام، عیوب و نقصهایی که مانع ارضای جنسی زن یا مرد باشد، باعث فسخ ازدواج می‌شود.

خمینی، سید روح‌الله، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۲۹۲ - ۲۹۳.

۳. راستی، زهرا، و... انحلال نکاح به واسطه عیب، ص ۳۱ و ۶۱.

۴. «... أترغبون عن النساء، انی آتی النساء... و لَا تُحْزِمُوا طَیِّبَتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ ... (مائده، ۸۷)» حرّعاملی،

وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۸ و برای زنان: «لَا تَطُولَنَّ صَلَاتُكَ لَتَمْنَعَنَّ اَزْوَاجَكَ» ص ۱۱۷.

۵. «وَلَا تَمْنَعَنَّ نَفْسَهَا وَاِنْ كَانَتْ عَلٰی ظَهْرِ قَتَبٍ» همان، ص ۱۱۲.

۶. «اِنَّ تَطَيَّبَ بِاطْيَبِ طَيِّبِهَا وَ تَلْبَسَ اِحْسَنَ ثِيَابِهَا وَ تَزَيَّنَ بِاِحْسَنِ زِينَتِهَا.» همان.

۷. «خَيْرَ نَسَائِكُمْ الَّتِي اِذَا خَلَّتْ مَعَ زَوْجِهَا خَلَعَتْ لَهٗ دَرْعَ الْعِيَاءِ...» همان، ص ۱۵.

۸. «الْمُتَزَجَّةُ مَعَ زَوْجِهَا... وَاِذَا خَلَا بِهَا بَدَّلَتْ لَهٗ مَا يَرِيدُ مِنْهَا» همان، ص ۱۴.

۹. «وَتَعْرَضُ نَفْسَهَا عَلَيْهِ غَدَوَةً وَ عَشِيَّةً» همان، ص ۱۱۲.

تعالیم اسلام به مرد نیز توصیه‌هایی دارد تا روابط جنسی برای زن نیز لذت‌بخش باشد. اولین نکته زینت و ظاهر جسمانی مرد است. تمیزی بدن، زینت و استفاده از عطر، راه‌هایی است که زمینه جذب طرف مقابل را فراهم می‌کند. به‌طور کلی، آمادگی مرد باید به همان میزانی باشد که انتظار دارد زن برای او آماده باشد.^۱ نکته دیگر، دوری از عجله و شتاب در روابط جنسی است. به مردان توصیه شده است به جهت نیازهای روانی زنان و لذت‌بخشی بیشتر، این روابط را با درنگ بیشتر همراه سازند.^۲ به این منظور، مناسب است استفاده از ارتباطات کلامی^۳ و الفاظ مناسب و نیز روابط غیر کلامی، مانند تماسهای بدنی لذت‌بخشی چون بوسیدن،^۴ مقدمه آمیزش جنسی قرار گیرد. ملاحظه پیش از آمیزش مورد تأکید قرار گرفته^۵ و توصیه شده است که پیش از لذت بردن زن، مرد در پایان دادن به آمیزش شتاب نکند.^۶ توجه زن و مرد به این نکات و رعایت آنها، روابط جنسی را برای هر دو لذت‌بخش می‌کند. در غیر این صورت، بروز مشکلات روانی و سازشی اجتناب‌ناپذیر است.^۷ در قرآن، پس از بیان حکم جواز روابط زناشویی در شبهای ماه مبارک رمضان، زنان را لباس مردان و مردان را لباس زنان معرفی می‌کند.^۸ از این تعبیر می‌توان برداشت کرد که در روابط جنسی نیز در صورتی زن و مرد می‌توانند^۹ عفت یکدیگر را حفظ کنند که این روابط برای هر دو رضایت‌بخش باشد. افزون بر این، این تعبیر با متقابل بودن و همراهی کردن در روابط جنسی مناسبت بیشتری دارد.^{۱۰}

تعالیم اسلام پس از ازدواج رسمی بین زن و مرد، گونه‌های مختلف روابط جنسی بین

۱. «ایسوک ان تراها علی ما تراک علیه اذا کنت علی غیر تهیئة... من اخلاق الانبیاء التتظف و التطیب و حلق الشعر...» همان، ص ۱۸۳.
۲. «فلیکن بینهما ملاحظه» «مداعبه» فانه اطیب للامر» همان، ص ۸۲ و «اذا اراد احدکم ان یأتی زوجته فلا یعجلها فان للنساء حوائج» ص ۸۳ و «اذا جامع احدکم اهله فلا یأتیهن کما یأتی الطیر لیمکت و لیلبت» ص ۸۳.
۳. «ولیکن بینهما رسول، قیل: ما الرسول؟ قال: القلبلة و الکلام» جزائری، سید عبداللہ، تحفة السنیة، ص ۲۷۷.
۴. همان؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۷ و «لا یأس ان یستعین بکل شیء من جسده علیها» حرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۷۷.
۵. «فهلأ فتاة تلاحظها و تلاحظک» نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۷۹ و ۲۲۱.
۶. «... ثم اذا قضی حاجته قبل ان تقضى حاجتها فلا یعجلها حتی تقضى حاجتها» موصلی، احمد بن علی، مسند ابن یعلی، ج ۷، ص ۲۰۹؛ الهیثمی، علی ابن ابوبکر، مجمع الزوائد، ص ۲۹۵.
۷. عک، خالد عبدالرحمان، آداب الحیاة الزوجیة...، ص ۴۱۳-۴۱۶.
۸. «أجل لکم لیلة ألیتیم ألقفت إلی نساءکم هن لیاس لکم و أنتنم لیاس لهن» بقره، ۱۸۷.
۹. براساس سخن صاحب تفسیر مجمع البیان می‌توان لباس را در این جا اشاره به روابط جنسی مرد و زن دانست (طبرسی، مجمع البیان، ج ۱، ذیل آیه ۱۸۷ بقره). ۱۰. عک، آداب الحیاة الزوجیة، ص ۴۲۱.

آنها را اجازه می‌دهد و در واقع، زن و مرد را در ارضای انگیزه جنسی در محدوده شرعی آزاد گذاشته است. با وجود این، به مردان توصیه می‌کند که تلاش کنند در روابط جنسی، به زن آسیبهای جسمانی و روانی وارد نشود. در این رابطه گفته شده است که زن، عامل نشاطبخش و سرگرم‌کننده شماسست، و به هیچ وجه نباید او را آزار دهید^۱. برخی شیوه‌های روابط جنسی اگر برای زن ناخوشایند باشد، نامناسب اعلام شده است^۲، هرچند در صورتی که موجب آسیب جدی نباشد، جایز است^۳. روابط جنسی یکی از بااهمیت‌ترین ارکان و تکیه‌گاه‌های روابط زن و شوهر است که در پرتو آن صمیمیت و نزدیکی بسیار شدیدی مبادله می‌شود. در روابط جنسی مشکلات مربوط به دوری یا نزدیکی رابطه زن و شوهر به عمیق‌ترین شکل بروز می‌کند و البته تأثیرات این روابط سبب تغییرات بسیار گسترده‌تری و رای صرف آمیزش جنسی است^۴ تعالیم اسلام به این گونه آثار روابط جنسی نیز اشاره دارد. تعامل جسم و روان که مبنایی برای تن‌آرمیدگی عضلانی (relaxation) محسوب می‌شود و فرد با آرامش ماهیچه‌های بدن و رفع تنش از آن، به آرامش روانی نائل می‌گردد^۵، در روابط جنسی نیز موجب بروز نشاط در فرد در اثر لذت جسمانی و تسکین برخی دردها و تنشهای بدن می‌شود که در کلمات اولیای دین(ع) به این امر تصریح شده است^۶. برای رفع افسردگی و حصول شادمانی و برطرف شدن سستی و عدم تحریک‌پذیری نیز روابط جنسی مؤثر است^۷. از سوی دیگر، ناتوانی یا دوری از روابط جنسی موجب تندى خُلق و خو و خشم در فرد می‌شود^۸. اولیای دین(ع) به همین جهت راه‌هایی برای تقویت میل جنسی و ایجاد رغبت بیشتر به روابط

۱. «انما المرأة لعبة من اتخذها فلا يضيئها» حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۲۰.

۲. «سألت عَمَن اُتی جاریته فی دبرها... المرأة لعبة لا تؤذی...» مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۲۹ و «...ان یوتی النساء فی ابدارهنّ فقال (علی(ع))؛ سفلت سفل الله بک. أما سمعت الله یقول: «أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِینَ (اعراف، ۸۰)» همان.

۳. طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۲، ص ۸۰۸ و «احلتها آیه فی کتاب الله فی قوم لوط: «هؤلاء بناتی هن اطهر لکم» هود، ۷۸، «و قد علم انهم لیس الفرج یریدون» مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۹.

۴. زیمون، ف، ب، مفاهیم و تئوری‌های کلیدی... ص ۱۹۰.

۵. فتحی، رسول، ریلکس تراپی، ص ۱۵۸-۲۰۰.

۶. «اذا كان بأحدکم أوجاع فی جسده و قد غلبته الحرارة فعليه بالفراش... غشيان النساء فانه يسكنه و یسطیفه» مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۹۱.

۷. «ما افاد رجل بعد الايمان خیراً من امرأة ذات دین و جمال شوّه اذا نظر اليها...» نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۶۹، ابن‌سینا. حسین بن عبدالله، قانون، ج ۱، ص ۳۱. و «اما لك جاریة تضعکک... فان ذلك یقطع البلغم» حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۳۷. بلغمی‌ها حالتی کند دارند و در جسم و روان کم‌تر تحریک‌پذیرند و

۸. جالاک و سرزنده نیستند. مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۴۶.

جنسی ارائه داده‌اند.^۱ در این رابطه برای حل مشکلات افراد در روابط جنسی، توصیه‌هایی در انتخاب همسر دارند^۲ و در موقعیتهای خاص^۳ و به‌طور کلی، افراد را به صراحت به انجام دادن عمل جنسی توصیه می‌کنند.^۴

از آن‌جا که تولید نسل از طریق روابط جنسی بین زن و مرد تحقق می‌یابد^۵، تعالیم اسلام در خصوص این بعد نیز توصیه‌هایی در باره چگونگی روابط جنسی^۶، زمان^۷، مکان^۸ و برخی شرایط زن و مرد در این حالت دارد. همراهی این رفتار با یاد خدا و درخواست فرزندان سالم و صالح از او، مورد تأکید قرار گرفته است.^۹ بر اساس تعالیم اسلام، وضعیت روانی زن و مرد در حال روابط جنسی از جمله کلامها^{۱۰}، افکار^{۱۱}، رفتار^{۱۲} و حتی آرامش و اضطراب^{۱۳}، و نیز چگونگی، مکان و زمان وقوع روابط جنسی در شخصیت و رفتار فرزند آنها مؤثر است^{۱۴}؛ برای مثال، گفته شده است که روابط جنسی زن و مرد اگر در شب جمعه باشد و فرزندى از آن پدید آید، استعداد سخنران شدن در او وجود دارد.^{۱۵}

آخرین نکته در روابط جنسی، مسائل بهداشتی آن در بعد روانی و جسمانی است. تعالیم اسلام در این جهت توصیه‌های بسیاری دارد^{۱۶}. از آن‌جا که بعثت پیامبر

۱. همان ص ۸۰-۸۳؛ حرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۸۵

۲. حرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۳۴-۳۸.

۳. «باب استیحاب اتیان الزوجة لمن نظر الی اجنبیة فأعجبتہ» همان، ص ۷۲.

۴. «فارجع الی اهلک فاصبهم» و «قُمْ فأصب من اهلک فأنه منک صدقة علیها» همان، ص ۷۵-۷۶.

۵. عبارتهای متعددی در قرآن به این مسئله اشاره دارد؛ از جمله: «نسانکم حرث لکم»، «وَأَبْتَقُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ» بقره، ۱۸۷.

۶. حرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۸۵ در باره نگاه کردن، و ص ۸۴ درباره نحوه روابط.

۷. همان، ص ۸۰ و ۸۸ و ۹۰ و ۹۱ و ۹۳ و ۱۸۷. ۸. همان، ص ۸۴، ۹۸.

۹. همان، ص ۷۹، ۸۱، ۸۲ و ۹۶.

۱۰. همان، باب «کراهة الکلام عند الجماع بغير ذکر الله و الدعاء»، ص ۸۶-۸۷.

۱۱. «لاتجامع امرأتک بشهوة امرأة غیرک...» همان، ص ۱۸۸؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۸۲.

۱۲. «لاتجامع امرأتک من قیام... فان قضی بینکما ولد کان جوالاً فی الفرائض...» همان، ص ۱۸۹.

۱۳. «فان الرجل اذا اتی اهله بقلب ساکن و عروق هادئة و بدن غیر مضطرب... فخرج الرجل یشبه اياه و امه» مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۴۱۵ و ج ۴۰، ص ۱۶۹ و ج ۶۰، ص ۲۵۱ و ۳۵۹.

۱۴. حرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۸۹، ۹۴، ۹۵، ۹۹، ۱۸۷، ۱۸۹ و ۱۹۰.

۱۵. «إن جامعتها لیلة الجمعة و کان بینکما ولد فأنه یكون خطیباً قوالاً مفوها» همان، ص ۱۹۰.

۱۶. همان، ص ۸۰، ۹۸، ۹۹، ۱۹۱ و ۱۹۲؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۹، ص ۳۲۷ و ۲۶۱.

اسلام(ص) در محدودهٔ جغرافیایی دور از فرهنگ و دانش و در زمان فقدان بهداشت مناسب بود، می‌توان به الهی و فوق بشری بودن توصیه‌های دین در این زمینه اذعان کرد. توصیه کلی اسلام در مورد روابط جنسی، تعدیل و مهار آن با توجه به مقتضای سنی افراد است که این امر در سلامت و طول عمر مؤثر است^۱. و افزون بر این، زیاده‌روی در این روابط نیز تأثیرات روان‌شناختی نامطلوبی بر افراد دارد که در کلمات اولیای دین(ع) به برخی از آنها اشاره شده است.

۲. آرامش روانی

از هدفهای مهم ازدواج، تحصیل آرامش روانی و سکون قلبی زن و شوهر در سایه برقراری روابط عاطفی و اجتماعی بسیار نزدیک آنها با هم است. قرآن کریم در آیات متعددی به این واقعیت اشاره می‌کند: «از نشانه‌های خداوند این است که از نوع خودتان، همسرانی برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و میانتان دوستی و رحمت نهاد»^۲. و «اوست خدایی که شما را از نفس واحدی آفرید و همسران را از آن پدید آورد تا در کنار او بیسایید»^۳.

برقراری رابطه میان زن و شوهر و به تعبیر دیگر، کشش آنها نسبت به هم، مبتنی بر سه عامل است:

عامل اول، تشابه و هم‌شکلی آنان در جنبه‌های جسمانی و روانی است که چیزی بیش از هم نوعی آنهاست.

عامل دوم، تفاوت‌های جسمانی و روانی آنها است که به ساختارهای هورمونی و بدنی باز می‌گردد. این تفاوتها موجب می‌شود زن و مرد به یکدیگر جذب شده و با هم انس گیرند؛ افزون بر این، زمینه مکمل بودن شخصیت آنها برای یکدیگر را فراهم می‌کند. تشابه و مکمل بودن نیازها، دو عامل مهم در جاذبه میان‌فردی است.^۴ بیشتر مفسران به

۱. «من اراد البقاء و لابقاء... و ليقفل غشيان النساء» مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۹۵.

۲. روم، ۲۱.

۳. اعراف، ۱۸۹.

۴. آذربایجانی مسعود و...، روان‌شناسی اجتماعی...، ص ۲۵۶-۲۶۱.

این دو عامل مهم، در تفسیر رابطه آرامش‌بخش زن و شوهر تصریح کرده‌اند.^۱ بخشی از کشش زن و مرد به جنبه‌های جنسی باز می‌گردد که روابط و نیازهای جنسی تبیین‌کننده آن است.

عامل سوم، نیاز پیوندجویی در انسان است.^۲ زن و مرد، محرک مثبت برای یکدیگر به شمار می‌روند، هنگام بروز مشکلات همراه و رفیق و حامی عاطفی یکدیگرند؛ با پیوند به هم ناراحتی ناشی از عدم اطمینان به آینده را کاهش می‌دهند؛ و در رابطه آنها با یکدیگر، نیاز به توجه در ضمن ستایش و تمجید یکدیگر برآورده می‌شود.

بررسی وضعیت روانی دختر و پسر پیش از ازدواج، چگونگی تأثیر گذاری ازدواج در آرامش روانی را آشکار می‌کند. فرد در آستانه ازدواج، در اثر نیازهای جنسی به نوعی دچار ناآرامی و اضطراب است و دوستی‌های دوره جوانی نمی‌تواند آرامش مطلوب را فراهم کند از سوی دیگر، رفتارهای جنسی خارج از چهار چوب ازدواج قانونی، اهمیت محبت و عواطف متقابل در سایه ازدواج را بیشتر کرده است، به گونه‌ای که نیاز به مهر و محبت و داشتن شریک و همراه در زندگی از مهم‌ترین انگیزه‌های ازدواج است؛^۳ گویا محبت به هم، احساسی لازم برای زندگی و غمخواری و پذیرش هم در تجربه‌های زندگی امری ضروری است.^۴ کشش‌های احساسات متعارض و در عین حال قوی جوانی را چیزی مانند ازدواج حل‌کننده و آرامش‌دهنده نیست.^۵ و چنان‌که گذشت، آیات قرآن نیز بر سکونت و آرامش‌بخشی ازدواج تصریح دارد. در واقع می‌توان گفت در میان انسانها، نزدیک‌ترین رابطه عاطفی میان زن و شوهر برقراری شود و همین رابطه در کاهش نگرانی‌ها، اضطرابها و آشفتگی‌ها نقش اساسی دارد، به طوری که خانواده منبع مهمی برای تأمین حمایت روانی و عملی در مقابله با تنش شناخته شده است.^۶

۱. از جمله: زمخشری، محمود بن عمر، کشاف، ج ۳، ص ۴۷۲؛ رشید رضا، تفسیر المنار، ج ۹، ص ۵۱۸؛ طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۱۶۶.

۲. آذربایجانی و دیگران، روان‌شناسی اجتماعی، ص ۲۴۸.

۳. هر چند زندگی زن و مردی با هم، ممکن است زمینه محبت متقابل را تا حدی فراهم کند، ولی از آن‌جا که این امر در بسیاری از فرهنگها ناپنجار محسوب می‌شود، و افزون بر آن، نوعی پیوند متزلزل است، به گونه‌ای که هر یک از زن و مرد می‌توانند با شریک جنسی دیگر ارتباط داشته باشند، هیچ‌گاه نمی‌تواند زمینه مناسبی برای حمایت عاطفی و روانی زن و مرد از یکدیگر باشد.

۴. بورنستین، ف. ج، روشهای درمان مشکلات زناشویی، ص ۱۲-۱۳.

۵. رشید رضا، تفسیر المنار، ج ۹، ص ۵۱۸.

۶. مظاهری، محمد علی و دیگران، «مقایسه بهداشت روانی در زوجهای...»، ص ۵۳.

نقش روابط زن و شوهر وقتی روشن می‌شود که تأثیر فقدان یا آسیب به این روابط را مشاهده کنیم. در میان حوادث استرس‌زا، شدیدترین استرسها در اثر ضربه و از هم گسیختگی روابط خانوادگی پدید می‌آید، به طوری که مرگ همسر ۱۰۰، طلاق ۷۳، زندگی جدا از همسر ۶۵، مشکلات جنسی ۳۹ و تغییر عمده در روابط در اثر مشاجرات خانوادگی ۳۵ درجه تنیدگی به دنبال دارد.^۱ این میزان نسبت به سایر حوادث تنش‌زای زندگی، بسیار بالاتر است. بر این اساس، از بهترین راههای مقابله با استرس برقراری روابط مناسب و رضایت‌بخش بین زن و شوهر است. هنگام نیاز به حمایت اجتماعی نیز، زن و شوهر می‌توانند بهترین یاور یکدیگر باشند.^۲ مطالعات نشان می‌دهد که کمک مالی، حمایت عاطفی و همکاری، سه عامل مهم رضایت در زندگی خانوادگی است، هر چند دو عامل اول مهم‌تر اعلام شده است.^۳

در متون اسلامی، دل‌بستگی زن و شوهر، به انس آنها با هم و تعامل گفتاری تعبیر شده است.^۴ قرآن کریم در توصیف رابطه بسیار نزدیک زن و شوهر، از کنایه زیبایی استفاده می‌کند که می‌توان نکات ظریفی از آن برداشت کرد «آنان [زنان] برای شما لباسی هستند و شما برای آنها لباسی هستید.»^۵ لباس یعنی مایه آرامش؛ شب نیز به لباس تشبیه شده است؛ و همانگونه که شب آرامش‌بخش است، روابط زن و مرد نیز آرامش‌بخش است.^۶ افزون بر این، لباس نقشهای متعددی را ایفا می‌کند: نخست، نقاط حساس بدن هر فرد که مایل نیست دیگران مشاهده کنند، می‌پوشاند. دوم، فرد را از سرما و گرما محافظت می‌کند. سوم، از خطراتی که ممکن است بر بدن وارد شود، می‌کاهد، و چهارم، در عصر حاضر مهم‌ترین زینت فرد و نشانه هویت ملی، شغلی و بعضاً شخصیت افراد به شمار می‌رود. زن و شوهر نیز نسبت به هم چنین کارکردهایی دارند؛ هر یک می‌توانند عیبهای دیگری را بپوشانند؛ یکدیگر را در خطرها و فشارها محافظت کنند و موجب زینت و رشد یکدیگر باشند.^۷

۱. دیمانثو، ام، روان‌شناسی سلامت، ج ۲، ص ۵۲۵-۵۳۴.

۲. همان، ضمیمه، ص ۷۶۴.

۳. آرگیل، مایکل، روان‌شناسی شادی، ص ۱۴۱.

۴. «ثم ابتدع له حواء... فقال آدم: یا رب، ما هذا الخلق الحسن فقد انسنی قربه و النظر الیه؟ فقال الله: یا آدم، هذه امتی حواء افتحب ان تکون معک تؤنسک و تحدثک؟...» حرزعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۲.

۵. «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ» بقره، ۱۸۷.

۶. با استفاده از آیه «وَجَعَلْنَا أَلْوَالٍ لِّبِائِسَاءِ نَبَأ: ۱۰، طبرسی، مجمع البیان، ج ۱، ص ۵۰۴.

۷. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۴۷۳، در ضمن تفسیر همان آیه.

در تحقیقات، زنان به عنوان مادران، همسران و دوستان صمیمی، مشوق و عامل شادابی شمرده شده‌اند. همسر می‌تواند بزرگ‌ترین منبع رضایت باشد و رضایت زناشویی با نبود افسردگی رابطه نزدیکی دارد.^۱ انس و دلبستگی در خانواده، بین والدین و فرزندان نیز وجود دارد. دلبستگی مادر و کودک به عنوان یک موضوع تحولی، در تحقیقات مورد توجه قرار گرفته است.^۲ بیشتر والدین، شادی را به عنوان یک مزیت از کودکان دریافت می‌کنند و معمولاً کودکان و والدین با هم می‌خندند.^۳ در مجموع، ازدواج و زندگی خانوادگی زمینه بسیار مطلوبی برای حصول دلبستگی، انس و آرامش است. نکته جالب توجه آن است که الگوی دلبستگی و شیوه صمیمیت افراد بزرگ سال با هم، مشابه طرق رابطه و صمیمیتی است که با والدین خود داشته‌اند.^۴

پیوندهای عاطفی میان بزرگسالان، به ویژه زوجین، به منزله استمرار و ادامه پیوندهای عاطفی میان کودک و والدین و کنشهایی مشابه دلبستگی کودکی است، ولی با سطح تحولی متفاوت؛ ازدواج بستر تجربی تشکیل دهنده پیوندهای عاطفی است.^۵ با توجه به نکته‌ای که بیان شد، بررسی نحوه دلبستگی کودکی و دلبستگی زوجین نیز بسیار به هم مرتبط است. براساس تحقیقات، الگوی مناسب دلبستگی کودک و مادر، به میزان تماس بدنی، دیداری، کلامی، آگاهی و پاسخدهی مادر نسبت به نیازهای کودک بستگی دارد. اگر این دلبستگی ایمنی بخش باشد، کودک در آینده از عواطف مثبت، همدلی، حرمت نفس بالا و تعاملهای بدون تعارض با همسالان و بزرگسالان برخوردار خواهد بود. این افراد که در صدد نزدیک شدن به دیگران هستند، در اتکای به همسر احساس آسودگی می‌کنند و در مجموع می‌توانند روابط دراز مدت، متعهدانه و رضایت بخش داشته باشند.^۶ افراد برخوردار از دلبستگی ایمن، در رابطه با همسر از امنیت، صمیمیت، توجه و همدلی برخوردارند. تحمل نامناسب ضربه‌های محیطی، تکیه به حمایت اطرافیان، و احساس رضایت بیشتر در زندگی زناشویی در زوجین دارای سبک

۱. آرگیل، روان‌شناسی شادی، ص ۱۴۲، ص ۱۲۸.

۲. منصور، محمود، روان‌شناسی ژنتیک، ج ۲، ص ۱۵۰-۱۵۴.

۳. آرگیل، روان‌شناسی شادی، ص ۱۳۵.

۴. همان، ص ۱۲۸.

۵. بشارت، محمد علی و... «مقایسه زنان و مردان نابارور بر حسب سبک دلبستگی...»، مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی، ص ۲۹.

۶. آذربایجانی و دیگران، روان‌شناسی اجتماعی...، ص ۲۶۷-۲۶۸.

دلبستگی زوجی ایمن است.^۱ زوجین ایمن از دو خصلت راحتی در صمیمیت و عدم اضطراب در روابط برخوردارند، و به راحتی قادرند یکدیگر را حمایت کنند؛ نسبت به همسر خود پاسخگوتر و حساس‌ترند و در نتیجه، رضایت زناشویی و سلامت بالاتری دارند.^۲

با وجود این به نظر می‌رسد تأکید تعالیم اسلام بر ازدواج و سکونت و آرامش ناشی از آن، مبتنی بر ابعاد روان‌شناختی گوناگونی باشد، که دلبستگی یکی از آنهاست.

۳. رشد و تکامل شخصیت

از آثار مهم ازدواج، رشد شخصیت و کمال معنوی زن و شوهر است. از جنبه معنوی، در کلمات اولیای دین (ع) تصریح شده است که فرد با ازدواج نیمی از دین خود را کامل می‌کند^۳ و ارزش اعمال عبادی او چندین برابر افراد مجرد می‌شود.^۴ از جنبه دیگر، فرد با ازدواج کردن اخلاق و عفت خود را بهتر حفظ می‌کند.^۵ تعبیر لباس بودن زن و شوهر برای یکدیگر که به آن اشاره شد، به حفظ هریک از آن‌ها توسط دیگری از مفاسد اخلاقی و آلودگی‌های جنسی اشاره دارد.^۶ همین مسئله نه تنها درجه معنوی فرد را بالا می‌برد، بلکه به نوعی شخصیت او را رشد می‌دهد. اگر فرد ازدواج نکند، ممکن است در اثر فشار نیازهای جنسی به رفتارهای خلاف اخلاق کشیده شود. انجام چنین رفتارهایی باعث بروز احساس گناه و حقارت در فرد می‌شود و همین امر به عزت نفس او آسیب می‌رساند. کاهش ارزش داوری مثبت فرد نسبت به خود، مانعی برای تلاش فرد در جهت رشد و تکامل است.

اینک باید توجه داشت که اگر فرد بدون ازدواج کردن بتواند از نظر اخلاقی، خویش را مهار کند، باز هم از رشد و تکامل ناشی از ازدواج بی‌بهره است. چنین افرادی راه و روش طبیعی مردم، به ویژه کامل‌ترین انسانهای گذشته، یعنی انبیاء (ع) و اولیاء (ع) را کنار گذاشته‌اند. افرادی مانند حضرت عیسی (ع)، یحیی (ع) و حضرت مریم (س)، از موارد استثنایی تاریخ بشر هستند؛ چنان که باروری حضرت مریم (س) بدون هرگونه رابطه

۱. بشارت و... «مقایسه زنان و مردان ناباور...»، مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی، ص ۳۹.

۲. همان، ص ۴.

۳. همان، ص ۶-۷.

۴. «هر اغض للبصر و اعف للفرج و اکف و اشرف» نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۵۴ و «ما للشيطان سلاح ابلع فی الصالحین من النساء الا المتزوجون اولئک المطهرون المیزون» ص ۱۵۹ و «من احب ان یلقى الله طاهراً

مطهراً فلیتعف بزوجه» ص ۱۵۰.

۵. طباطبائی، تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۴۴.

جنسی، و تولد حضرت عیسی (ع) بدون پدر، در هیچ موردی تکرار نشد؛ بنابراین، ازدواج نکردن آنها نمی‌تواند الگویی برای دیگران باشد. در این رابطه شهید مطهری به افرادی اشاره می‌کند که هرچند بدون ازدواج، رفتار خویش را مهار کرده و به مقامات علمی رسیده‌اند، نوعی نقص و عدم کمال و به تعبیری، خامی در آنها مشاهده می‌شود. گویی انسان یک نوع کمال روحی دارد که جز در مدرسه خانواده کسب نمی‌شود. نکته جالب توجه آن است که ازدواج با این‌که رفتار جنسی در بردارد، ولی جنبه‌ای تکاملی و رشدی دارد و به همین جهت در اسلام سنت و مستحب اعلام شده است.^۱

یکی از زمینه‌های مهم رشد شخصیت، برخورداری فرد از عزت نفس بالاست که ازدواج در آن مؤثر است. زن و شوهر معمولاً یکدیگر را دوست دارند و می‌ستایند.^۲ همین امر موجب افزایش عزت نفس آنها می‌شود. همان‌گونه که گذشت، ازدواج زمینه مناسبی برای ارضای نیازهای روانی، از جمله نیاز جنسی است. ارضای مناسب نیازها نیز عامل دیگری برای افزایش عزت نفس است. تجربه‌های همسر شدن و پس از آن پدر یا مادر شدن، نوعی کمال شخصیت محسوب می‌شود. همان‌گونه که شهید مطهری بر نقش ازدواج در کمال و رشد شخصیت تأکید کرده است،^۳ این تجربه‌ها موجب می‌شود فرد دیگران را بخشی از وجود خود احساس کند و این نوعی توسعه خود است. بی‌اژه حرکت از خود میان بینی به سوی میان واگرایی را در سیر تحول کودک دلیل تحول شخص به مرحله بالاتری می‌داند.^۴ در ازدواج نیز فرد از خود میان بینی به سوی میان واگرایی حرکت می‌کند. ایثار و فداکاری فرد برای همسر و فرزندانش، تجلی این سیر تحولی است.

۴. زمینه‌سازی برای تربیت فرزند

استمرار نسل انسانی و پرورش افراد برای آینده جوامع، از اهداف مهم ازدواج است که دین اسلام بر آن بسیار تأکید می‌کند.^۵ پیامبر (ص) نیز در تشویق افراد به ازدواج کردن، بر تولید نسل تأکید می‌کند و آن را موجب افتخار خود می‌داند.^۶ در بُعد فردی، بیشتر

۱. مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۱۶۶ و ۲۶۶ - ۲۶۷.

۲. آرگیل، روان‌شناسی شادی، ص ۱۲۸. ۳. رک: فصل اول، دیدگاه استاد شهید مطهری.

۴. منصور، دیدگاه پیازه...، ص ۳۵۹. ۵. حرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۳۳.

۶. «تَزَوُّجُوا فَاِنَّ اَكْثَرَ بَکْمِ الْاَمَمِ غَدًا فِی الْقِيَامَةِ...» همان، ص ۳.

انسانها علاقه دارند که نسل آنها استمرار یابد و فرزندان از خود داشته باشند. زنان در این بعد قوی‌تر هستند. انگیزه مادری در زنان را برخی مؤلفان با استناد به آیاتی^۱ از قرآن پذیرفته‌اند. یکی از این آیات به مادر حضرت موسی(ع) اشاره می‌کند که دلش از هر چیز جز یاد فرزند فارغ بود و در اثر فراق فرزند به حدی دچار غم و اضطراب شده بود که تنها با عنایت خداوند توانست خویش را حفظ کند^۲. به هر حال، رابطه زیستی مادر و فرزند که در مرحله‌ای موجود زیست‌شناختی واحدی محسوب می‌شوند و فرزند وابستگی کامل حیاتی به مادر دارد و سپس تا چند ماه فقط از او تغذیه می‌کند، موجب روابط عاطفی شدید و عمیق بین آن دو است، به گونه‌ای که عمیق‌ترین رابطه عاطفی، تعلق مادر و فرزندی است. همچنین رابطه عاطفی با پدر نیز در همه فرهنگها عمیق و گسترده است. روابط عاطفی بین والدین و فرزندان، ارضا کننده، نشاط‌بخش و آرامش‌دهنده دو طرف است، و افزون بر آن، منشأ برقراری روابط عاطفی مناسب فرزندان با همسران آینده و سایر افراد جامعه نیز هست^۳. همچنین گفته شده است که منشأ بسیاری از روابط عاطفی از قبیل دوستی، کمک به دیگران و همدلی، همین روابطی است که در خانواده برقرار می‌شود.

دین اسلام به این نیاز روانی (فرزندخواهی) توجه داشته و در متون اسلامی، دعا‌های بسیاری برای صاحب فرزند شدن آمده است. در بسیاری موارد افرادی که صاحب فرزند نمی‌شدند، با اولیای دین(ع) مشورت می‌کردند و آنان راهنمایی‌هایی از جمله دعا‌هایی ارائه می‌کردند^۴. در قرآن نیز دعا برای طلب فرزند امر مطلوبی شمرده شده است^۵. در کلمات اولیای دین(ع) آمده است که فرزند داشتن مایه خوشبختی است و از سعادهای انسان این است که فرزندی شبیه خود در اخلاق و رفتار و شکل ظاهری داشته باشد^۶. کسی که در طلب فرزند نباشد، خود را از حمایت اجتماعی قوی محروم

۱. از جمله: احقاف، ۱۵؛ لقمان، ۱۴.

۲. «وَأَصْبَحَ فُؤَادُ أُمِّ مُوسَىٰ فَتَرَعًا إِنَّ كَادَتْ لَتُبْدِي بِهِ لَوْلَا أَن رَّبَطْنَا عَلَىٰ قَلْبِهَا لِتَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» قصص

۱۰۳: عثمان نجاتی، محمد، قرآن و روان‌شناسی، ص ۴۷.

۳. زیمون، مفاهیم و تئوری‌های کلیدی در خانواده درمانی، ص ۲۰۲.

۴. حرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۱۰۰.

۵. آل عمران، ۴۸:۳۸؛ مریم، ۳-۱۰؛ و «رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَنْزَلِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ» فرقان، ۷۴.

۶. «سعد امره لم يممت حتى يرى خلفاً من نفسه» حرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۹۶ و «من سعادة الرجل ان

يكون له الولد يعرف فيه شبهه و خلقه و خلقه و شمائله»، ص ۹۵.

کرده؛ زیرا فرزند معمولاً بهترین یا ور انسان است^۱. این نیازهای عاطفی همه در پرتو ازدواج و تشکیل خانواده برآورده می‌شود. تحقیقات نشان داده است فرزندان که در اثر روابط جنسی نامشروع یا لقاح مصنوعی بدون برقراری یک ازدواج قانونی به وجود می‌آیند، مشکلات عاطفی بسیاری دارند که از جمله آنها احساس ننگ و دوسوگرایی عاطفی نسبت به مادر است.^۲ در این منبع، در مورد فرزندان بی‌پدر آمده است: رشد شخصیت کودک به شدت متأثر از والدین است و غیبت یکی از آنها یا هر دو اثر نامطلوبی بر رشد او خواهد داشت و کودک را برای بیماری روانی یا مشکلات رفتاری مستعد خواهد ساخت ۳۴۵ مقاله در سالهای ۱۹۹۴ - ۱۹۹۷ در مورد آثار غیبت پدر بر فرزندان منتشر شده که این غیبت می‌تواند تأثیر مستقیم (مانند محروم شدن کودک از الگوی نقش مذکر) و غیرمستقیم (مانند حمایت) داشته باشد. البته بیشتر، فقدان جنبه‌های دیگری از نقش پدر مانند نقش اقتصادی، اجتماعی و عاطفی در خانواده بروز می‌کند.

در مجموع، میزان اختلالات روانی کودک نامشروع با اختلالات روانی مادر، همبستگی مستقیم و مثبت دارد.^۳ محرومیت از روابط عاطفی رضایت‌بخش با والدین یا حتی یکی از آنها، پیامدهای زیان‌باری برای فرزندان دارد که می‌توان در تحقیقات مربوط به فرزندان خانواده‌های از هم گسیخته یا طلاق مشاهده کرد.^۴ تحقیقات نشان می‌دهد میزان بروز بیماری‌های روانی، خودکشی یا اقدام به آن، آسیب‌رسانی و اعتیاد در بین کودکان خانواده‌های تک‌والدی بیشتر است. احتمال طلاق، ازدواج مجدد و زایمان خارج از چهار چوب ازدواج، در بین دختران خانواده‌های تک‌والدی (به ویژه خانواده‌های مادر سرپرست) بیشتر است. قصور در انجام وظایف والدینی نظیر مشارکت و رسیدگی ضعیف به امور کودکان در خانواده‌های تک‌والدی نتایج زیر داشته است: ۵۰ درصد احتمال مردودی در مدرسه، ۲۰ درصد احتمال بارداری و داشتن فرزند در سنین ۱۳ تا ۱۸ سالگی، و ۱۰۰ درصد احتمال اخراج از مدرسه یا محل کار،

۱. «من سعادة الزوج ان يكون له ولد يستعين بهم» همان، ص ۹۶.

۲. نیسی، عبدالکاتم و... مقایسه عملکرد تحصیلی... مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران ش ۳ و ۴ (۱۳۸۰) ص ۶۷.

۳. آدامز، پل و همکاران، روان‌شناسی کودکان محروم از پدر، ص ۵۴ و ۵۸.

۴. تاپیر، ادوارد، بچه‌های طلاق.

احتمال دو برابر ابتلاء به بیماری‌های روانی، بیماری‌های مربوط به مشروبات الکلی و مواد مخدر. تحقیقات، پیامدهای عدم حضور پدر را در رشد هویت مردانگی، موفقیت در مدرسه و شجاعت اجتماعی، تأیید می‌کند. افزایش تمایلات پرخاشگری، اعتماد به نفس ضعیف، اضطرابهای روحی، ارتکاب به جرم یا تکرار آن و افسردگی، در کودکان تک‌والدی بیشتر است^۱. با توجه به همین نکات است که اسلام بر فرزندآوری در ازدواج تأکید دارد تا افراد را از آثار مطلوب روان‌شناختی فرزندآوری بهره‌مند سازد، و همین امر می‌تواند عامل‌های رهنمودها و تشویق‌های اولیای دین (ع) در خصوص فرزند داشتن و تأثیر فرزند صالح بر زندگی اخروی باشد^۲.

۵. گسترش روابط اجتماعی از طریق خویشاوندی

از آثار روان‌شناختی ازدواج گسترده شدن روابط اجتماعی هر یک از زن و مرد است. در اثر ازدواج، رابطه جدیدی ایجاد می‌شود که دو شاخه خویشاوندی را در پی دارد. با تولد فرزندان و استمرار نسل آنان خویشاوندی نسبی یا خونی گسترش می‌یابد و در هر ازدواج، خویشاوندی سببی پدید می‌آید که بین هر یک از زن و مرد با افراد جدیدی برقرار می‌شود. قرآن به این دو خویشاوندی اشاره کرده است^۳. در این خصوص، هرچه از دواجهایی غیرفامیلی بیشتر شود، رابطه‌هایی بیشتری بین مردم پدید می‌آید. در بحث روابط خویشاوندی، نقش ازدواج را در گسترش روابط اجتماعی بررسی خواهیم کرد. در عصر حاضر هر چند خانواده هسته‌ای گسترش پیدا کرده و شهرنشینی و دور شدن فاصله‌ها موجب تقویت این نوع خانواده شده است - همان‌گونه که در تعریف خانواده بیان شد - تعالیم اسلام خانواده را در رابطه با خویشاوندان در نظر می‌گیرد و در صدد است محدودیتهای ناشی از خانواده هسته‌ای را در پرتو روابط با خویشاوندان به عنوان جزئی از نظام خانواده، جبران کند. اکنون روابط خویشاوندی و ابعاد مختلف این موضوع را بررسی خواهیم کرد.

۱. محبی، سیده فاطمه، «غرب و پدیده خانواده‌های تک‌والدی»، ترجمه هاجر حسینی، فاطمه بختیاری، مجله

زنان، ش ۲۴.

۲. «والباقیات الصالحات خیر عند ربک ثواباً و خیر املأ» کهف، ۴۴؛ «ان استطعت ان یکون لک ذرّیة تنقل الارض

بالتسیح» حرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۹۵.

۳. «وَهُوَ الَّذِی خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا» فرقان، ۵۴.

۵-۱. اهمیت روابط خویشاوندی: وضعیت اجتماعی کنونی و پیشرفتهای فوق العاده صنعتی طی قرن گذشته موجب تقویت خانواده هسته‌ای شده است، به گونه‌ای که فرد با ازدواج کردن از خانواده اصلی خود جدا و معمولاً رابطه با آنها به تدریج کم‌تر می‌شود، و این وضعیت به دلایل گوناگون نهاد خانواده را تهدید می‌کند. در بعد اقتصادی، زن و مرد ناگزیرند پس از ازدواج با تلاش بسیار از عهده مقتضیات زندگی خانوادگی به تنهایی برآیند و در بیشتر موارد، از کمک خانواده اصلی خود محروم‌اند. در بعد عاطفی نیز خانواده هسته‌ای در مشکلات، تنها و از حمایت‌های اجتماعی و عاطفی خانواده‌های اصلی محروم است. همه این امور، فشار و مشکلات عاطفی را در زندگی خانوادگی روز افزون می‌کند. در گذشته، اتصال فرد به خانواده اصلی مانع بسیاری از مشکلات می‌شد. امروزه به علت پیچیدگی‌های جوامع صنعتی نمی‌توان به دنبال خانواده گسترده پیشین بود؛ افزون بر این، صرف زندگی زن و شوهر در خانه‌ای مستقل در عصر حاضر نه قابل پیشگیری است و نه امر نامناسبی از نظر اسلام به شمار می‌رود. با وجود این، خانواده هسته‌ای خانواده‌ای درجه اول فرد محسوب می‌شود، و او در همان حال به خانواده درجه دوم و سوم نیز تعلق دارد. این وابستگی، مسئولیتها و به دنبال آن حقوقی را برای او به همراه دارد. تعالیم اسلام با تأکید بر روابط خویشاوندی به دنبال حمایت از خانواده کوچک و کمک به رشد و حل مشکلات آن است. با تقویت روابط خویشاوندی در مراتب متعدد آن می‌توان در جهت حل مشکلات خانواده یا دست‌کم کاهش آنها گام‌های جدی برداشت. در عین حال، مسئولیت فرد نسبت به خانواده‌های درجه دوم و سوم وی را نیز می‌توان تا حدی به فعلیت رساند.

بخشی از دلایل اهتمام دین اسلام به روابط خویشاوندی همین نکته است؛ و به همین جهت، تعالیم اسلام در همه ابعاد بر حفظ و استمرار روابط خویشاوندی بسیار تأکید دارد و در آیات قرآن و کلمات اولیای دین (ع) به آثار مثبت این روابط و پیامدهای ناخوشایند قطع آنها اشاره شده است. خداوند، مسئولیت در قبال وظایف الهی و روابط خویشاوندی را در یک ردیف اعلام کرده است.^۱ در سخنان رسول خدا (ص) آمده است: بالاترین مراتب رفتارهای دینی پس از ایمان به خدا، برقراری روابط خویشاوندی است.^۲ قوانین مختلف اسلامی در ابعاد عبادی، اقتصادی و اجتماعی، اهتمام دین اسلام

۲. مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۹۷.

۱. نساء، ۱؛ کلینی، کافی، ج ۲، ص ۱۵۰.

به روابط خویشاوندی را نشان می‌دهد. برخی عبادات در صورت آسیب به روابط خوب و بایسته خویشاوندی، مطلوبیت و اثر خود را از دست می‌دهد.^۱ قانون ارث، اولویت خویشاوندان دارای شرایط معین در تکالیف مالی مانند زکات، و مسئولیت برخی خویشاوندان در مسائل حقوقی و جزایی مانند عاقله^۲، مواردی از نقش روابط خویشاوندی را در قوانین اقتصادی اسلام نشان می‌دهد. افزون بر آن، در کلمات اولیای دین (ع) صله رحم در کنار جهاد، محبوب‌ترین راهها به سوی خدا شمرده شده و گاه آن را از جهاد بالاتر در نظر می‌گیرند.^۳

۵-۲. گونه‌های روابط خویشاوندی: از نظر اسلام صله رحم،^۴ ارتباط مناسب و مطلوب با خویشان است که امکان دارد به گونه‌های مختلف تحقق یابد. آنچه در همه این‌گونه‌ها باید وجود داشته باشد، نوعی تعهد و اهتمام به خویشان است. این تعهد مستلزم ملاقاتهای مناسب، درک مسائل و مشکلات و در صورت لزوم هرگونه کمک فکری و مالی به آنهاست. در مقابل، بی‌تفاوتی و عدم توجه به خویشان را می‌توان از نظر اسلام قطع رحم دانست، هرچند رفت و آمد ظاهری برقرار باشد. با توجه به این نکته، به گونه‌های روابط خویشاوندی اشاره می‌کنیم. اولین نوع روابط که از صله رحم در اسلام به ذهن می‌آید، دید و بازدید است، هرچند می‌توان آن را پایین‌ترین مرتبه صله رحم دانست. وجود روابط از نوع رفت و آمد بین خویشان تا حدی اتصال بین آنها را نشان می‌دهد. در تعالیم اسلام بر اصل ملاقات بین خویشان به گونه‌ای تأکید شده که در کلمات اولیای دین (ع) آمده است: اگر برای برقراری رابطه با خویشان، مسافرتی به طول یک سال لازم باشد، اقدام کنید؛^۵ زیرا این امر جزئی از وظایف دینی است.^۶ نبود دید و بازدید و ملاقات بین خویشان در اسلام، به قطع رحم تعبیر شده است؛ البته اگر روابط در

۱. مانند روزه مستحبی فرزند بدون اجازه پدر، رک: طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۲، ص ۲۴۳.

۲. بر اساس قانون اسلام، اگر فردی دیگری را به‌طور اشتباه به قتل برساند، وظیفه مردان فامیل مانند دایی و عمو، پرداخت دبه یا خون‌بهای مقتول است (احمدی، ذکر الله، نهاد عاقله...، ص ۱۷-۳۲).

۳. مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۵۸.

۴. رحم، در اصل به معنای عضوی از زن است که جنین در آن رشد می‌کند و به انسان نسبتاً کاملی تبدیل می‌شود. سپس این کلمه به عنوان استعاره در معنای خویشاوندی به کار برده شده است؛ زیرا خویشاوندان در اصل از یک رحم خارج شده‌اند؛ بنابراین، صله رحم در اصل، خویشاوندان نسبی را شامل می‌شود (طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۴، ص ۲۱۹).
۵. مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۱۰۳.

۶. همان، ص ۱۱۴.

حد صحبت با یکدیگر و سلام کردن باشد نیز روابط تا حدی روابط برقرار است، ولی نبود این امر و گاه آزار رساندن در گفتار و رفتار به خویشان آثار نامطلوبی دارد که به آن اشاره خواهد شد. در این رابطه گفته شده است که کم‌ترین حد صله رحم، آزار نرساندن به خویشاوندان است.^۱ فرد هر چه روابط را بیشتر از این حد گسترش دهد، به دستوره‌های خداوند بهتر عمل کرده است.

دید و بازدید خویشاوندان زمینه‌ای برای حمایت اجتماعی فراهم می‌کند. در مرتبه اول، برون‌ریزی عاطفی و بیان مسائل و مشکلات زندگی کم‌ترین حد حمایت است. مشورت و نظرخواهی در امور و استفاده از تجربه‌ها و کسب آگاهی‌های مفید برای زندگی خانوادگی از آثار شناختی این ملاقاتهاست. میهمانی و اطعام نیز مرتبه بالاتری از صله رحم است. در کلمات اولیای دین (ع) کوشش برای طلب منافع دنیا برای انجام کارهای مطلوب از جمله اطعام خویشاوندان، نه تنها مذمت نشده بلکه پاداشهای متعددی برای آن در نظر گرفته شده است. در کلمات اولیای دین (ع) آمده است: خدا به فردی که با جان و مال برای حفظ روابط خویشاوندی تلاش می‌کند، پاداش بزرگی می‌دهد. در بعد اقتصادی، تقدیم خویشاوندان در تکالیف مالی توصیه شده است.^۲ در موارد دیگر نیز قرض دادن به خویشاوندان و حل مشکلات مالی آنها نمونه بالایی از برقراری روابط خویشاوندی است.^۳

۳-۵. روابط خویشاوندی پس از ازدواج: زن و مرد پس از ازدواج، خانواده جدیدی را با محدوده خاصی تشکیل می‌دهند که حتی والدین زن و شوهر از آن خارج‌اند. اینک زن و مرد باید نوعی استقلال به دست آورند و حریم زندگی خصوصی را محترم شمرده و مرزهای نسبتاً ویژه‌ای را برای خانواده جدید ایجاد کنند. وابستگی شدید هر یک از آنها به والدین خود، مشکلاتی را در خانواده پدید می‌آورد که برخی روان‌شناسان به آن اشاره کرده‌اند.^۴ خروج و ورود هرگونه اطلاعات از این حریم باید مطابق ارزشهای دینی و در عین حال توافق طرفین باشد.

در کنار انجام دادن چنین وظیفه‌ای، لازم است روابط با خانواده اصلی و حقوق والدین حفظ شود. پس از ازدواج، زن و شوهر با دو نوع وابستگی عاطفی روبه‌رو هستند؛

۱. همان، ص ۱۰۳.

۲. برای نمونه، در زکات فطره این گونه است، طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۲، ص ۳۶۵.

۳. همان، ص ۱۳۸.

۴. بارکر، فیلیپ، خانواده درمانی پایه، ص ۱۱.

نخست، وابستگی به والدین و اعضای خانواده اصلی مانند خواهران و برادران، و دوم، وابستگی به همسر. هر دو نوع وابستگی به دلایلی دارای عمق و شدت مخصوص به خود است. وابستگی به خانواده اصلی، ریشه‌ای خونی دارد که از انعقاد نطفه و دوران جنینی آغاز شده و ادامه می‌یابد. از سوی دیگر، وابستگی به همسر، دارای جنبه عاطفی عمیق است که شاید بتوان در ابتدای ازدواج، ارضای نیازهای جنسی را در آن غالب دانست. معمولاً فرد در رویارویی با این دو وابستگی به تعارض دچار می‌شود، به ویژه وقتی که طرف مقابل در این روابط، به دنبال اختصاص و انحصار فرد به خود باشد. در این شرایط، زن و مرد لازم است روابط مناسب با والدین و سایر خویشاوندان را ادامه دهند و در تعارضات، در کنار رعایت حقوق همسر، به حقوق والدین نیز عنایت کامل داشته باشند. بسیاری از خانواده‌ها با شروع زندگی جدید، هنگام تعارضات، حقوق یک طرف را فدای حقوق طرف دیگر می‌کنند، ولی وظیفه مهم و دشوار رعایت حقوق هر دو طرف است؛ برای نمونه، اگر والدین مرد انتظاراتی از او داشته باشند که انجام آنها موجب ضایع شدن حقوق همسر و گاه ظلم به او می‌شود، مرد باید با حفظ احترام والدین و بدون کم‌ترین اهانت، به انتظارات بی‌مورد آنها توجهی نکند و حقوق همسر خود را پایمال ننماید؛ از سوی دیگر، اگر همسر نیز توقعاتی داشته باشد که مستلزم تعدی به حقوق والدین باشد، فرد با بی‌توجهی به چنین توقعاتی لازم است احترام همسر خود را به طور کامل حفظ کند. برای تحقق این وظیفه، زن و شوهر باید نگرش خود نسبت به پدیده ازدواج و همسر را تعدیل کنند؛ اگر هریک، تعلق عاطفی همسر را به خانواده اصلی بپذیرد و ارج نهد، هیچ‌گاه به دنبال قطع یا کم رنگ کردن این وابستگی‌ها نخواهد بود. والدین زن و شوهر نیز باید نیازهای فرزند خود (دختر یا پسر) را درک کرده و زمینه استقلال عاطفی او را فراهم کنند و تعلق عاطفی معمولاً شدید فرزند خود به همسرش را بپذیرند و آن را با وابستگی به خود در تعارض نبینند.

پس از استمرار روابط با خانواده اصلی، از وظایف مهم زن و مرد پس از ازدواج، برقراری روابط مطلوب با خویشاوندان همسر به ویژه والدین او است. هر چند صله رحم در اصل شامل خویشان سببی نمی‌شود، برقراری روابط مناسب با خویشان همسر نقش مهم و در عین حال مؤثری در تقویت روابط زوجین دارد. دین اسلام نیز راهکارهایی برای تقویت خویشاوندی‌های سببی دارد. بر اساس تعالیم اسلام والدین همسر فرد، پدر

و مادر او به حساب می‌آیند^۱ و رعایت احترام و حقوق آنها لازم است. نکته جالب توجهی که در زبان انگلیسی دیده می‌شود، به کار بردن اصطلاح خانواده نسبی برای خویشان سببی با پسوندی ویژه است؛ برای مثال، پدر و مادر همسر را پدر و مادر قانونی و برادر او را برادر قانونی می‌نامند.^۲ این اصطلاح برای تلطیف روابط با خویشاوندان همسر بسیار مؤثر است. از سوی دیگر، والدین باید روابط مناسبی با داماد یا عروس خود داشته باشند. اگر فرد، داماد را پسر خود و عروس را دختر خود بداند، برقراری روابط عاطفی بین آنها استحکام بیشتری خواهد داشت. در سیره اولیای دین (ع) این نوع برخورد و تلقی دیده می‌شود.^۳ بدیهی است توجه به روابط با خویشاوندان همسر، مربوط به زن و مرد است و کوتاهی هر یک در این روابط، قصور دیگری را به دنبال خواهد داشت؛ بنابراین، برای حفظ روابط متقابل و جلوگیری از بروز مشکلات در خانواده، بر هر یک از زن و شوهر لازم است به رعایت حقوق والدین و خویشاوندان همسر اهمیت دهد.

۴- ۵. تأثیرهای روابط خویشاوندی: روابط خویشاوندی تاثیرهای بسیاری بر زندگی انسان در دنیا و نیز زندگی پس از مرگ دارد که در متون دینی به آن اشاره شده است. در کلمات اولیای دین (ع)، صله رحم بیش از هر رفتار دیگر موجب طولانی شدن عمر اعلام شده است.^۴ گاه از اضافه شدن سالها به عمر فرد در اثر برقراری روابط خویشاوندی سخن به میان آمده است.^۵ همچنین گفته شده است که صله رحم از بروز بلاها^۶ و مرگ

۱. «الاباء ثلاثة: اب زوجك و اب ولدك و اب علمك» امینی، عبدالحسین، الغدیر... ج ۱، ص ۳۶۹.
 ۲. در کتابهای لغت زبان انگلیسی، از جمله فرهنگ معاصر، برای خویشاوندان اصطلاحات زیر به کار رفته است:

Mother in law	برای مادرزن یا مادر شوهر
Father in law	برای پدر زن یا پدر شوهر
brother in law	برای برادر زن یا برادر شوهر
son in law	برای داماد
daughter in law	برای عروس

۳. «كان علی بن الحسین (ع): اذا اتاه ختنه علی ابنته او علی اخته بسط رداءه ثم اجلسه ثم یقول: «مرحباً بمن کفی المؤمنة و ستر العورة» حرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۴۲.

۴. نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۵، باب ۱۱.

۵. مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۱۰۸؛ کلینی، اصول کافی، ج ۳، ص ۲۲۱.

۶. کلینی، اصول کافی، ج ۳، ص ۲۲۹.

ناخوشایند^۱ جلوگیری می‌کند سلامتی بدن نیز از آثار صله رحم شمرده است.^۲ رفع فقر^۳ و فزونی روزی،^۴ آبادی خانواده‌ها^۵ و شهرها^۶ از آثار دیگر روابط خویشاوندی است. برقراری این روابط اخلاق افراد را نیکو^۷ و رفتارهای آنها را اصلاح می‌کند^۸ و به آنها آرامش و نشاط می‌دهد.^۹ همچنین برقراری روابط خویشاوندی موجب محبوبیت فرد می‌شود.^{۱۰} جالب توجه آن است که آثار دنیوی استمرار روابط خویشاوندی مانند پیشرفت اقتصادی، در مورد افراد کم ایمان و گناهکار نیز وجود دارد؛ البته اگر افراد ایمان قوی‌تری داشته باشند، این آثار بیشتر خواهد بود.^{۱۱}

می‌توان برای برخی آثار روابط خویشاوندی تبیینهای روان‌شناختی ارائه داد. همه انسانها در زندگی با تنیدگی‌های کوچک و بزرگ روبه‌رو می‌شوند. در مقابله با این تنیدگی‌ها، حمایت اجتماعی نقشی مهم دارد و بخش عمده‌ای از حمایت اجتماعی، با روابط خویشاوندی تأمین می‌شود. این روابط، زمینه برون‌ریزی عاطفی را که در حصول آرامش روانی مهم است، فراهم می‌کند.

افزون بر آن، افراد در این روابط به ابراز مسائل درونی خویش می‌پردازند. ابراز خود، وسیله‌ای برای تسکین مشکلات روانی است. در عین حال، فرد از همدلی و راهنمایی دیگران نیز برخوردار می‌شود. در دید و بازدیدهای خویشاوندی، در فرآیند برون‌ریزی عاطفی، افکار منفی و غیر واقعی افراد نیز تعدیل خواهد شد.^{۱۲} همچنین در اثر این روابط افسردگی‌ها، تا حدی کاهش می‌یابد. با توجه به نقش مهم مقابله با تنیدگی‌ها در سلامت جسمانی و روانی و تأثیر مهم روابط خویشاوندی در مقابله با تنیدگیها، می‌توان چگونگی تأثیر صله رحم در طولانی شدن عمر و سلامتی را تا حدی تبیین کرد.

بخشی از حمایت اجتماعی، مربوط به حمایت‌های مالی در خصوص فرد تحت فشار است. تعالیم اسلام در این جنبه نیز به خویشاوندان توصیه‌های لازم الاجراء و مناسبی

۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۸۸.

۲. همان، ج ۴۷، ص ۱۹۴.

۳. کلینی، اصول کافی، ج ۳، ص ۲۲۹.

۴. همان، ج ۷۱، ص ۸۸.

۵. مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۱۱۳۸؛ کلینی، اصول کافی، ج ۳، ص ۲۲۲-۲۲۳.

۶. همان، ص ۲۲۱.

۷. همان، ص ۲۱۱.

۸. همان، ص ۲۲۲.

۹. همان، ج ۴.

۱۰. همان، ص ۲۲۶.

۱۱. همان، ص ۲۲۳.

۱۲. احمدی، محمد رضا، «نقش صله رحم در بهداشت روان»، مجله معرفت، ۴۶، سال دهم ش ۷، ۱۳۸۰،

دارد که به حل مشکلات مالی افراد کمک می‌کند.^۱ یکی از این موارد، قرض دادن به خویشان است، که ارزش آن چندین برابر بخشش است،^۲ با این‌که مال قرضی باز می‌گردد در حالی که بخشش به ظاهر از مال فرد خارج می‌شود؛ با وجود این در قرآن آمده است که خداوند در برابر این عمل، چندین برابر به فرد پاداش می‌دهد.^۳

در مقابل، اگر کسی نیازمندی را با وجود توانایی در پرداخت وام، رد کند، خداوند او را از بوی بهشت محروم کند.^۴ همچنین، اطعام خویشاوندان^۵ و حمایت‌های مالی بلاعوض بسیار تشویق شده است؛^۶ برای مثال، در روایت آمده است که بخشش به خویشاوندی که دچار مشکل مالی است، بالاترین ثواب بخششها را دارد.^۷ بر اساس تعالیم اسلام، در مواردی بر خویشاوندان لازم است که مشکلات مالی و معیشتی نزدیکان خود را بر آورده کنند و گرنه به دستور خداوند عمل نکرده و گناهکارند.^۸ ارث نیز که بر اساس مراتب خویشاوندی معین شده است، قانونی است که می‌تواند در مواردی به حل مشکلات مالی خویشاوندان کمک کند.^۹

صله رحم آثار اخروی بسیاری نیز دارد که اولیای دین (ع) با اشاره به این امور در صدد تشویق افراد به حفظ این گونه روابط هستند. برخی از این آثار عبارت‌اند از: حساب‌رسی فرد را در قیامت^{۱۰} آسان می‌کند؛ خشم خداوند را فرو می‌نشاند؛^{۱۱} موجب قرب فرد به خداوند در قیامت می‌شود؛^{۱۲} فرد را در عبور از پل صراط که مرحله دشواری از مراحل قیامت است، حفظ و یاری و او به راحتی به بهشت وارد می‌کند؛^{۱۳} پاداش آن سریعتر از پاداش هر عمل خیر دیگری است؛^{۱۴} فرد را از گناهان مصون می‌دارد.^{۱۵} کسی که با مال و جان حقوق خویشان را ادا کند، خدا پاداش بسیار به او می‌دهد و برای هر قدم، هزار عمل نیک برای او نوشته می‌شود و هزاران بدی بخشوده می‌گردد و درجات او بالا می‌رود و

۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۷، ص ۲۲۹.
۲. همان، ج ۷۱، ص ۱۰۱.
۳. حدید، ۱۱؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۴۰.
۴. مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۳۸.
۵. از جمله: بلد، ۱۵.
۶. مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۸۸.
۷. همان، ج ۷۱، ص ۱۰۳.
۸. بقره، ۱۸۰ و ۲۱۵.
۹. آیات ارث در قرآن.
۱۰. مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۳۲.
۱۱. کلینی، اصول کافی، ج ۳، ص ۲۲۹.
۱۲. همان.
۱۳. همان، ص ۱۱۸.
۱۴. همان، ص ۱۲۱.
۱۵. همان، ص ۱۳۱.

مانند کسی است که صد سال با صبر و امید به پاداش، خدا را بپرستد.^۱ همچنین گفته شده است که در بهشت درجه‌ای است که جز امام عادل و کسی که صله رحم می‌کند و عیالوار صبور، به آن نمی‌رسند.^۲

۵ - ۵. آثار قطع روابط خویشاوندی: تعالیم اسلام افزون بر این که به آثار مطلوب دنیوی و اخروی برقراری روابط خویشاوندی تأکید می‌کند و از این طریق مردم را به حفظ این روابط تشویق می‌کند، روشهایی نیز برای بازداری افراد از قطع این گونه روابط، ارائه می‌دهد. یکی از توصیه‌های بسیار جالب در تعالیم اسلام که در سایر ادیان و فرهنگها کم‌تر دیده می‌شود، حفظ روابط خویشاوندی با کسانی است که با فرد، قطع رابطه کرده‌اند. در کلمات بزرگان دین، از جمله پیامبر (ص) و امام علی (ع)، در موارد متعددی به برقراری رابطه با افرادی که قطع رحم کرده‌اند، توصیه شده است؛ عبارتهایی مانند:

«هر چند خویشت از تو دوری کرد، با او رابطه برقرار کن.»^۳ «هر چند برادرت حق تو را رعایت نکرد، رابطه‌ات را با او حفظ کن.»^۴ «از بهترین اخلاق در دنیا و آخرت، برقراری روابط با خویشاوندی است که با فرد قطع ارتباط کرده است.»^۵

انجام این وظیفه هر چند دشوار می‌نماید، در برخی موارد به تحکیم روابط خویشاوندی می‌انجامد و طرف مقابل را به شیوه‌ای محبت‌آمیز به سوی ادای حق خویشاوندی سوق می‌دهد. در این حالت، آثار مطلوب حفظ این روابط برای هر دو طرف است. در سیره عملی اولیای دین (ع) می‌توان نمونه‌های بسیاری از این نحوه برخورد را ملاحظه کرد.^۶ گفتنی است اگر طرف مقابل بر قطع روابط اصرار نماید، آثار نامطلوب قطع رحم تنها متوجه او می‌شود و فردی که وظیفه‌اش را انجام داده، از عواقب بد قطع رحم محفوظ می‌ماند.^۷

افزون بر این توصیه‌ها، تعالیم اسلام برای جلوگیری از قطع روابط خویشاوندی بر

۲. همان، ص ۹۰.

۱. همان، ص ۸۹.

۴. مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۱۶۵.

۳. کلینی، اصول کافی، ج ۴، ص ۴۸.

۵. همان.

۶. از جمله، برخورد بین امام صادق (ع) و عبدالله بن حسن که در اصول کافی، ج ۳، ص ۲۲۷ آمده است.

۷. در بحارالانوار، ج ۷۱، به مواردی که عواقب سوء قطع رحم شامل یک طرف می‌شود، اشاره شده است؛ از

جمله: ص ۱۳۳.

عواقب آن در زندگی دنیا و پس از مرگ تأکید می‌کند تا افراد هرچه کم‌تر در این ورطه گرفتار شوند. آیات قرآن کسانی را که روابط خویشاوندی را قطع می‌کنند، زیانکار اعلام نموده^۱ و لعنت خداوند و بدی سرای آخرت را برای آنها در نظر گرفته است.^۲ فرد با قطع روابط خویشاوندی حمایت خود را از آنان دریغ می‌دارد، ولی از حمایت و توجه تعدادی زیادی از افراد خود را محروم می‌کند.^۳ با قطع روابط خویشاوندی، فرد از حمایت عاطفی، اجتماعی و مالی آنها محروم می‌شود و در این شرایط بروز فقر،^۴ کوتاهی عمر،^۵ مرگ ناگهانی^۶، و بروز مشکلات شدید و بلاها^۷ و بی‌دفاع بودن فرد، پیامدی اجتناب‌ناپذیر است و^۸ - چنان که گفته شده است - فرد حتماً به عواقب نامناسب قطع رحم در زندگی دنیا دچار خواهد شد.^۹ قطع رحم، زمینه را برای نابودی خانواده‌ها فراهم می‌کند.^{۱۰} از دیگر آثار قطع رحم، تضعیف جنبه اقتصادی زندگی است؛ زیرا هرچه اختلاف بیشتر باشد، زمینه تعاون و پیشرفت کم‌تر می‌شود و بخشی از منافع مادی به رفع اختلافات اختصاص می‌یابد و در مواردی، اموال و منافع اقتصادی در اختیار افراد نامناسب قرار می‌گیرد و ممکن است شرایط به گونه‌ای شود که افراد نامناسب بر خویشاوندان مسلط شوند.^{۱۱}

قطع روابط خویشاوندی پیامدهای نامطلوبی در جنبه‌های معنوی و زندگی اخروی دارد. فرد بی‌توجه به روابط خویشاوندی، حدود تقوا را رعایت نمی‌کند.^{۱۲} خانواده‌هایی که قطع رحم می‌کنند، از توفیقات معنوی از جمله نزول رحمت الهی و فرشتگان محروم می‌شوند.^{۱۳} دوری از رحمت و لطف خداوند در روز قیامت،^{۱۴} دوری از بهشت^{۱۵} و محرومیت از بوی آن^{۱۶} از پیامدهای قطع روابط خویشاوندی است. از آن‌جا که هیچ عذری برای سقوط حق خویشاوندی و رعایت آن پذیرفتنی نیست،^{۱۷} چنین فردی دچار

۱. بقره، ۲۷.
۲. رعد ۲۵.
۳. مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۱۰۱.
۴. همان، ص ۹۱.
۵. کلینی، اصول کافی، ج ۴، ص ۴۸.
۶. مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۹۴.
۷. همان.
۸. همان، ص ۱۰۴.
۹. کلینی، اصول کافی، ج ۴، ص ۴۷.
۱۰. مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۹، ص ۹۹.
۱۱. کلینی، اصول کافی، ج ۴، ص ۴۸ و ۴۹.
۱۲. از آیه اول سوره نساء می‌توان چنین برداشتی کرد.
۱۳. محمدی ری‌شهری، میزان الحکمه، ج ۴، ص ۲۰۲-۲۰۲۲.
۱۴. همان.
۱۵. «ثلاثة لا يدخلون الجنة... قاطع الرحم»، همان.
۱۶. «فان ریح الجنة توجد من مسيرة الف عام ولا یجدها عاق ولا قاطع رحم...» کلینی، اصول کافی، ج ۴، ص ۵۰.
۱۷. همان؛ محمدی ری‌شهری، میزان الحکمه، ج ۴، ص ۲۰۱۶.

زشت‌ترین گناهان شده^۱ و در نتیجه به بهشت وارد نمی‌شود.

همه این تهدیدها اهمیت حفظ روابط خویشاوندی را نشان می‌دهد. تعالیم اسلام به دنبال آن است که افراد از حمایت‌های روانی، اجتماعی و مالی این گونه روابط بهره‌مند شوند. اولیای دین (ع) به همین جهت در دو بعد تشویق و بازدارندگی، در رفتارها و کلمات خود بسیار تلاش نمودند که افراد از آثار مطلوب این روابط نهایت استفاده را ببرند.

۵-۶. مراتب خویشاوندی در اسلام: بر اساس آیات قرآن، خویشاوندی در اسلام مراتبی دارد و حقوق مراتب بالاتر بیشتر است.^۲ تقسیم ارث در آیات قرآن براساس روابط خویشاوندی است. گونه‌های دیگر روابط نیز بر اساس مراتب خویشاوندی است. اگر خانواده نوبنیاد را در نظر بگیریم، مراتب خویشاوندی هر یک از زن و مرد بر اساس تعالیم اسلام به شرح ذیل است:

۱. پدر و مادر، فرزندان و نوادگان؛

۲. پدر و مادر بزرگ و پدران و مادران آنها؛

۳. خواهران و برادران و فرزندان آنها (با واسطه یا بدون واسطه)؛

۴. عمو، عمه، خاله، دایی (با واسطه یا بدون واسطه)؛

۵. فرزندان عمو، عمه و خاله و دایی؛

چهار گروه اول بر اساس تعالیم اساس از محارم فرد محسوب می‌شوند، بدین معنا که ازدواج با آنها حرام است.^۳ افزون بر این، در ملاقات با این افراد برخی حدود شرعی، از جمله حجاب، محدودیت کم‌تری دارد.^۴ همین قوانین نزدیکی بیشتر روابط با چنین خویشاوندانی را نشان می‌دهد. همین‌طور برای برخی محارم سببی از جمله پدر و مادر همسر که ازدواج با آنها حرام است، نیز از حدود حجاب کاسته می‌شود و خود این امر دلیلی بر نزدیکی بیشتر خویشاوندی آنهاست. به نظر می‌رسد یکی از دلایل قرار دادن قوانینی برای تعیین محدوده افرادی که ازدواج با آنها مجاز است، حفظ روابط خویشاوندی است.^۵ اهمیت روابط با خویشان چهار مرتبه اول و لزوم برقراری روابط

۱. محمدی ری‌شهری، میزان الحکمه، ج ۴ ص ۲۰۲۰.

۲. «وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ» انفال، ۷۵؛ احزاب، ۶.

۳. نور، ۴.

۴. نساء، ۲۳.

۵. مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۱۱۰.

هرچه بیشتر با آنها باعث شده است که برخی قوانین برای معاشرت با آنها وضع شود. از جمله این قوانین آن است که فرد وقتی وارد خانه‌های این چهار دسته می‌شود، بدون اجازه می‌تواند به خوردن غذا بپردازد.^۱

در برقراری گونه‌های مختلف روابط خویشاوندی که پیش‌تر به آنها اشاره شد، رعایت این مراتب ضروری است؛ برای مثال، اگر والدین دچار مشکلات اقتصادی شدید هستند، بر فرزند آنها لازم است که در صورت توان آنها را در حل مشکلات یاری کند. در سایر واجبات مالی و همچنین ملاقاتها نیز خویشاوندان بر اساس مراتب یاد شده بر دیگران مقدم‌اند؛ البته ملاقاتها با توجه به مسائل ارتباطی عصر حاضر و آنچه بین مردم متداول است، تنظیم می‌شود؛ برای مثال، هفته‌ای یک‌بار به دیدار والدین برود و هر ماه یک‌بار به دیدار خواهران و برادران، و به همین ترتیب روابط با مراتب بعدی خویشاوندان تنظیم می‌شود.

۷-۵. آسیب‌شناسی روابط خویشاوندی: تعالیم اسلام با تأکید بر حفظ روابط خویشاوندی، تلاش می‌کند از آسیبهای احتمالی ناشی از این روابط جلوگیری کند. برخی آیات قرآن هنگام صحبت از شرایط سخت قیامت، فرار نزدیک‌ترین خویشان از هم را از رویدادهای این روز بزرگ اعلام می‌کند. فرد از مادر، پدر، همسر و فرزندان فرار می‌کند.^۲ همچنین در قرآن آمده است که در این روز، خویشان و فرزندان شما نمی‌توانند به شما سودی برسانند و بین شما جدایی می‌افتد.^۳ این توصیفات از قیامت به منظور بینش دادن به افراد در رعایت قوانین الهی و حقوق مردم است. به طور کلی می‌توان گفت: هر نوع رابطه خویشاوندی که به عمل نکردن به دستورهای خداوند و تضییع حقوق مردم بینجامد، از نظر اسلام نادرست است؛ به عبارت دیگر، افراد باید به عدالت رفتار کنند، هر چند به ضرر خود یا خویشان باشد.^۴ در مسائل قضایی، مانند شهادت، رعایت عدالت وقتی به ضرر خود یا خویشان باشد، تأکید شده است. یکی از مشکلات مهم جامعه ما استفاده از روابط خویشاوندی در مزایا و منافع اجتماعی و اداری است. افراد به صرف روابط خویشاوندی، کسی را به کاری می‌گمارند، هر چند شرایط لازم برای آن مسئولیت را نداشته باشد. تأکید بر مسئولیت فردی عامل بازدارنده‌ای است که

۱. نور، ۲۴.

۲. عبس، ۳۴.

۳. ممتحنه، ۴.

۴. مائده، ۱۰۶؛ انعام، ۱۵۲.

فرد را در روابط خویشاوندی، در محدوده عدالت و حق حرکت می‌دهد. بر اساس آیات قرآن، هر فرد در گرو رفتار خویش است^۱ و کسی بار دیگری را به دوش نمی‌کشد^۲؛ بنابراین، رعایت حقوق مردم در همه این مراتب لازم است. برخورد حضرت علی (ع) با برادرش عقیل که به مشکلات شدید مالی گرفتار شده بود و برای برطرف کردن مشکلاتش سهم بیشتری از بیت المال می‌خواست،^۳ درس بزرگی برای همه انسانها به ویژه مسلمانان است.

همچنین روابط خویشاوندی و ملاقاتها ممکن است، زمینه‌ای برای از بین بردن حقوق مردم و آبروی آنها شود. در گفتگوهای بین خویشاوندان ممکن است، خود خویشاوندان یا دیگران مورد تمسخر قرار گیرند، عیب‌جویی و غیبت رخ دهد، و گاه سخن چینی شود. همه این رفتارها در تعالیم اسلام به شدت مذمت و عواقب بد دنیوی و اخروی برای آنها بر بیان گردیده است.^۴ در ملاقاتهای خویشاوندان، فرصت بسیاری برای گفتگو فراهم می‌شود. این گفتگوها می‌تواند. درس آموختن از یکدیگر، مشورت و ارائه راه‌های حل مشکلات و متأسفانه گاه زمینه گناهان کلامی را در پی داشته باشد. برگزاری دعاها و مجالس قرائت قرآن و استفاده از تجارب بزرگ‌ترهای فامیل که در کلمات اولیای دین (ع) همچون پیامبر هر دسته از خویشاوندان شمرده شده‌اند،^۵ می‌تواند در ضمن ملاقاتهای خانوادگی، بر تأثیرهای مثبت اجتماعی و معنوی این روابط بیفزایند.

از دیگر آسیبهای احتمالی روابط خویشاوندی، دخالت‌های بی‌مورد و گاه مضر، در زندگی‌های یکدیگر است که می‌توان آن را از متداول‌ترین آفت‌های روابط خویشاوندی دانست. حمایت اجتماعی و مالی از یکدیگر، نباید موجب دخالت در زندگی دیگران و تحمیل نظریات خود به آنها شود؛ به همین جهت، در کلمات اولیای دین (ع) آمده است که بالاترین صله رحم، آزار نرساندن به خویشان است.^۶ آزار می‌تواند در ضمن

۱. «كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنَةٌ» مدرثر، ۳۸.

۲. تعبیر «لَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى» در پنج آیه قرآن آمده است: انعام، ۱۶۴؛ اسراء، ۱۵؛ زمر، ۷؛ فاطر، ۱۸؛ نجم،

۳. نهج البلاغه، خطبه ۲۲۲.

۴. حجرات، ۱۱.

۵. «الشیخ فی اهله کالتی فی امته»؛ فتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضة الواعظین، ص ۴۷۶.

۶. کلینی. اصول کافی، ج ۳، ص ۲۲۲.

دخالت‌های بی‌مورد نیز بروز کند.

از آفتهای دیگر روابط خویشاوندی، رقابت و چشم و همچشمی در تجملات و امور دنیوی است. در این مورد، توجه به توصیه‌های اسلام در دوری از تجمل‌گرایی^۱ و تشویق به مسابقه در کارهای خیر و معنوی^۲ می‌تواند تا حدی این آفت را کاهش دهد.

روابط خانوادگی نباید موجب بی‌توجهی به دستورهای پروردگار گردد. بروز برخی گناهان در مجامع خانوادگی و ترجیح این روابط بر دستورهای الهی، از آسیبهای این روابط است و قرآن با تأکید بر جنبه عاطفی این روابط، افرادی را که دوستی خانواده و خویشان را بر دوستی خدا و وظایف الهی ترجیح می‌دهند، تهدیدهای شدیدی کرده است.^۳ همچنین قرآن، خانواده و فرزندان را وسیله آزمایش افراد اعلام نموده است.^۴ این مسئله به منظور آگاهی دادن به افراد است که کنار انجام وظایف خانوادگی و خویشاوندی، به دستورهای الهی و الزامات دین خود نیز پایبند باشند.

در زیارت پیامبر(ص) و اولیای دین(ع)، این بزرگواران را با جمله‌هایی مانند «پدر و مادرم فدای شما» و «خودم و خانواده‌ام فدای شما» خطاب می‌کنیم^۵ و در برقراری روابط عاطفی، ابراز می‌کنیم که آنها را بیش از خانواده و خویشان خود دوست داریم. این عبارتها در واقع تمرینی است تا افراد در عین رعایت حقوق خویشاوندی، به دستورهای خدا و اولیای دین(ع) نیز هر چه بیشتر پای‌بند باشند. این آموزه‌ها می‌تواند برخی آسیبهای روابط خویشاوندی را که به عدم رعایت دستورهای الهی می‌انجامد، کاهش دهد.

۱. حدید، ۲۰.

۲. آل عمران، ۱۳۳ و حدید، ۲۱.

۳. توبه، ۲۴.

۴. انفال، ۲۸ و تغابن، ۱۴.

۵. در مفاتیح الجنان شیخ عباس قمی، در زیارت رسول خدا(ص) و معصومان(ع) چنین عباراتی زیاد دیده می‌شود.

ارکان خانواده

چنان که گذشت، اسلام برای ازدواج اهداف و آثاری بیان کرده است. برای تحقق این اهداف، همه اعضای خانواده، مسئولیتهای ویژه یا مشترکی دارند و باید روابط خود با سایر اعضا را به گونه‌ای تنظیم کنند که تا حد توان به اهداف و آثار مورد نظر اسلام در خانواده، دست یابند. در این فصل به مسئولیتهای و گونه‌های روابط در خانواده می‌پردازیم که در واقع ارکان خانواده از دیدگاه اسلام به شمار می‌روند.

۱. مسئولیتهای متقابل زن و شوهر

اساس تشکیل خانواده، ازدواج دو بزرگسال با جنسیت‌های مخالف است. اولین وظیفه این دو، سازگاری و تطابق با یکدیگر است. همانندی و تشابهات زن و شوهر، آنها را به زندگی مشترکی برانگیخته است. با وجود این، آنها دو شخصیت متفاوت و منحصر به فرد هستند که خلق و خو، عواطف، انگیزه‌ها و ارزشهای ویژه‌ای دارند. زن و شوهر باید برای سازگاری، بخشی از ترجیحات و عقاید شخصی خود را به مرور زمان کنار گذاشته و هر طرف، بخشی از حقوق مستقل دیگری را بپذیرد.^۱

۱-۱. سازگاری اولیه: تعالیم اسلام برای تنظیم روابط زن و شوهر، توصیه‌هایی به هر یک دارد که با ابعاد روان‌شناختی آنها متناسب است. در کلمات اولیای دین (ع) به دو نکته مهم روان‌شناختی در برخورد با زن اشاره شده است. اولین نکته به تفاوت روانی زن و مرد باز می‌گردد. ویژگی‌های روانی و شخصیتی زن با مرد متفاوت است، و مرد نباید بر اساس ویژگی‌هایی که در خود و سایر مردان می‌بیند، زن را بسنجد و انتظار داشته باشد که از لحاظ روانی کاملاً با او هماهنگ باشد. اگر مرد بر این شیوه اصرار ورزد، به

شخصیت زن ضربه زده و موجب آسیب روانی او می‌شود؛^۱ بنابراین لازم است مرد، زن را با همه ویژگی‌های مخصوص او بپذیرد و در برخی ابعاد خود را با او هماهنگ سازد. نکته دوم، توصیف زن در کلمات اولیای دین (ع) به «ریحانه» است.^۲ این کلمه به لطافت، آسیب‌پذیری، و عاطفی و احساسی بودن زن اشاره دارد. در مقابل، «قهرمان» که از زن نفی شده، به معنای سرخدمت‌گذار خانه است که مدیریت، دلیری و پهلوانی از آثار آن است. از تقابل این دو کلمه می‌توان برداشت کرد که عناصر زیبایی‌شناختی، آرامش‌بخشی و عاطفی در زن غلبه دارد و کم‌تر می‌توان استواری از او انتظار داشت.

از سوی دیگر، مردان نیز به دلیل شرایط ویژه اجتماعی، معمولاً بیش از زنان دچار تئیدگی می‌شوند؛ زیرا در نظام خانواده از نظر اسلام، مسئولیت اداره خانواده در ابعاد مختلف از جمله اقتصادی بر عهده مرد است. مردان در جامعه، متحمل سختی‌ها و فشارهایی می‌شوند که آستانه تحریک‌پذیری و پرخاشگری آنها را پایین می‌آورد. افزون بر این، وضعیت هورمونی خاص مردان زمینه بروز برخی رفتارها از جمله برتری‌طلبی و پرخاشگری را در آنها فراهم می‌کند.^۳ زن باید این واقعیت روان‌شناختی مرد را پذیرفته و به نحوی آن را تعدیل کند. تنها به این طریق زنان می‌توانند مسئولیت مهم حمایت روانی از مردان را در رویارویی با مشکلات ایفا نمایند. به نظر می‌رسد توجه زن و مرد به ویژگی‌های طرف مقابل، به سازگاری آنها بسیار کمک می‌کند. در این رابطه، هریک باید وجوه مثبت و گاه نهفته دیگری را فعال و جنبه‌های منفی شخصیت وی را به تدریج اصلاح کند. در مقابل، اگر هر یک به جای پذیرش همسر خود به همان صورتی که هست، بر جنبه‌های منفی تأکید و بخواهد قواعدی را بر او تحمیل کند، ناسازگاری‌ها بیشتر خواهد شد؛^۴ به عبارت دیگر، خانواده از فردیهای گوناگون تشکیل شده است که با پذیرش اصول اساسی زندگی مشترک و پابندی به آن در یک «ما»ی فراتر‌گرد آمده‌اند. عدم شناسایی فردیت و تلاش برای یکسان‌سازی آمرانه فضای خانواده، هزینه‌های عاطفی - شخصیتی سنگینی را بر اعضای آن تحمیل می‌کند که خود بیگانگی

۱. شاید از روایاتی مانند این روایت بتوان معنای مزبور را برداشت کرد: «أما مثل المرأة مثل الضلع المعوج، ان ترکته انتفعت به و ان اقمته کسرته» حرعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۲۳.

۲. «فان المرأة ریحانة و لیست بقهرمانه» همان، ص ۱۲۰.

۳. خدایپناهی، محمد کریم، روان‌شناسی فیزیولوژیک، ص ۳۰۲، کارلسون، ن، ر، *Phsiology of Behavior*.

۴. مینوجین، خانواده و خانواده درمانی، ص ۸۷.

اعضا، کم‌ترین و فروپاشی خانواده، بزرگ‌ترین پیامد رفتار و نگرش فوق است.^۱

۱-۲. استمرار روابط مطلوب: پس از سازگاری و تطابق اولیه، استمرار روابط مطلوب و رضایت‌بخش زن و شوهر از وظایف مهم آنهاست و ملاک مطلوبیت این روابط بر اساس آیات قرآن، معاشرت به معروف است.^۲ در قرآن بیش از بیست بار^۳ کلمه «معروف» برای جنبه‌های مختلف روابط خانوادگی به کار رفته که چگونگی روابط زن و شوهر از مهم‌ترین این جنبه‌هاست. برخی، ملاک روابط زنان و مردان را بر اساس معروف بیان کرده‌اند^۴، ولی در بیشتر این آیات، معروف با گسترهٔ بیشتر و در مورد همه روابط خانوادگی به کار رفته است. معروف را آداب و شیوه‌های رفتاری مناسب در یک جامعه دانسته‌اند که عقلای آن به رسمیت می‌شناسند، یا هر عملی که افکار عمومی آن را رفتاری شناخته شده و مأنوس بداند و با ذائقهٔ اهل هر اجتماعی سازگار باشد.^۵ برخی، معروف را به معنای شیوه‌های رفتاری مطلوب در هر جامعه که در چهارچوب قوانین دین باشد، در نظر گرفته‌اند.^۶ در کلمات اولیای دین (ع) نیز به معانی متعددی از قبیل احسان^۷، حسن مصاحبت با خانواده و مردم^۸ و به‌طور کلی، هر عمل نیکو و امر موافق دستورهای الهی^۹ به کار رفته است. در بیشتر این موارد، رفتارهایی برای معروف مصداق شمرده شده است. به نظر می‌رسد مناسب‌ترین ملاک معروف، رفتاری است که مردم یک جامعه می‌پسندند و با شریعت و طبع و ذوق انسان مخالفت نداشته باشد. بر این اساس، رفتار زن و شوهر نسبت به هم باید بر اساس روشی باشد که در هر جامعه پذیرفته شده و با شریعت سازگار باشد.

در متون اسلامی، به هر یک از زن و مرد توصیه‌هایی شده که زمینه‌ساز رابطه مناسب بین آنهاست. مسئولیت‌های مرد در قبال همسرش، به چند امر باز می‌گردد: تأمین شرایط اقتصادی^{۱۰}، برآورده ساختن نیازهای عاطفی^{۱۱}، احترام و بزرگداشت زن^{۱۲}، مصاحبت

۱. زیمنون، مفاهیم و تئوری کلیدی در خانواده درمانی، ص ۲۷ و ۲۸۹.

۲. «وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» نساء، ۱۹.

۳. از جمله: بقره، ۱۸۰، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۱-۲۳۴؛ نساء، ۱۹ و ۲۵؛ ممتحنه، ۱۱۲؛ طلاق ۲ و ۶.

۴. بانکی پور، امیر حسین، «تحلیلی بر روابط دختران و پسران دانشجوی» مجموعه مقالات هم‌اندیشی بررسی

مسائل و مشکلات زنان...، ج ۲، ص ۶۹۰. ۵. طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۲۳۲.

۶. رشید رضا، تفسیر المنار، ج ۲، ص ۳۷۴. ۷. مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۲۵۵.

۸. همان، ج ۷۴، ص ۳۲۸. ۹. همان، ج ۷۸، ص ۳۰۳.

۱۰. «بِمَا أَنْفَقُوا» نساء، ۳۴ و «یشبع بطنها و یکسو جنبها» حرّعاملی، وسائل الشیعة، «ابواب نفقات»، ج ۷، ص

۱۳۱.

۱۱. حرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۱۶؛ «فاشفقوا علیهنّ و طیبوا قلوبهنّ» نوری، مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۲۵۱.

نیکو با او^۱، مدارا و مسامحه در موارد اختلاف^۲ و عفو و گذشت نسبت به رفتارهای نامناسب زن در خانواده^۳، اولیای دین (ع) به عنوان مشاورانی دلسوز و دانا، به شیوه‌های متعددی مردان را در ایفای مسئولیتهای خانوادگی یاری رسانده‌اند. یکی از نکته‌های بسیار ظریف، امانت بودن زنان^۴، نزد مردان است. همچنین به این واقعیت اشاره شده که زنان در بیشتر امور زندگی، اختیار خود را به مردان می‌سپارند^۵ و بیشترین توصیه‌ها در اسلام، امانت‌داری در شرایط مختلف است^۶. بدیهی است اگر مرد، همسرش را امانتی در دست خود بداند، سعی خواهد کرد مناسب‌ترین رفتار را با او داشته باشد. نکته دیگر اشاره به قدرت بدنی کم‌تر زنان^۷ نسبت به مردان است که در جهان امروز امری پذیرفته شده است، به گونه‌ای که در ورزشها، مسابقات زنان و مردان جداگانه برگزار می‌شود. اولیای دین (ع) با توجه به این واقعیت طبیعی، مردان را به برخورد مناسب با زنان بر اساس تقوا و خویشتن‌داری توصیه می‌کنند.

از شیوه‌های دیگری که اولیای دین (ع) برای تشویق مردها به رفتار مناسب با همسر، به کار برده‌اند، اعلام اموری است که برای انسانها اهمیت بسیاری دارد. از جمله این امور کامیابی از زندگی است، به گونه‌ای که رفتار مناسب باعث خوشی و گوارایی زندگی^۸ و طولانی شدن مدت عمر^۹ می‌گردد. مطلب دیگر به شخصیت اجتماعی افراد باز می‌گردد، به گونه‌ای که رفتار مناسب با همسر نشانه بزرگواری و کرامت فرد، و اهانت و بدرفتاری نشان دهنده پستی و پایین بودن شخصیت است^{۱۰}، و از همه مهم‌تر، رفتار مناسب با همسر بر درجه ایمان یک مرد دلالت دارد. در کلمات اولیای دین (ع) تصریح شده که هر کس با همسرش خوش‌رفتارتر باشد، از مرتبه ایمان بالاتری برخوردار

۱. «واحسن الصحبة لها» همان، ص ۱۲۰.
۲. «فدارها علی کل حال» همان.
۳. «وان جهلت غفرلها» همان، ص ۱۲۱.
۴. «اتقوا الله فی النساء فانهنّ عواری عندکم» بیهقی، احمد بن الحسین. السنن الکبری، ج ۷، ص ۳۰۴.
۵. «رحم الله عبداً احسن فیما بینه و بین زوجته. فان الله... قد ملکه ناصيتها و جعله القیم علیها» حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۲۲.
۶. «ثلاث لم يجعل الله لاحد فیهنّ رخصة: اداء الامانه...» همان، ج ۱۵، ص ۲۰۶.
۷. «اتقوا الله فی الضعیفین: النساء و الصبیان» همان، ج ۱۴، ص ۱۲۱ و «اکثر اهل الجنة من المستضعفین النساء علم الله ضعفهنّ فرحمهنّ» همان، ص ۱۱۹.
۸. «واحسن الصحبة لها لیصفو عیشک» همان، ج ۱۴، ص ۱۲۰.
۹. «من حسن بزه باهله زاد الله فی عمره» مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۲۵.
۱۰. «ما اکرم النساء الا کریم و لا اهانهنّ الا لثیم» فرید تنکابنی، نهج الفصاحة، ص ۳۱۸.

است؛^۱ از این رو، پیامبر (ص) فرمود: من بیش از همه مردم با همسرانم خوش رفتاری می‌کنم.^۲ حتی در مذهب شیعه خوش رفتاری با همسر ملاک مهمی دانسته شده که درجه نزدیکی فرد را به ائمه (ع) نشان می‌دهد.^۳

سیره و رفتار اولیای دین (ع) با همسران خود نیز شیوه‌ای برای ترویج رفتار مناسب در خانواده محسوب می‌شود. آنان برای حریم خصوصی همسرانشان احترام قائل بودند^۴، و شخصیت و اعتبار معنوی آنان را ارج نهاده و حتی در امور معنوی از آنان کمک می‌گرفتند^۵؛ با خواست و میل آنان در محدوده شرع و خانواده، همراهی می‌کردند^۶ و به بدر رفتاری آنان، با صبر و تحمل پاسخ می‌دادند.^۷ این الگوی رفتاری می‌تواند برای مردان بسیار مفید باشد و حتی در عصر حاضر، بهترین شیوه همسر داری به شمار آید. در فصل ششم، سیره خانوادگی اولیای دین (ع) جداگانه بررسی خواهد شد.

از سوی دیگر، مسئولیتهای زنان در خانواده نیز اهمیت بسیار دارد، به گونه‌ای که بر اساس تعالیم اسلام، مهم‌ترین مسئولیت زن پس از تکالیف دینی، در قبال همسر اعلام شده است.^۸ اساسی‌ترین وظیفه زن، تأمین نیازهای عاطفی و جنسی همسر است که از نظر ارزش، معادل دشوارترین تکالیف دینی مرد، یعنی جهاد، شمرده شده است.^۹ ابراز عشق و محبت به همسر^{۱۰} که در قرآن^{۱۱} به آن تصریح شده، از وظایف مهم زنان است. در امور خانواده به زنان توصیه شده است که پیرو و همراه همسران باشند. البته این اطاعت در چهارچوب شرع و امور پسندیده هر جامعه است.^{۱۲} در مقابل سفارشهای بسیاری که به مردان در ایفاء وظایف خانوادگی شده، از زنان نیز خواسته شده است که در حد توان خود رضایت همسر را در همه جوانب زندگی جلب کنند. این امر را می‌توان از عوامل

۱. «ما اظن رجلاً یزاد فی الایمان خیراً الا ازاد حباً للنساء» حرعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۹ و ۱۱.

۲. «خیرکم، خیرکم لسانه و انا خیرکم لسانی» همان، ص ۱۲۲.

۳. «کل من اشتد لنا حباً اشتد للنساء حباً» همان، ص ۱۱ و «ما اظن رجلاً یزاد فی هذا الامر خیراً الا ازاد حباً للنساء» همان، ص ۹.

۴. «انا نتزوج النساء فنعطینهم مهورهن فیشترین ما شئن لیس لنا منه شیء» کلینی، کافی، ج ۶، ص ۴۷۶.

۵. همان، ج ۲، ص ۴۸۷.

۶. قمی، منتهی الآمال.

۷. «لو امرت احداً ان یسجد لاحد لامرت المرأة ان تسجد لزوجها» حرعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۱۵.

۸. «جهاد المرأة حسن التبعل» همان، ص ۱۱۶.

۹. «الودود» همان، ص ۱۴ و «واظهار العشق له بالخلافة» ص ۱۹.

۱۰. روم، ۲۱.

۱۱. «ولایعصینک فی معروف» ممتحنه، ۱۲؛ حرعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۵۳ - ۱۵۶.

بسیار مؤثر در قوام خانواده و روابط مطلوب زن و شوهر از دیدگاه اسلام دانست. در همین رابطه، صبر و بردباری زن در مشکلات^۱، تحمیل نکردن رفتارهایی به شوهر، و همراهی با او در مشکلات اجتماعی و اقتصادی می‌تواند^۲ زمینه مناسبی برای روابط مطلوب بین آنها فراهم کند.

به طور خلاصه، می‌توان مسئولیتهای متقابل زن و شوهر را در خانواده بر اساس آیه ذیل برابر دانست، هر چند در ابعادی، از زن انتظارات بیشتری در اسلام مطرح شده است: «همانند وظایف شایسته‌ای که بر عهده زنان است، به نفع آنان برعهده مردان است، و مردان بر آنان برتری دارند.»^۳ بر اساس تعالیم اسلام، مسئولیت اضافه زنان پیروی از مردان در خانواده است^۴ که در بحث مراتب خانواده در اسلام به این موضوع بیشتر خواهیم پرداخت.

۲. مسئولیتهای والدین

در نظام خانواده، مسئولیت والدین پس از مسئولیت زن و شوهر، مهم‌ترین رکن به شمار می‌رود. با تولد اولین فرزند، تحوّل اساسی در مسئولیت زن و شوهر پدید می‌آید. آنان در روابط و مسائل خصوصی خود باید حضور فرد دیگری را در نظر بگیرند. چگونگی روابط آنها الگویی برای روابط بین دو جنس مخالف به کودکان ارائه می‌دهد. کودک از آنان وجوه متفاوت ابراز عواطف، ارتباط با شریک زندگی در حال تئیدگی یا در زمان تعارض را می‌آموزد^۵. با تولد کودک، زن و شوهر باید به تدریج بین مسئولیتهای زن و شوهری و والدینی سازگاری ایجاد کنند. منشأ بسیاری از مشکلات خانواده‌هایی که با فاصله کمی از ازدواج صاحب فرزند می‌شوند، به سازگاری بین این دو مسئولیت باز می‌گردد، که در بحث مشکلات خانوادگی و راه‌حلهای آن، بیشتر به این موضوع می‌پردازیم.

وظیفه والدین، پرورش کودک و اجتماعی کردن او طی مراحل مختلف است. در

۱. «جهاد المرأة ان تصبر علی ماتری من اذی زوجها و غیرته» همان، باب ۴، از ابواب جهاد.

۲. «امراة صالحة تعینه علی امر الدنیا و الآخرة» همان، ج ۱۴، ص ۲۴ و ۱۲۳.

۳. «وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ» بقره، ۲۲۸.

۴. حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۱۲-۱۱۵ و ص ۱۲۵.

۵. مینوچین، خانواده و خانواده درمانی، ص ۸۸-۹۰.

نوزادی و کودکی، تغذیه و حفاظت، غالب وظایف والدین را تشکیل می‌دهد. در سنین میانی کودکی، کنترل و راهنمایی اهمیت بیشتری دارد و در نوجوانی، فراهم آوردن زمینه استقلال آنان از نکات مهم است. از آن‌جا که کودک تا جوانی بیشتر مدت زندگی خود را با خانواده می‌گذراند و معمولاً نزدیک‌ترین روابط را با خانواده دارد، مهم‌ترین عامل رشد و تحول او در ابعاد مختلف جسمانی، شناختی، رفتاری و عاطفی، خانواده است. روان‌شناسان در مورد تأثیر خانواده در تحول کودک، پژوهش‌های بسیاری در باب نقش تربیتی پدر و مادر، تأثیر متقابل خواهران و برادران، ترتیب تولد، تعداد فرزندان، شغل مادر و سبک‌های خانواده، انجام داده‌اند.^۱ در این‌جا به‌طور اختصار، وظایف والدین از دیدگاه اسلام را بررسی می‌کنیم و تفصیل بیشتر را به کتابهای تربیتی و رشد و امی‌گذاریم. اولین نکته در دیدگاه اسلام در مورد وظایف والدین، تقدس و تأکید بر ارزش معنوی آن است، به گونه‌ای که برای آن ارزش عبادت خداوند و رفتارهای مهم دینی قرار داده شده است؛ برای نمونه، رسول خدا(ص) در مورد وظایف مادری فرموده است: «وقتی زن باردار می‌شود، ثواب و پاداش او مانند روزه‌دار، برپاکننده نماز و کسی است که با مال و جان‌ش در راه خدا جهاد می‌کند. هنگامی که وضع حمل کرد، کسی عظمت مزد و پاداش او را درک نمی‌کند. وقتی به نوزادش شیر می‌دهد، هر مکیدن بچه، ارزش آزاد کردن بنده‌ای از فرزندان اسماعیل را دارد و هرگاه به‌طور کامل به فرزندش شیر داد، فرشته‌ای به او می‌گوید: همه گناهان گذشته‌ات بخشیده شد، دوباره عمل آغاز کن.»^۲ همین‌گونه به برخی رفتارهای پدر نسبت به فرزندان، جنبه عبادی و معنوی داده شده است.^۳ این تلقی، دو تأثیر مهم بر والدین دارد: در درجه اول باعث می‌شود در جهت مسئولیت‌های والدینی بیشتر تلاش کنند و در درجه دوم، رفتار و عمل خویش را واجد ارزش معنوی بیابند و در نتیجه، دشواری‌های این وظایف، تا حدی آسان شود. به علاوه، این تلقی موجب می‌شود والدین وظایف خانوادگی خویش را در ضمن سایر وظایف دینی قرار داده و آنها را مخّل یا جدا از وظایف دینی احساس نکنند.

نکته دوم، توجه اسلام به روابط والدین با کودک از پیش از تولد و حتی قبل از انعقاد نطفه است. تعالیم اسلام به تأثیر رفتار زن و شوهر، از جمله نوع تغذیه و پاکدامنی آنها

۱. بی‌ریا، ناصر، روان‌شناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی، ۸۵۴ - ۸۸۰.

۲. حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۱۷۵. ۳. همان، ص ۱۹۵ و ۲۲۷.

اشاره دارد^۱ و برای سلامت روانی و دینی کودکان آینده، توصیه‌های مهمی ارائه کرده است.^۲ وضعیت آنها در زمان انعقاد نطفه - نیز همان‌گونه که گذشت - در شخصیت کودکان نقش دارد.^۳ همچنین به مادر در دوران حاملگی توصیه‌هایی شده که بخشی از آنها به تغذیه او و تأثیر آن بر فرزند و بخشی به رفتارها و صفات او باز می‌گردد.^۴

نکته سوم، توجه اسلام به همه ابعاد رشد کودک و توصیه‌هایی ویژه به والدین در زمینه تغذیه، رشد جسمانی، شناختی، عاطفی و اجتماعی است. اسلام تأکید می‌کند تغذیه نوزاد از ابتدای تولد با شیر مادر باشد، و در این رابطه گفته شده است که برای نوزاد چیزی بهتر از شیر مادر نیست. همچنین تأثیر شیر بر بعد شناختی، جسمانی و دینی نوزاد مورد تأکید قرار گرفته است، به گونه‌ای که زنان کم عقل، بد زبان، بسیار زشت، حرام‌خوار، دشمن اولیای دین (ع) و شراب‌خوار و یا آنانی که دارای نقص جسمانی مانند ضعف بینایی هستند، نباید به کودک شیر دهند^۵، و به طور خلاصه، تأکید شده همان‌گونه که در گزینش همسر دقت دارید، در انتخاب زن شیرده برای نوزادان نیز دقت کنید.^۶ هر چند امروزه در صورت نبودن شیر مادر از شیر خشک استفاده می‌شود، این توصیه تأثیر تغذیه اولیه را بر همه ابعاد شخصیت کودکان نشان می‌دهد. البته متخصصان علوم تجربی تاکنون فقط تأثیر جسمانی و عاطفی تغذیه نوزاد از شیر مادر را با تحقیقاتی ثابت کرده‌اند.^۷ در مورد تأمین نیازهای مادی کودک، تأکید شده که از اموال مناسب باشد نه اموالی که از راههای غیرقانونی به دست آمده است؛ زیرا این امر تأثیر نامطلوبی بر اخلاق و رفتار فرزندان دارد.^۸ در باره نوع غذاهای فرزندان نیز توصیه‌هایی شده است و آن این که در درجه نخست، خوردنی‌ها حلال باشد^۹ و در درجه دوم، بر

۱. «طوبی لمن کانت امه عقیفة» فرید تنکابنی، الحدیث، ج ۲، ص ۱۱۷.

۲. حرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۸۶، ۸۷، ۱۸۸، ۱۹۰.

۳. در بحث روابط جنسی زن و مرد، در فصل دوم به این موضوع اشاره شد.

۴. مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۶، ص ۱۷۷. ۵. حرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۱۸۸.

۶. عن علی (ع): «تخیروا للرضاع کما تتخیرون للنکاح فان الرضاع یغیر الطباع» همان، ج ۶.

۷. اصفهانی، محمد مهدی، تغذیه با شیر مادر، ص ۵۵.

۸. حرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۶، ص ۳۸۵، ۳۸۰ و «کسب العرام بیّن فی الذریة» و مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۳، باب کسب حلال، ص ۱.

۹. بقره، ۱۶۸-۱۶۹، مجلسی، بحار الانوار، ج ۵، ص ۱۴۷ و ج ۱۰۳، ص ۷؛ محمدی ری‌شهری، میزان المحکمة، ج

۵، ص ۱۴۷ و ج ۱۰، ص ۷۲۰.

برخی میوه و غذاها بیشتر تأکید شده است.^۱

نکته چهارم، تأکید اسلام بر روابط عاطفی والدین با فرزندان است و در این جهت توصیه‌هایی در دو بعد روابط کلامی و غیرکلامی به والدین ارائه کرده است تا با عمل به آنها سلامت روانی کودکان حتی المقدور تأمین شود. روان‌شناسان بر تأمین نیازهای عاطفی کودکان بسیار تأکید بسیار دارند، و جالب‌ترین توصیه آنها توجه عاطفی مثبت و بی‌قید و شرط والدین به کودک است که عامل مهمی در سلامت روانی او در طول زندگی به شمار می‌رود.^۲ اولیای دین (ع) در باب روابط عاطفی والدین با فرزندان توصیه‌هایی به شرح ذیل دارند:

گفتگوی مهربانانه و دلسوزانه با فرزندان؛^۳ نگاه مهربانانه به آنها^۴ و دست کشیدن بر سرشان؛^۵ بوسیدن و در آغوش کشیدن فرزند که والدین در مقابل هر بوسه به فرزند، درجه‌ای در بهشت کسب می‌کنند^۶ (بدیهی است این توصیه به مقتضای سن کودک و مراحل رشد او است)؛ بازی با کودکان؛^۷ برخورد صمیمانه و در سطح درک کودکان^۸ با آنها و دوری از ابراز خشم و عواطف نامناسب نسبت به آنها؛^۹ احترام به کودک با نیکو صدا زدن و گفتگوی محترمانه.^{۱۰}

اسلام بر رعایت عدالت و مساوات در برخورد عاطفی با فرزندان بسیار تأکید دارد.^{۱۱} پیامبر اسلام (ص) فردی را که فقط یکی از دو فرزندش را بوسید، به رعایت مساوات بین فرزندان دعوت نمود.^{۱۲} برقراری مساوات در ابراز عواطف نسبت به فرزندان، چه در گفتار و چه رفتار، مانع بروز برخی عوارض منفی مانند احساس حقارت و حسد در کودکان می‌شود.^{۱۳} البته تعالیم اسلام به جهت برخورد نامناسب با زنان و فرزندان دختر در عصر بعثت پیامبر (ص) در جوامع گوناگون که تا عصر حاضر رگه‌هایی از آن دیده

۱. از جمله خوردن میوه به، گلایی، خربزه و کندر توصیه و بر تأثیر آنها در زیبایی فرزند و نیکو شدن اخلاق تأکید شده است. مجلسی، بحارالانوار، ج ۶۶، ص ۱۷۷، و همچنین خوردن شیر.

۲. شکرکن، حسین و دیگران، مکاتب روان‌شناسی، ج ۲.

۳. حرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۱۹۵.

۴. فرید تنکابنی، الحدیث، ج ۳، ص ۲۹۶.

۵. همان، ص ۵۹.

۶. حرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۱۹۴.

۷. همان، ص ۲۰۳، ۲۹۵.

۸. همان، ص ۱۹۹.

۹. «اكرموا اولادکم واحسنوا آدابهم یغفر لکم» مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۹۵.

۱۰. «اعدلوا بین اولادکم كما تحبون الله یعدلوا بینکم فی البر و اللطف» همان.

۱۱. حرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۲۰۴.

۱۲. فرید تنکابنی، الحدیث، ج ۳، ص ۶۷.

می‌شود^۱، به والدین توصیه می‌کند که به فرزندان دختر توجه بیشتری ابراز نمایند. رسول خدا(ص) فرمود: «کسی که به بازار وارد شود و برای خانواده خود هدیه‌ای بخرد، ثواب کسی را دارد که به نیازمندان هدیه می‌دهد. او باید به دختران قبل از پسران هدیه دهد؛ زیرا کسی که دخترش را شاد کند، ثواب آزاد کردن بنده‌ای از فرزندان اسماعیل را می‌برد، و اگر مایه روشنی چشم پسرش شود، گویا از ترس خدا گریسته است. چنین کسی را خداوند وارد بهشت‌های پر نعمت می‌کند.»^۲ همچنین فرموده‌اند که خداوند به دختر، نسبت به پسر مهربان‌تر است.^۳

توجه عاطفی مثبت به دختر از دو جنبه باید بیشتر باشد: نخست این که آنان گاه به سبب نگرشها و تصورات غالبی نادرست، مورد بی‌مهری قرار می‌گیرند و دستور اسلام در واقع به منظور پیشگیری از این امر است. دیگر این که دختران نسبت به روابط عاطفی حساسیت بیشتری دارند؛ چنان‌که رسول خدا(ص) در این رابطه فرمود: «دختران، چه فرزندان خوبی هستند؛ با لطافت [دارای گرمی و جاذبه‌اند] آماده به خدمت، مونس ازودتر انس می‌گیرند، با برکت و اهل نظافت و پاکیزگی.»^۴ تحقیقات روان‌شناختی نیز حساسیت بیشتر دختران را نسبت به ابراز عواطف نشان داده است.^۵ البته سرمایه‌گذاری عاطفی بیشتر والدین در مورد دختران، نباید به تبعیض و بی‌توجهی به فرزندان پسر بینجامد. والدین باید به نیازهای عاطفی پسران نیز واکنشی مناسب نشان دهند و در عین حال، با توجه به طبیعت عاطفی دختران و سرمایه‌گذاری بیشتر آنها در کمک به والدین، حمایت بیشتری از آنان بنمایند، و این امر به مساوات در برخوردهای عاطفی آسیبی نمی‌رساند.

شایان توجه است که در تعالیم اسلام، افراط در ابراز محبت نسبت به فرزندان پذیرفتنی نیست.^۶ ابراز عواطف بیش از حد موجب کودک‌محوری در خانواده می‌شود و به سبب وابستگی شدید، فرزندان را از کسب استقلال باز می‌دارد. البته تنبیه به صورت

۱. برای نمونه، این مقالات به تبعیض نسبت به دختران در عصر حاضر اشاره دارد: جونی زیگر «برتری فرزند

پسر» ترجمه زهره زاهدی، مجله زنان، ش ۵۰؛ شبانته گوش «دخترهای بدشگون در آسیای جنوب شرقی»

ترجمه الهام صادقی، مجله زنان، ش ۷. ۲. حرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۱۰۰.

۳. همان، ص ۱۰۴. ۴. همان، ص ۱۰۰.

۵. خدا رحیمی، سیامک و سایرین، روان‌شناسی زنان، ص ۱۱۴، ۱۲۹ و ۱۳۰.

۶. فرید تنکابنی، الحدیث، ج ۱، ص ۳۰۱.

ملایم در شرایطی تأیید شده است؛ از جمله قهر کردن با کودکان که در این صورت، قطع روابط با فرزندان به مدت طولانی مناسب نیست^۱. در اسلام از خشونت و رزی نسبت به کودکان و زدن آنها^۲ نهی شده است به گونه‌ای که گفته شده خداوند برای چیزی به مانند ظلم در حق کودکان و زنان، خشمگین نمی‌شود^۳.

۳. مسئولیت‌های فرزندان

در نظام خانواده - همان‌گونه که باید زمینه‌ای برای تحول فرزندان در ابعاد مختلف ایجاد شود - مسئولیتها و نقشهای آنها نیز باید به تدریج به آنها آموزش داده شود. در باب تربیت فرزندان، در سیر تاریخی دو شیوه نامطلوب دیده می‌شود. تا پیش از قرن حاضر، روش تربیت و مواجهه با کودک معمولاً تحمیل و فشار بود و حقوق کودک کم‌تر در نظر گرفته می‌شد. در عصر حاضر به تدریج به کودک توجه شد و در این جهت افراطی صورت گرفت و در فرهنگ غرب کار به کودک محوری و تحمیل بیشتر به والدین انجامید^۴. دین اسلام برای انسجام خانواده و کارایی بهتر آن، در دو جنبه رابطه با والدین و رابطه با یکدیگر مسئولیت‌هایی را برای فرزندان در نظر می‌گیرد. از آن‌جا که فرزندان هر خانواده تا سالها پس از تولد (حدود ۸ تا ۱۰ سال)، مسئولیت قانونی و شرعی بر عهده ندارند، بیشتر خود والدین مسئول تربیت و آموزش و وظایف به فرزندان هستند.

۱- ۳. وظایف فرزندان نسبت به والدین: بحث را با بیان تلقی ویژه دین اسلام از این وظایف آغاز می‌کنیم. اولین نکته، بعد معنوی و تقدس این وظایف است، به گونه‌ای که رابطه خوب با والدین نه تنها از برترین رفتارهای دینی شمرده شده^۵، بلکه به گونه‌ای شرط پذیرش سایر اعمال دینی فرد نیز اعلام شده است^۶. رضایت خداوند در گرو رضایت والدین و ناخشنودی خدا در اثر نارضایی آنان است^۷. قرآن، حقوق والدین را در ردیف مسئولیت‌های الهی فرد آورده است: «به انسان سفارش کردیم که شکرگزار من و

۱. همان، ج ۲، ص ۳۴۸ و «ولایرهقه و لایخرق به» کلینی، فروع کافی، ج ۶، ص ۵۰.

۲. «لاتضربه و اهجره و لاتطل» مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۱۱۴.

۳. حرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۲۰۲. ۴. مینوچین، خانواده و خانواده درمانی، ص ۸۹.

۵. حرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۲۰۵. ۶. همان، ص ۲۱۷.

۷. مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۷۴، ص ۸۰: نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۷۵.

پدر و مادرت باش.»^۱ اگر والدین از فرزند ناخشنود باشند، عواقب بسیار نامطلوب دنیوی و اخروی در انتظار او خواهد بود.^۲ دعای والدین در حق فرزند نیز بسیار مؤثر است.^۳ همه این موارد نشان می‌دهد که از نظر اسلام، تعالی معنوی و دینی فرزندان با رابطه مناسب و مطلوب آنها با والدین درهم تنیده و جدا نشدنی است.

نکته دوم، گستردگی وظایف فرزندان نسبت به والدین به همه زندگی تا پایان عمر والدین و حتی پس از مرگ آنهاست. از دیدگاه اسلام، فرزند چه پسر و چه دختر پس از تشکیل خانواده، بازهم نسبت به والدین مسئولیتهای مختلف حمایتی چه اقتصادی و چه روانی دارد. به ویژه با رسیدن آنها به سالهای پیری^۴، مسئولیتها بیشتر می‌شود. گستره این وظایف به پس از مرگ نیز می‌رسد، و ممکن است فردی در دوران حیات والدین حقوق آنها را رعایت کند، ولی پس از مرگ، وظایف خود نسبت به آنها را انجام ندهد و موجبات ناخشنودی‌شان را فراهم کند.^۵

نکته سوم، بدون قید و شرط بودن این وظایف است، به گونه‌ای که اگر والدین از لحاظ دینی منحرف و گمراه باشند^۶ یا حقوق فرزند را عایت نکنند^۷، باز هم مسئولیت فرزندان نسبت به آنها ساقط نمی‌گردد و عذرشان در این باره پذیرفته نمی‌شود.

نکته چهارم، مسئولیت بیشتر فرزندان نسبت به مادر است که در کلمات اولیای دین(ع)، افزون بر تأکید بر حق مادر^۸، اهمیت نیکی به او دو برابر نیکی به پدر شمرده شده است.^۹ قرآن برای ترغیب افراد به برقراری رابطه مطلوب با مادر، تلاشها و رنجهای مادران را این‌گونه بیان می‌کند: «انسان را در باره پدر و مادرش سفارش کردیم؛ مادرش او را با ناتوانی و رنج پیوسته حمل کرد و طی دو سال شیر داد»^{۱۰}... مادرش با تحمل رنج، به او باردار شد و با تحمل رنج، او را به دنیا آورد^{۱۱}...» رسول خدا(ص) نیز در مورد حق مادر فرمود: «اگر روزهایی به تعداد ریگهای بیابان و قطرات باران در زندگی دنیا نزد او

۱. لقمان، ۱۴.
۲. حرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۲۱۶ و ۲۱۷.
۳. محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۴، ص ۱۶۷۶.
۴. حرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۲۱۶ و ۲۱۷؛ اسراء، ۲۳.
۵. همان، ص ۲۲۱.
۶. «بَرِّ الْوَالِدَيْنِ بَرِّينَ كَانَا او فاجرین» همان، ص ۲۰۷.
۷. همان، ص ۲۱۷.
۸. همان.
۹. «أَنْ لِلْمَ ثَلْثِي الْبُرِّ وَ لِلْآبِ الثَّلْثُ» همان، ص ۲۰۹. ۱۰. لقمان، ۱۴.
۱۱. احقاف، ۱۵.

باشی و به او خدمت کنی، نمی‌توانی حتی زحماتی که در ایام بارداری برایت کشیده، جبران کنی.^۱»

نکته پنجم، اهمیت و بزرگی مسئولیت فرزندان نسبت به والدین است که به آن اشاره شد. اینک پس از بیان نکات یاد شده، با تفصیل بیشتری به وظایف فرزندان می‌پردازیم. در روابط کلامی، لحن و آهنگ صدای آنان در مقابل والدین، آرام و پایین‌تر^۲ از آنها و در عین حال مهربانانه باشد. هرگونه آزار و پرخاشگری لفظی نسبت به والدین ناشایست اعلام گردیده تا آن جا که در قرآن به فرزندان توصیه شده است حتی از گفتن لفظ «آف»^۳ (که در زبان عربی کم‌ترین مراتب تندی در گفتار است) بپرهیزند^۴ و با آنها با احترام و بزرگواری^۵ سخن گویند. یک توصیه ظریف تربیتی در مورد والدین این است که آنها را با نامشان صدا نزنند، بلکه با کلماتی مانند «مادر» یا «پدر» به آنها خطاب کند.^۶ شاید بتوان گفت دلیل توصیه فوق به این امر باز گردد که اساس رابطه و مهم‌ترین عامل پیونددهنده والدین و فرزندان، همین رابطه خونی پدری و مادری و فرزندگی است که نام پدر و مادر نشانه‌ای از آن است. اگر فرزندگی پدر و مادر را با نام صدا کند، گویا قرابت و والدینی را در جایگاه مناسب در نظر نمی‌گیرد یا دست‌کم به آن اهمیت لازم را نمی‌دهد. وقتی در دراز مدت رابطه با والدین از راه نامیدن آنها به اسم اصلی شد، به تدریج رابطه عاطفی و ادبی فرزندگی و والدینی تضعیف شده و به دنبال آن افراد وظایف لازم را انجام نمی‌دهند. در این رابطه، جالب است بدانیم که پیامبر(ص) نیز از حضرت فاطمه(س) می‌خواست ایشان را به عنوان پدر خطاب کند نه عنوانهای دیگری مانند رسول خدا(ص)^۷. در روابط کلامی با دیگران نیز فرزند باید به گونه‌ای عمل کند که زمینه اهانت کلامی به والدین خویش را فراهم نکند.^۸ همچنین باید همواره آنان را مشمول دعای خیر خود کند، هرچند در راه راست نباشند.^۹

۱. نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۸۲.

۲. «ولا ترفع صوتک فوق اصواتهما» حرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۲۰۵.

۳. قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن ج ۱، ص ۸۸، کلمه «آف».

۴. «قَلَّا تَقَلُّ لَهُمْ آفٌ» اسراء، ۲۳. ۵. حرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۲۷۱ و ۲۲۰.

۶. «لا یسمیہ باسمه» همان، ص ۲۲۰.

۷. بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۴۲۹؛ ذیل آیه ۶۳ سوره نور، «ان قولک یا أباه، أحب الی قلبی و ارضی للرب».

۸. «ولا یستسب له» حرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۲۲۰.

۹. نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۷۹؛ «وَقُلْ رَبِّ اَرْحَمُهُمَا كَمَا رَبَّیْتَنِی صَغِيرًا» اسراء، ۲۴.

در روابط غیرکلامی نیز مهم‌ترین امر، فروتنی در برابر والدین است. قرآن با استعاره‌ای زیبا افراد را به نهایت فروتنی در برابر والدین دعوت می‌کند: «از سر مهربانی بال فروتنی برای پدر و مادر بگستر.»^۱ به‌همین جهت مناسب نیست فرزند جلوتر از والدین راه رود^۲، پیش از آنان بنشیند^۳، و یا به آنها تکیه دهد^۴. نگاه فرزند به والدین نباید خیره^۵ و تند و از سر خشم باشد، هرچند به او ستم کرده باشند^۶. در مقابل، اگر والدین را از روی دوستی نگاه کند، عمل او عبادت به شمار می‌رود^۷ و در این حالت، درهای رحمت الهی گشوده می‌شود^۸. بوسیدن والدین نیز عبادت است^۹. همچنین به هیچ وجه نباید با والدین قطع ارتباط یا قهر کند^{۱۰}.

معمولاً هر چه والدین به پیری نزدیک می‌شوند، به مشکلات روز افزونی دچار می‌گردند و از این رو متون دینی بر رسیدگی به والدین در دوران پیری تأکید کرده است^{۱۱}. به‌طور کلی، در رابطه فرزندان و والدین گفته شده که فرزندان پیش از اظهار نیاز، بدنبال رفع نیازهای والدین باشند^{۱۲}.

در این جا مناسب است علت تأکید بسیار تعالیم اسلام بر حقوق والدین تبیین شود. در نظام خانواده، والدین به ویژه مادر بیشترین سرمایه‌گذاری را نسبت به فرزندان دارند و این پدیده در طول تاریخ و همه جوامع بشری، امری ساری و جاری بوده است. والدین همه تلاش خود را در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و عاطفی برای رشد و تأمین سلامت فرزندان به کار می‌گیرند و به تعبیری، نهایت فداکاری را در نظام خانواده مبذول می‌نمایند. در این میان، مادر در خانواده بیش از هر فرد دیگر سرمایه‌گذاری می‌کند. از سوی دیگر، آن که در این سرمایه‌گذاری بیشترین استفاده را می‌برد، فرزند است. نیاز فرزندان به این سرمایه‌گذاری تنها از طریق والدین تأمین می‌شود؛ زیرا مؤسسه‌های نگهداری کودک هرچند از استانداردهای لازم مادی و روان‌شناختی برخوردار باشند، نمی‌توانند در همه ساعات شبانه‌روز حمایت مادی و روانی لازم از کودک را فراهم کنند.

۱. اسراء، ۲۴.
۲. حرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۲۰۵.
۳. همان، ص ۲۲۰.
۴. همان، ص ۲۱۷.
۵. همان.
۶. همان.
۷. فرید تنکابنی، الحدیث، ج ۳، ص ۳۳۹.
۸. مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۲۱.
۹. همان، ج ۲۳، ص ۱۱۳.
۱۰. حرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۲۰۵.
۱۱. اسراء، ۲۴.
۱۲. حرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۲۰۵.

به هر حال، کمبود سرمایه‌گذاری عاطفی موجب اختلالاتی در فرزندان می‌شود که جبران آن نیازمند سالها تلاش است و گاه قابل جبران نیست^۱. همان‌گونه که گذشت، کودک نیازمند توجه مثبت غیرمشروط است و والدین می‌توانند این نیاز را به خوبی برآورده سازند و همین امر یکی از علت‌های عزت نفس بالای کودکان است^۲. مسئله دیگر این است که در بسیاری موارد، اختلال در کارکرد خانواده از ضعف والدین در انجام وظایفشان ناشی می‌شود. با توجه به نکات یادشده، والدین نقشی حیاتی در رشد و تعالی خانواده دارند. بدیهی است آنان برای انجام مناسب وظایف، نیازمند تشویق و دریافت پاداشهایی در این زمینه هستند و از آن‌جا که انتظار حمایت مادی فرزندان، دست‌کم تا سالها نامعقول به نظر می‌رسد، ارج نهادن به والدین و توجه بیشتر به آنها می‌تواند انگیزه و نشاط آنها را در انجام وظایف تا حدی تأمین کند.

۲-۳. وظایف فرزندان نسبت به یکدیگر: فرزندان در هر خانواده، اولین زمینه رشد و پویایی کودکان به شمار می‌روند. آنان در این بستر حالات مختلف عاطفی را تجربه کرده و می‌آموزند. مذاکره، همکاری، رقابت، حمایت، دوستی و نفرت در مجموعه خواهران و برادران آموخته می‌شود^۳. روابط فرزندان با یکدیگر در خانواده، در روابط و مسئولیتهای اجتماعی آینده آنها تأثیری جدی دارد. به نظر می‌رسد در مرحله‌ای که غالباً فرزندان خانواده کوچک هستند و استقلال عاطفی کاملی به دست نیاورده‌اند، مسئولیت اصلی تنظیم روابط رضایت‌بخش بین آنها برعهده والدین است. دخالت والدین در این روابط باید به صورت متعادل باشد، به گونه‌ای که نه فرزندان را به حال خود رها کنند تا احتمالاً تحمیلها، فشارها و قوانین نامناسب بین آنها حاکم شود، و نه کنترل و دخالت بسیار اعمال کنند؛ آنان را باید با شرایط ویژه و علایق مخصوص به خود پذیرفت و از دخالت در حریم خصوصی آنها خودداری کرد. به نظر می‌رسد تعالیم اسلام از میان سه روش یاد شده، امر متعادلی را پذیرفته است که گاه آن را «خانواده مقتدر» می‌نامند^۴.

در تعالیم اسلام نکاتی در باره روابط خواهری و برادری به چشم می‌خورد که بیشتر متناسب با روابط آنها در بزرگسالی است، هرچند برای درونی‌سازی روابط به صورت آنچه اسلام در نظر دارد، باید افراد را از کودکی با این امور آشنا کرد. در روایات اسلامی،

۱. منصور و... روان‌شناسی ژنتیک، ج ۲، ص ۱۵۰-۱۵۶.

۲. پروین، ل، ا، روان‌شناسی شخصیت، ص ۲۲۱-۲۲۳. ۳. مینوجین، خانواده و خانواده درمانی، ص ۹۰.

۴. بی‌ریا، و... روان‌شناسی رشد، ج ۲، ص ۸۷۵.

در باره اخوت تعبیرها و توصیه‌های فراوانی به چشم می‌خورد. بیشتر این توصیه‌ها در باره رابطه برادری دینی و ایمانی است، ولی شامل رابطه خواهری و برادری نسبی نیز می‌شود؛ زیرا برای نمایان کردن اهمیت روابط بین دو مؤمن، آن را به روابط برادری تشبیه کرده‌اند.^۱ روابط خواهران و برادران در بزرگ‌سالی تحت عنوان صله رحم بیان می‌شود. با وجود این، بر اساس اولویت خویشاوندان، برقراری روابط مناسب خویشاوندی بین این افراد بیشتر اهمیت دارد. این روابط باید همواره حمایت عاطفی و روانی و حمایت مادی خواهران و برادران نسبت به هم را تأمین کند. در بعد عاطفی، ملاقات خواهران و برادران مایه آرامش روانی آنهاست؛ زیرا خویش را متعلق به هم و مشابه هم می‌بینند و همین تشابه، زمینه‌ای برای آرامش آنها در کنار یکدیگر است.^۲ برون‌ریزی عاطفی^۳ و حصول نشاط و شادمانی^۴ از دیگر آثار روانی روابط مناسب خواهری و برادری است. در این میان، فرزندان بزرگ‌تر مانند برادر بزرگ‌تر جایگاه ویژه‌ای دارند، به گونه‌ای که در غیاب والدین نقشی مشابه آنان در خانواده بر عهده می‌گیرند^۵؛ از این رو، باید در حمایت روانی و مادی از کوچک‌ترها، و دیگران نیز در احترام و اهمیت ویژه دادن به آنها، تلاش کنند. حمایت مادی خواهر و برادر از هم نیز با اهمیت است، به گونه‌ای که دو برادر به دو دست تشبیه شده‌اند که هنگام شستشو، هرکدام دیگری را یاری می‌دهد.^۶ از آنجا که معمولاً در بیشتر جوامع حتی در عصر حاضر مردها توان اقتصادی و در نتیجه درآمدی بیشتر از زنان دارند، بر حمایت روانی و مادی برادر از خواهر بیشتر تأکید شده است.^۷ روابط خواهری و برادری پس از مرگ والدین نیز باید استمرار یابد تا کمبودهای عاطفی و روانی ناشی از این فقدان جبران شود. این روابط نباید قطع شود و حتی در صورت قطع روابط از یک سو، طرف دیگر

۱. «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» حجرات، ۱۰؛ کلینی، اصول کافی، ج ۳، ص ۲۴۱-۲۴۴.

۲. عن ابی عبدالله (ع): «لِکُلِّ شَیْءٍ شِیْءٌ لَیَسْتَرِیحَ الَیْهِ وَ انَّ الْمُؤْمِنَ لَیَسْتَرِیحُ الَیْ اُخِیهِ الْمُؤْمِنَ کَمَا یَسْتَرِیحُ الطَّیْرُ الَیْ شِکْلِهِ» مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۲۷۴، ۲۸۰ و ۹۷.

۳. عن ابی عبدالله (ع): «إِذَا صَادِقٌ أَحَدُکُمْ فَلَیَعْلَمُ آخَاهُ» همان، ص ۲۸۷.

۴. همان؛ «تَبَسُّمُ الرَّجُلِ فِی وَجْهِ اُخِیهِ حَسَنَةٌ وَ صِرْفَةُ الْقَدَیْ عِنْدَ حَسَنَةٍ وَ مَا عَیَّدَ اللهُ بَشِیْءًا أَحَبَّ الَیْ اللهِ مِنْ اِدْخَالِ السَّرورِ عَلَی الْمُؤْمِنِ» ص ۲۸۸ و ۲۹۰. ۵. همان، ص ۹۷.

۶. فیض کاشانی، المحبَّة البیضاء...، ج ۳، ص ۲۸۵.

۷. «مَنْ کَانَتْ لَهُ ثَلَاثُ اُخْوَاتٍ... فَحَسَنٌ صَحْبَتُهُنَّ وَ اتَّقَى اللهُ فِیْهِنَّ فَلَهُ الْجَنَّةُ» ترمذی، محمدبن عیسی، السنن الترمذی، ج ۶، ص ۳۹ و «أَفْضَلُ الصَّدَقَةِ عَلَی اِخْتِکَ وَ اِبْتِکَ وَ هِیَ مُرَدودَةٌ عَلَیْکَ لَیْسَ لَهَا کَاسِبٌ غَیْرُکَ»

مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۱۰۳.

باید آن را استمرار دهد. همان گونه که بیان شد، از نکات جالب توجه تعالیم اسلام^۱ و سیره اولیای دین(ع)^۲، برقراری روابط با خویشانی است که فرد را رها کرده‌اند. بدیهی است در این شرایط، طرف دیگر نیز به حفظ روابط ترغیب شده و روابط عاطفی پایداری بین آنها برقرار خواهد شد^۳.

۴. سلسله مراتب در خانواده

خانواده مانند دیگر نظامهای انسانی و اجتماعی دارای یک سازمان است. در هر سازمان، هر فرد برای خود جایگاه ویژه‌ای دارد که نشانه قدرت و تأثیر او بر دیگران است. در جوامع انسانی سازمانی که همه افراد در آن در یک رتبه باشند، دیده نمی‌شود^۴. بسیاری از صاحب نظران خانواده، مانند مینوچین و جی هی لی، وجود سلسله مراتب شفاف و صریح درون خانوادگی را پیش فرض کارایی خانواده در نظر می‌گیرند. ملاک سلامت و بیماری خانواده این واقعیت است و خانواده درمان‌گری، مانند مینوچین، هدف درمان را «نشان دادن والدین پشت فرمان» اعلام می‌کند. نظم و انسجام خانواده نیز به سلسله مراتب مناسب آن بستگی دارد^۵.

تعالیم اسلام نیز بر لزوم سلسله مراتب در خانواده تأکید می‌کند. از لوازم سلسله مراتب، اقتدار بیشتر برخی اعضا در خانواده است. اقتدار کافی و در عین حال عادلانه شرط ضروری انجام وظیفه است. در صورتی که وظیفه‌ای بر عهده عضوی گذاشته شود در حالی که قدرت و امکانات انجام آن را نداشته باشد، تحقق وظیفه برای او ناممکن یا دشوار خواهد بود. در نظام خانواده نیز باید وظایف همراه با اقتدار کافی تفویض شود. از مباحث گذشته روشن شد که والدین در خانواده بیشترین و مهم‌ترین وظایف را بر عهده دارند و به همین جهت، باید از اقتدار کافی و بیش از دیگران برخوردار باشند. در راستای این امر، تعالیم اسلام مانند بیشتر نظریه پردازان خانواده^۶، بر مدیریت والدین در خانواده

۱. «من وصل من قطع» مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱۰۲.

۲. مانند برخورد امام حسین(ع) با برادرش محمد حنفیه (همان. ج ۴۴، ص ۱۹۱) و برخورد سایر ائمه(ع) با خویشان خود (عبدوس. محمدتقی. سیره امامان شیعه، ج ۲، ص ۱۸۱، ۱۹۰-۱۹۴).

۳. «أَدْفَعُ بِأَلْتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِنَا أَلْتِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدْوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيُّ حَمِيمٍ». فصلت، ۳۲.

۴. هی لی. ج. روان درمانی خانواده، ص ۱۷۱-۱۷۹.

۵. زیمون، ماهیم و توری‌های کلیدی در خانواده درمانی، ص ۲۳۵.

۶. مگر برخی مانند بوژرمنی که هر نوع سازماندهی خانوادگی را که قدردانی و احترام متقابل در آن لحاظ شود، می‌پذیرد. همان.

تأکید می‌کند. پیروی و همراهی با والدین لازم است^۱ و نافرمانی از آنها فقط در صورت اصرار آنها بر گناه و شرک به خداوند، مجاز می‌باشد. البته حتی در این صورت نیز برخورد مناسب و مؤدبانه با والدین ضروری است^۲. برای حفظ اقتدار والدین و تسهیل نقش مهم آنها در کارایی خانواده و حل مشکلات آن، دین اسلام برخی عبادتها را در صورت ناخشنودی والدین، نادرست اعلام می‌کند^۳. رضایت خدا، منوط به رضایت والدین و خشم و ناخشنودی آنها از فرزند، موجب خشم و غضب خداوند می‌گردد^۴.

اگر این سلسله مراتب در خانواده رعایت نشود و والدین از اقتدار کافی برخوردار نباشند و در تصمیم‌گیری‌های مهم به خواسته‌های فرزندان تن دهند، یا هر عضو جدا از دیگران تصمیم‌گیری کند، خانواده انسجام لازم را از دست خواهد داد؛ زیرا محور خانواده، یعنی والدین قادر به حل مشکلات نخواهند بود و خانواده ممکن است در اثر خواسته‌های غیرمنطقی فرزندان، دچار آسیبهای جدی شود. شاید به همین جهت پیامبر اسلام (ص) فرمود: «خداایا، به تو پناه می‌برم از فرزندتی که خدایم باشد»^۵، بدین معنا که به والدین امر و نهی کند و آنها تسلیم او باشند.

تعالیم اسلام، افزون بر تأکید بر اقتدار والدین، به شوهر اقتدار بیشتری می‌دهد. قرآن به این نکته تصریح کرده است: «مردان سرپرست زنان‌اند؛ به دلیل آنکه خداوند برخی را نسبت به بعضی دیگر برتری داده است و به دلیل آنکه عهده‌دار تأمین معیشت خانواده هستند؛ پس زنان درستکار فرمان‌بردارند...»^۶. در آیه‌ای دیگر آمده است: «مانند وظایفی که بر عهده زنان است، وظایفی به نفع آنان بر عهده مردان است و مردان درجه‌ای از آنان

۱. برخی فقها عدم اطاعت از والدین را که به نارضایتی و عقوق یا آزار آنها منجر شود، حرام می‌دانند. (خانه کودک، احکام ما و کودکان، ص ۱۲۵ و ۲۱۹)
۲. «وَإِنْ جَاهِدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبَيْهِمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا» لثمان، ۱۵ و عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، نورالثقلین، ج ۴، ص ۲۰۲.
۳. مانند روزه مستحبی فرزند، بدون رضایت والدین او (خانه کودک، احکام ما و کودکان، ص ۲۲۱).
۴. «رضی الرب فی رضی الوالدین و سخط الرب فی سخط الوالدین» نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۷۵.
۵. «اللهم انی اعوذ بک من ولد یكون علی ربنا» مجلسی، بحارالانوار، ج ۸۶، ص ۱۸۶.
۶. «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَنَاطِتٌ...» نساء، ۳۴. «قوام» در نظر مترجمان فارسی قرآن، به معنای زیر به کاربرده شده که همه متناسب با برداشتهایی است که در متن از آیه ارائه شده است: قوام: مسلط (خرمشاهی، بهاء الدین، ۱۳۷۴)؛ کارگزار و سرپرست (مجتبوی، جلال الدین، ۱۳۷۱)؛ سرپرست و نگهبان (مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۸) و سرپرست (فولادوند، محمد مهدی، ۱۳۷۳).

برترند...^۱» در بسیاری از کلمات اولیای دین(ع)، مهم‌ترین مسئولیت زن در خانواده هماهنگی و همراهی با شوهر اعلام شده است. رسول خدا(ص) در این باره فرمود: «حقوق شوهر بر عهده همسر آن است که از او اطاعت کند، در مقابلش نافرمانی نکند، صدقه‌ای از اموال منزل بدون اجازه او ندهد، روزه مستحبی فقط با اجازه او بگیرد، از منزل بدون اجازه شوهر خارج نشود.... به ایشان عرض شد: چه کسی بزرگ‌ترین حق را بر عهده زن دارد؟ فرمود: همسرش.»^۲ افزون بر لزوم اقتدار مرد در خانواده، احساس و تلقی این امر از سوی زن ضرورت دارد. حضرت علی(ع) در این باره فرمود: «اگر زن، تو را صاحب اقتدار ببیند، بهتر است از آن که تو را به حال شکستگی و ضعف بنگرد.»^۳

براساس آیه قرآن و سخنان معصومین(ع)، فقه اسلامی و قانون مدنی در ایران (ماده ۱۱۰۵) در روابط زوجین، ریاست خانواده را از خصایص شوهر اعلام می‌کند.^۴ منظور از ریاست، تصمیم‌گیری در امور خانواده بر اساس مراعات مصالح آن می‌باشد که بعضی از آنها از نظر قانون‌گذار، انتخاب محل سکونت و عهده‌داری امور اقتصادی خانواده و سرپرستی قانونی فرزندان است. در تبیین این قانون گفته شده است که هر گروهی را باید رئیسی باشد که کارها را هماهنگ کند و در صورت بروز اختلاف، به نظر او رجوع و به این شکل وحدت آن گروه حفظ شود.^۵ اگر خانواده رئیس نداشته باشد و زن و مرد در اداره امور آن برابر باشند، ناگزیر باید برای حل اختلاف در هر مورد جزئی به مراجعی بالاتر رجوع کنند و همین امر به انسجام و روابط مناسب اعضای خانواده آسیب می‌رساند؛ بنابراین، ریاست خانواده مقامی است که برای ثبات و مصلحت خانواده به مرد داده شده است و امتیاز و حق فردی برای شوهر محسوب نمی‌شود. این امر بیشتر یک وظیفه اجتماعی برای تأمین سعادت خانواده است و مرد نباید از آن سوء استفاده کند، یا برخلاف روش مناسب هر جامعه و یا مصلحت ویژه هر خانواده و به شکل تحکم و اجبار، آن را به کار برد.

با توجه به ترجمه مفسران فارسی زبان قرآن و نکاتی که بیان شد، کلمه «قوام» در آیه

۱. «وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ» بقره، ۲۲۸.

۲. حرّعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۱۲.

۳. «هنّ برین آنک ذو اقتدار خیر من ان برین حالک علی انکسار» همان، ص ۱۲۰.

۴. صفایی، سید حسین و اسدالله امامی، مختصر حقوق خانواده، ص ۱۲۵.

۵. رشیدرضا، تفسیر المنار، ج ۲، ص ۳۸۰.

یاد شده امور مهمی را در بر دارد: الف - مرد وظیفه دارد نیازهای جسمانی و روانی زن را به‌طور مناسب تأمین کرده و زمینه احساس اطمینان و آرامش وی را فراهم آورد. ب - در اداره خانه و خانواده، مرد باید شرایط زن را درک کرده و با مراعات حال او، از وی حمایت کند و خانواده را بر اساس سرپرستی‌ای که دارد، عادلانه اداره کند.^۱ این سرپرستی مبتنی بر ضوابط و اصولی است که آزادی زن و فرزندان را در چهارچوب شرع و عرف جامعه تأمین می‌کند.^۲ قوام بودن مرد با شرکت دادن زن و فرزندان در اداره خانه به‌گونه‌ای که در بحث مشورت در خانواده بیان خواهیم کرد، منافاتی ندارد. البته قوامیت به معنای فصل‌الخطاب بودن مرد در مواردی است که خانواده دچار اختلاف شده و شرایط، مستلزم آن است که عضوی از خانواده سخن آخر را بگوید و دیگران بپذیرند. با این تبیین از ریاست خانواده، نگرش اسلام پدرسالاری در خانواده نیست؛ زیرا این مفهوم از نوعی حکومت برای پدر حکایت می‌کند، در حالی که سرپرستی خانواده با رعایت مصالح و حدود مشخص، امری دیگر است.^۳

اینک مناسب است به بررسی و تبیین دلایل تعیین مرد به عنوان سرپرست خانواده بپردازیم. سرپرستی خانواده در بعد اقتصادی و اجتماعی و فصل‌الخطاب بودن در مواردی که مشورت و گفتگو به حل اختلافها کمک نکرده است، مستلزم توان و طاقت ویژه‌ای است که فرد را در رویارویی با تنیدگی‌ها، اضطرابها و نگرانی‌ها از پای در نیآورد. بدون تردید این مسئولیت را باید یکی از والدین بپذیرد، و از جهتهای متعدد می‌توان مرد را برای ایفای این مسئولیت مناسب‌تر دانست. زن به جهت برخی ویژگی‌های طبیعی خاص خود، در بعد احساسات و عواطف از مرد قوی‌تر است.^۴ جذابیت عاطفی زن و شیوه‌های تعامل عاطفی او با مرد نیز بسیار قوی‌تر از مرد است؛ برای نمونه، زنان دو

۱. آیاتی مانند «كُونُوا قَوْمِينَ بِالْأَيْمَانِ» نساء، ۱۳۵ و «كُونُوا قَوْمِينَ لِلَّهِ» مانده، ۸ و «فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَاتَعْتَدِلُوا قُوَّةً» نساء، ۳، این آیه را می‌توان شاهدهی بر رفتار عادلانه مرد دانست. (سجادی، سید ابراهیم، «قرآن و مشارکت اجتماعی زنان»، پژوهشهای قرآنی، ش ۲۷ و ۲۸.

۲. «و عاشروهن بالمعروف» نساء، ۱۹. ۳. رثوف، هبه، مشارکت سیاسی زن، ص ۱۷۹.

۴. بسیاری از صاحب‌نظران اسلامی این دیدگاه را دارند مانند: علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، ج ۵، ص ۳۴۳؛ شهید مطهری. در نظام حقوق زن در اسلام، ص ۱۶۳؛ علامه مجلسی در بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۲؛ علامه محمدحسین فضل‌الله در من و وحی القرآن، ج ۷، ص ۱۶۱. برخی صاحب‌نظران دیگر نیز این دیدگاه را دارند: ویل دورانت در لذات فلسفه، ص ۱۳۹. روزه پیره در روان‌شناسی اختلاف زن و مرد و هاشمی در مقدمه‌ای بر روان‌شناسی زن (نقل از سجادی، «قرآن و مشارکت اجتماعی زنان»، پژوهشهای قرآنی، ش ۲۷ و ۲۸، ص ۵۴).

برابر مردان از احساس همدلی برخوردارند^۱. افزون بر آنچه گذشت، پیوند عاطفی بسیار عمیقی بین مادر و فرزند برقرار می‌شود که وحدت و هم‌زیستی مادر و کودک طی دوران بارداری و تغذیه کودک از سینهٔ مادر در دوران شیرخواری، نقش مهمی در این پیوند دارد. نتیجه این پیوند، توجه بسیار مادر و تلاش او در برآورده ساختن نیازهای جسمانی و عاطفی کودک است. در خانواده، افزون بر فرزندان، نیازهای عاطفی مرد نیز بسیار است که از همسر خود برآوردن آنها را انتظار دارد.

با این شرایط، اعطای سرپرستی خانواده به زن به دو جهت برای او مشکل‌آفرین است: اول این که زن به جهت ویژگی‌های روانی خود، بیشتر از طریق احساسات و عواطف با مسائل زندگی روبه‌رو می‌شود که این امر به خودی خود مناسب و مطلوب است ولی در رویارویی با مشکلات زندگی، گاه عقل و منطق دور از احساس، بیشتر به کار می‌آید و این امر او را به تعارض در تصمیم‌گیری‌ها دچار می‌کند و تحقیقاتی در بحث مدیریت زنان در سازمانها نیز به این پدیده اشاره کرده است^۲. دوم این که اعطای سرپرستی خانواده به زن مسئولیت بزرگ‌تری را به او تحمیل می‌کند که او را در انجام هم‌زمان مسئولیتهای مادری و همسری از یک سو و سرپرستی خانواده از سوی دیگر، به عجز می‌کشاند. در این شرایط، زن ناگزیر است مسئولیتی را فدای مسئولیت دیگر کند. تحقیقات نشان می‌دهد که بسیاری از زنان در ایفای مسئولیتهای اجتماعی همراه با مسئولیتهای زندگی خانوادگی، به تعارضهای غیر قابل حل دچار شده‌اند^۳.

نکته دیگر که در آیه قرآن نیز به آن تصریح شده^۴، به مسائل اقتصادی باز می‌گردد. بر اساس قوانین اسلام، تأمین مخارج اقتصادی خانواده بر عهده مرد است. از آنجا که بسیاری از تصمیمات خانوادگی بار مالی دارد، طبیعی است کسی که باید مسئولیت تأمین این هزینه را برعهده گیرد، در تصمیم‌گیری اولویت دارد؛ در غیر این صورت، ممکن است تصمیمی برای او گرفته شود که تحقق آن برای او دشوار باشد. در مجموع، با در نظر گرفتن شرایط زنان و مردان می‌توان نتیجه گرفت که مردها در صورت برخوردار بودن از تدبیر، هوشمندی و درک کافی و توان روانی و اقتصادی مناسب، در پذیرش سرپرستی

۱. آذربایجانی و دیگران، روان‌شناسی اجتماعی...، ص ۳۵۰.

2. Ayman, R. Leadership, p. 158.

۳. آذربایجانی و دیگران، روان‌شناسی اجتماعی...، ص ۱۸۷-۱۹۷ و ص ۴۴۷-۴۵۰.

۴. «بِمَا أَنْفَقُوا...» نساء، ۳۴.

خانواده آمادگی بیشتری دارند. وجود اقتدار بیشتر در پدر خانواده، از زمینه‌هایی است که می‌تواند خانواده را از اختلال کارکردها و بی‌نظمی در انجام وظایف و در نتیجه فروپاشی خانواده باز دارد.

۵. مرزها در خانواده

از مسائل مهم خانواده، فاصله روان‌شناختی اعضا و محدوده عمل زیر منظومه‌ها در خانواده است که از آن به مرز تعبیر می‌شود. در میان نظریه‌های خانواده درمانی، ساخت‌نگرها به رهبری مینوچین، به تبیین مفهوم مرز و نقش آن در خانواده پرداخته‌اند. ما در این بخش، پس از اشاره به این دیدگاه، مرزها را در خانواده از دیدگاه اسلام با تفصیل بیشتری بررسی خواهیم کرد. بر اساس قواعدی که در هر خانواده وجود دارد، افراد درمی‌یابند که برخی مناطق برای آنان مجاز، برخی عبور با احتیاط و برخی دارای علامت «توقف» یا «عبور ممنوع» است. اگر فرد از مرزهای غیرمجاز عبور کند، اعضای خانواده مکانیزم‌هایی را برای تنظیم و مهار او در پیش خواهند گرفت و فرد، گاه تسلیم می‌شود و در مواقعی به چالش با اعضای خانواده برمی‌خیزد؛ از این رو، اعضای خانواده کم و بیش از جغرافیای محدوده خود آگاه‌اند.^۱

۱-۵. مرزها در خانواده از دیدگاه مکتب ساخت‌نگر

الف) مفهوم مرز در خانواده: مرز، حد یا حایل مفروضی است که در خدمت حفظ و پیش‌برد، تمایز و یکپارچگی خانواده به عنوان یک کل، زیر منظومه‌های خانواده، و تک تک اعضای خانواده است. مرز، استعاره‌ای برای مرادوات ویژه است که به طور منظم بین منظومه‌ها در جریان است. مرزهای یک زیر منظومه، عبارت است از مقرراتی که معین می‌کند چه کسی و چگونه جزو این زیر منظومه است. در نظام خانواده، مرزها امری روان‌شناختی است و به اموری مانند روابط کلامی و غیر کلامی میان افراد و موضوعهای عاطفی مربوط می‌شود. اینکه در یک رابطه تعاملی خاص در خانواده چه کسی حضور دارد و چه کسی بیرون از آن، نشان دهنده مرزها در خانواده است؛^۲ برای مثال، قابلیت

1. Minochin, s, Family Therapy Techniques. p. 14-20.

۲. بارکر، خانواده درمانی پایه، ص ۸۸

سازگاری مکمل بین زن و شوهر با شرایط جدید، مستلزم آزادی از دخالت فامیل، فرزندان و گاه کل «برون خانواده» است. رشد مهارت‌های مذاکره و حصول توافق با همسالان که در رابطه بین فرزندان یک خانواده حاصل می‌شود، مستلزم عدم دخالت والدین در زیرمنظومه فرزندهاست.^۱

برای عملکرد مناسب اعضای خانواده، باید مرزهای زیر منظومه‌ها واضح و مشخص باشد، به گونه‌ای که اعضای هر زیرمنظومه بتوانند نقشها را بدون مزاحمت اجرا کنند و با این حال، مرزها تماس اعضای زیرمنظومه را با دیگران اجازه دهد. ترکیب زیر منظومه‌هایی که حول وظایف خانواده تشکیل شده، به اندازه وضوح مرزهای زیر منظومه اهمیت ندارند؛ برای مثال، زیر منظومه والدین اگر شامل مادر بزرگ یا یک «فرزند والدگونه» هم باشد، تا زمانی که خطوط مسئولیت و اقتدار به روشنی مشخص باشند، می‌تواند به خوبی عمل کند. وضوح مرزهای درون خانواده، یک شاخص مفید برای ارزیابی عملکرد خانواده است. برخی خانواده‌ها با سرمایه‌گذاری بر اعضای محدود خود، به دنبال بنای جهان کوچکی برای خود هستند. در این حالت، میزان توجه و ارتباط اعضای خانواده با هم زیاد شده، در نتیجه فاصله‌ها کاهش می‌یابد و مرزها و تمایز در نظام خانواده مغشوش می‌شود.^۲

از حیث انعطاف و سختی، در برخی خانواده‌ها مرزها بیش از حد خشک و انعطاف‌ناپذیر می‌شود، به گونه‌ای که ارتباط بین زیر منظومه‌ها دشوار می‌گردد و نقش حمایتی خانواده نیز ناکارآمد می‌شود. این دو نهایت را «بهم تنیدگی» و «گسستگی» می‌خوانند. تمام خانواده‌ها در یک نقطه از این امتداد قرار می‌گیرند و در بیشتر آنها، هم مرزهای نامشخص (به هم تنیده) و هم مرزهای بسیار خشک دیده می‌شود.

ب) مشکلات مرزی: بسیاری از مسائل خانواده‌ها به مشکلات مرزهای بین زیرمنظومه‌ها باز می‌گردد. بیش‌تر به دو نهایت در مرزهای بهم تنیده (مرز نامشخص) و گسسته (مرز بسیار خشک) اشاره شد. این دو نهایت بر زمینه‌های احتمالی آسیب دلالت دارند؛ برای مثال، زیرمنظومه بهم تنیده مادر و فرزندان ممکن است پدر را منزوی کرده و در نهایت، به گسستگی او بینجامد. از عوارض نامطلوب بهم تنیدگی مرزها، مانع از استقلال فرزندهاست. زیر منظومه یا خانواده بهم تنیده ممکن است اعضای خود را فلج

کند؛ زیرا احساس تعلق شدید مستلزم از دست دادن بخش عمده‌ای از استقلال فردی است. عدم تمایز زیرمنظومه‌ها، کاوش مستقلانه و احاطه بر مشکلات را تضعیف می‌کند و در نتیجه، مهارت‌های شناختی و عاطفی به ویژه در فرزندان دچار وقفه می‌شود. اعضای زیرمنظومه‌ها یا خانواده‌های گسسته، ممکن است به طور مستقل عمل کنند، ولی از کمبود حس وفاداری و تعلق و قابلیت وابستگی متقابل و طلب حمایت مورد نیاز رنج می‌کشند.^۱

ج) مرزسازی در درمان: در اصلاح مشکلات مرزی، شیوه‌هایی با عنوان فنون مرزسازی به کار گرفته می‌شود. برای حفظ استقلال فردی اعضای خانواده و در عین حال احساس پیوستگی آنها به خانواده، باید بر مرزهای فردی و مرزهای منظومه‌ها تأکید کرد. می‌توان با قواعد ساده‌ای استقلال فردی اعضا را حفظ و تقویت کرد؛ برای مثال، کسی نباید از جانب دیگری صحبت کند یا در حضور او، ترجمان افکار و احساسات او شود و یا فردی نقش حافظه را برای کل خانواده ایفا کند. فرزندان باید در خانواده از هم متمایز باشند و برحسب سن و موقعیت خود، از حقوق و مزایای ویژه‌ای برخوردار شوند. مرزهای زیر منظومه‌ها باید به حد کافی استوار باشند. زیر منظومه زن و شوهری را باید از دخالت فرزندان یا اعضای بزرگ‌سال خانواده حفظ کرد. نامشخص بودن مرز زیر منظومه زن و شوهری از جمله دلایل متداول اختلال در الگوهای مرادبه‌ای است؛ برای مثال، مسائل خصوصی زن و شوهر باید در محدوده خود آنها باقی بماند و در زمانی از شبانه روز برای استمرار روابط خصوصی آنها به طور مجزا از فرزندان و سایر اعضای خانواده قرار داده شود.^۲

۲-۵. مرزها در خانواده از دیدگاه اسلام

مقایسه این دیدگاه با تعالیم اسلام نشان می‌دهد هر دو تقریباً مفهوم مرز را به معنای مشابهی در نظر گرفته‌اند که به محدوده رفتار و چگونگی برقراری روابط اعضای خانواده باز می‌گردد. مفهوم فاصله روان‌شناختی بین افراد که بخشی از مفهوم مرز می‌باشد^۳، در

۱. همان، ص ۸۷-۸۳.

2. Family Therapy Techniques. p. 146-161.

3. Ibid, p.146.

هر دو دیدگاه به کار رفته است. مفهوم مرز را برای دوری و نزدیکی اعضای خانواده نیز به کار برده‌اند؛ از جمله اینکه زن و شوهر نسبت به پدر و پسر به یکدیگر نزدیکترند. همچنین هر دو، مرزهای بسیار باز و منعطف یا بسته و خشک را برای خانواده نامناسب می‌دانند، این نکات، دستاورد بررسی مرزها در تعالیم اسلام است. تعالیم اسلام دربارهٔ چگونگی روابط اعضای خانواده با یکدیگر و افراد بیرون خانواده، حدود و مرزهایی را معین کرده است؛ هر چه این حدود بیشتر رعایت شود، کارایی اعضای خانواده و روابط آنها بهتر می‌شود و خانواده، زمینه رشد و تعالی آنها را فراهم می‌آورد. این حدود به اموری مانند مرزهای درون خانواده، مرزهای لازم برای کل خانواده و خارج آن، از جمله روابط جنسی و روابط زن و مرد نامحرم، مربوط می‌شود.

الف) مرزهای درون خانواده از دیدگاه اسلام: تعالیم اسلام وجود حدود و مرزهایی را بین زیرمنظومه‌ها و حتی افراد درون خانواده ضروری می‌داند. زیر منظومهٔ زن و شوهری باید در خانه، اتاقی جدا داشته باشند و اعضای دیگر خانواده در ساعات معینی از شبانه روز بدون اجازه وارد این حریم نشوند. در این رابطه در قرآن آمده است: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بردگان شما و کودکان شما که به حد بلوغ نرسیده‌اند، سه بار در شبانه‌روز باید از شما کسب اجازه کنند، پس از نماز صبح و نیمروز که لباسهای خود را بیرون می‌آورید و بعد از نماز عشاء. این سه وقت خصوصی برای شماست، در غیر این سه وقت گناهی بر شما و بر آنان نیست. برگرد یکدیگر بچرخید و با هم معاشرت کنید، و چون کودکان شما به سن بلوغ رسیدند، آنها هم باید از شما کسب اجازه کنند...»^۱. بر اساس آیهٔ یاد شده و روایات معصومین (ع) قراردادان زمانی برای روابط خصوصی زیرمنظومهٔ زن و شوهری از نظر تعالیم اسلام به رسمیت شناخته شده است.^۲

همه اعضای خانواده نیز از کوچک و بزرگ باید آن را به رسمیت شناخته و در رفتار به آن پایبند باشند. برخورداری خانواده از این فضای روانی برای حل مشکلات شخصی زن و شوهر و حصول حمایت عاطفی آنها از یکدیگر و برون‌ریزی عاطفی ضروری است. افزون بر زن و شوهر، منظومه‌های دیگر نیز به فضای اختصاصی نیاز دارند که باید حتی والدین بدون اجازه وارد محدوده آنها نشوند. هر چه کودکان به دوران بلوغ و نوجوانی نزدیک‌تر می‌شوند، به فضای خصوصی نیازمندترند. هر چند این نیاز به دختر

و پسر اختصاصی ندارد، به نظر می‌رسد قرار دادن فضای خصوصی برای دختران ضرورت بیشتری دارد؛ زیرا به علت ویژگی‌های خاص جنس زن، فرصت فراهم آمدن فضای خصوصی برای دختران در بیرون خانواده کم‌تر است؛ در نتیجه، برای تأمین این شرایط پدر و برادران نباید بدون اجازه وارد حریم آنها شوند^۱

از نظر تعالیم اسلام، بین فرزندان دختر و پسر نیز باید حدود و مرزهایی برقرار شود. زیرمنظومه دختران و پسران هر یک به فضای روانی اختصاصی نیازمندند. لازم است محیط خواب و استراحت والدین و فرزندان، به ویژه دختر و پسر و نیز بین برادران از هم جدا باشد، به طوری که والدین اتاق جدا، دختران و پسران نیز اتاق جدا داشته باشند و رختخواب تک‌تک فرزندان نیز از هم جدا باشد^۲. افزون بر این، نوع مراوده‌ها و تماسهای خواهر و برادر در سن نوجوانی باید حدود و قیودی داشته باشد^۳. تا زمینه هرگونه انحراف رفتاری از بین برود.

رازداری در خانواده از پایه‌های اعتماد متقابل و بخش دیگری از مرزهای درون خانواده است. در تعالیم اسلام، رازداری اهمیت بسیار دارد و از شروط و لوازم ایمان به شمار آمده و به افراد توصیه شده است که این سنت خداوند را برای کمال ایمان، در خود ایجاد کنند^۴. در خانواده، رازداری از زمینه‌های سلامت و تعادل خانواده محسوب می‌شود و باز بودن خانواده و انتقال آسان اطلاعات از آن پذیرفته نیست. حفظ اسرار در خانواده، از جنبه‌های مختلف حیاتی است. مسائل مربوط به روابط خصوصی زن و شوهر باید در محدوده منظومه زن و شوهری باقی بماند^۵. قرآن زنانی را که حافظ اسرار شوهرانشان هستند، تمجید کرده و می‌فرماید: «زنان درستکار... اسرار شوهران خود را حفظ می‌کنند»^۶. در قرآن به حادثه‌ای اشاره شده است که در آن، دو تن از همسران پیامبر(ص) راز خصوصی را افشا می‌کنند، خداوند این رفتار را انحراف اعلام کرده و به این دو زن توصیه می‌کند که از این رفتار ناشایست توبه کنند^۷. مردان نیز نباید مسائل مربوط به روابط خصوصی خود را به دیگران انتقال دهند. بخش دیگر از اسرار خانواده مربوط به عیوب و نقایص زن و شوهر و فرزندان است. این اسرار باید پوشیده بماند، به

۱. همان، ص ۱۵۸.

۲. همان، ص ۱۷۱.

۳. همان، ص ۱۵۲.

۴. مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۶۸.

۵. حرعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۵۴.

۶. نساء، ۳۴.

۷. تحریم، ۴.

ویژه در مورد زن و مرد که باید لباس یکدیگر و به عبارتی پوشاننده عیوب هم باشند. در این رابطه، تعالیم اسلام بیان عیوب و نقایص دیگران را به کلی نامناسب می‌داند، مگر در مواردی که به منظور اصلاح آنها باشد و اصلاح عیب بدون افشای آن ممکن نباشد. این رفتار ناشایست که در اسلام به آن غیبت گفته شده، به خوردن گوشت برادر مرده تشبیه شده است.^۱ محیط خانواده به دلیل فضای خصوصی و مهار کم‌تر افراد در آن، زمینه مساعدی برای بروز برخی نابهنجاری‌هاست، ولی انتقال این امور به خارج خانواده غیبت محسوب شده و ممنوع است. افزون بر آنکه نباید اسرار و عیوب خانواده به دیگران منتقل شود، خود محیط خانواده نیز باید عاری از بیان و شنیدن عیوب و اسرار دیگران باشد. از جنبه‌های دیگر حفظ اسرار در خانواده، عدم افشای برخی ویژگی‌ها و مزایای مثبت افراد به بیرون خانواده و حتی در مواردی به اعضای دیگر خانواده است. تعالیم اسلام توصیه اکیدی بر پوشاندن اسرار دارد و آشکار نمودن رازها را مذمت می‌کند.^۲ اگر اظهار ویژگی مثبت یکی از اعضای خانواده موجب بروز رفتار یا عواطف نابهنجاری مانند حسد در برخی دیگر شود، در این صورت نیز رازداری لازم است. قرآن کریم در جریان یوسف و برادرانش به این حقیقت اشاره می‌کند.^۳

ب) مرز خانواده و اجتماع: حدود دیگری نیز برای اعضای خانواده و حریم منزل معین شده که از جمله آنها خروج زن از خانه با هماهنگی شوهر است. دیگر این که پدر تا بلوغ بر فرزندان ولایت دارد و باید رفت و شد فرزندان زیر نظر او باشد. همچنین مرد در خانواده باید مراقب ورود افرادی باشد که از لحاظ اخلاقی قابل اعتماد نیستند.^۴ به نظر می‌رسد اگر همسر خانواده در حد نیاز اجتماعی از خانه خارج شود و به مسائل خانواده اولویت بدهد، در رشد عاطفی و معنوی همه خانواده سرمایه‌گذاری بیشتری خواهد کرد. البته همه حدود و قیود باید بر اساس منطق و متعادل باشد و هرگونه افراط در اعمال حدود از سوی مرد در خانواده نه تنها به تعادل روحی و روانی اعضای خانواده کمک نمی‌کند، بلکه آسیبهای جدی به آنان وارد می‌سازد و موجب رفتار نابهنجار و عدم سلامت روانی آنها می‌شود.^۵ تعالیم اسلام برای مکانی که خانواده در آن زندگی می‌کند نیز حد و مرزی قرار داده است، به گونه‌ای که این مرز کاملاً باز نیست و هر فرد که

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۵.

۲. نهج البلاغه، نامه ۳۹.

۳. حجرات، ۱۲.

۴. یوسف، ۵.

۵. حرعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۷۵.

می‌خواهد وارد آن شود، باید با اجازه و هماهنگی اهل آن خانه باشد. در قرآن این قانون به صراحت مورد تأکید قرار گرفته است: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به خانه‌هایی که خانه شما نیست، وارد نشوید تا اجازه بگیرید و بر اهل آن خانه سلام کنید، این برای شما بهتر است... و اگر به شما گفته شد «بازگردید»، بازگردید؛ این برای شما پاکیزه‌تر است...»^۱.

در این آیه از کلمه «انس» استفاده شده که به معنای خو گرفتن است و منظور آن است که نباید سرزده وارد خانه شد و موجبات ناخشنودی و ناراحتی اهل خانه را فراهم کرد. جالب توجه آن است که حتی ورود به خانه فرزند یا پدر و مادر هم طبق توصیه رسول خدا(ص) مناسب است با اجازه باشد.^۲ نکته دیگر در آیه کلمه «ازکی» است که می‌توان از آن برداشت کرد این قانون برای حفظ سلامتی روانی و اخلاقی اهل خانه و کسانی که به آن وارد می‌شوند، وضع شده است. این آیه که مرز کل خانه را مورد توجه قرار داده است، به نکات روان‌شناختی‌ای اشاره دارد که یکی از آنها لزوم اطمینان از آمادگی روانی اهل خانه برای ورود افراد غیرخانواده است. در صورت عدم آمادگی افراد، اضطراب اهل خانه امری عادی است. افزون بر این، همین عدم آمادگی، زمینه‌های افشای اسرار خانواده را برای دیگران فراهم می‌کند؛ از این رو برای آرامش روانی خانواده و حفظ مسائل درونی آن، چنین مرزی قرارداد شده است.

ج) مرزها در روابط جنسی: از اهداف مهم ازدواج ارضای نیازهای جنسی زن و مرد به طور مناسب می‌باشد. از مهم‌ترین رازهای موفقیت در زندگی، گام برداشتن در عالم اتحاد و هماهنگی جنسی است.^۳ تعالیم اسلام در عین به رسمیت شناختن لذت‌های جنسی، برای آن حدودی معین کرده است. حدود لذت‌های جنسی استفاده از همسر قانونی است و خروج از این محدوده تعدی به شمار می‌رود؛ چنان‌که در قرآن آمده است: «مؤمنان دامان خود را از آلوده شدن به بی‌عفتی حفظ می‌کنند و تنها در بهره‌گیری از همسران مجازشان، ملامت نمی‌شوند و هر که غیر از این طلب کند، تجاوزگر است»^۴.

۱. نور، ۲۷ و ۲۸.

۲. چنان‌که سیره رسول خدا(ص) این‌گونه بود، کلینی، کافی، ج ۵، ص ۵۲۸ و مطهری، مرتضی، مسئله حجاب، ص ۱۳۱.

۳. قائمی، علی. نظام حیات خانواده در اسلام، ص ۵۲ و ۲۰۸-۲۱۱.

۴. مؤمنون، ۵-۷.

بهره‌برداری جنسی غیرمشروع که در متون اسلامی از آن به زنا، لواط و کلمات دیگر تعبیر می‌شود، در اسلام بسیار مذمت شده است؛ و چنان‌که در قرآن می‌خوانیم: «نزدیک زنا نشوید که کار بسیار زشت و بدراهی است»^۱. افزون بر آن، مجازاتهای سنگین و ملامت‌های شدیدی در مورد آن بیان شده است.^۲

روابط جنسی غیرقانونی پیامدهای نامطلوبی برای نهاد خانواده، اجتماع و فرد به همراه دارد و به شخصیت فرد، خانواده او و فرزندان آسیب‌های شدیدی وارد می‌کند. زنا باعث می‌شود ایمان فرد متزلزل شود^۳ و احساس گناه، به عزت نفس او آسیب وارد می‌سازد که جبران آن مستلزم صرف زمانی طولانی است.^۴ در نظام خانواده، خروج هر یک از زن و مرد از محدوده روابط جنسی مشروع، به محبت و مودت متقابل آسیب جدی وارد می‌کند و زمینه را برای خیانت و تعدی طرف مقابل فراهم می‌سازد.^۵ ارتکاب زنا تأثیرهای روان‌شناختی عمیقی بر فرزندان خانواده دارد که کم‌ترین آنها یادگیری رفتار نابهنجار پدر یا مادر است و به همین جهت، زمینه بروز این رفتار در افرادی که والدین آنها به آن آلوده شده‌اند، بیشتر است.^۶ بر اساس احادیث معصومین (ع) زنا آثاری چون از بین رفتن نور چهره، کوتاه شدن عمر، بروز فقر و تنگدستی در دنیا، خشم و غضب خداوند، نتیجه بد در حساب‌رسی اعمال و جاودانگی در آتش جهنم را به همراه دارد.^۷ از مشکلات خانوادگی زنا، به هم ریختگی نسبت فرزندان^۸ و معلوم نبودن پدر آنهاست. فرزند پدید آمده از زنا، در محیطی فارغ از عواطف ضروری زندگی، از جمله عواطف مهم پدری، رشد می‌کند و انگیزه انجام زنا و برخی گناهان در او بیشتر است.^۹ از رسول خدا (ص) روایت شده است که فرمود: زنا وارد خانه‌ای نمی‌شود مگر آن‌که آن را ویران می‌سازد.^{۱۰} در این روایت، ویرانی خانه به فروپاشی نظام خانواده اشاره دارد. به منظور حفظ حریم خانواده، بهره‌برداری جنسی نامشروع در حد جزئی نیز ممنوع اعلام شده که شامل هرگونه روابط کلامی و غیرکلامی دارای ماهیت جنسی است؛ برای نمونه، نگاهی

۱. اسراء، ۳۲.

۲. نور، ۲؛ نساء، ۱۵ - ۱۶؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۶، ص ۱۷-۴۰.

۳. مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۶، ص ۲۶. ۴. همان، ص ۲۷.

۵. همان.

۶. همان، ص ۲۲. ۷. همان، ص ۲۴ و ۲۸.

۸. همان، ص ۱۱. ۹. همان، ص ۱۹.

که به منظور لذت جنسی باشد، زناي چشم و بهره‌برداری جنسی نامشروع هر عضو را زناي آن عضو شمرده‌اند.^۱ همچنین روابط جنسی بین دو مرد یا بین دو زن و هر رفتار جنسی خارج از محدوده ازدواج، در اسلام ممنوع اعلام شده است.

این گونه رفتارها از دو جهت آسیب‌زاست؛ نخست ممکن است مقدمه و زمینه‌ای برای عمل نامشروع جنسی فراهم کند و در مرتبه دوم، خود این رفتار خروج از محدوده شرعی روابط جنسی است و همین امر می‌تواند به روابط عاطفی زن و شوهر و مودت و محبت بین آنها آسیب برساند و زمینه اختلافات را فراهم آورد؛ به همین سبب، تأمین روابط عاطفی عمیق و صمیمی بین زن و شوهر و نیل به یگانگی در کانون خانواده، تنها در صورت کنترل روابط جنسی زن و شوهر در محدوده خانواده امکان‌پذیر است.^۲ تعالیم اسلام برای حفظ حریم زن و شوهر، پا را از این فراتر گذاشته و میل و اندیشه زنا را نیز نادرست دانسته است^۳ و از افراد می‌خواهد هنگام برقراری روابط جنسی، تنها به فکر همسر خود باشند و با توجه و میل به فرد دیگری به این کار اقدام ننمایند و از بروز پیامدهای نابهنجار بعدی این امر در فرزندان جلوگیری کنند.^۴

(د) پوشش شرعی و حدود روابط زن و مرد نامحرم در اسلام: تعالیم اسلام برای حفظ عفت اشخاص و سلامت خانواده، افرادی را نسبت به هم محرم اعلام کرده که ازدواج با آنها حرام است. روابط مرد و زنی که نسبت به هم نامحرم هستند، یعنی امکان ازدواج شرعی بین آنها وجود دارد، مرزها و قیدهایی دارد. زنان باید در مقابل افراد نامحرم پوشش شرعی خود را حفظ کنند. حجاب زنان از مسائل مهم در سلامت و کارایی خانواده‌هاست و در آیات قرآن بر آن تأکید شده است: «به زنان مؤمن بگو، چشمهای خود را از نگاه هوس‌آلود فروگیرند و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را جز آن مقدار که نمایان است، آشکار نکنند و اطراف روسری‌های خود را بر سینه افکنند [تا گردن و سینه با آن پوشانده شود] و زینت خود را آشکار نسازند مگر برای شوهرانشان [و بقیه کسانی که به آنها محرم هستند].»^۵ «ای پیامبر، به همسران و دخترانت و زنان مؤمن بگو: با روسری‌های بلند، خود را ببوشانند، این بهتر است تا این‌که شناخته شوند و مورد آزار قرار گیرند.»^۶ بر اساس تعالیم اسلام، بر زنان لازم است

۱. حرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۳۸.

۲. مطهری، مسئله حجاب، ص ۸۳-۸۹.

۳. همان، ص ۱۸۸.

۴. حرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۲۴۰.

۵. احزاب، ۵۹.

۶. نور، ۳۱.

همه بدن خود را، غیر از صورت و دستها از مچ تا انگشتان، بپوشانند. این حکم اسلام دارای آثار اجتماعی و فردی متعددی است. روابط صمیمی زن و شوهر و تحکیم آن، از اهداف قانون حجاب است. حجاب موجب می شود لذت و بهره برداری جنسی به محیط خانوادگی و در محدوده ازدواج منحصر شود. این امر با تحکیم پیوند زن و شوهر، موجب اتصال بیشتر آنها به هم می شود. رعایت حجاب موجب می شود همسر قانونی فرد در نزد او، تنها عامل ارضای نیازهای جنسی او تلقی شود.

به نظر می رسد لزوم پوشش زیبایی های ظاهری زنان مطابق محدوده ای که قوانین اسلام تعیین کرده، هم کارکردهای فردی و اجتماعی دارد و هم به حفظ خانواده و استحکام بنیان آن کمک می کند. طبیعت بدن زن به گونه ای است که زیبایی و جذابیت خاصی دارد و به همین جهت، اکنون در غرب از آن به عنوان یک ابزار تبلیغاتی بسیار مؤثر و شایع استفاده می شود و اگر زنان این زیبایی ها را نپوشانند، در محیط جامعه مورد آزار و تعدی دیگران قرار می گیرند. همچنین وجود این آزارها در محیط شغلی، نه تنها کارایی آنان را مختل می کند، بلکه تأثیر روانی ناخوشایندی نیز بر آنها بر جای می گذارد.^۱ عدم رعایت پوشش شرعی، خواه ناخواه موجب بروز جاذبه هایی بین زن و مرد نامحرم در بیرون از محیط خانواده می شود. در این وضعیت، بروز علاقه مرد به زنهاى دیگر و کم شدن علاقه به همسر خود و نیز دل بستگی عاطفی زن به مردهای دیگر، امری اجتناب ناپذیر است؛ برای مثال، در آزمایشها روشن شده، هنگامی که مردها عکسهای زنان بسیار زیبا را می بینند، همسران مورد علاقه خود را با جذابیت کمتری ارزیابی می کنند.^۲ گاه این امر به جدایی عاطفی زن و شوهر و بعضاً طلاق می انجامد. رعایت پوشش شرعی تا حدی مانع آزار زنان و تعدی به آنها می شود و به انحصار روابط عاطفی زن و مرد به محدوده خانواده کمک می کند.

در همین راستا، تعالیم اسلام برای نگاهها و شیوه سخن گفتن مرد و زن، مرزها و حدودی قرار داده است. نگاه خیره و تند زن به مرد و بر عکس^۳، نامناسب و عاملی برای لغزش^۴ طرفین اعلام شده است. به تعبیر شعرای مسلمان، چشم، دریچه ای به سوی دل یا حالات عاطفی و انگیزشی انسان است و تمایل به چیزی که فرد آن را زیبا و خوشایند

1. Baron, R, A, Social Psychology P.226.

۲. آذربایجانی و دیگران، روان شناسی اجتماعی... ص ۲۵۳.

۳. حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۳۹ و ۱۴۰.

۴. نور، ۳۰ - ۳۱.

می‌بیند، امری طبیعی است^۱؛ از این رو، در تعالیم اسلام خطر نگاه به نامحرم گوشزد شده و تشویق‌هایی برای حفظ چشم از نگاه به نامحرم مقرر گردیده است. روابط کلامی نیز زمینه‌ای برای برقراری روابط عاطفی عمیق‌تر است و لذا تعالیم اسلام به زنان توصیه می‌کند که با صوت نازک و تحریک‌آمیز سخن نگویند^۲ و در حد لزوم عرفی، با مردان نامحرم سخن بگویند^۳. مردان نیز از صحبت‌های تحریک‌آمیز و شوخی با زنان نامحرم منع شده‌اند. حریم خانواده و محدوده منزل باید در انحصار زن و شوهر باشد و مرد و زن نامحرم بدون اجازه وارد آن نشوند و تا حد مقدور، روابط با نامحرمان با حدود و قیودی برقرار شود^۴. خلوت کردن زن و مرد نامحرم در یک محدوده، عامل تحریکی بسیار شدیدی است که کم‌تر زن و مردی می‌توانند در چنین وضعیتی انگیزه‌ها و امیال جنسی خود را کنترل کنند؛ از این رو، این امر نامناسب و خطرآفرین اعلام شده است^۵. حفظ حریم منزل و رعایت حدود شرعی روابط بین زن و مرد، در استمرار روابط رضایت‌بخش آنها نقشی حیاتی دارد و عدم رعایت این حریم از نامحرمان و اختلاط زن و مرد عامل مهمی در بروز روابط غیرمجاز است. قرآن در داستان حضرت یوسف به این واقعیت روان‌شناختی تصریح می‌کند: «آن زن که یوسف در خانه او بود، از یوسف تمنای بهره‌برداری جنسی کرد... آن زن تصمیم و آهنگ بهره‌برداری از یوسف نمود و یوسف نیز اگر برهان پروردگار را نمی‌دید، قصد و آهنگ او می‌کرد.»^۶ آیه قرآن مشترک بودن محل زندگی حضرت یوسف و زلیخا را عامل انحراف این زن اعلام کرده است. البته برای بیشتر افرادی که در سن جوانی در چنین شرایطی حساس قرار گیرند، این قصد رخ می‌دهد، ولی درصد بسیار کمی می‌توانند مانند حضرت یوسف (ع) خویشتن‌داری کنند. افزون بر نگاه، سایر روابط غیر کلامی بین زن و مرد نامحرم، خطر آفرین و ممنوع اعلام شده است. مواردی از قبیل دست دادن و هرگونه تماس بدنی مرد و زن نامحرم^۷، حتی امور جزئی که ممکن است زمینه انحراف جنسی شود، نامناسب اعلام شده

۱. از جمله آنها شعر بابا طاهر است (دو بیتی‌ها، ص ۸):

زدست دیده و دل هر دو فریاد

هر آنچه دیده بیند دل کند یاد.

۲. احزاب، ۳۲.

۳. حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۴۳.

۴. احزاب، ۵۳.

۵. حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۳۴.

۶. یوسف، ۲۳ و ۲۴.

۷. حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۴۲.

است.^۱ همه این حدود و مرزها برای حفظ عفت و اخلاق عمومی زنان و مردان جامعه، تعمیق و استحکام روابط خانوادگی، محبت بیشتر و کارکرد مناسب‌تر و در نتیجه تعالی بیشتر خانواده‌ها قرار داده شده است.

از این مباحث روشن می‌شود که مرزها در خانواده از دیدگاه اسلام با تأکید و گستره بیشتری مورد توجه قرار گرفته است. توسعه مرزها ممکن است در ابتدا نوعی محدودیت برای افراد به شمار آید، ولی تبیین نقش مهم مرزها در سلامت روانی اعضای خانواده، کارآمدی بیشتر نظام خانواده، و جلوگیری از آسیبها و رفتارهای نابهنجار در خانواده، می‌تواند تلقی افراد را نسبت به مرزها در اسلام تغییر دهد. به علاوه، تماس و مشاهده خانواده‌هایی که به این مرزها پایبند هستند، نشان می‌دهد که آنها در عین رعایت مرزها، از مواهب مختلف زندگی استفاده می‌کنند و حتی رضایت‌مندی بیشتری از زندگی دارند. برخی مرزها در اسلام ماهیتی اخلاقی دارند. یکی از اهداف مهم ازدواج در اسلام حفظ عفت و سلامت اخلاقی افراد است و برخی مرزها در خانواده در راستای تأمین این هدف است. همچنین تعالیم اسلام به اهدافی والاتر در خانواده توجه دارد که به رابطه با خداوند و سعادت زندگی اخروی فرد مربوط می‌شود و رعایت برخی مرزها دارای آثار معنوی بسیاری نیز می‌باشد. در اسلام، بر روابط خویشاوندی بسیار تأکید شده است و خانواده پدری زن و شوهر جزئی از خانواده محسوب می‌شوند؛ از این رو، مرز خانواده با پدر بزرگ و مادر بزرگ انعطاف بیشتری دارد و بر روابط عاطفی با آنها تأکید شده است. ویژگی این مرز به گونه‌ای است که در موارد لزوم، پدر بزرگ یا مادر بزرگ می‌توانند در مسائل خانواده وارد شده و اظهار نظر نمایند و در یک چهارچوب معین، افراد نیز ملزم به همراهی با آنها هستند.



**ICAS
JAKARTA
LIBRARY**

راهکارهای اسلام برای کارایی و رشد مطلوب خانواده

در مباحث پیشین به دستورهایی از اسلام در مورد خانواده اشاره کردیم که به منزله ارکان خانواده به شمار می‌رفت. در این فصل، به توصیه‌هایی می‌پردازیم که برای کارایی و رشد خانواده ضروری است. در ابتدا به نقش بینشهای دینی در روابط مناسب اعضای خانواده می‌پردازیم و سپس بحث اخلاق در خانواده را که می‌تواند بسیار گسترده باشد، به اجمال پی می‌گیریم و در پایان، توصیه‌های رفتاری اسلام در مورد خانواده را بررسی می‌نماییم.

۱. نقش بینشهای دینی در خانواده

در بحث‌گزینهش همسر، لزوم همانندی نگرشهای دینی زن و شوهر برای تعادل خانواده بررسی شد. افزون بر این، برخورداری زن و شوهر از باورهای دینی مستحکم، در تحکیم روابط اعضای خانواده تأثیر بسزایی دارد و بی‌بهره ماندن برخی خانواده‌ها از این باورها، در همه مراحل، مشکلات متعددی را در پی دارد که قرآن از آن به زندگی تنگ و سخت یاد می‌کند^۱ و این امر می‌تواند در اثر حرص، ترس و اضطراب باشد^۲؛ از این رو، اعتقادات در زندگی عادی انسانها نقش مهمی دارد و ترک باورهای دینی، آرامش و لذت را از زندگی سلب می‌کند و موجب اضطراب، حیرت و حسرت می‌شود، هر چند فرد از مزایای مادی خوبی برخوردار باشد^۳. پژوهشهای روان‌شناختی متعددی تأثیر باورهای دینی بر کسب آرامش و دوری از تنش را نشان داده است:^۴

۱. «وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا» طاه، ۱۲۴.

۲. مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۳۲۷-۳۳۰.

۳. قرآنی، محسن، تفسیر نور، ج ۷، ص ۴۰۶ و ۴۰۷.

۴. احمدی ابهری، علی، «نقش ایمان و اعتقاد مذهبی...»، اندیشه و رفتار، ضمیمه ش ۹ و ۱۰، ص ۲۷-۳۳.

۱-۱. اعتقاد به خدا؛ مهم‌ترین باور دینی، ایمان به خدا و یکتا پرستی است. توحید و خداپرستی موجب می‌شود نگرش فرد به همه هستی و زندگی انسان، هدف‌دار و معنادار باشد و در رفتارها با انسجام^۱، وحدت رویه و آرامش عمل کند^۲. باور به خدا، همه رفتارها و زندگی خانوادگی را به سوی کسب رضایت خداوند، سوق می‌دهد^۳. فردی که خدا را ناظر و همراه خود^۴ و حتی از رگ گردن^۵ به خود نزدیک‌تر می‌بیند، تلاش می‌کند در برخورد با اعضای خانواده و انجام وظایف خانوادگی، رضایت او را جلب نماید. توجه به عدالت خداوند و این‌که هیچ‌گونه ظلمی را روا نمی‌دارد^۶ و حق هیچ موجودی را ضایع نمی‌کند^۷، زمینه شناختی دیگری برای مهار رفتاری اعضای خانواده است. هرچه این حالت قوی‌تر باشد، مشکلات فرد کم‌تر خواهد بود، و چنین افرادی به ناظر و داور بیرونی برای حل مشکلات خود نیاز نخواهند داشت. توجه به صفات خداوند، از جمله رحمت و مهربانی گسترده^۸، توانایی نامحدود^۹، حمایت^{۱۰} از مخلوقات خود از جمله انسان و کفایت آنها، نیز آثار مثبت بر زندگی فرد و جنبه‌های خانوادگی او بر جای می‌گذارد. عطوفت و رحمت اعضای خانواده نسبت به هم که شعبه‌ای از تجلی رحمت خداوند است^{۱۱}، زمینه پیشگیری و حل بسیاری از مشکلات است. توکل بر خداوند، یعنی اعتماد و تکیه بر قدرت او در همه امور زندگی، از آثار

۱. «صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلًا فِيهِ شُرَكَاءُ مُتَشَكِّبُونَ وَرَجُلًا سَلَمًا لِرَجُلٍ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا» زمر، ۲۹ و «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» بقره، ۱۵۶.
۲. «أَلَا يَذَّكَّرُ اللَّهُ تَطْمَعِينَ الْقُلُوبِ» رعد، ۲۸ و «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ» فتح، ۴.
۳. «إِنَّ صَلَاتِي وَشُكْرِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» انعام، ۱۶۲.
۴. «هُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» حدید، ۴.
۵. «نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ» فاف، ۱۶. کلمه ورید به شاهرگ و رگ قلب نیز ترجمه شده که موجب تفاوتی در محتوای آیه نمی‌شود.
۶. نساء، ۴۰؛ بونس، ۴۴؛ توبه، ۷۰ و آیات بسیار دیگر.
۷. کهن، ۳۰.
۸. «كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ» انعام، ۵۴ و «رَبُّكُمْ ذُو رَحْمَةٍ وَسِعَتْ» انعام، ۱۴۷ و «إِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ» هود، ۹۰ و «إِنَّ رَبُّكُمْ لَرَوْفٌ رَحِيمٌ» نحل، ۷.
۹. «إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ» ذاریات، ۵۸؛ «إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ غَزِيرٌ» حدید، ۲۵؛ «أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا» بقره، ۱۶۵؛ «لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» کهن، ۳۹.
۱۰. «الَّذِينَ اللَّهُ يَكْفِي عِبْدَهُ» زمر، ۳۶ و «وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا» نساء، ۶ و «وَكَفَى بِاللَّهِ نَصِيرًا» نساء، ۴۵ و «وَكَفَى بِرَبِّكَ هَادِيًا وَنَصِيرًا» فرقان، ۳۱.
۱۱. «ان الله تعالى خلق مائة رحمة فرحة بين خلقه يتراحمون بها» و «فاحبط رحمة منها الى الارض فيها تراحم الخلق» متنی هندی. کنز العمال، ح ۵۶۶۷.

ایمان به خداست.^۱ انسان مؤمن اداره جهان و همه تغییر و تحولات هستی را در تصرف خداوند و در احاطه اراده او می‌داند. انسان در رویارویی با مسائل زندگی به دو دسته عوامل نیازمند است: الف - اسباب و علل مادی در خارج؛ ب - شرایط روانی ویژه‌ای که موجب رویارویی بهتر با مسائل می‌شود. توکل بر خدا شرایط دسته اول و دوم را فراهم می‌کند. گاهی سستی اراده، ترس، غم، اضطراب و عدم اشراف کامل بر موقعیتها موجب می‌شود فرد نتواند از روشهای مقدور برای حل مشکل بهره‌برداری مناسب کند. توکل بر خدا باعث تقویت اراده و تأثیر کم‌تر عوامل مخل روانی شده و فرد را در کوشش برای حل مسائل زندگی و رسیدن به تعادل و سازگاری، تواناتر می‌کند.^۲ خانواده‌ها در طول زندگی، با مشکلات متعددی روبه‌رو می‌شوند که برخی اقتصادی‌اند، مانند درآمد کم، ورشکستگی یا دزدیده شدن اموال و بیکاری، برخی به سلامت اعضا مربوط می‌شوند، مانند بیماری، معلولیت و مرگ، و برخی به روابط و مشکلات سازشی باز می‌گردد. در چنین شرایطی توکل بر خدا، به تقویت اراده اعضای خانواده و کوشش بیشتر آنها کمک می‌کند. افزون بر این، در بن‌بستها و شرایطی که به ظاهر همه اسباب و نشانه‌های مادی از عدم حل مشکل حکایت می‌کند، توکل بر خدا روزنه‌ امید در برابر افراد می‌گشاید و گاه مشکلات را از راههای که افراد گمان نمی‌برند، حل می‌کند.^۳ نکته مهم در خانواده، توصیه متقابل افراد به توکل است که این نکته برای زنان بیشتر اهمیت دارد و مثبت‌تر ارزیابی شده است؛^۴ زیرا مسئولیت اصلی حل بیشتر مشکلات به ویژه اقتصادی بر عهده مرد است و تقویت روحیه او از جانب دیگران، اهمیتی ویژه دارد.

از آثار ایمان به خدا، تسلیم و رضا به مقدرات الهی است. پدیدآیی این حالت مبتنی بر فراهم شدن زمینه‌های شناختی و عاطفی است. فرد باید باور داشته باشد که همه رویدادهای جهان منوط به اذن خداوند و توانی است که او به اسباب و علل افاضه می‌کند.^۵ به علاوه، خداوند نه تنها نسبت به مصالح انسانها، آگاه‌تر است، بلکه

۱. «وَإِذَا تَلَيْتَ عَلَيْهِمْ عَائِيَتَهُ، رَأَدْتَهُمْ إِيْمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ» انفال، ۲ و «قُلْ هُوَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ

تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ مَتَابٌ» رعد، ۳۰.

۲. «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» طلاق، ۲ و ۳.

۳. «... قالت ما يهتكم ان كنت لرزقك فقد تكفل لك به غيرك... قال رسول الله(ص)... لها نصف اجر الشهيد»

حرز عاملي، وسائل الشيعه، ج ۱۴، ص ۱۷.

۵. «لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» كهف، ۳۹ و «كُلًّا نُمِدُّ هَوَاهُ وَهَوَاهُ مِن عَطَاءِ رَبِّكَ» اسراء، ۲۰.

خیرخواه‌تر و سعادت طلب‌تر از خود آنها نسبت به خودشان است؛^۱ بنابراین، همه حوادث در جهت خیر و صلاح انسانها روی می‌دهد. تسلیم و رضا به حوادث جهان که بر اساس خواست خداست، برای انسانی که به امور ماورای طبیعت باور و به خداوند تعلق عاطفی دارد، امری مطلوب خواهد بود و اگر رضا را در پیش نگیرد، وضعیت دشوارتر می‌شود.^۲ این حالت، به ویژه برای شرایطی سودمند است که حوادثی روی دهد که تلاش و خواست انسانها در آن نقشی نداشته باشد. حوادثی مانند زلزله، سیل، بیماری‌های علاج‌ناپذیر و مرگ عزیزان، اغلب از حیثه کنترل افراد خارج است. بروز این حوادث، خانواده‌ها را دچار مشکلات سازشی جدی می‌کند؛ برای نمونه، گاه در حادثه‌ای مانند مرگ، بیماری علاج‌ناپذیر یا حتی بیماری عادی فرزند، همه اعضای خانواده دچار تنش می‌شوند. در این حالت ممکن است هریک از پدر و مادر، دیگری و اغلب خود را مسئول حادثه بدانند. در برخی خانواده‌ها، چالشهای ناشی از بحران بیماری یا ناتوانی کودکان، تشدید می‌شود و افزون بر آن، ممکن است دوره داغدیدگی والدین بسیار طولانی شود و گاه سالها به طول انجامد.^۳ در این گونه موقعیتها اگر والدین در برابر قضای الهی تسلیم و راضی باشند، رویارویی با این مشکلات آسان‌تر خواهد شد. حالت رضایت موجب می‌شود اعضای خانواده مشکلات را در زندگی، مثبت و تکامل بخش تلقی کنند و زمینه سازگاری با چنین حوادث بازگشت‌ناپذیری را فراهم کرده و اختلافات ناشی از این حوادث را آسان‌تر حل کنند. در همین رابطه پژوهشهای متعدد، تأثیر باورهای دینی بر رضایت‌مندی از ازدواج را تأیید کرده است. تحقیقات دیگر، دین را مهم‌ترین عامل ثبات و پایداری ازدواج اعلام کرده است.^۴

۱-۲. اعتقاد به رسالت و امامت: دومین باور دینی که رکن دین‌داری به شمار می‌رود، اعتقاد به رسالت انسانهایی از سوی خداوند است^۵ که به عنوان انبیای الهی در تاریخ

۱. «انا اعلم بما يصلح عليه امر دين عبادي المؤمنين» و «عبدی المؤمن لأصرفه فی شیء إلا جعلته خیراً له فلیرض بقضائی» و «فانی انا الله الرحمن الرحیم» کلینی، اصول کافی، ج ۳، ص ۱۰۰ و ۱۰۱.

۲. «ولیرض بقضایی اکتبه فی الصّدیقین عندی» و «من رضی بالقضاء اتی علیه القضاء و عظم الله اجره و من سخط القضاء مضی علیه القضاء و احبط الله اجره» همان، ص ۱۰۲.

۳. دیماننو، روان‌شناسی سلامت، ج ۲، ص ۷۳۰.

۴. غباری بناب، یافر، «باورهای مذهبی و اثرات آنها بر بهداشت روان»، اندیشه و رفتار، سال اول، ش ۴، ۱۳۷۴.

۵. «كُلُّ ءَاَمَنٍ بِاللّٰهِ وَ مَلٰٓئِكَتِهٖ وَ كِتٰبِهٖ وَ رُسُلِهٖ لَآ نَفَرِقُ بَيْنَ اَحَدٍ مِّنْ رُّسُلِهٖ» بقره، ۲۸۵.

شناخته شده‌اند. وصایت و جانشینی انبیا که در مذهب شیعه به «امامت» معروف است^۱ نیز در راستای تکمیل رسالت انبیاست^۲.

در زندگی انسان، نقش باور به اصل نبوت و امامت به دو بعد، باز می‌گردد: اولین بعد، آموزش امور دینی به ویژه زندگی بر اساس اصول دینی است. راه منحصر به فرد شناخت تعالیم دین، پس از کلام خداوند، سخنان پیامبر(ص) و جانشینان ایشان است، به گونه‌ای که حتی استفاده صحیح از کلام خداوند نیز مبتنی بر شناخت و درک سخنان اولیای دین(ع) است. این بعد از نقش باور به نبوت و امامت، در جای جای مباحث این کتاب روشن شده است و در این جا به بعد الگوپذیری از اولیای دین(ع) می‌پردازیم. اصل همانندسازی که در ضمن تقلید و الگوگیری از کودکی در انسان وجود دارد، عامل اساسی یادگیری است، به گونه‌ای که برای کودکان تقلید از الگوهای شایسته، هنگام حل مشکل یا در رویارویی با محیط اطراف، تأثیر بسیار مثبتی دارد^۳. افزون بر این، از میان شیوه‌های متعدد یادگیری، مشاهده الگو مؤثرترین و پایاترین روشهاست. در زمینه چگونگی روابط اعضای خانواده و نوع رفتارها نیز پیروی و همانندسازی با انسانهایی که تعالیم دین به طور کامل در آنها تجلی یافته، ضروری است. از آن جا که افراد برای یادگیری شیوه رفتار و برخورد مناسب در خانواده، به نمونه‌های عینی رفتاری در همه ابعاد زندگی نیازمند هستند، خواه ناخواه به سوی چنین الگوهای کشیده می‌شوند؛ از این رو ارائه نمونه‌های مناسب، برای کارایی بهتر افراد و خانواده‌ها و رویارویی با مسائل زندگی، سودمند خواهد بود. در این باره، قرآن افرادی را که به دنبال کمال معنوی هستند، دعوت می‌کند که پیامبر(ص) را الگویی نیکو در زندگی در نظر گیرند^۴. همچنین در این جهت، رفتار اولیای دین(ع) از اولین تا آخرین مرحله زندگی خانوادگی درس آموز است؛ مانند: گزینش همسر، مهریه و جهیزه، مراسم ازدواج، آداب معاشرت در همه ابعاد، روش برخورد با فرزندان؛ همچنین برخورد با والدین و آخرین دیدارها و توصیه‌ها در زندگی دنیا، که در ضمن ارائه الگوهای برتر زندگی خانوادگی به آنها اشاره می‌کنیم.

۱. مانند روایاتی که در مورد آیه «وَأَنْزَلْنَا عُشَيْرًا لِّكَ الْأَقْرَبِينَ»، شعراء، ۲۱۴ آمده است و حدیث «ثقلین» و حدیث «الخلفاء بعدی اثنی عشر».

۲. طباطبایی، سید محمدحسین، شیعه در اسلام، ص ۱۸۰-۱۸۹.

۳. بی ریا، روان‌شناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی، ج ۲، ص ۵۵۵.

۴. «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ» احزاب، ۲۱.

۳- ۱. اعتقاد به زندگی پس از مرگ: سومین باور مهم دینی که می‌تواند در زندگی انسانها نقش بسزایی ایفا کند، اعتقاد به زندگی پس از مرگ، حساب‌رسی اعمال در روز قیامت، و پاداش و مجازات افراد بر اساس رفتارهایشان است. هرچند اعتقاد به معاد بر همه ابعاد زندگی انسانها تأثیرگذار است، در این‌جا بیشتر بر جنبه‌های خانوادگی تأکید می‌شود. امروزه علی‌رغم پیشرفتهای علمی و کاهش مشکلات زندگی، اضطرابها و نگرانی‌ها رو به فزونی است. بخشی از این مشکلات در اثر احساس بی‌هدفی و پوچی در زندگی است^۱. باور نداشتن به زندگی پس از مرگ نیز این مشکل را بیشتر می‌کند. این امر بر خانواده نیز اثر نامطلوب گذاشته است. در خانواده، به علت عدم توجه به اهداف متعالی، به کارکردهای محدود زندگی خانوادگی اکتفا شده و خانواده‌ها در اثر بی‌هدفی به راحتی به جدایی و انحلال کشیده می‌شوند. اعتقاد به زندگی پس از مرگ، خانواده را متوجه اهداف پایداری می‌کند که موجب پیوند بیشتر اعضای خانواده می‌شود^۲؛ از این رو، در خانواده‌های برخوردار از این باور با وجود مشکلات شدید مانند معلولیتها، افراد سالهای طولانی از یکدیگر حمایت عاطفی کرده و احساسی رضایت‌بخش از زندگی دارند.

اثر دوم باور به معاد، ایجاد انگیزه در افراد و تشویق آنهاست. در کلمات اولیای دین (ع) به پاداشها و نعمتهای اخروی اشاره شده که در ازای انجام وظایف خانوادگی به فرد داده می‌شود. توجه به این نعمتها و آسایش در زندگی اخروی، افراد را بر می‌انگیزد که رفتارهای خود را در جهت کسب این نعمتها، سوق دهند؛ برای نمونه، آیاتی^۳ از قبیل آیات ذیل، شوق افراد را در انجام وظایف بسیار تقویت می‌کند: «شما و همسرانتان در نهایت شادمانی وارد بهشت شوید. سینه‌هایی از طلا و جامه‌هایی در برابر آنها می‌گردانند و در آن‌جا آنچه دلها بخواهد و چشمها از آن لذت ببرد، موجود است و شما در آن جاودانید، و این همان بهستی است که بخاطر اعمالی که انجام می‌دادید، وارث آن شده‌اید.»

اثر سوم باور به معاد که بی‌ارتباط با اثر دوم نیست، نقش آن در مقابله مناسب با مشکلات است. خانواده‌ای که به فقدان عزیزی یا معلولیت گسترده یا مشکلات بسیار

۱. بونگ، کارل، گوستاو، روان‌شناسی و دین، ص ۱۲، ۱۳، ۸۵ و ۱۷۴.

۲. هاب واکر، ل، «دین به زندگی معنا می‌بخشد»، ترجمه اعظم پویا، مجله نقد و نظر، سال هشتم، ش ۱ و ۲.

۳. زخرف، ۷۰-۷۲.

شدید اقتصادی دچار می‌شود، در محدوده زندگی دنیوی، کم‌تر چیزی مانند باور به معاد می‌تواند فرد را در رویارویی مناسب با مشکل و کسب آرامش روانی یاری دهد. اساساً برخی مشکلات جبران‌ناپذیر است و افراد تنها با توجه به پاداشهای زندگی اخروی می‌توانند خود را آرامش بخشند؛ برای مثال، به چند مورد از پاداشهای اخروی که در اثر مشکلات خانوادگی به افراد داده می‌شود، اشاره می‌کنیم: در مورد مشکلات اقتصادی جملات زیر قابل توجه است: «مصیبت‌ها هدیه‌های خدایند و تنگدستی در خزانه خداوند نگهداری می‌شود.»^۱ «تنگدستی در نظر مردم مایه زشتی و نزد خداوند در قیامت، زیور و مایه آراستگی است.»^۲؛ «تهیدستان شیعه و خانواده آن را حقیر نشمارید؛ زیرا هر مردی از آنان به اندازه افراد یک قبیله [بزرگ] شفاعت می‌کند.»^۳؛ «خداوند در روز قیامت به مؤمنان تهیدست، با نگاهی پوزش‌خواهانه می‌نگرد و می‌فرماید: به عزت و جلالم سوگند، من شما را در دنیا از روی خواری و بی‌اعتنایی تهیدست نکردم»^۴، اکنون ببینید به جای دنیا به شما چه دادم.»^۵

در مورد داغدیدگی در مرگ فرزند نیز به پیامدهای اخروی مانند کشیده شدن حصار محکمی در مقابل فرد که او را از جهنم حفظ می‌کند،^۶ یا واجب شدن بهشت بر او اشاره شده است.^۷ همچنین آمده است که هرکس هنگام مصیبت به خدا پناه برد و بازگشت خود را به سوی او بداند، بهشت بر او واجب می‌شود.^۸ از نظر روانی نیز هرکس مصیبت‌های کوچک را بزرگ بشمارد، دچار مصیبت‌های بزرگ‌تری می‌شود.^۹

در مورد بیماری نیز آمده است: «شبی را از بیماری یا درد نخفتن، برتر و اجرش بزرگ‌تر از یک سال عبادت است.»^{۱۰}؛ «هرکس سه روز بیمار شود و از آن به هیچ یک از عیادت‌کنندگانش شکوه نکند، گوشت و خونی بهتر جایگزینش کنم؛ پس او را بدون گناه عافیت بخشم یا به جوار رحمت خود برم.»^{۱۱}

۱. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۲۶۰.
۲. محمدی ری شهری، میزان الحکمة، ج ۱۰، ص ۴۶۶۲.
۳. مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۳۵.
۴. همان، ص ۱۱.
۵. کلینی، اصول کافی، ج ۳، ص ۳۶۱ و ۳۶۴.
۶. مجلسی، بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۱۳۱.
۷. صدوق، محمد بن علی، الخصال، ص ۱۸۰، ح ۲۴۵.
۸. «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» بقره، ۱۵۶؛ بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۳۶۴.
۹. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۹۸. ۱۰. کلینی، کافی، ج ۳، ص ۱۱۴.
۱۱. همان، ص ۱۱۵.

در مورد پرستاری و کمک به بیماری آمده است: فردی که یک شبانه‌روز در کنار بیماری بماند، خدا او را با ابراهیم خلیل (ع) محشور می‌کند و او به سرعت برق از پل صراط می‌گذرد. کسی که نیاز مریضی را برآورده سازد، مانند روزی که از مادر متولد شده از گناهان خارج می‌شود.^۱ همچنین کسی که غذای مناسب میل بیمار به او بخورد، خدا او را از میوه‌های بهشتی، تغذیه نماید.^۲ همه این تشویقها که بیشتر به زندگی اخروی مربوط می‌شود، اعضای خانواده را بر می‌انگیزاند که در شرایط دشوار که گاه جبران تلاشها در زندگی دنیا ممکن نیست، با شوق به مساعدت دیگران بپردازند، و تا حدی خود را تسلیت داده و آرامش بخشند.

اثر چهارم باور به معاد، نقش مهارکننده و بازدارنده آن است. بسیاری از مشکلات خانواده به عدم مهار رفتارهایی باز می‌گردد که افراد را به تعدی به حقوق یکدیگر، تحمیل به دیگران و پرخاشگری‌ها می‌کشاند. باور به معاد و یادآوری عواقب بد تعدی به حقوق دیگران و عدم انجام مسئولیتها، افراد را تا حدی از رفتارهای نامناسب باز می‌دارد. در این باره، قرآن به افراد باورمند هشدار می‌دهد که خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن سنگ و انسانهاست، حفظ کنند؛^۳ برای نمونه، یکی از آثار بد خلقی در خانواده فشار روحی در عالم برزخ است، به گونه‌ای که حتی اگر فرد در ابعاد دیگر زندگی به وظایف خود عمل کند، ولی در خانواده رفتار نامناسب بروز دهد، در عالم برزخ دچار فشار و سختی شدید می‌شود.^۴ همچنین در کلمات اولیای دین (ع) به عواقب بدر رفتاری با همسر اشاره شده است^۵ که توجه فرد به این عواقب ناخوشایند در زندگی اخروی، می‌تواند او را تا حدی از رفتار نامناسب باز دارد.

۲. توصیه‌های اخلاقی برای کارایی بیشتر خانواده

در بحث مسئولیت‌های زن و شوهر در خانواده، به خوش اخلاقی و لزوم آن در خانواده اشاره شد. در این جا برخی صفات اخلاقی که در روابط مناسب اعضای خانواده و تعالی آن مؤثر است، بررسی می‌شود.

۲-۱. صداقت: صداقت از صفات مؤثر در روابط خانواده است که زمینه اعتماد و

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۷۶، ص ۳۶۶.

۲. همان، ج ۸۱، ص ۲۲۴.

۳. مجلسی، بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۲۰.

۴. تحریم، ۶.

۵. همان، ج ۱۰۳، ص ۴۷۳.

برقراری رابطه به شمار می‌رود. صداقت در تحلیل روان‌شناختی به گفتار و رفتاری اطلاق می‌شود که فرد انگیزه و قصدی مغایر با مفاد گفتار و رفتارش نداشته باشد؛ به بیان دیگر، فرد با صراحت و رو راستی و وضوح صحبت می‌کند. هنگامی که فرد در ارتباط کلامی یا بدنی صداقت نداشته باشد، ارتباطی متعارض یا دو سطحی برقرار می‌شود، به گونه‌ای که مفاد سخن فرد چیزی است و بقیه وجود او چیزی دیگر را بیان می‌کند، یا انگیزه و قصد او امری دیگر است.

در این حالت، مخاطب به مفاد کلام یا رفتار فرد پاسخ می‌دهد، ولی هنگامی که دریافت انگیزه فرد امری دیگر است، در واکنش به رفتار یا گفتارهای بعدی او سردرگم می‌شود؛ گاه به کلام و رفتار او توجه می‌کند و از انگیزه او غفلت می‌کند و گاه به دلیل توجه بیشتر به انگیزه‌های احتمالی، به واکنش نامناسب دست می‌زند. این‌گونه ارتباط، از مشخصه‌های خانواده‌های آشفته است.^۱ عدم صداقت در زن یا شوهر، فضای خانواده را به بی‌اعتمادی و بدبینی می‌کشاند و زمینه اختلاف را فراهم می‌کند. اولیای دین (ع) به دلیل تأثیر دروغ‌گویی در تخریب اعتماد در روابط بین فردی، بر صداقت و دوری از دروغ بسیار تأکید دارند^۲ و ملاک ایمان مردم را راست‌گویی اعلام می‌کنند.^۳ راست‌گویی زمینه اعتماد مقابل و در نتیجه، رابطه دوستانه و صمیمی را فراهم می‌کند^۴؛ بنابراین، برای بالندگی و سلامت روابط در خانواده، باید روابط کلامی و بدنی (آهنگ صدا، وضعیت بدنی افراد نسبت به هم، تماس‌های چشمی یا نگاه‌ها، و حرکت بدن) به صورت مستقیم، روشن و صریح باشد، آن‌گونه که سخنان فرد نه تنها با حالت صورت، وضع بدن و طنین صدا هماهنگ باشد، بلکه با انگیزه و حالات ناهشیار او نیز مطابق باشد و در حقیقت، همه ابعاد روان‌شناختی فرد یک چیز را نشان دهد. چنین ارتباطی به اعضای خانواده امکان می‌دهد که درستی و تمامیت، تعهد، صداقت، شایستگی و خلاقیت داشته باشند و با مشکلات به طور مناسب برخورد کنند.^۵

۱. سنبر، آدم‌سازی در خانواده، ص ۷۸.

۲. «قال رجل للنبي (ص): أكذب اهلي؟ قال: لا خير في الكذب» مجلسی، بحارالانوار، ج ۶۹، ص ۲۵۴.

۳. «إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكُذِبَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ» نحل، ۱۰۵ و «يجعل المؤمن على كل طبيعة الا الخيانة والكذب» مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۷۲.

۴. «يكسب الصادق بصدقه ثلاثاً: حسن الثقة به، المعية له و المهابة عنه» آمدی، غرر الحکم و دررالکلم، ح ۱۱۰۳۸.

۵. سنبر، آدم‌سازی در خانواده، ص ۹۲ و ۹۷.

۲-۲. خوش‌بینی: خوش‌بینی از صفات اخلاقی مؤثر در خانواده و بر اعتماد متقابل استوار است. خوش‌بینی و گمان‌نیکو نسبت به یکدیگر، نسبت به حوادث و مسائل زندگی، و نسبت به خداوند در سلامت خانواده نقشی مهم دارد. در زندگی خانوادگی خوش‌بینی در پیشگیری و حل بسیاری از مشکلات مؤثر است. برای پدیدآیی حالت خوش‌بینی، زن و شوهر باید در ابتدای زندگی نهایت تلاش خود را برای شناخت یکدیگر و آگاهی از برخورداری هریک از شرایط لازم، مصروف نمایند و افزون بر این، موازین اخلاقی را در همه رفتارها رعایت کنند. اعضای خانواده با به دست آوردن این شرایط و در سایه اعتماد متقابل می‌توانند در جهت دوری از بدگمانی و ایجاد خوش‌بینی در یکدیگر تلاش کنند. در متون دینی بر خوش‌بینی نسبت به برادران دینی و تفسیر و تعبیر رفتار آنها به بهترین وجه تأکید^۱ و به صراحت از افراد خواسته شده از بدگمانی دوری کنند^۲؛ زیرا برخی گمانها گناه است و ضمن خارج کردن فرد از محدوده مجاز دینی، زمینه رفتار و گفتارهای نامناسب در حق دیگران را پدید می‌آورد^۳. در خانواده نیز زن و شوهر و فرزندان باید از بدگمانی نسبت به هم خودداری کنند. قضاوت و گمان نسبت به افراد باید بر اساس مدارک معتبر و علم باشد و بدون تحصیل علم، اعضای خانواده باید به خوش‌بینی نسبت به هم روی آورند. یکی از مشکلات روابط بین فردی، عدم درک انگیزه‌ها و مقاصد طرف مقابل است. در این حالت، گاه افراد تفسیر و برداشتی نادرست از یک رفتار دارند، در حالی که بر اساس اصول اسلامی باید یک رفتار را به بهترین وجه تفسیر کرد. بدیهی است تلاش اعضای خانواده برای کاهش برداشتهای منفی از رفتارهای یکدیگر، زمینه‌ای برای درک مناسب و روابط بهتر فراهم خواهد نمود. فضای روان‌شناختی خانواده باید به گونه‌ای باشد که افراد، بیشتر به جنبه‌های مثبت یکدیگر توجه کرده و نکات منفی را بیش از حد بزرگ‌نمایی نکنند. همین امر زمینه خوش‌بینی افراد نسبت به هم را فراهم می‌کند.

خوش‌بینی نسبت به مسائل زندگی و تبیین‌های خوش‌بینانه از حوادث ناخوشایند نیز در توانایی رویارویی با مشکلات تأثیر می‌گذارد. در مقابل، تبیین‌های بدبینانه ممکن است افراد را دچار حالتهای عاطفی منفی و در نتیجه، بازدارنده ایمنی کند. در این حالت،

۱. «ضع امری اخیک علی احسنه حتی یأتیک ما یفلیک» کلینی، کافی، ج ۲، ص ۲۶۹.

۲. «أَجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ» حجرات، ۱۲.

۳. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۲۶۵ و ۲۶۶.

احتمال بروز بیماری‌های جسمی نیز بیشتر می‌شود. خوش‌بینی فرد را به تلاش برای طراحی نقشه‌هایی برای حل مشکل سوق می‌دهد. فرد با عمل به این نقشه‌ها، انتظار دارد امور غالباً مطابق نظر او پیش رود و همین امر کوشش او را مضاعف می‌کند؛ بنابراین، می‌توان گفت دیدگاه مثبت در زندگی با تأثیر بر حالات عاطفی، روابط اعضای خانواده با یکدیگر را بهبود می‌بخشد.

بعد سوم خوش‌بینی که در متون اسلامی با عنوان خوش‌گمانی نسبت به خداوند از آن یاد شده، نیز بر زندگی خانوادگی تأثیری مثبت دارد. فرد معتقد به خداوند، او را در همه امور جهان و زندگی انسانها بسیار تأثیرگذار می‌داند، حال اگر نسبت به خداوند خوش‌بین نباشد و بیشتر ناامیدی در او پدید آید، در همه مسائل زندگی در مانده خواهد شد و هیچ رفتار مثبت و مفیدی نمی‌تواند انجام دهد؛ از این رو، بدبینی به خدا از بدترین گناهان شمرده شده است^۲ و اولیای دین (ع) به طرق مختلف افراد را به خوش‌بینی نسبت به خدا تشویق کرده‌اند^۳؛ برای مثال، گفته شده است: اگر کسی به خدا گمانی نیکو داشته باشد، خداوند نیز مطابق گمان او، شرایط را برایش فراهم می‌کند^۴.

۲-۳. قناعت: قناعت و دوری از تجمل‌گرایی، از صفات اخلاقی مهمی است که در متون اسلامی به تأثیر آن بر زندگی دنیوی و اخروی اشاره شده است.^۵ در عصر حاضر، وسایل رفاهی گسترش پیدا کرده و زمینه استفاده از امکانات جدید و تجملی روندی روز افزون یافته است. این امر باعث شده در محیط خانواده‌ها نیز تفاوت‌های بسیاری در امکانات زندگی مشاهده شود. از سویی، امکان زندگی مادی بهتر برای همگان میسر نیست و در این رقابت بسیاری عقب می‌مانند. این اختلاف درآمد و تفاوت در مواهب زندگی مادی، ممکن است زمینه‌ای برای بروز نارضایتی و تعارض در خانواده شود. در تعالیم اسلام برای پیشگیری و کاهش این اختلاف، افراد را به قناعت و دوری از تجمل توصیه می‌کنند. کسی که از صفت قناعت برخوردار است، به اندازه‌ای از مواهب مادی

۱. دیماتو، روان‌شناسی سلامت، ج ۲، ص ۵۸۲-۵۸۴.

۲. «اکبر الکبائر سوء الظن بالله» متفی هندی، کنز العمال، ح ۵۸۴۹.

۳. مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۳۳۶ و ۳۸۵. ۴. همان؛ کلینی، کافی، ج ۲، ص ۷۲.

۵. از جمله، امیر مؤمنان علی (ع) در تفسیر آیه «فَلْيَحْزِنُوا فِيهَا حَيَاةً طَيِّبَةً» (نحل، ۹۷) فرمود: منظور از زندگی پاک، همان زندگی همراه با قناعت است، (نهج البلاغه، حکمت ۲۲۹).

که نیازهای او را کفایت می‌کند، رضایت می‌دهد^۱ و خود را برای کسب درآمد بیشتر به زحمت و فشار شدید نمی‌اندازد. اگر اعضای خانواده به ویژه زن و شوهر به میزان درآمدی که با تلاش به دست آورده‌اند، راضی باشند و در این زمینه، خود و دیگران را به زحمت نیندازند، به اندوه و رنج کم‌تری دچار خواهند شد^۲. البته در مورد زن، بر قناعت و سعی در کم‌توقعی تأکید بیشتری شده است؛^۳ شاید به این علت که معمولاً مسئولیت تأمین معاش خانواده بر عهده مرد است و وی فشار روانی بیشتری را متحمل می‌شود؛ در نتیجه فشار و تحمیل زن بر او مشکلات را تشدید می‌کند.

اعضای خانواده برای ایجاد حالت قناعت در خود، باید به خانواده‌هایی که از سطح مواهب مادی پایین‌تری برخوردارند، توجه نمایند^۴ و روابط خود را بیشتر با این‌گونه خانواده‌ها تنظیم کنند، نه این‌که همواره به بالاتر از خود نگاه کرده و خویش را گرفتار حسرت و اندوه نمایند. همچنین روحیه حرص و طمع را که در بیشتر افراد موجود است، به جهات دیگری مانند رشد و تکامل معنوی و علمی سوق دهند. اعضای خانواده در صورتی که به کسب صفت قناعت موفق شوند و چشم از نگاه به زندگی مادی^۵ و تجملی دیگران فرو بندند، در مرحله اول از حسرت و غم نجات می‌یابند^۶ و به عزت نفسی می‌رسند^۷ که در عین کمبودها، احساس بی‌نیازی^۸ کنند. این حالت، زندگی را در تلقی فرد، گواراتر^۹ و لذت او را بیشتر خواهد کرد؛ چنان‌که در کلمات اولیای دین (ع) آمده است فرد راضی به درآمد و قسمت خود، از گواراترین زندگی در بین مردم برخوردار خواهد بود و اگر جز این باشد،^{۱۰} اعضای خانواده همواره در حسرت کمبودها بسر برده و زندگی در نظر آنها تلخ و دشوار می‌شود^{۱۱}.

۴-۲. صبر: از دیگر صفات اخلاقی است که از ویژگی‌های همسر مناسب، به شمار

۱. کلینی. کافی. ج ۲، ص ۱۳۹.
۲. «من قنع بالمقسوم استراح من الهم والكذب والتعب» نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۲۲۴.
۳. حرّ عاملی. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۸.
۴. کلینی، کافی، ج ۸، ص ۲۴۴.
۵. «وَلَا تَمُنُّ عَيْنُكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» طاه، ۱۳۱.
۶. آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۹۴۱.
۷. نهج البلاغه، نامه ۳۰؛ آمدی، «القناعة تؤدی الی العز» غرر الحکم و درر الکلم، ص ۳۹۱.
۸. «... مع قناعة تملأ القلوب والعيون غنى» نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲.
۹. «جمال العیش القناعة» و «اطیب العیش. القناعة» آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۳۹۱.
۱۰. «ان احنا الناس عیشاً من کان بما قسم الله له راضياً» همان، ص ۳۹۳.
۱۱. «خمس من لم تکن فيه لم يتهنأ بالعیش... القناعة...» مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۶، ص ۳۹۰.

می‌رود.^۱ برای مرد صبور نیز درجه خاصی در بهشت قرار داده شده است.^۲ صبر به قناعت مربوط می‌شود، ولی به دلیل اهمیت آن در خانواده، جداگانه بررسی می‌گردد. بردباری و تحمل در برابر مشکلات خانواده، لازمه رویارویی مناسب و حل مشکل است. در صورتی که اعضای خانواده با مشکلات عادی دچار تنش شوند، آسیب‌پذیری آنها و بروز اختلافات امری اجتناب‌ناپذیر است. صبر از مهم‌ترین صفات نفسانی و بازدارنده این مشکلات است و در متون اسلامی به منزله اصل و رکن ایمان محسوب شده است؛^۳ زیرا فرد ناتوان از مهار خویش ممکن است در رویارویی با مشکلات نه تنها دیگران را به دشواری افکند، بلکه همه باورهای دینی خود را نیز با تشکیک روبه‌رو سازد.^۴ در مسائل خانواده، گاه افراد با ناکامی‌هایی روبه‌رو می‌شوند، یا برآورده شدن نیازها مستلزم گذشت زمان است، در این حالات، بی‌تابی و عدم مهارت، فرد را دچار تنش می‌کند و نیاز فرد نه تنها برآورده نمی‌شود، بلکه فشار روانی و دشواری تلقی کردن موقعیت، افزایش می‌یابد،^۵ در حالی که فرد با صبر می‌تواند به موفقیت برسد، هرچند در زمانی طولانی باشد.^۶

گاه رفتارهای نامناسب دیگران، فرد را به واکنش و امی دارد که در این موقعیت تحمل و بردباری او در حل مشکل و پیشگیری از اختلاف بسیار مؤثر است. افزون بر این، عدم ابراز واکنش به فرد امکان می‌دهد که در هر زمان مناسب، رفتار مؤثر را بروز دهد^۷ و این امر جز در سایه صبر و مهار خویشتن مقدور نیست. در غیر این صورت، ممکن است فرد با واکنش سریع و نامناسب رفتاری از خود بروز دهد که پس از دقایقی پشیمان شود.^۸

۱. حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۲۴؛ «ثلاثة لا تمسهم النار المرأة المطيعة لزوجها... المرأة الصابرة على عسر زوجها والباؤ لوالديه» شفیعی مازندرانی، سید محمد، راز خوشبختی، ص ۱۰۱، مشابه همین حدیث در کنز العمال، منقی هندی، ح ۴۳۳۴۷، آمده است.

۲. «أنه في الجنة درجة لا يبلغها إلا امام عادل او ذو رحم ووصول او ذو عيال صبور» مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۷۰.

۳. «فان الصبر من الايمان كالرأس من الجسد...» نهج البلاغه، حکمت ۸۲.

۴. «فأنه لا دين لمن لا صبر له» مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۹۲.

۵. «من صبر خفت محنته، هانت مصيبتته» و «إذا صبرت للمحنة نلت تحدها» مصطفی، درایتی، معجم الفاظ غررالحکم، ص ۵۷۷، و «فاصبر مغموماً او مت متأسفاً» نهج البلاغه، خطبه ۲۱۷، و «ان للنكيات غايات لابد ان ينتهي اليها... فان اعمال الحيلة فيها عند اقبالها زائد في مكروهاها» مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۹۵.

۶. «لا يعدم الصبور الظفر و ان طال به الزمان» نهج البلاغه، حکمت ۱۵۳ و «استشعروا الصبر فإنه ادعى الى النصر» همان، خطبه ۲۶.

۷. مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۷۹.

۸. «من صبر صبر الابرا و آلا تسلوا الاغمار» نهج البلاغه، حکمت ۴۱۳.

گذشته از مشکلات در روابط، زندگی انسان با کمبودهای مالی و آسیبهای بدنی و جانی همراه می‌باشد که زمینه‌ای برای بروز اختلافات و رفتارهای نامناسب در خانواده است. در این حالات، گاه مشکلات به حدی شدید است که اگر فرد از امور معنوی و ماورای طبیعی نیرو نگیرد، از پای در می‌آید. قرآن در این شرایط افراد را با بشارت، به صبر دعوت نموده و اعلام می‌دارد که آنها مشمول صلوات و رحمت خداوند هستند.^۱ در جایی دیگر، پاداش بردباران را بدون اندازه و حساب اعلام نموده^۲، و بالاتر از همه، خداوند را دوست دار^۳، همراه^۴ و یاور^۵ شکیبایان اعلام می‌کند. همه این آیات انگیزه‌های فرد را برای مهار خویش بیشتر کرده و فرد را در مشکلات شکیباتر می‌سازد. در کلمات اولیای دین (ع) نیز عبارتهایی دیده می‌شود که برای ایجاد حالت شکیبایی در مشکلات شدید، بسیار مؤثر است: «اگر شکیبا باشی، هر مصیبتی را نزد خدا پاداشی است.^۶»؛ «شکیبایی، به مقدار گرفتاری می‌رسد^۷؛ «هرکس در برابر مصیبت صبر کند و آن را با تسلی خوبی رد کند، خداوند برای او سیصد درجه معنوی و والا قرار می‌دهد.^۸» آخرین نکته در مورد بردباری، لزوم توصیه اعضای خانواده به یکدیگر در مورد صبر است^۹ که این امر در شکیبایی بیشتر خود فرد تأثیر دارد و به تقویت انگیزه دیگران در جهت بردباری بیشتر نیز کمک می‌کند.

۵-۲. سخاوت: سخاوت و روحیه گشاده‌دستی از صفات بسیار مؤثر اعضای خانواده، به ویژه مرد است.^{۱۰} بدترین مردها، بخل‌ورزانند.^{۱۱} از آن‌جا که معمولاً مردان مسئولیت اقتصادی خانواده را بر عهده دارند، بخل‌ورزی آنها شرایط رفاهی خانواده را دشوار می‌کند، به حدی که گاه اعضای خانواده آرزوی مرگ پدر خانواده را در دل می‌گذرانند.^{۱۲} بخل در کلمات اولیای دین (ع) در بردارنده همه عیوب زشت^{۱۳} دانسته شده، به گونه‌ای که حتی جوان سخاوتمند و آلوده به خطا نزد خداوند از پیرمرد عابد بخل‌ورز محبوب‌تر

۱. بقره، ۱۵۵.
۲. زمر، ۱۰.
۳. آل عمران، ۱۴۶.
۴. بقره ۱۵۳ و ۲۴۹؛ انفال ۴۶ و ۶۶.
۵. آل عمران، ۱۲۵.
۶. نهج البلاغه، حکمت ۲۹۲.
۷. همان، حکمت ۱۴۴.
۸. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۹۱.
۹. «وَتَوَاصُوا بِالصَّبْرِ»، عصر، ۳.
۱۰. «شَرَّ رِجَالِكُمْ... الْبَخِيلُ» همان.
۱۱. «يَنْبَغِي لِلزَّجَلِ أَنْ يُوْشِعَ عَلَيَّ عِيَالَهُ لئَلَّا يَمْتَنُوا مَوْتَهُ» همان، ج ۱۵، ص ۲۴۹.
۱۲. «البخل جامع مساوی العیوب» نهج البلاغه، حکمت ۳۷۸.

است.^۱ در تعالیم اسلام، بر توسعه و ایجاد رفاه بیشتر برای خانواده بسیار تأکید گردیده و تجلی نعمتها و مواهب مادی که از جانب خداوند به فرد داده شده، امری مناسب و پسندیده قلمداد شده است.^۲ البته تعالیم اسلام بین زن و شوهر در مورد صفت سخاوت و بخل فرق گذاشته و از زن انتظار سخاوت ندارد^۳؛ این امر برای آن است که زن در مخارج بیشتر دقت کند تا در اثر مصارف بی‌رویه و بخشش زیاد، خانواده را از لحاظ اقتصادی با مشکل روبه‌رو نسازد. این در حالی است که بخل‌ورزی و عدم سخاوت در اموال شخصی خود زن، مانند مردان، امری نامطلوب و ضد ارزش است.

۳. آموزه‌های رفتاری اسلام برای کارایی مطلوب خانواده

آموزه‌های اسلام در مورد رفتارهای اعضای خانواده، توصیه‌های به ظاهر جزئی دارد که در بهبود چگونگی روابط اعضا و کارایی بیشتر آنان اثرگذار است. بخشی از این توصیه‌های رفتاری به روابط اعضای خانواده، کلامی یا غیرکلامی، مربوط می‌شود و بخشی دیگر مربوط به محیط خانه، اداره خانواده و عبادات در خانه است که در روابط درون خانواده، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم نقش می‌آفریند. اینک به بررسی این توصیه‌ها می‌پردازیم.

۳-۱. روابط کلامی: در شیوه برقراری روابط کلامی، تفاوتی بین افراد کودک و بزرگسال و زن و مرد دیده می‌شود. در مورد کودکان فراهم کردن زمینه برای گفتگو، رشد و بالندگی آنها تأثیری مهم دارد و بر عکس، نبود شرایط مناسب برای گفتگو و بیان احساسات و افکار، به سرکوبی عواطف و بازداری شناختی کودک می‌انجامد. محیط خانواده بهترین محل رشد کلامی و ابراز وجود با گفتار است. روابط کلامی در خانه آن مقدار که برای زن اهمیت دارد، برای مرد این‌گونه نیست و او در روابط به صرف حضور بیشتر توجه دارد.^۴ تعالیم اسلام در باره نحوه گفتار و بیشتر مضمون آن، توصیه‌هایی دارد که از ابتدای گفتگو تا پایان آن را در بر می‌گیرد. در مرتبه نخست، گفتگوی اعضای خانواده با هم باید محترمانه باشد؛ از جمله این که آهنگ صدا باید ملایم باشد. قرآن برای تشویق افراد به لطیف کردن صوت، تشبیهی دارد که تا فرد را به صوت ملایم در

۱. «شاب سخی مرهق فی الذنوب احب الی الله من شیخ عابد بخیل» حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۲۵۳.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۲۳۴.

۳. کلینی، فروع کافی، ج ۶، ص ۴۴۷.

۴. تانن، دوبرا، روانی فهمی ...، ص ۹۵ - ۱۰۰.

همه جا به ویژه در محیط خانه برانگیزد^۱. از نشانه‌های احترام در گفتگو این است که زن و شوهر یکدیگر را به بهترین نامی که هریک دوست دارند، خطاب کنند^۲. در مرتبه دوم، ابراز محبت و دوستی با گفتار، نسبت به اعضای خانواده اهمیت ویژه‌ای دارد که به ژرف‌تر شدن روابط عاطفی کمک می‌کند^۳. نکته سوم، سپاس‌گزاری اعضای خانواده از یکدیگر با گفتار است^۴. تشکر از والدین در ردیف شکرگزاری خداوند آمده است^۵. زن و شوهر نیز باید قدردان عملکرد مناسب یکدیگر باشند. از صفات مناسب زنان سپاس‌گزاری و قدردانی در خانواده است^۶ و در مقابل، ناسپاسی زن در گفتار پیامدهای نامطلوبی در خانواده، به ویژه برای خود او، بر جای می‌گذارد^۷. مرد نیز باید از تلاشهای همسر خود در خانواده، با گفتار نیکو قدردانی کند که این امر افزون بر تشویق زن^۸، صمیمیت بین آنها را افزایش می‌دهد.

در محیط خانواده، شکرگزاری و سخن گفتن از نعمتهای خداوند^۹ نیز اهمیت دارد و به رضایت افراد از زندگی کمک می‌کند. در قرآن به این واقعیت اشاره شده است که شکرگزاری در برابر مواهب الهی، در درجه اول برای خود فرد سودمند است^{۱۰}. بخشی از سپاس‌گزاری از خداوند، ارج نهادن به تلاش انسانهایی است که در حق فرد، کمکی و لطفی داشته‌اند، و در غیر این صورت، فرد خداوند را سپاس‌گزار نبوده است^{۱۱}. همین امر در خانواده نیز می‌تواند تأثیر بسیاری داشته باشد؛ زیرا هیچ‌کس مانند والدین^{۱۲}، همسر^{۱۳} و گاه فرزندان^{۱۴}، نیازهای مادی و عاطفی فرد را نمی‌تواند برآورده سازد.

۱. «وَأَغْضَضُ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيمِ» لقمان، ۱۹.

۲. «ثلاث یصفین وذ‌ المرء لآخیه المسلم... یدعوه بحب‌ الاسماء الیه» کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۶۴۳. این کلام مربوط به رابطه دو دوست است، ولی شامل رابطه زن و شوهر نیز می‌شود؛ زیرا دوستی آنها معمولاً

صمیمی‌ترین دوستی‌هاست؛ همچنین مصطفوی، سید جواد، بهشت خانواده، ج ۱، ص ۱۷.

۳. «قول الرجل للمرأة انی احبک لایذهب من قلبها ابدأ» حرّعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۰.

۴. برنشتاین، ف. ج، زناشویی درمانی، ص ۱۶۱. ۵. «أَنْ أَشْكُرَ لِي وَ لِوَالِدَيْكَ» لقمان، ۱۴.

۶. سیوطی، الدرالمثور، ج ۱، ص ۱۵۲. ۷. حرّعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۱۵.

۸. همان. ۹. «وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ» لقمان، ۱۲.

۱۱. «من لم یشکر المُنعم من المخلوقین لم یشکر الله» حرّعاملی، وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۵۴۲.

۱۲. «من لم یشکر والدیه لم یشکر الله» مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۶۸.

۱۳. «ما اتقاد رجل بعد الايمان خيراً من امرأة ذات دين و جمال سوء اذا نظر اليها...» نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۶۹.

۱۴. روایات مربوط به نقش و اهمیت فرزند در زندگی، که در فصل دوم به آن اشاره شد.

برخی رفتارها نیز مانع برقراری روابط کلامی مناسب می‌گردد که اعضای خانواده باید از آنها در حد توان خودداری کنند. از جمله این امور: تق زدن، قطع حرف یکدیگر، جدال و بگو و مگو در مورد امور کم‌اهمیت، منحرف شدن از موضوع اصلی، تهدید، توهین، تمسخر، انتقاد تند و پرگویی است.^۱ تعالیم اسلام به برخی از این امور اشاره کرده و نکاتی را نیز به آنها می‌افزاید؛ از جمله این که هنگام حضور اعضای خانواده مناسب نیست برخی پنهانی با هم صحبت کنند؛ زیرا این امر موجب آزار و اندوه دیگران می‌شود.^۲ قرآن به صراحت گفتگوی پنهانی در حضور دیگران را نهی می‌کند.^۳ همچنین از دروغگویی نهی شده که در بحث صفت «صداقت» به آن اشاره شد. تعالیم اسلام سخنهاى دروغین را، خواه به جد باشد یا به شوخی، نامناسب اعلام می‌کند؛^۴ زیرا به فضای وضوح و صراحت در روابط بین فردی آسیب می‌رساند.^۵ اولیای دین (ع) برای ترغیب افراد به خویشنداری از قطع کلام یکدیگر، این رفتار را به چنگ زدن به صورت فرد تشبیه کرده‌اند.^۶ از تمسخر یکدیگر در قرآن نهی شده و بر این نکته در مورد زنان بیشتر تأکید شده است.^۷ در بحث حل اختلافهای خانوادگی، رفتارهای کلامی موجب تعارض در خانواده را بررسی خواهیم کرد.

۲-۳. روابط غیرکلامی: در روابط غیرکلامی، افراد به وسیله وضعیت بدن مانند طرز قرار گرفتن در مقابل هم، فاصله از یکدیگر، نشسته یا ایستاده، حالات چهره مانند گشادگی یا گرفتگی، حرکات بدن مانند تماسهای بدنی و چشمی، با هم به تعامل خودآگاه یا ناخودآگاه می‌پردازند. آهنگ صدا نیز جزء روابط غیرکلامی است که پیش از این در باره آن سخن به میان آمد. روابط غیرکلامی اعضای خانواده به صورت زیر مناسب و مؤثر است: وضعیت بدنی مشابه (هر دو نشسته یا ایستاده و یا...)، بدن افراد در مقابل هم، نه پشت به هم یا شکل دیگر، فاصله در حدود یک متر، حرکات بدن و تماس بدنی در حد مناسب و تماس چشمی مناسب نه آزاردهنده و تند. اگر شرایط فوق تحقق

۱. برنشتاین. زناشویی درمانی، ص ۱۶۱.

۲. «إذا كان القوم ثلاثة فلا يتناجى منهم اثنان دون صاحبهما فان ذلك مما يحرزنه و يؤذیه» کلینی، کافی، ج ۲،

ص ۶۶۰. ۳. مجادله، ۷-۱۰.

۴. «لا یجد عبدٌ طعم الايمان حتى یترك الكذب هزله و جدّه» کلینی، اصول کافی، ج ۴، ص ۳۷.

۵. «الكذب يؤذی الى التناقى» و «الكذب یوجب الوقیعة» آمدی، غرر الحکم، ح ۱۱۸۱ و ۷۴۷.

۶. «من عرض لایخيه المسلم فى حدیثه فكأنما خدش فى وجهه» کلینی، کافی، ج ۲، ص ۶۶۰.

۷. «لا ینسخرن قومٌ من قومٍ عسى أن یكونوا خیرًا منهم ولا ینساء من نساء» حجرات، ۱۱.

نیابد، روابط مناسب و رضایت‌بخش بین افراد برقرار نمی‌شود.^۱

آموزه‌های اسلام در باره روابط غیرکلامی اعضای خانواده نکات جالب توجهی دارد که در ضمن توصیه‌های گوناگون مشاهده می‌شود. از نکات مهم در خانواده حسن خلق است که به طرز روابط افراد با هم باز می‌گردد. بخشی از حسن خلق در روابط غیرکلامی بروز می‌کند. در این رابطه، به افراد توصیه شده است که با مردم به ویژه خانواده با چهره گشاده و روی باز دیدار کنند؛^۲ زیرا روی خوش و چهره باز موجب جذب دلها^۳ و فزونی محبت می‌شود،^۴ شادی و نشاط می‌آورد و کینه را از دلها می‌زداید.^۵ در مورد انسان مؤمن آمده است که اندوهش در درون است و با روی خوش و چهره باز با مردم روبه‌رو می‌شود.^۶ افزون بر موارد یاد شده، تبسم و لبخند در چهره در^۷ بهبود روابط نیز مؤثر است. روی گرداندن در برخورد با افراد، به روابط آسیب می‌رساند و قرآن نیز از آن نهی فرموده است.^۸ نگاه مهربانانه زن و شوهر به یکدیگر موجب نشاط آنان می‌گردد.^۹ همچنین، نگاه به والدین از روی لطف و رحمت نوعی عبادت است و^{۱۰} نگاه والدین به فرزندان و شاد نمودن آنها از این طریق نیز تشویق شده است.^{۱۱} از سوی دیگر، نگاه تند و خشم‌آلود اعضای خانواده به یکدیگر، به ویژه فرزندان به والدین،^{۱۲} نامناسب و موجب اختلال در روابط عاطفی مثبت می‌گردد.

در مورد وضعیت بدن، آموزه‌های اسلام فروتنی در روابط بین افراد را توصیه می‌کند تا روابط عاطفی مثبت بین افراد تقویت شود.^{۱۳} فروتنی بدین معناست که فرد در مقایسه با دیگران برای خویش امتیاز و برتری قائل نشود.^{۱۴} این حالت در وضعیت بدنی فرد بسیار مؤثر است؛^{۱۵} از این رو، در قرآن برای توصیه به نهایت فروتنی فرزندان نسبت به

۱. ستبر. آدم‌سازی در روان‌شناسی خانواده، ص ۶۳-۴۵.

۲. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۱۰۷.

۳. آمدی، غرالحکم، ص ۹۱.

۴. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۱۰۷.

۵. آمدی، غرالحکم، ص ۹۲.

۶. همان، ص ۹۱.

۷. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۱۸۸.

۸. «وَلَا تَصْعِرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ» لثمان، ۱۸.

۹. حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۳۷؛ نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۶۹.

۱۰. همان، ج ۱۵، ص ۲۰۵.

۱۱. «إِذَا نَظَرَ الْوَالِدُ إِلَى وَلَدِهِ فَسَوْهَ كَانُ لِلْوَالِدِ عَتَقَ نَسْمَةً» فرید تنکابنی، الحدیث، ج ۱، ص ۲۹۹.

۱۲. حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۲۱۷.

۱۳. «ثَمَرَةُ التَّوَاضُعِ الْمَحْبُوبَةِ»، آمدی، غرالحکم، ج ۴۶۱۳.

۱۴. دیلمی، احمد و... اخلاق اسلامی، ص ۱۴۰.

۱۵. امام صادق(ع) یکی از نشانه‌های تواضع را نشستن در مکانی که پست‌تر از جای فرد است، بیان فرموده

است. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۱۲۲.

والدین، تعبیر فرود آوردن بالهای تواضع در برابر والدین به کار برده شده است.^۱ تواضع، نوعی افتادگی در وضعیت بدن ایجاد می‌کند و در مقابل، تکبر و خود بزرگ‌بینی نیز در وضعیت بدنی بروز می‌کند، به گونه‌ای که فرد سعی می‌کند خود را در موقعیت بالاتر فیزیکی قرار دهد^۲ و تعبیر «دماغ بالا بردن» یا «گردن‌کشی»^۳ نیز ممکن است به همین جهت برای تکبر به کار برده شده باشد. به هر صورت، برای برقراری روابط مطلوب در خانواده لازم است افراد فروتنی خود را در وضعیت بدنی نیز به گونه‌ای نشان دهند. در این رابطه، شوهر را به رفتارهایی^۴ توصیه می‌کنند که در ایجاد حالت بدنی تواضع مؤثر است. از صفات بسیار مناسب برای زنان، تواضع در مقابل همسر عنوان شده است.^۵ بدترین رفتار زنان نیز تکبر در برابر شوهر است.^۶

۳-۳. محیط خانه: بخش دیگری از توصیه‌های رفتاری اسلام به محیط خانه و رفتارهای مربوط به آن باز می‌گردد. از جمله این امور، آراستگی ظاهر افراد خانواده^۷ و نیز محیط خانه^۸ است. در این باره، توصیه شده است که همه اعضای خانواده به ویژه زن و شوهر خود را برای یکدیگر مرتب و آراسته کنند. این رفتار به فزونی محبت افراد نسبت به هم می‌انجامد

حضور در خانه و همراهی با خانواده به ویژه در شب اهمیت دارد.^۹ پیامبر(ص) نخستین نزد خانواده را از اعتکاف و عبادت در مسجد مدینه، نزد خدا محبوب‌تر دانسته است.^{۱۰} همچنین غذا خوردن به همراه خانواده مورد توجه قرار گرفته است. پیامبر گرامی اسلام(ص) فرمود: «هر مردی که سفره غذا را بگستراند و زن و فرزند خویش را بخواند و غذا را با نام خدا شروع کنند و با شکر خدا به پایان برند، هنگامی که هنوز سفره برداشته نشده، خدا رحمت و آمرزش را بر آنان نازل فرماید.»^{۱۱} در عصر حاضر که به علت صنعتی شدن جوامع، معمولاً مرد و گاه زن تا پاسی از شب در منزل حضور ندارند

۱. «وَ أَخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلِيلِ مِنَ الرَّحْمَةِ» اسراء، ۲۴.

۲. نراقی، احمد، معراج السعادة، بحث تکبر.

۳. لغت‌نامه دهخدا، ذیل واژه «دماغ» و «گردن».

۴. از جمله سلام کردن هنگام ورود به خانه و تقدّم در این کار، که نشانه تواضع است.

۵. حرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۴ و ۱۵. ۶. همان، ص ۱۸.

۷. همان، ص ۱۸۳. ۸. محمدی ری‌شهری، میزان الحکمة، ج ۱۰، ص ۱۹۳.

۹. حرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۲۲.

۱۰. «جلوس المرء عند عیاله احبّ الی الله من اعتکاف فی مسجدی» احسان‌بخش، صادقی، آثار الصادقین، ج ۱۵،

۱۱. حرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۴۲۲. ۲۹۳ ص

و گاه تا خوابیدن فرزندان نیز به منزل نمی‌آیند، این توصیه‌ها اهمیت بیشتری می‌یابد. با وجود همه این مشکلات، همراهی اعضای خانواده برای کاهش تنیدگی‌های روزانه بسیار مؤثر است و والدین باید به آن اهمیت دهند.

در باره ورود و خروج مرد از خانه نیز به زن و شوهر توصیه‌هایی شده است؛ از جمله این که در اوقاتی که زن کار مهمی ندارد، هنگام بیرون رفتن شوهر از خانه، او را بدرقه کند و چند قدمی پشت سرش برود و گاه نیز هنگام ورود شوهر به خانه به استقبال او بیاید.^۱ این رفتار، محبت و صمیمیت بین زن و شوهر را بیشتر می‌کند. در مقابل، مرد نیز می‌کوشد این رفتار را به شکلی پاسخ دهد. محبت و خوش‌زبانی و نادیده گرفتن برخی لغزشها می‌تواند از آثار این رفتار در مرد باشد.^۲ بر مرد لازم است هنگام ورود به خانه با سلام وارد شود.^۳ شوهر نباید سرزده و آهسته وارد خانه شود، بلکه پیش از ورود لازم است به شکلی زن و فرزندان را از آمدن خود آگاه سازد؛ با ورود به منزل به همه سلام کند که این کلمه نوعی احترام به آنها و دعا است و موجب آرامش و محبت^۴ در خانواده می‌شود و در ضمن، اعلام ورود نیز به شمار می‌آید. در این وضعیت، خانواده خود را آماده می‌کند و از بروز وضعیت ناخوشایند برای همسر، جلوگیری می‌نماید. به دلایل فوق، آیات قرآن و کلمات اولیای دین (ع) بر این ادب‌گفتاری بسیار تأکید کرده‌اند.^۵

از آداب مهم دیگر، هدیه دادن در مراسم شادی و روزهای عید و بازگشت از سفر است که در جلب محبت همسر و فرزندان بسیار مؤثر است.^۶ رسول خدا (ص) فرمود: به یکدیگر هدیه دهید تا محبتها افزوده گردد و غبار کینه‌ها از دلها برود.^۷ هنگام بازگشت از سفر، برای خانواده خویش هدیه‌ای در حد توان بیاورید.^۸ انجام این رفتارها روابط عاطفی اعضای خانواده را بهبود می‌بخشد. نکته مهم در هدیه دادن به افراد، توجه به خود آنهاست که بیش از خود هدیه ارزش دارد؛ از این رو، هدیه را دلیل بر دوستی اعلام

۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۶، ص ۴، ۳ و ۱۱. ۲. مصطفوی، بهشت خانواده، ج ۱، ص ۳۰.

۳. مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۶، ص ۳ - ۱۱. ۴. طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۰، ص ۲۰.

۵. «فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبْتَلَاةٌ طَيِّبَةٌ» نور، ۶۱ و «تَحِيَّاتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ»

ابراهیم، ۲۳؛ حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۵۸ و ۱۶۱.

۶. «بالاحسان تملک القلوب» و «اذا اردت ان تعيک المخلوقون فأحسن اليهم» مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۷،

ص ۱۴۰؛ الجواد محبوب محمود؛ آمدی، غررالحکم، ج ۱۹۰۹.

۷. مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۴۴. ۸. مجلسی، محمدباقر، حلیة المتقین، ۴۱۸.

می‌کنند و دقت در ارزش هدیه را نامطلوب می‌شمارند.^۱

۳-۴. اداره امور خانواده: از نکات مهم در خانواده، یاری رساندن و همکاری در اداره امور منزل است. بر اصل تعاون در آموزه‌های اسلام بسیار تأکید شده^۲ و در خانواده نیز اساس زندگی مشترک است. تعالیم اسلام، وظایف را به گونه‌ای در خانواده تقسیم کرده که همه افراد، مسئولیتی را به عهده گیرند تا خانواده بتواند کارکردهای مؤثر خود را ایفا کند. البته بخشی از فعالیت‌های منزل بر عهده مرد یا زن نیست، ولی نکته مهم مساعدت هر یک از زن و مرد به یکدیگر در اداره امور منزل است. در کلمات اولیای دین (ع) برای تشویق زن و مرد به یاری یکدیگر، نکات جالب توجهی بیان شده که توجه به آنها انگیزه‌های همکاری را در منزل بیشتر می‌کند. در مورد تلاش زن در محیط خانواده آمده است: «اگر زنی به همسرش جرعه‌ای آب بنوشاند، ارزش معنوی این رفتار بیش از ثواب یکسال روزه و عبادت شبهای آن است و خداوند در برابر هر جرعه آب که به همسرش می‌نوشاند، برای او شهری در بهشت بنا می‌کند و شصت گناه او را می‌بخشد.^۳»؛ «زنی که برای اصلاح امور خانه، چیزی را از جایی به جایی دیگر منتقل کند، خدا به او نظر نماید و کسی که خدا به او نظر کند، او را عذاب نخواهد کرد.»^۴

از توصیه‌های رفتاری جالب توجه در کلمات اولیای دین (ع)، کمک و خدمت‌گذاری مرد در خانه است. رسول اکرم (ص) به حضرت علی (ع) سفارش می‌کند: «مردی نیست که به همسرش در خانه کمک کند مگر آنکه به تعداد موهای بدنش، عبادت یک سال روزه با نماز در شبهایش برای او پاداش قرار می‌دهند و خداوند پاداش پیامبران صبوری مانند داود (ع) و یعقوب (ع) و عیسی (ع) را برای او قرار می‌دهد. ای علی، کسی که از خدمت به خانواده خودداری نکند، خداوند نام را در زمره شهدا می‌نویسد و در مقابل هر روز و شب خدمت و هر قدم و رنج بدن، به او پاداش بسیار می‌دهد. ای علی، یک ساعت خدمت در خانه بهتر است از عبادت هزار سال، هزار حج، عمره و... سیرکردن هزار گرسنه و... بخشش هزار دینار... و از دنیا خارج نمی‌شود مگر آنکه جایگاه خود را در بهشت ببیند. ای علی، خدمت نمی‌کند به خانواده مگر صدیق یا شهید یا مردی که خداوند بخواهد خیر دنیا و آخرت را به او دهد.»^۵ توجه به پیامدهای مطلوب خدمت در

۱. دهخدا، علی اکبر، امثال و حکم، ج ۱، ص ۱۶۷. ۲. «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى»، مانده، ۲.

۳. حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۲۴. ۴. مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۱۰۶.

۵. همان، ص ۱۳۲.

خانه، افراد باورمند را بر می‌انگیزد که کار و کمک در خانه را دارای ارزش معنوی تلقی کنند و به بهانه انجام برخی رفتارهای دینی، از خدمت در خانه شانه خالی ننمایند. چنان که گذشت، بر اساس آموزه‌های اسلام مرد مدیر خانواده به شمار می‌رود و چنین توصیه اکیدی به او در خدمت به خانواده، مفهوم قوام بودن به معنی تصدی امور خانواده را بهتر نشان می‌دهد. اگر مرد به این توصیه عمل کند، همه اعضای خانواده به انجام وظایف تشویق می‌شوند و روح همکاری همراه با عواطف مثبت در فضای خانواده گسترش می‌یابد. از منظر جامعه‌شناختی، اصل اساسی در ازدواج و تشکیل خانواده، تشریک مساعی است. در تشریک مساعی، فقط کمک به افراد در نظر نیست، بلکه حفظ موجودیت خانواده هدف اصلی آن است. تمایل به تشریک مساعی، عاملی مهم در خانواده است که بر اساس آن، هر عضو به جای خواسته‌های خود به همه افراد فکر می‌کند و هدفش آسایش همه خانواده است؛ به دیگر سخن، رابطه زن و مرد در ازدواج صرفاً بر اساس تمایل و نیاز شخصی نیست، بلکه اهداف خانوادگی دارای اهمیت است.^۱ چنان که گذشت، توصیه رفتاری اولیای دین (ع) به اعضای خانواده به ویژه مرد، در مورد یاری در خانواده به بهترین شیوه اعضا را متوجه اهداف خانوادگی می‌کند.

یکی از توصیه‌های دیگر به مردان، توجه به ذوق، علاقه و خواست خانواده در باره وضعیت خانه، غذا و سایر امور درون منزل است. مناسب است مرد خواست و علاقه زن و فرزندان را بر نظر خویش ترجیح دهد و خود را با آنان در امور درون منزل هماهنگ سازد. تحمیل میل و خواست خود به خانواده از نشانه‌های بیماری اخلاقی و رخنه در ایمان فرد است^۲؛ بنابراین، هنگام اختلاف سلیقه در امور منزل، نشانه ایمان آن است که مردان نظر خانواده را بپذیرند و نظر خود را بر آنها تحمیل نکنند. این توصیه رفتاری موجب می‌شود زن و دیگر اعضای خانواده، احساس هویت مستقل و مثبتی از خود داشته باشند. این امر به شکوفایی استعدادها و آنها کمک می‌کند. اگر یکی از زوجین در زندگی خانوادگی، همه فکر، کار و اختیار خانواده را به دست گیرد، همسر و فرزندان را از تفکر و رفتار آزادانه محروم می‌سازد و هویت و کرامت آنها را مخدوش می‌نماید.^۳

از جمله آموزه‌های مهم اسلام، وفای به وعده می‌باشد که به هیچ کس اجازه نقض آن

۱. روزن بام، هایدی، خانواده به منزله ساختاری در مقابل جامعه، ص ۹۴.

۲. «المؤمن يأكل بشهوة عیاله (اللهه) و المنافق يأكل اهله بشهوته» حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۲۵۰.

۳. حسینی، علی اکبر، اخلاق در خانواده، ص ۱۳۶.

داده نشده است.^۱ وفای به وعده‌ها در روحیه زن و فرزندان تأثیرهای مثبت تربیتی دارد؛ از جمله اینکه آنها به این صفت نیکو متعهد می‌شوند و والدین نیز در نظر آنها ارزش بیشتری می‌یابند. امام کاظم (ع) فرمود: «هنگامی که به کودکان وعده دادید حتماً وفا کنید؛ زیرا آنان گمان می‌کنند روزی شان در دست شماست.^۲ خداوند بیش از هر چیز نسبت به کوتاهی و ظلم در حق زنان و کودکان، غضبناک می‌شود.^۳ عدم پایبندی به وعده‌ها آثار روانی نامطلوبی بر اعضای خانواده دارد؛ زیرا در بسیاری از موارد، آنان عذرهای مرد را در عدم وفا به وعده‌ها مورد توجه قرار نمی‌دهند و فضای روانی او را درک نمی‌کنند.

۵ - ۳. عبادت در خانواده: از توصیه‌های مهم اسلام، اهتمام به عبادات^۴ و سفارش اعضای خانواده به آن است. از مسئولیتهای افراد، هدایت خانواده در جهت امور معنوی و محافظت آنها از گمراهی، گناه و پیامدهای ناخوشایند آن در زندگی دنیوی و اخروی است.^۵ حفظ خانواده به چند طریق ممکن است: آنان را به عبادت و اطاعت از خدا فراخواند، وظایف دینی را به آنها بیاموزد و آنان را از انجام رفتار نابهنجار و زشت نهی و به انجام رفتارهای نیکو تشویق کند.^۶ البته در مرتبه اول، فرد باید خود به رفتارهای عبادی اهتمام ورزد تا الگویی مناسب برای سایر اعضا باشد. در متون دینی آمده است که فرزندان خود را در هفت سالگی به نماز سفارش کنید.^۷

این سفارش می‌تواند به شیوه‌هایی گوناگون اجرا شود که برخی از آنها مانند روش الگوگیری تأثیر گذارتر خواهد بود.^۸ از آموزه‌های مهم خداوند به پیامبران، سفارش خانواده خود به نماز است.^۹ خداوند به پیامبر گرامی اسلام (ص) سفارش می‌کند که خانواده خود را به نماز امر کن و خود نیز بر این عبادت پایدار باش.^{۱۰} امام باقر (ع) فرمود

۱. حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۲۰۷. ۲. همان، ص ۲۰۱.

۳. «إِذَا وَعَدْتُمُ الصَّبِيَانَ فَقُولُوا لَهُمْ... إِنْ لَمْ يَسْأَلُوا بِغَضَبٍ لَشَىءٍ كَفَضَبِهِ لِلنِّسَاءِ وَالصَّبِيَانِ» همان، ص ۲۰۲.

۴. «حَقِّقُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ» بقره ۲۳۸ و «فَاذْكُرُوا اللَّهَ قِيَمًا وَقَعُودًا» نساء، ۱۰۳.

۵. «قُولُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْأَجْسَادُ» تحریم، ۶.

۶. مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۸۶.

۷. «قُمُوا صِيَانَكُمْ بِالصَّلَاةِ إِذَا كَانُوا بَنِي سَبْعِ سَنِينَ...» کلینی، کافی، ج ۳، ص ۴۰۹.

۸. نهج البلاغة، حکمت ۷۳.

۹. «أَحِبِّ الْأَعْمَالَ إِلَى اللَّهِ الصَّلَاةَ وَهِيَ آخِرُ وَصَايَا الْأَنْبِيَاءِ» صدوق، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، ج ۱،

۱۰. «وَأَمْرُ أَهْلِكَ بِالصَّلَاةِ وَأَصْطَبِرَ عَلَيْهَا» طاهّا، ۱۳۲. ص ۲۱۰ و ۶۳۸.

هنگامی که این آیه نازل شد، رسول خدا(ص) هر روز، هنگام نماز صبح به در خانه علی(ع) و فاطمه(س) می‌آمد و می‌فرمود: «نماز را، نماز را، خداوند شما را مورد رحمت خویش قرار دهد.» رسول خدا(ص) تا پایان عمر این کار را انجام داد.^۱ حضرت ابراهیم(ع) در دعاهای خود از خداوند می‌خواهد که خود و فرزندان را برپاکننده نماز قرار دهد.^۲ نماز بر رفتارها و اخلاق اعضای خانواده تأثیر بسیاری دارد و ارتباطی شناختی - عاطفی با خداوند است.^۳ در کلمات اولیای دین(ع)، تأثیر بازدارنده نماز به شکل جالبی بیان شده است: «نماز مانند چشمه زلال و پر آبی است که انسان در هر شبانه روز پنج بار در آن شستشو می‌کند و جان و روان خود را از همه زشتی‌ها و آلودگی‌ها پاک می‌گرداند و دیگر چرکی بر او نمی‌ماند».^۴ نماز خواندن در اوقات مختلف شبانه‌روز مانند ابزار کنترلی است که به اختیار خود فرد، در زمانهای معین در او عمل می‌کند. دعا و عبادتهای دیگر مانند روزه نیز در روابط مناسب اعضای خانواده با یکدیگر مؤثر است. فضا و محیط خانواده باید نشان‌دهنده رابطه معنوی افراد با خداوند باشد.^۵ که در این صورت، انگیزه‌ها، عواطف و شناخت افراد از جمله تلقی و برداشت آنها از زندگی، تحت تأثیر قرار خواهد گرفت. افزون بر این، انجام عبادات از طریق تقویت باورهای دینی نیز بر رفتارها اعضای خانواده تأثیر خواهد گذاشت.

۱. بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۲۰۲.

۲. «رَبِّ اجْعَلْنِي مَقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي» ابراهیم، ۴۰.

۳. «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلْيُذَكِّرْ اللَّهُ أَكْبَرُ» عنكبوت، ۴۵.

۴. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، خطبه ۱۹۹.

۵. در کلمات اولیای دین(ع) تأکید شده که محلی در خانه برای نماز قرار داده شود. همچنین مواردی مانند نگه داشتن برخی حیوانات در خانه و برخی عکسها که موجب دوری خانه از معنویت و برکت می‌شود، نهی شده

است (مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۱۵۹ - ۱۶۲).

تعالیم اسلام و مشکلات خانوادگی

خانواده از مجموعه افرادی تشکیل شده که مسؤلیتهای متقابلی برعهده آنهاست. این افراد نیازهای مادی، عاطفی و اجتماعی دارند که باید در محیط خانواده برآورده شود. گذشته از این، اعضای خانواده معمولاً بیشتر مدت زندگی و ساعات روزانه را با هم به سر می‌برند، به گونه‌ای که با هیچ فردی دیگر به این میزان تعامل ندارند. در عصر حاضر تماسهای بین برخی اعضای خانواده مانند کودکان و والدینشان کمتر شده، ولی تعامل بین آنها از نظر زمانی طولانی‌تر شده است؛ زیرا امید زندگی بیشتر شده و گاه سه نسل سالها با هم زندگی می‌کنند.^۱ اعضای خانواده، برخلاف بسیاری از گروههای اجتماعی دیگر، معمولاً افرادی از مراحل مختلف سنی و با جنسیت مختلف‌اند. همه این عوامل باعث می‌شود زمینه اختلاف بین اعضای خانواده بیش از هر گروه اجتماعی دیگر باشد. البته دلبستگی‌ها و روابط عاطفی بسیار عمیق در خانواده نیز بیش از هر گروه اجتماعی دیگر است. «خانواده به عنوان گروه، اعضایش را با احساس صمیمیت، همکاری و تشریک مساعی به هم پیوند می‌دهد؛ یعنی رابطه اعضای خانواده بر پایه صفت صمیمیت و زندگی اجتماعی در داخل گروه استوار است. صمیمیت مشخصه اساسی و غیرقابل تفکیک خانواده است و همین صفت آن را از سایر گروه‌های اجتماعی متمایز می‌کند»^۲ در صورتی که عوامل دلبستگی در خانواده تضعیف نشود، بسیاری از اختلافات به کمک همین روابط عاطفی مثبت و بسیار نزدیک، قابل حل و فصل است. در این بخش، به بررسی عوامل اختلاف در خانواده و سپس به ارائه راه‌حلهای پیشگیرانه و برطرف کننده برخی اختلافات می‌پردازیم.

۱. کارلسون، ج. خانواده درمانی، ص ۲۲.

۲. روزن بام، خانواده به منزله...، ص ۹۵.

۱. عوامل مؤثر بر تعارضها و اختلافهای خانوادگی

در بررسی عوامل مشکلات خانوادگی که گاه خانواده‌ها را به فروپاشی کامل می‌کشاند، به مواردی متعدد برمی‌خوریم که در گستره‌ای از مسائل روانی، اجتماعی، فرهنگی، دینی، اقتصادی و جسمانی جای می‌گیرند. اینک با اذعان به تفاوت میزان نقش این عوامل در اختلافات خانوادگی، به بررسی اجمالی آنها می‌پردازیم.

۱-۱. **عوامل روان‌شناختی:** از عوامل مؤثر در اختلافات خانواده، مسائل شناختی و هوش زوجین است. نقص در رشد و تحول اجتماعی و عقلانی و به عبارتی دیگر، عدم پختگی، موجب رفتارهای نسنجیده و نامناسب با شرایط مختلف می‌شود. افزون بر این، واکنش مناسب به رفتارهای دیگران نیز نیازمند تحول یافتگی مناسب است. همین مسئله زمینه اختلاف زن و شوهر را فراهم می‌کند. در بسیاری موارد، افراد آگاهی کافی از وظایف و حقوق متقابل ندارند و به همین جهت، گاه در انجام وظایف و رعایت حقوق دیگران ناموفق‌اند. کم سن و سالی زن و مرد از عوامل دیگر این امر است، به گونه‌ای که پس از مدتی با فروکش کردن نسبی هیجان جنسی نبود رشد کافی یا بروز رفتارهای ناسازگارانه روشن می‌شود. این مشکل در جامعه ما نیز دیده می‌شود^۱. پژوهشی نشان داد که سن ازدواج در زنان در شرف طلاق در مقایسه با افراد دیگر، به طور معناداری کم‌تر است^۲. تفاوت زیاد در بهره‌های هوشی زن و مرد نیز زمینه‌ای برای اختلاف آنهاست. از آن‌جا که هوش در انجام رفتار سازگار بسیار مؤثر است، فاصله زن و شوهر در آن به فاصله در رفتارها می‌انجامد. افزون بر این، درک متقابل نیز در صورت تفاوت هوشی زیاد دشوار می‌شود و افراد در ابراز واکنش مناسب، دچار تعارض خواهند شد^۳.

برخی اختلافات زن و مرد به چگونگی روابط کلامی و غیرکلامی آنها باز می‌گردد. عواملی در تعامل زن و مرد مانند سایر تعاملهای اجتماعی اخلال ایجاد می‌کند. بسیاری از افراد تصور می‌کنند دیگران از مقاصد و مسائل آنان آگاهی دارند و همین امر موجب می‌شود در روابط کلامی به بیان همه نکات پرداخته، با کنایه و استعاره سخن گویند. استفاده از واژه‌های مبهمی مانند «این»، «آن» و «چیز» نیز مانعی برای تفاهم است. افراد گاه در مقام توضیح و بیان مسائل، از واژه‌هایی که در بردارنده معنای دآوری و قضاوت است، استفاده می‌کنند و همین امر موجب می‌شود ناخواسته به دآوری روی آورند. نکته

۱. فرجاد، محمد حسین، آسیب‌شناسی اجتماعی سبزه‌های خانواده و طلاق، ص ۱۵۴.

۲. میر احمدی‌زاده، علیرضا، «رضامندی زناشویی»، اندیشه و رفتار، ش ۳۲، ص ۶۰.

۳. عسکری، حسین، نقش بهداشت روان در ازدواج، ص ۲۶۰.

دیگر آنکه برخی افراد برای بیان قدرشناسی، کم‌تر از الفاظ استفاده می‌کنند، در حالی که در انتقاد و ایراد گرفتن، صراحت بیشتری دارند و کم‌رویی نشان نمی‌دهند.^۱ ارتباط دوسطحی نیز که بیشتر به آن اشاره شد، عامل مهمی در اختلاف خانواده هاست. در متون اسلامی به اثر مخرب جدال یا بگومگو در روابط انسانی اشاره شده است؛ از جمله این که گذر زندگی را دشوار می‌کند،^۲ روابط عاطفی بین افراد را تضعیف می‌نماید^۳ و به روابط دورویانه می‌کشاند،^۴ نوعی برتری‌جویی^۵ و کینه‌ورزی^۶ به دنبال دارد، از حرمت و احترام فرد می‌کاهد،^۷ و در مجموع افراد را به قطع روابط می‌کشاند.^۸ از آن‌جا که در بگومگوها به ویژه بین زن و شوهر، افراد بیشتر به دنبال برتری‌جویی هستند و غالباً ناهشیارانه از رفتار مناسب سرباز می‌زنند، حتی در موردی که فرد احساس می‌کند بر حق است، توصیه می‌شود از جدال خودداری کند.^۹

در روابط غیرکلامی، خودبرتری یا تکبر عاملی برای اختلاف است. تکبر معمولاً در وضعیت بدنی فرد بروز می‌کند. به نظر می‌رسد خودمحوری و عدم‌پذیرش ویژگی‌های فردی دیگران، مانع مهمی برای تفاهم و همکاری در زندگی خانوادگی است. عدم شناسایی فردیت و تلاشهای بیهوده در جهت یکسان‌سازی آمرانه فضای خانواده هزینه‌های عاطفی سنگینی را بر اعضای آن تحمیل می‌کند که خود بیگانگی اعضا کم‌ترین و فروپاشی خانواده بزرگ‌ترین پیامد رفتار و نگرش فوق است؛ از این رو، در متون اسلامی در مورد تکبر و خودمحوری نکوهشهایی وارد شده^{۱۰} و حتی گفته شده است که اگر ذره‌ای تکبر در وجود فرد باشد، وارد بهشت نمی‌شود.^{۱۱}

در روابط عاطفی، عدم توجه به نیازهای یکدیگر به نارضایی در زندگی و اختلاف می‌انجامد. گاه روابط عاطفی اعضای خانواده با افراد بیرون خانواده قوی‌تر و با خود

۱. سنن، آدم‌سازی در روان‌شناسی خانواده، ص ۹۰-۶۹.

۲. «لم یضیح لیلہ» نهج البلاغه، حکمت ۳۱.

۳. آمدی، غررالحکم، ج ۱۰۵۲۳، کلینی، کافی، ج ۲، ص ۳۰۰، ح ۱.

۴. «ایاکم والمراء والخصومة فانهما یمرضان القلوب علی الاخوان و ینبت علیهما» کلینی، کافی، ج ۲، ص ۳۰۰.

۵. محمدی ری‌شهری، میزان الحکمة، ج ۱۱، ص ۵۵۳۸.

۶. آمدی، غررالحکم، ص ۵۵۲۴.

۷. «من ظنَّ بعرضه فلیدع المراء» نهج البلاغه، حکمت ۳۶۲.

۸. محمدی ری‌شهری، میزان الحکمة، ج ۱۱، ص ۵۵۳۸.

۹. «ان یتوک المراء وان کان محققاً همان، ص ۵۵۴۰.

۱۰. نهج البلاغه، خطبه ۱۱۹۲؛ محمدی ری‌شهری، میزان الحکمة، ج ۱۱، ص ۵۰۷۶.

۱۱. «لا یدخل الجنة من فی قلبه مثقال ذرة من کبر» کلینی، کافی، ج ۲، ص ۳۰۹.

اعضای خانواده سرد و منفی است. چنین خانواده‌ای با مشکلات جدی عاطفی روبه‌رو است و اعضا، خانواده را محیط مناسبی برای ارضای نیازهای عاطفی خود نمی‌بینند در روابط عاطفی بی‌اعتنایی، نفرت، وابستگی، حسادت و خودخواهی موجب کشمکشها در خانواده است.^۱

عدم ارضای نیازهای جنسی، عامل دیگری برای اختلاف زن و شوهر است. عدم توجه به نیازهای جنسی یکدیگر که به ناتوانی، بی‌میلی یا سردمزاجی فرد مربوط می‌شود، با لطمه به روابط زن و شوهر، افراد را دچار عصبانیت و دل‌سردی نسبت به همسر و زندگی می‌کند و به تدریج موجب بروز رفتارهای پرخاشگرانه و در نهایت افسردگی می‌شود. مشکل‌ترین وضعیت برای افرادی است که همسرشان دچار سردمزاجی، بی‌میلی جنسی یا نوعی اختلال جنسی است. این افراد به دلیل ممنوعیتها و شرایط اجتماعی، اقتصادی و خانوادگی، وابستگی به فرزندان و نگرانی نسبت به آینده، به ناچار شرایط را با فشار تحمل می‌کنند. گاه ایرادگیری از هم، نارضایتی از زندگی، قهرهای طولانی مدت، کوییدن یکدیگر، تهدید به جدایی، ابراز خستگی و تمارض، از عوارض برآورده نشدن نیازهای جنسی زن و شوهر است.^۲ ارضای نیازهای جنسی در خارج از محدوده خانواده نیز عاملی مهم در بروز اختلافهای زن و شوهر است که در جامعه ما نیز دیده می‌شود. پژوهشی در کشور نشان داد که در میان زوجین متقاضی طلاق، ۱۱٪ عدم تمکین و ۲٪ سردمزاجی یا ناتوانی جنسی را عامل درخواست طلاق اعلام کرده‌اند.^۳ در متون اسلامی نیز بر اهمیت روابط جنسی در نظام خانواده و تأثیر کوتاهی هریک از زوجین و رفتارهای جنسی خارج از محدوده خانواده بر اختلافها^۴ تأکید شده است. عدم آمادگی مرد و رفتار نامناسب او در این زمینه،^۵ مشغولیت ذهنی و رفتاری به دیگران^۶ و عدم توجه به نیازهای مناسب زن؛^۷ همچنین رفتارهای خلاف شرع زن در حد جزئی یا بیشتر در گفتار و حرکات که بار جنسی دارد، به روابط جنسی مناسب و مطلوب زن و شوهر آسیب رسانیده، زمینه را برای مشکلات و فروپاشی خانواده فراهم می‌آورد.^۸

۱. قائمی، نظام حیات خانواده در اسلام، ص ۲۹۴. ۲. عسکری، نقش بهداشت روان در ازدواج، ص ۲۴۴.
 ۳. فرجاد، آسیب‌شناسی اجتماعی ستیزه‌های خانواده و طلاق، ص ۲۰۸.
 ۴. حرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۸، ص ۱۸۳ و ۱۲۹. ۵. همان، ج ۱۴، ص ۱۸۳.
 ۶. همان.
 ۷. همان، ص ۸۳ و ۱۰۰.
 ۸. این موضوع در بحث «مرزها در خانواده»، بررسی شد.

۲-۱. عوامل اجتماعی و فرهنگی: هر خانواده فرهنگ ویژه‌ای دارد که به اموری مانند نگرش خصوصی خانواده در رفتارها، سنتها و شیوه روابط با دیگران، مربوط می‌شود.^۱ زن و شوهر در دو خانواده جدا رشد یافته‌اند که تفاوت‌های فرهنگی، علاقه‌ها و سلیقه‌های گوناگون دارند؛ در نتیجه در روند سازگاری زوجین باید برخی ویژگی‌ها و سلیقه‌ها را پذیرفت و برخی را کنار گذاشت. عدم توجه به این امر، اختلاف و ناسازگاری را در پی دارد. نوع تربیت هر خانواده نیز متفاوت است، به گونه‌ای که شوخی‌ها و سایر رفتارهای احتمالاً آزاردهنده در هر خانواده در محدوده خاصی که با خانواده دیگری متفاوت است، تربیت یا مهار می‌شود و همین نکته می‌تواند موجب اختلاف گردد.^۲

عامل دیگری که در اختلافات خانواده نقشی مهم دارد و با فرهنگ ویژه خانواده‌های اصلی زن و شوهر بی‌ارتباط نیست، دخالت‌های دیگران در تصمیم‌ها و امور زندگی خانواده جدید است. ۲۷٪ از متقاضیان طلاق در ایران، دخالت بی‌جای خویشاوندان و آشنایان را علت تقاضای جدایی دانسته‌اند؛^۳ این عامل از نظر فراوانی در رتبه دوم عوامل مؤثر در طلاق قرار دارد. و چنان که در بحث روابط خویشاوندی بیان شد، از آسیب‌های روابط خویشاوندی به شمار می‌رود. البته این روابط می‌تواند حمایت اجتماعی و عاطفی مناسبی را برای افراد، به ویژه خانواده‌های نوپا، فراهم کند.

زندگی شهری و توسعه صنعت نیز زمینه‌ای برای اختلافات در خانواده است و تفاوت این نوع زندگی با زندگی‌های پیشین را به راحتی می‌توان در سرنوشت ازدواج‌ها، ملاحظه کرد.^۴ گسترش روابط اجتماعی، دور شدن از خانواده‌های اصلی و حمایت آنها، مشکلات خانواده هسته‌ای و تفاوت‌های فرهنگی بین زن و مرد، زمینه مناسب برای تحصیلات زنان، و موارد دیگر، از آثار توسعه‌های صنعتی جوامع کنونی است. همه این امور می‌تواند زمینه‌ای برای اختلافات در خانواده باشد. اختلاف بسیار در تحصیلات، انتظارات متفاوت را موجب می‌شود و همین امر درک متقابل را دشوارتر می‌سازد.

از ویژگی‌های زندگی صنعتی و پیشرفته کنونی، تأثیر بسیار شدید و عمیق محیط اجتماعی بر خانواده‌هاست. امروزه خانواده‌ها با گستره وسیعی از افراد با ویژگی‌های گوناگون که گاه مرضی و مضر است، تعامل دارند. افراد در معاشرت با دیگران، خواه

۱. عسکری، نقش بهداشت روان در ازدواج، ص ۱۹۶ و ۲۶۱.

۲. همان، ص ۲۶۲-۲۶۳.

۳. فرجاد، آسیب‌شناسی اجتماعی...، ص ۲۰۸.

۴. کی‌نیا، عوامل اجتماعی طلاق، ص ۱۷۷.

ناخواه و هشیارانه یا به‌طور ناهشیار، ویژگی‌های شناختی و عاطفی و رفتاری دیگران را در خود جای داده^۱ و با آنها همانندسازی می‌کنند. اعضای خانواده‌ها به ویژه زن و شوهر ممکن است در اثر معاشرتهای مختلف، شیوه‌هایی را در پیش می‌گیرند که زمینه‌ای برای اختلاف درون خانواده است. در تعالیم اسلامی نیز نوع معاشرت و تأثیر عمیق آن مورد توجه قرار گرفته است؛^۲ برای نمونه، معاشرت با افراد نادان و کم‌خرد^۳، بزهکاران و افراد دارای رفتارهای نامناسب نهی^۴ شده است.

بخشی از تأثیر محیط که بیش از روابط اجتماعی و معاشرتها، بر خانواده تأثیر دارد، رسانه‌های جمعی به ویژه رادیو و تلویزیون است. اکنون گرد هم آمدن شبانه خانواده، صرف غذا و حتی گفتگوی اعضای خانواده، در ضمن تماشای تلویزیون صورت می‌گیرد. ارتباطات در خانواده‌ها معمولاً با توجه به تلویزیون، بریده و منقطع می‌شود. البته خانواده‌های کم درآمد و کم سواد از تلویزیون بیشتر استفاده می‌کنند، در حالی که دیگران با ورزش، مسافرت، مطالعه کتاب، و امور دیگر اوقات فراغت خود را صرف می‌کنند.^۵ در حال حاضر در خانواده‌ها، بسیاری از فرصت‌های تعامل با یکدیگر صرف تماشای تلویزیون می‌شود. صرف نظر از آثار مثبت تلویزیون، از جمله آثار تربیتی، تنویر افکار عمومی، آموزش، هدایت و کمک به افراد و حتی ایجاد وحدت در خانواده با جمع کردن افراد در خانه^۶، نباید از آثار منفی آن غفلت کرد. زندگی خانوادگی نمایش داده شده در تلویزیون ایران، با ستهای خانوادگی متفاوت است، و این مسئله در رابطه زن و شوهر، والدین و فرزندان، نوع خانواده هسته‌ای، نقشها در خانواده، مسئولیت مادری، و رابطه میان خواهران و برادران به راحتی قابل مشاهده است.^۷ این امور زمینه مناسبی را برای بروز تعارض در خانواده فراهم می‌کند و از این رو، باید نقش تلویزیون را در کشمکشهای خانوادگی جدی گرفت.

۳- ۱. عوامل اقتصادی: بخش مهمی از اختلافات خانوادگی به مسائل اقتصادی باز

۱. «الاصدقاء نفس واحدة فی جوم متفرقة» آمدی، غرالمحکم، ح ۲۰۵۹.
۲. محمدی ری شهری، منتخب میزان الحکمة، ص ۱۰۱ (مجالست)، و ص ۲۹۰ (صدیق) و ص ۳۴۸ (معاشرت).
۳. «ایناک و مصادقة الاحق فانه یبرید ان ینفک فیضوک» مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱۹۸.
۴. آمدی، غرالمحکم، ح ۲۶۰۱.
۵. اعزازی، شهلا، خانواده و تلویزیون، ص ۵۴.
۶. وهابی، زهرا، نقش تلویزیون در بزهکاری اطفال و نوجوانان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی نراق، ص ۹۳.
۷. اعزازی، خانواده و تلویزیون، ص ۹۶-۱۴.

می‌گردد. تحقیقی در ایران نشان داد از میان متقاضیان طلاق، ۱۲٪ علت درخواست طلاق را مشکل امرار معاش، ۴٪ بی‌کاری و ۱۱٪ ندادن نفقه اعلام کرده‌اند. افزون بر این، ۶/۴۹٪ اعلام کرده‌اند میزان حقوق آنان در زمان طلاق کفاف زندگی‌شان را نمی‌داده است.^۱ فقر و بیکاری، به ویژه مرد را تحت فشار قرار می‌دهد و عاملی برای تعارضها به شمار می‌رود. در متون اسلامی نیز به تأثیر این مشکل به فشارهای خانوادگی،^۲ و آثار ناخوشایند آن در زندگی دنیا و آخرت اشاره شده است^۳ همچنین ممکن است توقعات مادی زیاد در خانواده، موجب تعارض و اختلاف شود. مرد اگر توان برآوردن خواسته‌های روزافزون اعضای خانواده را نداشته باشد، باتندی به آنها واکنش نشان می‌دهد و زمینه رفتارهای ناسازگارانه را فراهم می‌کند، و یا حالت تسلیم و درماندگی را پذیرفته، سررشته را از کف می‌دهد و در هر صورت، نظام خانواده با مشکلات و اختلافات جدی روبه‌رو خواهد شد. از سوی دیگر، تجمل‌طلبی و غوطه‌ور شدن در مواهب مادی و احساس بی‌نیازی مستانه نیز به رفتارهای برتری‌طلبانه^۴ و ناسازگاری می‌انجامد. گاه رسیدن ناگهانی یک خانواده به ثروت نیز به عاملی برای خودفراموشی و سرکشی و اختلاف تبدیل می‌شود. توجه زیاد به تجملات و ظواهر زندگی، زمینه‌ای برای دور شدن از روابط انسانی مناسب فراهم کرده^۵ و افراد را به از خودبیگانگی گرفتار می‌کند. در این حالت، ارزشهای اخلاقی و دینی جای خود را به امتیازهای مادی و تجملی می‌دهند. از آن‌جا که انسان در این موارد سیری ناپذیر است،^۶ هیچ‌گاه از زندگی و تعامل با دیگران رضایت نخواهد داشت^۷؛ سپاس‌گرایی نیز در او کم‌رنگ شده و روابط افراد به سردی و نفرت می‌گراید.^۸ مسائل مربوط به اشتغال مرد و زن نیز ممکن است زمینه برخی اختلافات شود. تصدی برخی مشاغل در فرهنگ ویژه خانواده زن یا مرد، ممکن است نامناسب به نظر آید و موجب کشمکش زن و شوهر گردد. اشتغال زنان در بیرون خانه، با توجه به سنگینی مسؤلیتهای آنان به ویژه در فرهنگ

۱. فرجاد، آسیب‌شناسی اجتماعی...، ص ۲۰۸.

۲. محمدی ری‌شهری، میزان الحکمة، ج ۱۰، ص ۴۶۶۰-۴۶۶۲.

۳. همو، منتخب میزان الحکمة، ص ۴۰۸. ۴. «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ» علق، ج ۶ و ۷.

۵. «المال مادة الشهوات» نهج البلاغه، حکمت ۵۸.

۶. قال رسول الله (ص): «منهومان لا يشبعان: طالب دنیا و طالب علم...» کلینی، کافی، ج ۱، ص ۴۶ و «منهوم

بالمال...» مجلسی، بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۶۸. ۷. همان، کافی، ج ۲، ص ۳۱۶ و ۱۳۸.

۸. «لا يجتمع المال الا بخصال خمس: بخل شديد و امل طويل و حرص غالب و قطيعة الرحم و ايثار الدنيا على

الآخرة» صدوق، الحصال، ص ۲۸۲، ح ۲۹.

ما، ممکن است آنان را از ایفای مسئولیتهای خانوادگی ناتوان کرده و موجبات اختلاف را فراهم آورد. گاه اشتغال زن، زمینه‌ای برای استقلال و جدایی وی از خانواده می‌شود. مسئله مادران مجرد در برخی کشورها، ناشی از همین استقلال‌طلبی است که به نوعی کیان خانواده را به خطر انداخته است. همچنین کار بیش از حد که موجب حضور کم‌تر در محیط خانواده است، به روابط عاطفی مناسب ضربه زده و موجبات اختلاف را فراهم می‌کند.

۴-۱. عوامل جسمانی و بدنی: از عوامل مؤثر بر اختلاف در خانواده، بیماری‌های جسمانی است که سازگاری‌های جدی‌تری را می‌طلبد و ممکن است اعضای خانواده توانایی سازگاری با آنها را نداشته باشند. اختلالات روانی شدید نیز به مرتبه بالاتری از سازگاری نیازمند است. نازایی زن یا مرد ممکن است به سردی فضای عاطفی خانواده بینجامد. فرزندداری در مرد نشانه کمال و در زن نوعی شکوفایی استعداد است.^۱ فرزند نداشتن از مشکلات جدی برخی خانواده‌هاست که گاه حل ناشدنی باقی می‌ماند. ویژگی‌های ظاهری و زیباشناختی نیز مسئله مهمی در خانواده است که ممکن است در اثر عوارض پس از ازدواج مانند معلولیت و بیماری پدید آید. این مشکل بیشتر برای زن و مردهایی بروز می‌کند که بدون توجه به زیبایی‌های ظاهری، به ازدواج اقدام کرده‌اند و پس از مدتی این نکات برای آنها برجسته شده است. ناتوانی جنسی نیز از این موارد است که پیش‌تر به آن اشاره شد. اعتیاد که امری روان‌شناختی و بدنی است، از نظر فراوانی سومین عامل اختلاف و درخواست طلاق در ایران می‌باشد و ۱۸٪ درصد موارد علت درخواست طلاق را تشکیل می‌دهد.^۲ این امر موجب رفتارهای ناهنجار و در نهایت، ناسازگاری می‌شود. با ورود اعتیاد به یک خانواده، پدر که معمولاً اعتیاد از او آغاز می‌شود، برای حفظ رابطه همسری و جلوگیری از فروپاشی خانواده، همسر را نیز به مشارکت در مصرف مواد سوق می‌دهد. البته بررسی‌ها نشان می‌دهد، بسیاری از زنان با بردباری و استواری تا آخرین نفس برای نجات خانواده تلاش می‌کنند. آنان در طول زمان به خاطر وحشت از آبروریزی و پرهیز از رسوایی دم فرو می‌بندند و با شرایط خوی گیرند و مشکلات اقتصادی شدیدی را متحمل می‌شوند. در نهایت نیز گاه زن راه طلاق

۱. در بحث «فرزندان»، به کلمات اولیای دین(ع) در این مورد اشاره شد.

۲. فرجاد، آسیب‌شناسی اجتماعی...، ص ۲۰۸.

یا ناسازگاری را در پیش می‌گیرد، و یا مهره‌ای دست‌آموز و انعطاف‌پذیر می‌شود که ممکن است به رفتارهای نابهنجار دیگری نیز کشیده شود. ارکان خانواده در این وضعیت، به سستی و تزلزل می‌گراید و خانه به محیط ناامن تبدیل می‌شود. در این گونه خانواده‌ها، سرنوشت کودکان به گونه‌ای نامطلوب و خطرناک رقم می‌خورد، زمینه بزهکاری در اثر همانندسازی با والدین در آنان فراهم می‌شود. در شرایط حاد، در صورتی که نتوان خانواده را از این آسیب اجتماعی و فروپاشی باز داشت، نجات کودکان از محیط فاسد خانواده و پیشگیری از زوال اخلاقی و اجتماعی آنها ضروری است.^۱

۵- ۱. عوامل دینی: عدم توجه اعضای خانواده به باورهای دینی و انجام رفتارهای خارج از محدوده مجاز شرعی، زمینه‌ای برای ضربه به روابط عاطفی مثبت اعضای خانواده و بروز اختلافات می‌شود. بخشی از این امر به عدم رعایت موازین شرعی در روابط زن و مرد باز می‌گردد که پیش از این بررسی شد. همه رفتارها، حالات عاطفی و صفاتی که در دین اسلام گناه محسوب می‌شود، به روابط مناسب اعضای خانواده آسیب می‌رساند. در این جا به مواردی که بیشتر بر خانواده اثر دارد، اشاره می‌کنیم.

آزار به والدین و ناخشنود ساختن آنها^۲ گاه موجب فروپاشی ساخت خانواده و واکنش تند و نامتعادل والدین نسبت به فرزندان می‌شود. در وظایف فرزندان، به آثار دنیوی و اخروی این امر اشاره شد. نسبت ناروای بی‌عفتی، به ویژه به زنان پاکدامن، به راحتی می‌تواند روابط عاطفی زن و شوهر را خصمانه و زمینه اختلاف شدید آنها را فراهم کند؛ به همین جهت، در متون اسلامی با تقیب و تهدید شدید^۳ برای جلوگیری افراد از این رفتار تلاش شده است. شراب‌خواری که موجب رفتارهای نابهنجار^۴ و پیامدهای نامطلوب بهداشتی و در نهایت، روانی می‌شود، زمینه اختلاف را فراهم می‌کند. این رفتار که در تعالیم اسلام به شدت مورد نهی قرار گرفته، می‌تواند از دو جهت به خانواده آسیب رساند: در روابط زوجین و تنظیم روابط جنسی اختلال ایجاد کند، موجب خشونت و بدرفتاری با همسر شود، همسر را از نقش همسری و مادری دلسرد کند، و پایگاه اجتماعی زن را تنزل دهد. در روابط با فرزندان نیز ممکن است موجب

۱. کار. مهرانگیر، بجه‌های اعتیاد، ص ۲۴-۲۵ و ۴۵-۴۶.

۲. «وَبَرًّا بِوَالِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا» مریم، ۳۲.

۳. «إِنَّ الَّذِينَ يَزْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْفَاحِشَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لَعُنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» نور، ۲۳.

۴. مانده، ۹۰.

رفتارهای نابهنجاری مانند زنا با محارم شود، زمینه پرورش نسل معیوب و بیمار را فراهم کند، مراقبت از کودکان و فرآیند جامعه‌پذیری آنان را مختل نماید، پایگاه اجتماعی فرزندان را تنزل دهد و در نهایت، امنیت اقتصادی خانواده را سست گرداند.^۱ ترک وظایف دینی، به ویژه نماز، خواه ناخواه بر زندگی فرد آثار ناخوشایند بر جای می‌گذارد. غیبت کردن، ظاهر نمودن نقصهای فرد در غیاب او است که با عیب‌جویی و محاکمه غیابی، حرمت فرد شکسته می‌شود و به روابط بین فردی آسیب می‌رساند. قرآن این رفتار را به خوردن گوشت برادر مرده تشبیه کرده^۲ تا نفرت افراد را نسبت به آن برانگیزاند. این رفتار در خانواده نیز اختلاف به وجود می‌آورد؛ زیرا انتقاد فقط با صراحت، بدون کنایه و در حضور فرد و بدون قصد تحقیر و توهین مناسب است. سخن‌چینی که در آن گفتار افراد به واسطه نفر سومی به هم منتقل می‌شود،^۳ می‌تواند اختلاف بین دو نفر را تشدید^۴ کند. گاه افراد در غیاب دیگران سخنانی در باره آنان بیان می‌کنند که در حضور آنها هیچ‌گاه ابراز نمی‌کنند. نفر سومی که این سخنان را به طور مرتب به آنان انتقال می‌دهد، شعله اختلاف را افروخته‌تر می‌کند؛^۵ از این رو سخن‌چینی^۶ در متون اسلامی بسیار مذمت شده است.

از دیگر رفتارهای مخلّ به روابط مناسب در خانواده، آوازه‌خوانی و سرگرمی‌های نامشروع است،^۷ آوازه‌خوانی حرام مطالبی نامناسب را شامل می‌شود و به رفتارهای نامشروع اشاره دارد و لحن و آهنگ صدا نیز متناسب با چنین رفتارهایی است.^۸ گاه با شنیدن این نوع آواز، فرد از جهت عاطفی و شناختی به حالتی دچار می‌شود که زمینه بروز رفتارهای نابهنجار از جمله روابط جنسی نامشروع در او فراهم می‌شود.^۹ بدیهی است شنیدن این امور، فرد را به این رفتارها متمایل می‌کند. مسؤلیتها و وظایف مهم نیز

۱. ضمیری. محمدرضا، «مشروب‌خواری، جرمی علیه زنان و خانواده»، کتاب زنان، ش ۲۰، ص ۲۰۳.
۲. حجرات، ۱۲.
۳. محمدی ری‌شهری، میزان‌الحکمة، ج ۱۳، ص ۶۴۷۶.
۴. «النیمة القالة بین الناس» متقی هندی، کنز العمال، ج ۸۳۴۸.
۵. «تورث الضغائن، تزوع الشحاء فی قلوب الرجال» درآمدی، غرر‌الحکم، ج ۲۶۶۳؛ مجلسی، بحار‌الانوار، ج ۷۱، ص ۲۹۳.
۶. «هتاز مشاء بنمیم» قلم، ۱۱؛ کلینی، اصول کافی، ج ۴، ص ۷۵.
۷. برای حرمت این رفتار دلایلی از قرآن و کلمات معصومین وارد شده است؛ از جمله: حج، ۳۰؛ لقمان، ۶؛ مجلسی، بحار‌الانوار، ج ۷۹، ص ۲۴۱-۲۵۲؛ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۸۰، ح ۱۷۷.
۸. انصاری، مرتضی، مکاسب، بحث غنا، ص ۱۰۳-۱۱۳.
۹. «الغناء عَشُّ النفاق» و «الغناء رقیةُ الزنا»، محمدی ری‌شهری، میزان‌الحکمة، ص ۴۴۲۰.

ممکن است در اثر شنیدن چنین آوازهایی مورد غفلت قرار گیرد و زمینه‌ای برای اختلاف در خانواده فراهم شود.^۱ یکی از سرگرمی‌های حرام، قمار است^۲ که افزون بر آسیب اقتصادی، به عزت نفس افراد خدشه وارد می‌کند؛ زیرا گاه آبروی خود و خانواده خویش را در این جهت فدا می‌کنند.^۳

برخی سرگرمی‌هایی که حرام نیستند نیز ممکن است در شرایطی موجب اختلاف در خانواده شود. گاه افراد با زیاده‌روی در این امر، نسبت به مسؤولیتهای خانوادگی کوتاهی نموده و زمینه اختلال در روابط مناسب را فراهم می‌آورند. همچنین سرگرمی ممکن است در تصمیمات مهم اختلال ایجاد کند،^۴ و گاه افراد را به دشمنی و درگیری بکشاند^۵ و باورهای دینی آنها را متزلزل کند.^۶ سرگرمی زیاد، افراد را از رفتار مناسب و معقول باز می‌دارد^۷ و موفقیت و نیل به اهداف را دشوار می‌سازد.^۸ البته اصل سرگرمی به ویژه با همراهی خانواده امری مطلوب است و آموزه‌های اسلام بر آن تأکید دارد.^۹ توصیه مهم، دوری از زیاده‌روی در سرگرمی است تا افراد از انجام مسؤولیتهای خود باز نمانند.

یکی از عوامل مهم اختلاف در خانواده‌ها، استفاده از روشهای غیر موجه و نامتعارف برای برقراری روابط مناسب بین اعضای خانواده به ویژه بین زن و شوهر است. در متون اسلامی به مواردی اشاره شده که برای ایجاد روابط عاطفی مثبت یا برای اختلاف افکنی از روشهایی مانند جادوگری استفاده شده است.^{۱۰} فال گرفتن که یکی از این موارد است، در عصر حاضر نیز شیوع دارد، و گاه به عنوان وسیله‌ای برای ایجاد روابط مثبت یا حل

۱. «ثلاث یقین القلب: استماع اللہ...» مجلسی. بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۲۵۲؛ «من اشتغل بما لایعنیه فاته ما یعنیه» آمدی، غرر الحکم، ص ۴۷۷؛ «لم یعقل من وله باللعب و استهتر باللهو و الطرب» همان، ص ۶۴.
۲. بقره. ۲۱۹.
۳. کلینی. کافی، ج ۵، ص ۱۲۲، ح ۱ و ص ۱۲۳، ح ۶.
۴. «اللہو یفسد عزائم الجد» آمدی. غرر الحکم، ص ۲۱۶۵.
۵. «أول اللہو لعب و آخره حرب» همان، ح ۳۱۳۲.
۶. «مجالس اللہو تفسد الایمان» همان، ح ۹۸۱۵ و «المؤمن لا یلہو حتی یغفل» محمدی ری شهری، میزان الحکمة، ص ۵۳۵۸.
۷. «من کثر لہوہ استحق» آمدی، غرر الحکم، ح ۷۹۶۹، «ابعد الناس عن الصلاح المستهتر باللہو» همان، ص ۴۶۰.
۸. «ابعد الناس من التجاج المستهتر باللہو و المزاح» همان، ص ۳۳۳.
۹. «لہو المؤمن فی ثلاثة اشیاء... و مفاکهة الاخوان...» بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۵۹؛ «ملاعبة امراته...» کلینی، کافی، ج ۵، ص ۵۰؛ «الہوا و العیوان فانی اکره ان یری فی دینکم غلظة» محمدی ری شهری، میزان الحکمة، ص ۵۳۶۰.
۱۰. بقره. ۱۰۲، و حدیث رسول اکرم (ص) که زنی را به دلیل سحر کردن شوهرش برای جلب محبت بیشتر او، به شدت سرزنش کرد (کلینی. کافی، ج ۲، ص ۶۰).

مشکلات و اختلافات خانوادگی به کار می‌رود.^۱ معمولاً در فال‌گیری‌ها و روشهای ناموجه که از دیدگاه دین و علم نادرست است، به افراد توصیه‌هایی می‌شود یا برای آنها ذهنیتهایی ایجاد می‌گردد که در اثر عمل به آنها، زمینه‌ای برای رفتارهای نابهنجار و تشدید کننده اختلاف فراهم می‌آید.^۲ تفاوت مراتب ایمانی و برداشتها از دین نیز به تعارضهایی در خانواده می‌انجامد. گاه در ابتدا زن و شوهر شناخت کافی نسبت به هم ندارند و پس از مدتی با درک تفاوت‌های عقیدتی و به تبع آن رفتاری، به توافق و سازگاری نمی‌رسند و هر روز به کشمکش بیشتری می‌پردازند. پژوهشی در شهر کرمان نشان می‌دهد تفاوت در باورهای دینی از عوامل مؤثر در گسست پیوند زناشویی است.^۳

۲. راههای پیشگیری از اختلافهای خانوادگی در آموزه‌های اسلام

همه عوامل مؤثر در اختلاف خانواده‌ها که به آنها اشاره شد، می‌تواند نخست به ناسازگاری، سپس به برداشت منفی اعضای خانواده به ویژه زن و شوهر، و پس از آن به تعارض در روابط کلامی، و غیر کلامی، و در مرحله بعد به تشدید و تعمیق اختلاف و گاه طولانی شدن آن، و در نهایت به جدایی عاطفی و قانونی زن و شوهر، بینجامد. البته این امور صرفاً زمینه اختلاف را فراهم می‌کند و اغلب خانواده‌ها با وجود این مشکلات دچار فروپاشی نمی‌شوند. توجه و عمل به راههای پیشگیرانه که در این بخش بررسی می‌شود، می‌تواند مانع اختلاف شود، یا در مراحل اولیه و قبل از تشدید، آن را مرتفع سازد. برخی از این راهها در بخشهای دیگر با تفصیل بیشتری بررسی شد و در این جا بیشتر به تأثیر آنها در حل اختلافها اشاره می‌شود.

۱- ۲. توجه به گزینش همسر مناسب: وظیفه مهم دختر و پسر در آستانه ازدواج، شناخت شرایط لازم برای همسر و تطبیق آن بر فرد مورد نظر است. انجام این وظیفه، بسیاری از اختلافهای بعدی را پیشگیری می‌کند. تأکید بر همسان همسری یا کفو بودن در تعالیم اسلام، می‌تواند اختلافهای ناشی از تفاوت در بهره هوشی و امور فرهنگی از جمله تفاوت و اختلاف در باورهای دینی و حتی مراتب ایمانی را پیشگیری کند. اساس ناسازگاری دو همسر به تفاوت آنها در احساسات، شناختها و رفتارها باز می‌گردد. هرچه

۱. حسینی، ک، «نگاهی به پدیده فال و...»، مجله ایران دخت، ش ۱۱، به این نکته اشاره دارد.

۲. سالاری قاینی، محمد، سحر و جادوگری «تأثیر فال و جادوگری در اختلافات خانوادگی»، ص ۱۰۰.

۳. بنی اسدی، حسن، بررسی عوامل مؤثر اجتماعی - فردی در زوجهای سازگار و ناسازگار در شهر کرمان، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس، چکیده.

افراد در این زمینه‌ها مشابه باشند، اختلافات کم‌تری بروز می‌کند. برخی اختلافها به رفتارهای نابهنجار ناشی از بدخلقی و صفات نامناسب و رفتارهایی مانند شراب‌خواری و قماربازی مربوط می‌شود. بروز این رفتارها معمولاً هنگام ازدواج در افراد تا حدی آشکار است، یا دست‌کم نشانه‌هایی از آنها در فرد وجود دارد و با توجه به آسیبهایی شدید آنها به افراد و خانواده، تعالیم اسلام نسبت به گزینش چنین همسرانی هشدارهایی جدی دارد. رفتارهای جنسی خارج از محدوده مجاز نیز این چنین است و در صورت بروز، باید گزینش چنین افرادی با تأمل بیشتری باشد. این جمله در قرآن که "پاکها به پاکان تعلق دارند"^۱، در واقع نوعی بینش دادن به افراد در انتخاب همسر است. همچنین برخی مشکلات ناشی از امور اقتصادی مانند نوع اشتغال و سطح درآمد، هنگام گزینش افراد تا حدی قابل پیش‌بینی است. بدیهی است اقدام به ازدواج با چنین افرادی در صورتی که با آگاهی و بینش صورت گیرد، زمینه مساعدتری برای حل مشکلات و اختلافات فراهم خواهد کرد.

۲ - ۲. آموزش زوجین: بسیاری از مشکلات خانواده‌ها، ناشی از عدم شناخت وظایف، راههای برقراری رابطه و روش حل مسائل است. یکی از راهبردهای مهم حل مسائل خانوادگی، رویکرد روان‌شناختی - آموزشی است که شامل مراحل ذیل است:^۲

الف - روشن شدن اهداف و ارزشها که در این قسمت، مقاصد هر یک از زوجین و انتظارات آنها برای یکدیگر بیان شده و زمینه تعدیل آنها فراهم می‌شود. در این جا، توجه به ارزشهای فرهنگی و دینی یکدیگر دارای اهمیت است.

ب - آموزش ارتباط و تبادل نظر در صورتی که نارسایی زوجین در مهارتهای ارتباطی روشن شده باشد. مهارتهایی مانند گوش دادن، روشن ساختن مفهوم من یا هویت فردی، بازخورد، درخواست کردن و ابراز وجود، و جنبه‌های مثبت ارتباط کلامی باید به آنها آموخته شود.

ج - آموزش مهارتهای مذاکره و قرارداد بستن که در این قسمت، «اصل انصاف و روابط برابر و رضایت‌بخش زوجین» مورد توجه قرار می‌گیرد.

د - فنون تنظیم وقت به ویژه برای خانواده‌هایی که زن و مرد هر دو شاغل‌اند، بسیار ضروری است. تعیین اولویتهای برنامه‌ریزی امور خانواده و شغل و در نهایت،

۱. «الطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ» نور، ۲۶. ۲. کارلسون، خانواده درمانی، ص ۲۶۳.

تصمیم‌گیری‌های واقع‌بینانه با این فنون تأمین می‌شود.

ه- فنون کنترل فشار روانی که خواه‌ناخواه در همه خانواده‌ها و برای همه افراد بروز می‌نماید، به افراد کمک می‌کند که با فشار کم‌تری زندگی کنند؛ برای نمونه، در مشکلات اقتصادی و زندگی شهری پر اضطراب، باید به افراد شیوه‌های مقابله مانند تن‌آرمیدگی عضلانی، کنترل تنفس، ورزش، تغذیه مناسب و سرگرمی‌ها را آموخت.

۳-۲. آموزش دینی: آموزش نقش اعتقادات دینی در امور زندگی و حل مشکلات و اختلافات، برای پیشگیری از برخی اختلافات دارای اهمیت است. شناخت وظایف و حقوق متقابل اعضای خانواده بر اساس تعالیم اسلام، برای عمل به آنها ضروری است. راهکارهایی که در فصل چهارم بررسی شد، می‌تواند مانع بروز بسیاری از مشکلاتی شود که از پایبند نبودن به ارزشهای اخلاقی ناشی می‌گردد. گاه شروع اختلاف و اغلب تشدید آن به پرخاشگری در گفتار و رفتار مربوط می‌شود. ضرب و شتم اعضای خانواده به‌ویژه زنان، هنوز در کشورهای پیشرفته هم آمار بالایی دارد. در فرانسه، زنان ۹۵ درصد قربانیان خشونت‌های گزارش شده را تشکیل می‌دهند که از این میان، ۵۱ درصد آنها مورد تعدی شوهران خود قرار گرفته‌اند. در آمریکا تخمین زده شده است که سالانه دو میلیون زن به دست شریک زندگی خود کتک می‌خورند و تقریباً نیمی از آنها نیاز به مداوای پزشکی دارند.^۱ مهار رفتار و گفتار می‌تواند مانع بسیاری از این گونه نابهنجاری‌ها باشد. در صورتی که اعضای خانواده به‌ویژه زوجین در مهار کلامی و رفتاری به هم کمک کنند، مشکل زودتر حل می‌شود، برای نمونه، اگر مشاجره برخاست، یکی از آنها سکوت در پیش گیرد و دیگری را به آرامش و مهار خویش توصیه کند. در این باره، کلمات اولیای دین (ع) می‌تواند تا حدی مهارکننده باشد؛ برای مثال، گفته شده است اگر فرد خشمناکی قادر بر رفتار پرخاشگرانه باشد، ولی خود را مهار کند و خشم خویش را فرو نشاند، خداوند در قیامت، قلب او را از آرامش و ایمان سرشار خواهد کرد.^۲ همچنین برای مهار خشم توصیه شده است که فرد وضعیت بدنی خود را تغییر دهد؛ مثلاً اگر ایستاده، بنشیند و اگر نشسته، به حالت خوابیده قرار گیرد. تماس آرام بدنی با فردی که مورد خشم قرار گرفته، از مهارکننده‌های بسیار مؤثر پرخاشگری در محیط خانواده است.^۳

۱. ماراسومی، رادمیکاکو. «حقوق بشر و خشونت علیه زنان» مجله فرزانه، ش ۸، ص ۷۹.

۲. «من کظم غیظاً و هو یقدر علی امضائه حسی الله قلبه اماناً و ایماناً یوم القیامة»، مجلسی، بحارالانوار، ج ۷.

۳. همان، ج ۷۲، ص ۲۶۴؛ نراقی، معراج‌السعادة، ص ۱۶۹.

آموزش عقاید و رفتارهای دینی، در پیشگیری از اعتیاد نیز می‌تواند مؤثر باشد. تحقیقات متعدد نشان می‌دهد تربیت دینی، پایبندی به اصول دینی و گرایش به شرکت در مراسم و آیین‌های دینی، با مصرف مواد مخدر ارتباط منفی دارد. ژان بوژه می‌گوید: باید این واقعیت آشکار را بپذیریم که مصرف مواد مخدر از زمانی اوج گرفت که نگرشهای دینی از ذهنها تحلیل رفت؛ بنابراین، آموزش و تربیت دینی می‌تواند در پیشگیری از اعتیاد و بر طرف کردن آن نقش مؤثری داشته باشد.^۱

۴-۲. رعایت حدود و مرزها در خانواده: بخشی از مشکلات خانواده‌ها از بی توجهی نسبت به رعایت حدود و مرزهایی ناشی می‌شود که رعایت آنها برای سلامت روابط اعضای خانواده و رفتار مناسب آنها، ضروری است. این حدود در فصل سوم بررسی گردید. از مهم‌ترین عوامل مؤثر در روابط عاطفی رضایت‌بخش بین زن و شوهر، رعایت حدود روابط زن و مرد نامحرم است. مهارت‌های چشمی و روابط کلامی بین زن و مرد نامحرم در محدوده عرفی لازم، و دوری از نگاهها و روابط کلامی معنادار که حتی بار جنسی کمی داشته باشد، در پیشگیری از اختلافات نقشی مهم دارد. تحقیقاتی نیز این نقش را تأیید می‌کند، برای نمونه، آزمایشهایی نشان داد هنگامی که مردها عکسهای زنان بسیار زیبا را می‌بینند، همسران مورد علاقه خود را با جذابیت کم‌تری ارزیابی می‌کنند.^۲ بدیهی است ارزش‌گذاری کم‌تر به همسر، زمینه‌ای برای روابط عاطفی ضعیف‌تر است. کم‌ترین تأثیر نگاهها و روابط عاطفی لذتبخش همراه با بار جنسی، یا ارضای آنها در بیرون از محدوده خانواده، سرد شدن این روابط در خانواده است. از حدود دیگری که به زنان مربوط می‌شود، پوشش شرعی است که این امر افزون بر خود زنان، بر مردانی که آنها را می‌بینند، تأثیر می‌گذارد. در تحقیقی، پوشاندن زیبایی‌های زنان بررسی و از لحاظ تجربی ثابت گردید که این امر مانع افزایش آستانه ادراکی مردان و در نتیجه موجب کاهش اختلافات زناشویی است؛ زیرا با افزایش آستانه ادراکی، مرد به محرکهای درون خانواده، دیرتر پاسخ می‌دهد و زمینه برقراری روابط عاطفی لذتبخش فراهم نمی‌شود.^۳

۵-۲. توجه به اصل مشورت و کسب توافق در خانواده: تطابق رفتارها و

۱. حاجی ده‌آبادی، محمد علی، مجموعه مقالات برگزیده...، ص ۱۳۹.

۲. آذربایجانی و... روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی، ص ۲۵۳.

۳. منطقی، مرتضی، چکیده تازه‌های تحقیق، ش ۳۸، ص ۱۳.

تصمیم‌گیری‌ها، در برخی موارد دقیقاً یا تا حد زیادی، با قوانین و اصول عقلی و شرعی نسبتاً آسان است. در این وضعیت، روشن شدن تطابق یک رفتار یا تصمیم با اصول عقلی و شرعی و تبیین و توجیه آن برای اعضای خانواده به روش مناسب، وظیفه والدین در خانواده است. با وجود این، در موارد بسیاری خانواده با رفتارها و تصمیمهایی روبه‌رو می‌شود که تطبیق آنها با موازین عقلی و شرعی دشوار است، یا همه موارد گزینش در محدوده عقل و شرع محسوب می‌شود. خانواده در این موارد مانند هر گروه دیگری، به شیوه‌های گوناگون می‌تواند تصمیم‌گیری کند. با توجه به آموزه‌های اسلام، به نظر می‌رسد استفاده از نظر دیگران و گزینش مناسب‌ترین راه حل در هر موضوع، بهترین شیوه است. قرآن یکی از اوصاف مؤمنان را مشورت در همه امور زندگی اعلام می‌کند^۱ و حتی به پیامبر (ص) که به منبع وحی اتصال دارد، توصیه می‌نماید که با مردم مشورت کند.^۲ بدون تردید جمع‌آوری دیدگاه‌های گوناگون و تضارب آرا و گزینش بهترین رأی معمولاً به تصمیم مناسب‌تری می‌انجامد که مورد تأیید و حمایت افراد متعدد است.^۳ از طرفی، استبداد رأی و عدم توجه به دیدگاه‌های دیگران فرد را دچار اشتباه و مخاطره می‌کند؛^۴ از این رو، اولیای دین (ع) به پیامدهای نامطلوب خودرأیی تصریح کرده‌اند تا افراد را به نظرخواهی از دیگران تشویق نمایند.^۵ در قرآن می‌خوانیم: «پس بشارت بده بندگان مرا؛ آنان که سخنان را می‌شنوند و از نیکوترین آنها پیروی می‌کنند؛ آنان کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده و آنها خردمنداند.»^۶ بدون تردید در اداره خانواده و حل اختلافات نیز باید به این اصل مهم توجه شود. گفتنی است از نظر قرآن حتی یک امر جزئی مانند شیردادن نوزاد یا از شیرگرفتن او باید بر اساس مشورت و رضایت پدر و مادر کودک باشد.^۷ بدون تردید مادر در تشخیص مصلحت نوزاد دارای حق است. به نظر می‌رسد در مسائل دیگر خانواده نیز مناسب است از نظر اعضای خانواده استفاده شود. در آیه‌ای دیگر، توصیه شده است امور خانواده از جمله مسائل فرزندان، با مشاوره

۱. «وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ» شورا، ۳۸. ۲. «وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ» آل عمران، ۱۵۹.

۳. محمدی ری‌شهری، میزان الحکمة، ج ۵، ص ۲۱۰ و ۲۱۱.

۴. «خَاطِرٌ بِنَفْسِهِ مِنْ اسْتِغْنَىٰ بِرَأْيِهِ» مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۹۸.

۵. «مَنْ اسْتَبَدَّ بِرَأْيِهِ هَلَكَ» همان، ج ۷۵، ص ۱۰۴؛ «مَنْ اسْتِغْنَىٰ بِعَقْلِهِ زَلَّ»، ج ۱، ص ۱۶۰.

۶. زمر، ۱۷.

۷. «فَإِنْ أَرَادَا فِضَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِثْلَهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا» بقره، ۲۳۳.

شایسته انجام گیرد.^۱ می‌توان گفت حتی در مسائل مهم و امور دینی نیز باید تلاش کرد تا با شیوه‌های مناسب، موافقت اعضای خانواده جلب شود. نمونه‌ای از این امر را می‌توان در شیوه برخورد حضرت ابراهیم(ع) با فرزندش یافت. وقتی حضرت ابراهیم(ع) پی برد که از سوی خداوند به بریدن سر فرزند خویش مأمور و این امر تکلیفی الهی است، با روش مناسبی موافقت فرزندش را جلب کرد: «پسر، من در خواب دیدم که تو را ذبح می‌کنم، نظر تو چیست؟ عرض کرد: «ای پدر، هر چه دستور داری اجرا کن.»^۲ در این جریان، جلب رضایت حضرت اسماعیل(ع) موجب شد که او نیز به مقام والای ذبیح الهی برسد؛ به عبارت دیگر، همراهی پدر و پسر موجب رشد معنوی هر دو می‌شود. همراهی در سایر امور خانواده نیز نه تنها در تثبیت روابط مطلوب و عواطف مثبت در خانواده تأثیر گذار است، بلکه در تصمیم‌گیری‌ها و حل مسائل نیز تأثیر دارد. در صورتی که در محیط خانواده زمینه مشورت فراهم شود، تصمیم‌گیری در مشکلات آسان‌تر و زمینه پذیرش تصمیمی که بر اساس تضارب آرا اتخاذ شده، بیشتر خواهد بود. در خانواده، هرچه کودکان بزرگ‌تر شوند و در بعد شناختی رشد کنند، باید از نظریات و افکار آنها بیشتر استفاده شود. این‌که در کلمات اولیای دین هفت سال سوم زندگی کودک را مرحله وزارت نامیده‌اند،^۳ اشاره به لزوم هم‌فکری و همکاری با نوجوانان در حل مسائل خانواده است. استفاده از دیدگاه نوجوان در مسائل زندگی و مشکلات و برنامه‌ریزی‌های خانوادگی، موجب رشد تفکر صحیح در وی، احترام به اراده و کرامت او و جوشش امید و نیرو در او است.^۴ در مقابل مشورت نکردن با نوجوان در خانواده موجب عدم تحول شناختی و عاطفی و پراکندگی هویت و ضعف اعتماد به نفس در وی خواهد شد.

مشورت با همسر نیز با توجه به رشدیافتگی و تدبیر زنان در عصر حاضر و تأثیر بسیار آنان در محیط خانه، در حل مسائل اساسی خانواده مؤثر است.^۵ هرچند مشورت در مسائل مربوط به زنان و دختران در خانواده ضروری است،^۶ در سایر امور خانواده

۱. «وَأْتَمِرُوا بِبَيْنِكُمْ بِمَعْرُوفٍ» طلاق، ۶.

۲. «يَبْنِي لِي فِي أَرِي فِي الْقَتَامِ أَنِّي أَنْبَحُكَ فَاَنْظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَتَأْتِي أَعْمَلُ مَا تَقُومُ»، صافات، ۱۰۲.

۳. «وَوَزِيرٌ سَبْعَ سِنِينَ» حرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۱۹۵.

۴. حسینی، اخلاق در خانواده، ص ۴۴۰-۴۴۳. ۵. مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۵۳.

۶. «اتمروا النساء فی بناتهن» فرید تنکابنی. نهج‌الفصاحه، ص ۲.

جلب توافق همسر و همراهی او لازم است.^۱ بر اساس کلمات اولیای دین (ع)، خشنودی همسر برای جلب همکاری او و به کارگیری شیوه‌های جلب محبت و رضایت او، و نیز عدم اجبار و تحمیل رأی و ناخشنود ساختن همسر، اصل زندگی خانوادگی به شمار می‌آید.^۲

۳. راهکارهای حل اختلافات خانوادگی بر اساس تعالیم اسلام

در این بخش به راههایی اشاره می‌کنیم که پس از بروز اختلاف و تشدید آن، مورد استفاده قرار می‌گیرد و بیشتر جنبه رفع مشکل دارد تا پیشگیری از آن.

۱-۳. پذیرش و تعهد نسبت به سلسله مراتب در خانواده: پیش از این به لزوم سلسله

مراتب در خانواده از نظر اسلام اشاره شد. یکی از کاربردهای مؤثر سلسله مراتب در خانواده، حل مشکل در مواردی است که اعضای خانواده پس از بحث و بررسی و ارائه دلایل متعدد، به تصمیم یکسانی نمی‌رسند و اختلاف همچنان بر جای می‌ماند. در این شرایط، در برخی مسائل باید نظر مرد خانواده، یعنی شوهر، مورد توجه قرار گیرد و به آن عمل شود؛ برای نمونه، خروج زن از محیط خانه باید با اجازه و رضایت شوهر باشد. بدیهی است اگر بین زن و شوهر در این مورد اختلافی بروز کند و هیچ یک نتواند دیگری را قانع کند، برای حل اختلاف از نظر تعالیم اسلام، پیروی زن از شوهر مناسب‌ترین راه ممکن است. همینطور در مورد کودکان و نیز انتخاب محل سکونت، اگر مشورت به توافق نینجامد، باید نظر شوهر رعایت شود؛ زیرا این مسائل متضمن هزینه‌های اقتصادی است که شوهر متکفل آن است. البته مرد نمی‌تواند برخلاف عرف و مصلحت، نظری را بر همسر و فرزندان خود تحمیل کند و در صورت پافشاری وی، باید مراجع بالاتری به حل مشکلات خانواده بپردازند.

با رشد کودکان و رسیدن آنها به مرحله نوجوانی و جوانی، گاه در خانواده‌ها، اختلافهایی پدید می‌آید که به عدم رعایت اقتدار والدینی باز می‌گردد. در پژوهشهای روان-تاریخی^۳ به الگویی از روابط والدین و فرزندان به عنوان یاری‌دهنده اشاره شده

۱. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی. تحف العقول... ص ۲۳۸.

۲. «فاشفتوا علیهنّ و طیّبوا قلوبهنّ حتی یقفن معکم و لاتکرها النساء و لاتسخطوا بهنّ» نوری، مستدرک الوسائل: ج

۱۴. ص ۲۵۳.

است که بر اساس آن، فرزندان، والدین خود را بیشتر خدمتکار و نه دارای اقتدار می‌پندارند؛ زیرا آنها بهتر از والدین آگاه‌اند که در هر مرحله تحوّل، چه چیز برای آنها مفید و مطلوب است.^۱ همین الگو باعث شده که فرزندان از روی توقع و طلبکارانه با والدین برخورد کرده و در اختلافها به نظریات آنها وقعی نهند و مشکلات را تشدید کنند. همان‌گونه که در فصل سوم بیان شد، بر اساس تعالیم اسلام، فرزندان در هر مرحله سنی یا جایگاه اجتماعی،^۲ باید برای دیدگاه‌های پدر و مادر ارزش قائل شوند و در حد امکان از نظریات آنها پیروی کنند، مگر آنکه این امر مستلزم تخلف از قوانین دینی^۳ و عرفی باشد. فرزندان تا زمانی که در چهارچوب خانواده اصلی زندگی می‌کنند، در اختلافات و تشخیص مصالح باید به نظریات والدین خود اولویت دهند؛ زیرا مسؤلیت اداره آنها بر عهده والدین است.^۴ البته همان‌گونه که بیان شد - والدین باید اعضای خانواده به ویژه نوجوانان و جوانان را در تصمیم‌گیری‌ها دخالت دهند، تا آنها نظر والدین را با استدلال منطقی و معقول بپذیرند، هرچند اگر مذاکرات به تصمیم یکسانی نینجامد، برای حفظ انسجام خانواده پذیرش نظریات والدین ضروری است. والدین نیز نباید بر خلاف قوانین و عرف مردم چیزی را بر فرزندان تحمیل کنند و در چنین فرضی، مراجع بالاتر باید به رفع اختلاف پرداخته و مصالح فرزندان را تأمین کنند.

۲-۳. حل مشکلات عاطفی و جنسی: گاه روابط عاطفی زن و مرد به علت رفتارهای نامناسب، مانند پرخاشگری کلامی و غیرکلامی و بی‌اعتنایی نسبت به هم، به سردی می‌گراید. در این صورت، توجه به توصیه‌های اسلام به هریک از زن و مرد می‌تواند تا حدی مشکلات را حل کند. یک توصیه اساسی به مرد آن است که در هر صورت با همسرش مدارا کند. این اصل کلی، مرد را وامی‌دارد که به صرف یک رفتار نامناسب زن، با واکنشی تند روابط را ناخوشایند نکند. توجه به نکات دیگری نیز مرد را از رفتار نامناسب باز می‌دارد؛ از جمله اینکه زن را در دست خود امانتی بداند که بدرفتاری و ستم نسبت به او موجب خشم خداوند می‌شود. این نکات، افزون بر توصیه‌هایی است که به برقراری روابط عاطفی مثبت با زن تأکید دارد. از سوی دیگر، به زنان نیز توصیه‌هایی شده از جمله اینکه بکوشند به هنگام اختلاف سوء تفاهمها در کم‌ترین زمان

۱. زیمون، مفاهیم تئوری‌های کلیدی در خانواده درمانی، ص ۲۰۹.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۳۹۹.

۳. لقمان، ۴۵.

۴. خانه کودک، احکام ما و کودکان، ص ۸۷-۷۳.

ممکن^۱ رفع شود. در این خصوص گفته شده زن سعی کند مسائل اختلافی حتی به روز بعد کشیده نشود و در همان شبانه روز اوّل خاتمه یابد.^۲ افزون بر این، تلاش کند با مهار خویش در برابر رفتار نامناسب همسر، همه جنبه‌های مثبت روابط یکدیگر را زیر سؤال نبرد.^۳ پذیرش معذرت‌خواهی همسر و گذشت از خطاهای^۴ او، به حل مشکل کمک می‌کند. در روابط جنسی، از زن خواسته شده که در حد امکان با مرد همراهی کند و از مخالفت و درگیری در این زمینه خودداری نماید.^۵ به مرد نیز توصیه شده که نیاز زن را در نظر گرفته و فقط به فکر ارضای نیازهای خود نباشد. با این توصیه‌ها، بسیاری از اختلافهای زن و شوهر حل می‌شود. گاه اختلافها تشدید شده و به مرحله نشوز می‌رسد که در این جا به این موضوع می‌پردازیم.

قرآن و حل اختلافات خانوادگی

در مباحث پیشین بیان شد که زن و شوهر نسبت به هم حقوق و مسئولیتهایی دارند. معمولاً اختلاف وقتی بروز می‌کند که یکی از آنان یا هر دو، از ایفای وظایف همسری خودداری می‌کند. قرآن از این امر به نشوز و شقاق^۶ تعبیر کرده است. قرآن کلمه نشوز را در مورد زن^۷ و مرد^۸ به کار برده و در هر مورد روش مناسب برای حل مشکل را بیان کرده است. نشوز زن عبارت است از ترک وظایف لازم نسبت به همسر که شامل مواردی از این قبیل می‌شود: خودداری از برآوردن نیازهای عاطفی و جنسی مرد، آماده نکردن زمینه مناسب برای روابط عاطفی و جنسی مرد، آماده نکردن زمینه مناسب برای روابط عاطفی لذتبخش مانند رها کردن آرایش، خروج از منزل بدون اجازه همسر، تغییر در گفتار و رفتار مانند واکنش تند و خشونت‌آمیز، چهره درهم کشیدن و بدزبانی. به سخن دیگر ناسازگاری با مرد در امور زندگی نشانه‌های نشوز زن است.^۹ البته صرف خودداری

۱. «التي اذا غضب زوجها لم تتكلم بعين حتى يرضى» حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۵.

۲. «خير نساءكم التي ان غضبت أو اغضبت قالت لزوجها: يدي في يدك لا اکتحل بغمض حتى ترضى» همان، ص ۲۲.

۳. «ایما امرأة قالت لزوجها: مارأيت قط من وجهك خيراً، فقد حبط عملها» همان، ص ۱۱۵، ح ۷.

۴. «الا اخبركم بشرار نساءکم... ولا تقبل منه عذراً ولا تغفر له ذنباً» همان، ص ۱۸.

۵. در فصل دوم، روایات و دلایل اسلامی، در مورد این موضوع بررسی شد.

۶. نساء، ۳۵.

۷. نساء، ۳۴.

۸. نساء، ۱۲۸.

۹. طبرسی، فضل بن الحسن، مجمع البیان، ص ۶۹.

از اداره خانه و فعالیتهای آن نشوز محسوب نمی‌شود.^۱ قرآن کریم در این شرایط، برای حل مشکل و جهت دادن زن به سوی زندگی متداول خانوادگی و ایفای وظایف همسری، شیوه‌ای سه مرحله‌ای ارائه کرده است: نصیحت زن، دوری از او در بستر و تنبیه.^۲

روشن است که در بیشتر موارد، اگر مرد با صمیمیت و صداقت رفتار کند و در فکر کنار آمدن با همسرش در زندگی باشد، چنین مشکلی از طرف زن بروز نمی‌کند.^۳ اگر با وجود چنین شرایطی، که مرد در بیشتر جنبه‌های زندگی سعی در خشنود ساختن همسر داشته باشد، ولی باز زن به نشوز رو آورد، این شیوه حل اختلاف می‌تواند در بیشتر موارد مشکل را حل کند. البته از این راه حل، برداشتهای نامناسبی در میان خانواده‌های مسلمان دیده می‌شود که تبیین این شیوه، نادرستی آن برداشتها را روشن خواهد کرد. پیش از بررسی مراحل سه‌گانه این شیوه، به لزوم ترتیب بین این مراحل می‌پردازیم. دیدگاه‌های مختلفی درباره چگونگی به کارگیری این سه مرحله از سوی دانشمندان مسلمان، ارائه شده است. با وجود این، براساس کلمات اهل بیت (ع) و تفاسیر قرآن،^۴ بیشتر صاحب‌نظران علوم اسلامی، لزوم رعایت ترتیب در این امور را مناسب‌ترین دیدگاه می‌دانند و آن را براساس لزوم ترتیب در مراتب نهی از منکر تبیین می‌کنند.^۵ اینک، به بررسی این سه مرحله می‌پردازیم.

۱. نصیحت: این مرحله با تعبیر «فَعْظُوهُنَّ» در قرآن آمده است. در این هنگام، مرد از راه ارتباط کلامی که شامل نصیحتهای دلسوزانه و راهنمایی مشفقانه است، از زن می‌خواهد که به وظایف خود عمل کند. نصیحت با کلام محبت‌آمیز همراه با هدیه یا هر کار تشویق‌کننده، بسیار مؤثر است. چنانکه بیان شد، زنان به روابط کلامی حساس‌ترند و بیشتر مایل‌اند مسائل خود را از طریق روابط کلامی ابراز کنند. استفاده از روابط کلامی در روشن شدن مسائل و حل اختلافات بی‌تردید تأثیر بیشتری دارد؛ زیرا هر فرد می‌فهمد که طرف مقابل چه توقعاتی از او دارد. برای حل مشکلات، مرد می‌تواند با

۱. اصفهانی. سید ابوالحسن، وسیلة النجاة، ص ۷۵۵؛ نجفی، جواهرالکلام، ج ۳۱، ص ۲۰۱.

۲. «وَالَّتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَأَهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَأَضْرِبُوهُنَّ...» نساء، ۳۴.

۳. قائمی، نظام حیات خانواده در اسلام، ص ۳۴۵.

۴. طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۴، ص ۵۴۶؛ طبرسی، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۶۹.

۵. نجفی، جواهرالکلام، ج ۳۱، ص ۲۰۲ و ۲۰۳؛ سبحانی، نظام النکاح، ج ۲، ص ۳۰۱.

زبانی شیرین و لحنی دل‌نشین به بیان تأثیرات نامطلوب نشوز بر زندگی و سعادت اخروی زن پردازد: موعظه‌کننده باید ثابت کند که دلسوز، امین و خیرخواه است و تسلیم هوای نفس و اغراض و مقاصد شیطانی نیست^۱. افزون بر این، کلام خداوند در قرآن، بهترین شیوه‌های موعظه را شامل می‌شود که مرد باید از آنها استفاده کند. موعظه‌های قرآنی بیشترین تأثیر را در افراد بر جای می‌گذارد؛ از جمله اینکه مرد در مقابل رفتار نامناسب زن، به او خوبی کند. اگر در زمان نشوز زن، مرد بتواند رفتار و عواطف خویش را کنترل کند و رفتار نامناسب زن را با خوبی پاسخ دهد، بنابر اصلی که قرآن ارائه کرده، دشمنی زن به دوستی همراه با صمیمیت و یکدلی تبدیل می‌شود، البته وجود صبر، ایمان و تقوا در مرد نقش مهمی در تسهیل این رفتار ایفا می‌کند.^۲ از موعظه‌های دیگر، توجه دادن زن به پیمان محکمی^۳ است که بین او و شوهر برقرار شده و تضعیف آن از لحاظ عاطفی و شناختی نامناسب است. بدون تردید، بیشتر زنان به این شیوه ظریف و لطیف واکنش نشان می‌دهند.^۴

۲. دوری کردن در بستر: در صورت سودمند نبودن این روش، قرآن به مرحله دوم که دوری از زن در بستر است، اشاره می‌کند.^۵ پشت کردن در بستر، ترک روابط جنسی، و قطع روابط کلامی و معاشرت، از شیوه‌هایی است که از آن در این مرحله استفاده می‌شود.^۶ البته در برخی روایات تنها بر دوری در بستر تأکید شده است.^۷ بر اساس ظاهر قرآن، اشتراک بستر خواب باید ادامه داشته باشد، ولی در بستر با او قهر کند؛ برای مثال، در بستر به او پشت کند، و به نحوی ناخشنودی خود را به او بفهماند.^۸ این جدایی عاطفی تا حدی زن را به تفکر در باره رفتار خود و او می‌دارد و زمینه‌ای برای اصلاح رفتار و نوعی تنبیه برای او به شمار می‌رود. به نظر می‌رسد این تنبیه نباید به جدایی بستر و

۱. بهشت، احمد، خانواده در قرآن، ص ۸۹.

۲. «لَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ أَنْفَعُ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ وَمَا يُلْقِنَهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلْقِنَهَا إِلَّا أُوْ حَظِّ عَظِيمٍ» فصلت، ۳۵-۳۴.

۳. «وَأَخَذَن مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا» نساء، ۲۱.

۴. عک، خالد عبدالرحمان، بناء الاسرة المسلمة...، ص ۲۸۶.

۵. «وَأَهْجُرْ وَهْنُ فِي الْمَضَاجِعِ» نساء، ۳۴.

۶. شاید بتوان گفت این موارد باید به ترتیب صورت گیرد. و قهر به معنای جدا کردن بستر در آخرین مرحله باشد. بنابر این باید به حدی اکتفا نمود که مشکل را حل کند و نه بیشتر از آن (جواهرالکلام، ج ۳، ص ۲۰۶).

۷. طبرسی، مجمع البیان، ج ۲، ص ۹۵.

۸. طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۴، ص ۵۴۶.

اتاق خواب بینجامد؛ زیرا ممکن است این رفتار به ناسازگاری و رفتار بدتری کشیده شود. دوری در بستر متضمن تأثیراتی است که با جدایی بستر و ترک اتاق خواب حاصل نمی‌شود. اجتماع در بستر، احساس تعلق زناشویی را برمی‌انگیزد و موجب سکونت و آرامش و از بین رفتن اضطرابی می‌شود که در اثر حوادث قبل پدید آمده است. دوری در بستر زمینه‌ای است تا احساس تعلق زناشویی و آرامش حاصل از آن، زن را وادارد که به بررسی علت اختلاف پرداخته و به توافق با همسرش دست یابد. در تحلیلی ژرف‌تر، دوری در بستر به جنبه روان‌شناختی روابط زن و مرد باز می‌گردد. از آن‌جا که توجه عاطفی مثبت مرد به زن برای او اهمیت اساسی دارد و زن به شیوه‌های متعدد به دنبال جذب همسر خویش است، اگر مرد به بستر برود و در بستر از زن دوری کند، از لحاظ روانی در موضع بالاتر و مقتدرتری قرار می‌گیرد و زن در این حالت وقتی احساس می‌کند در جلب توجه مرد ناموفق بوده است، به شکست خود پی می‌برد. این تنبیه روانی در واقع راهی برای بازگشت او است^۱. به نظر می‌رسد که این جدایی نباید بیش از سه روز ادامه یابد،^۲ و فقط در صورت عدم تأثیر آن می‌توان به مرحله سوم وارد شد.

۳. تنبیه: در این مرحله، تنبیه بدنی مطرح می‌شود. برای روشن شدن دیدگاه اسلام

نسبت به این روش، باید به مسائل اساسی زیر پاسخ دهیم:

۱. در چه شرایطی می‌توان از تنبیه یاد شده استفاده کرد؟

۲. ماهیت این تنبیه چیست؟

۳. شدت و کیفیت این تنبیه چگونه است؟

۴. چه تبیینهایی برای تجویز این شیوه می‌توان ارائه کرد؟

۵. شرایط اجتماعی عصر کنونی مقتضی چه ملاحظاتی در مورد این شیوه است؟

در پاسخ به پرسش اول باید گفت: بر اساس آیه قرآن، این روش تنها پس از نصیحت کردن زن و دوری از بستر قابل اجراست. به نظر می‌رسد در صورتی که مرد در رویارویی با مشکل رفتاری همسر از دو شیوه اول استفاده کند، مشکل حل خواهد شد و درصد بسیار کمی از زنان به این شیوه‌ها پاسخ نداده و کار را به مرحله سوم می‌کشاند. در هر صورت، مرد حق ندارد پیش از دو شیوه اول، از تنبیه بدنی استفاده کند. افزون که این

۱. عک، بناء الاسوة المسلمة... ص ۲۸۸.

۲. شاهد بر این امر روایاتی است که دوری جستن دو نفر مؤمن را بیش از سه روز جایز نمی‌داند (کلینی، کافی، ج ۲، ص ۳۴۵).

شیوه تنها در مورد عدم همراهی زن در وظایف همسری، توصیه شده است و در هیچ مشکل دیگر خانوادگی نمی‌توان از آن استفاده کرد. برخی روایات اسلامی نیز شرایط استفاده از این روش را محدودتر کرده، تنها در صورت ارتکاب فحشا از سوی زن آن را تجویز نموده‌اند.^۱ شرط دیگر استفاده از این روش، کارآمد نبودن راه‌های مسالمت‌آمیز دیگر^۲ و احتمال تأثیرگذاری آن است. اگر زن در شرایطی^۳ قرار گیرد که خود را در نشوز بر حق بداند، باید به راه حل نشوز زن و مرد پرداخت که از آن به شقاق تعبیر می‌شود.

در مورد ماهیت این تنبیه^۴ در آیه نشوز که به پاسخ سؤال دوم مربوط می‌شود: باید گفت که معنای آن، نوعی تنبیه بدنی است. البته همه صاحب‌نظران مسلمان تنبیه زن را در حدی جایز می‌دانند که هیچ‌گونه آسیبی مانند جراحت، سیاهی، کبودی و حتی قرمزی به بدن زن وارد نشود.^۵ بر این اساس، این تنبیه، بدنی و در عین حال خفیف و بازدارنده و در واقع تنبّه و یادآوری است نه تنبیه و آزاررسانی.

با وجود این، در مورد این نوع تنبیه، هر چند خفیف، با توجه به کلمات اولیای دین(ع) و دیدگاه‌های دانشمندان مسلمان، دو برداشت ارائه شده است: برخی معتقدند نوعی کیفر و تنبیه بدنی خفیف است؛ بنابراین، به لحاظ تأثیری که در جسم ایجاد می‌کند، باعث متأثر شدن زن و پذیرش خواسته‌های شوهر می‌شود. برداشت دوم، آن را نوعی کیفر و عقوبت روانی نه جسمی در نظر می‌گیرد. مرد با این برخورد می‌خواهد ناراحتی خود را نسبت به رفتار زن اعلام کند^۶ و به او بفهماند که علاقه و دلبستگی او نسبت به همسرش در معرض خطر است؛ بر این اساس، تنبیه نماد واکنش عاطفی منفی و شدید مرد به رفتار زن است. این برداشت با تفسیر و تبیین روایات از آیه نشوز

۱. مهریزی، مهدی، شخصیت و حقوق زن، ص ۲۷۳. ۲. هاشمی رفسنجانی، تفسیر راهنما، ج ۳، ص ۳۶۹.

۳. حکیم باشی، حسن. «آیه نشوز و ضرب زن از نگاهی دیگر»، پژوهش‌های قرآنی، سال هفتم، ش ۲۷-۲۸، ص ۱۲۷.

۴. برخی، این تنبیه را براساس روایتی (نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۵۰، ح ۳) به تحت فشار قرار دادن زن در مسائل اقتصادی از قبیل غذا و پوشاک تفسیر کرده‌اند. گروهی دیگر زدن را به محبت کردن و مدارا با او تفسیر کرده‌اند. شیخ مفید(ره) درباره این شیوه گفته است: اگر با نصیحت کردن و دوری از بستر، مشکل حل نشد زن را با رفق و مدارا تحت فشار قرار دهید (مهریزی، شخصیت و حقوق زن، ص ۲۷۰)، البته ظاهر کلمه «ضرب» در آیه نشوز را نمی‌توان به مواردی که بیان شد تفسیر کرد.

۵. اصفهانی، وسیلة النجاة، ص ۷۷۵؛ نجفی، جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۲۰۶.

۶. شهید مطهری نیز معتقد است که این زدن، واقعی نیست، بلکه اظهار تنفر است، نه چیز دیگر (میرخانی، عزت‌السادات، رویکردی نوین در روابط خانواده، ص ۲۰۰).

سازگارتر به نظر می‌رسد؛ چرا که معمولاً شرط کرده‌اند تنبیه بدنی آزار دهنده نباشد. بی‌تردید چنین برخوردی را نمی‌توان تنبیه بدنی شمرد؛ زیرا هیچ‌گونه آزار جسمی ایجاد نمی‌کند. در هر صورت، با توجه به تفسیر اولیای دین (ع)، مقصود قرآن از «ضرب»، تنبیه بدنی به معنای مصطلح نیست، بلکه تنبیه ویژه‌ای است که تأثیر روانی و عاطفی می‌گذارد، نه آسیب جسمی و بدنی.^۱ در مجموع به نظر می‌رسد، ماهیت این تنبیه به گونه‌ای است که نوعی ضربه عاطفی به زن وارد شود که شدتش از دوری کردن در بستر، کمی بیشتر است.

در پاسخ به پرسش سوم، باید گفت لازم است این تنبیه سبک و خفیف باشد و مرد نباید به قصد تشفی و انتقام‌گیری به این کار روی آورد.^۲ قصد اصلاح رفتار زن، از شرطهای اساسی این شیوه شمرده شده است.^۳ حد دیگری که برای تنبیه در قرآن بیان شده، بازگشت زن به روش معمول خویش و انجام وظایف همسری است. در این صورت، حتی همین تنبیه خفیف، ستم و تعدی به زن به شمار می‌آید.^۴ بنابراین، هرگونه تنبیهی از این قیود از لحاظ دینی بسیار نامناسب است و مرد در صورت هرگونه آسیب روانی و بدنی به زن، نه تنها مرتکب حرام شده، بلکه باید به او دیه بپردازد.^۵

در اینجا مناسب است در مورد عواقب هرگونه خشونت نامناسب با زن به آموزه‌های اسلامی اشاره کنیم. پیامبر اسلام (ص) آسیب به زنان را به شدت نهی کرده و مردانی را که چنین روشی دارند، دور از اخلاق و دیانت دانسته است.^۶ آن حضرت در سراسر زندگی، نه تنها همسران، بلکه هیچ‌گاه خدمتگزار یا هیچ‌کس دیگر را تنبیه بدنی نکرد.^۷ در موردی رسول خدا (ص) توصیه می‌کند به خواستگاری مردی که زن را می‌زند جواب منفی بدهید. برخی سخنان آن حضرت در این مورد چنین است:

«چگونه شما مردان، همسران را می‌زنید و سپس او را در آغوش می‌گیرید و شرم

نمی‌کنید».^۸

۱. صدر، سید موسی، «تنبیه بدنی زن»، پژوهشهای قرآنی، سال هفتم، ش ۲۷-۲۸، ص ۹۲-۹۴.

۲. اصفهانی، وسیلة النجاة، ص ۷۵۵؛ نجفی، جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۲۰۷.

۳. همان؛ سبحانی، نظام النکاح، ج ۲، ص ۳۰۲. ۴. «فَإِنْ أَطَعْتَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِمْ سَبِيلاً» نساء، ۳۴.

۵. اصفهانی، وسیلة النجاة، ص ۷۵۵؛ نجفی، جواهر الکلام، ج ۳، ص ۲۰۶.

۶. «ولن يضرب خياركم» زحیلی، التفسیر الشنیر، ج ۵، ص ۵۷.

۷. ابن ماجه، سنن، ج ۱، ص ۶۳۸. ۸. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۶۵.

- «هر مردی که به زنش آسیب وارد کند، خداوند به نگهبان آتش دستور می‌دهد که بر گونه او هفتاد صدمه در آتش دوزخ وارد سازد.»^۱

- «در شگفتم از مردی که همسرش را کتک زند، در حالی که خود به کتک خوردن سزاوارتر است...»^۲

- در مورد یکی از حقوق زن بر مرد نیز فرمود: «... به صورت زن آسیب نرزی و زشتش نخوانی.»^۳

در مجموع، سیره عملی پیامبر(ص) و اولیای دین(ع) نفی خشونت نسبت به زنان است.

در پاسخ به سؤال چهارم که به چرایی این تنبیه مربوط می‌شود، دانشمندان مسلمان نظراتی بیان نموده‌اند. مهم‌ترین تبیین، آن است که این تنبیه ضربه عاطفی محکمی است که مانند شوکی زن را نسبت به مشکل خانوادگی آگاه می‌کند، در غیر این صورت ممکن است، زن با بی‌توجهی، به ناسازگاری ادامه دهد و خانواده را به فروپاشی کشاند. باید توجه داشت که در این مرحله، راه‌حلهای پیشین مانند گفتگو و دوری در بستر، تأثیری در زن نداشته است و لازم است برای اصلاح رفتار او قدم بعدی برداشته شود. نکته دیگر، جنبه پیشگیرانه این روش است. گاه با اعمال این روش می‌توان از منجر شدن مشکل خانواده به محاکم قضایی و علنی شدن پیشگیری کرد. در غیر این صورت ممکن است مشکلات خانوادگی به سادگی جنبه حقوقی پیدا کرده و حتی تشدید شود. همچنین صرف اطلاع زن از برخورداری مرد از این حق می‌تواند، در مواردی از بروز نشوز پیشگیری کند.

در مورد اینکه چرا این شیوه را فقط مرد می‌تواند به کار گیرد نیز دلائلی بیان شده است. مهم‌ترین نکته، لزوم اقتدار مثبت مرد در خانواده است که در فصل سوم بررسی شد. تجویز به کارگیری این شیوه برای مرد، اقتداری را برای او در خانواده تثبیت می‌کند که می‌تواند به بسیاری از اختلافات پایان دهد. از طرف دیگر تجویز این شیوه برای زن به دلائلی مناسب نیست. اول اینکه غالب زنان، توانایی اعمال این شیوه را ندارند.^۴ شاید همین توانایی جسمانی کمتر زنان موجب شده که در همه کشورهای دنیا، رقابتهای

۱. نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۵۰، ح ۴. ۲. همان، ص ۲۵۰، ح ۳. ۳. مهریزی، شخصیت و حقوق زن، ص ۲۷۲. ۴. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۷۲.

ورزشی زن و مرد جدا برگزار شود. دوم اینکه زنان شیوه‌های عاطفی قوی‌تری برای اصلاح رفتار مردان و جلب آنها به سوی خود دارند که گاه بیش از گفتار و هرگونه شیوه عملی مؤثر واقع می‌شود.^۱ سوم اینکه دادن چنین حقی به زنان در کنار مردان، به تشدید اختلافات و تنازعات در خانواده منجر خواهد شد و محیط خانواده را به یک صحنه درگیری تبدیل می‌کند که جز افراد و نهادهای بیرون از خانواده قادر به حل مشکل آن نخواهند بود.

در پاسخ به سؤال پنجم باید گفت: به طور کلی به کارگیری این شیوه الزامی نیست، بلکه راه حلی است که به عنوان ارشاد و رهنمود از سوی خداوند ارائه شده است.^۲ بدین ترتیب، می‌توان با توجه به تأثیرگذاری آن، شرایط زمانی، موقعیت خاص و شخصیت ویژه هر زن، از آن استفاده کرد. افزون بر این، رعایت شرایط لازم در این شیوه‌ها به‌ویژه لزوم قصد اصلاح در تنبیه بدنی برای بسیاری از مردان کنونی نیز دشوار است؛ بنابراین، بهتر است مرد در شرایط نشوز زن برای رعایت عدالت و دوری از ستم نسبت به او، مشکلات را با کمک مشاوران و متخصصان خانواده حل کند، و در غیر این صورت، ممکن است به جای حل مشکل، حقوق همسر خویش را پایمال نماید.^۳

در صورتی که مرد حقوق مادی و روانی زن را ادا نکند و به تعبیر قرآن دچار نشوز شود، همسرش باید از راه نصیحت کردن و مطالبه حقوق خود، مرد را به انجام مسئولیت‌های خانوادگی وا دارد. در مرحله بعد، استفاده از متخصصان خانواده به حل مشکل کمک می‌کند و در نهایت، اگر مشکل حل نشد، مراجع قانونی باید مشکل را حل کرده، مرد را به ایفای مسئولیت‌های خانوادگی ملزم کنند. در همین شرایط، قرآن به زن و مرد توصیه می‌کند که مصالحه کنند^۴ و این امر به بیان توقعات زن و مرد از یکدیگر و تعدیل آن مربوط می‌شود. البته زن و مرد طبعاً به دنبال مزایای بیشتر و اعطای امتیازات کم‌تری هستند. در این شرایط، بهتر است آنان برای حفظ صفا و آرامش در زندگی

۱. علامه طباطبایی تعبیر «إِنْ كَيْدَ كُنَّ عَظِيمًا» بوسف، ۲۸ را به شیوه‌های عاطفی و رفتاری بسیار قوی زنان برای جذب مردان و نفوذ عمیق در آنها تفسیر نموده است. (المیزان، ج ۱۱، ص ۲۲۵).

۲. به نظر می‌رسد این قانون، حقی است که خداوند به مردان داده است. به همین جهت استفاده از این حق به اختیار خود مرد است (هاشمی رفسنجانی، تفسیر راهنما، ج ۳، ص ۳۶۹).

۳. بررسی‌ها نشان می‌دهد مردها در موارد متعددی حقوق زنان را با خشونت پایمال کرده‌اند. (اعزاز، خشونت خانوادگی، ص ۱۰۰-۱۶۰).

۴. نساء، ۱۲۸؛ حرزعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۹۰ و ۹۱.

خانوادگی به تعدیل توقعات خویش پردازند. مرد مناسب است روش احسان و تقوا را در پیش گیرد و به همسر خود ستم نکند و در صورت بی‌مبالاتی، باید او را به این امر توجه دهد، ولی اگر مرد به وظایف خود عمل نکند و راه تعدی در پیش گیرد، باید مراجع بالاتری او را به انجام وظایف وادارند و حتی با فشار بر او، حقوق زن را از وی استیفا نمایند. در همین باب، حضرت علی(ع) در زمان حکومت خود فردی را که به همسرش تعدی کرده بود، با نصیحت و در نهایت با فشار به انجام وظایف خانوادگی واداشت.^۱ گاه مشکلات در روابط جنسی، به ضعف جنسی یا به نوعی بیماری و اختلال مربوط می‌شود که باید به درمان آن پرداخت. اولیای دین(ع) برای تقویت رفتار جنسی، معمولاً افراد را به خوردن برخی میوه‌ها و غذاهایی توصیه می‌کردند که می‌توانست به تقویت قوای جنسی آنها بینجامد.^۲ بدیهی است در عصر حاضر نیز باید متناسب با پیشرفتهای علمی، درمان مناسب صورت گیرد. اگر درمان ناتوانی جنسی، موفق نباشد، براساس تعالیم اسلام، هریک از زن و مرد می‌توانند برای تأمین نیازهای عاطفی خود تا سرحد جدایی پیش رفته و حقوق خود را استیفا نمایند. نکته مهم در تعالیم اسلام، تأمین نیازهای عاطفی هر یک از زن و مرد است که بر اهمیت و ارزشمندی بقای یک خانواده اولویت دارد.

۳-۳. مشاوره و حکمیت: همان‌گونه که اشاره شد، بخشی از مشکلات خانوادگی به مسائل جوامع صنعتی کنونی باز می‌گردد که جامعه ما از آن مستثنا نیست. بزرگ‌ترین تحول ساختاری در خانواده ایرانی در دهه‌های اخیر، تبدیل خانواده گسترده به هسته‌ای است که این امر در چگونگی روابط اعضای خانواده، اهمیت عاطفی اعضای خانواده برای هم، معنا و مفهوم خانواده، اقتصاد خانواده و نقش جنسیتها تغییر اساسی ایجاد کرده و در اثر همین امر، برخی روشهای جمعی غلبه بر مشکلات خانواده و استفاده از ذخایر عاطفی-تجربی اطرافیان، تا حدی تضعیف شده است. در این شرایط حل مشکل غالباً بر عهده زوجین است. از سوی دیگر، افراد غالباً از ابزار و مهارتهای ارتباطی کافی برای طرح، تبادل نظر و یافتن راه‌حلهای ممکن برخوردار نیستند و در نتیجه به جای حل مسائل، به انکار آنها می‌پردازند که این امر پیامدهای مخرب دراز مدتی مانند از

۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۰، ص ۱۱۳.

۲. همان، ج ۶۲، ص ۳۰۰؛ جزائری، غیث الدین، اعجاز خوراکی‌ها، ص ۲۳۰-۲۳۵.

خودبیگانگی، سرخوردگی و تخریب متقابل بر جای می‌گذارد.^۱

با توجه به نکات یاد شده، گاه در اختلافها استفاده از دیگران به ویژه متخصصان خانواده درمانی، ضروری است. تعالیم اسلام استفاده از نظریات دیگران را در همه امور زندگی تأکید کرده است. البته مشاور باید از شرایط و توانایی‌های لازم برای حل مسائل خانواده برخوردار باشد. برخی شرایط عمومی مشاور عبارت‌اند از: آگاهی لازم در موضوع مورد مشاوره و زمینه‌های آن، توانایی ایجاد ارتباط عاطفی با دیگران، خلوص و خالی بودن از هرگونه سوء نیت، حلم و بردباری، رازداری، توانایی ادامه مشاوره، الگوی مناسب بودن و تقوا^۲. نکته مهم دیگر توجه به باورها و ارزشهای زوجین است.

در مسائل خانوادگی - افزون بر شرایط یاد شده - آشنایی با ظرایف توصیه‌ها و قوانین خانواده در اسلام، ضروری است، زیرا نقش مهم آموزه‌های اسلام در خانواده‌های ایرانی قابل انکار نیست. توجه به این واقعیت اهمیت دارد که در جامعه ما، برخی قوانین اسلام در مورد خانواده و ازدواج، از جمله قوانین برخی از انواع ازدواج، به آسانی پذیرفته نمی‌شود که آن را در فصل ششم بررسی خواهیم کرد؛ از این رو، عدم شناخت این قوانین و استفاده از آنها در موقعیت نامناسب، گاه مشکل خانواده را حل ناشدنی و حتی تشدید می‌کند؛ برای نمونه، در این قسمت به روش استفاده از دو داور منتخب از خانواده‌های زن و شوهر اشاره می‌کنیم که می‌تواند در راستای مشاوره خانواده و حل مسائل آن راهگشا باشد.

اگر اختلاف در خانواده شدت گرفت و زن و مرد ناسازگاری، مخالفت و عدم انجام وظایف را در پیش گرفتند، وضعیت دشوار شده و از آن در قرآن به «شقاق» تعبیر می‌شود^۳ که به معنای قهر کردن و دشمنی زوجین است. اگر وضعیت خانواده به گونه‌ای است که احتمال دشمنی زن و شوهر وجود دارد، دخالت دیگران برای اصلاح بین آنها ضروری است. در این حالت، توصیه می‌شود دو داور از بستگان زن و مرد انتخاب شوند تا به اختلاف آنها رسیدگی کنند. انتخاب داور از بستگان زن و مرد به چند جهت است: نخست، خویشاوندان زوجین از وضعیت روانی و شرایط زندگی آنها آگاه‌ترند. دوم،

۱. زیمون، مفاهیم و تئوری‌های کلیدی در خانواده درمانی، ص ۲۵.

۲. فتنیه، علی‌نقی، مشاوره در آینه علم و دین، ص ۷۱-۶۶.

۳. «وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْتَعُوا حَكْمًا مِنْ أَهْلِيهِ وَحَكْمًا مِنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقُ اللَّهُ بَيْنَهُمَا»

وجود داورهای از خویشاوندان مایه دلگرمی آنهاست؛ زیرا اطمینان دارند که از حقوق و منافع آنها کاملاً حمایت خواهد شد. سوم، ملاحظات روابط خویشاوندی موجب پذیرش نظر دو داور از سوی زوجین خواهد شد. چهارم، خویشاوندان بیش از دیگران به حمایت دو طرف پرداخته و سعی بیشتری در تحکیم روابط و اصلاح بین زوجین دارند و پنجم، خویشاوندان به روش و فنون حل مشکلات زوجین و راههای جلب محبت آنها و نقاط مورد اتکای طرفین، آگاهی بیشتری دارند و بهتر می‌توانند به راز و سبب نفرت و کراهت طرفین پی ببرند.^۱

مناسب است دو داور افزون بر نیت خیر و اصلاح - خردمند، با درایت، و دارای همسر باشند، مسائل خانوادگی را به خوبی درک کنند و با بصیرت و خبریّت به قضاوت بنشینند. در مرحله اول، داوران باید برای ریشه‌یابی اختلاف با جدیت پرسشهایی را طرح کنند و در خلوت از هر یک بخواهند تا حقیقت را بیان کنند. زن و شوهر نیز باید با صراحت و بی‌پرده مسائل را در میان بگذارند.^۲ اگر دو داور به راه حلی نرسیدند، نمی‌توانند بین زن و شوهر به جدایی حکم کنند، بلکه خود زوجین در این مورد تصمیم‌گیری می‌کنند. به نظر می‌رسد دو داور به منظور کشف راهی برای حل اختلاف برگزیده می‌شوند و بدیهی است که اگر آنها برای اصلاح زن و شوهر به راه حلی نرسند، حل مسئله یا جدایی به تصمیم‌گیری خود زن و شوهر مربوط است. همچنین دو داور نمی‌توانند زوجین را به ادامه زندگی مشترک ملزم کنند، و همان‌گونه که در انعقاد پیمان زناشویی، زن و شوهر باید آزادی کامل داشته باشند، در آشتی و پایان اختلاف، نیز باید آزادی کامل داشته باشند و دخالت دو داور به منظور مشاوره و راهنمایی است.^۳

۴-۳. جدایی زن و شوهر: آخرین شیوه برخورد با مشکلات خانوادگی، جدایی رسمی زن و شوهر یا طلاق است. گاه ادامه زندگی خانوادگی نه تنها موجب نشاط و آرامش و کارایی بیشتر اعضا نمی‌شود، بلکه به آسیب روانی و بروز رفتار ناپه‌نچار می‌انجامد. در شرایطی که همه راههای اصلاح و حفظ بنیاد خانواده به بن‌بست می‌رسد، جدایی رسمی زن و شوهر، راه حلی برای خاتمه مشکلات و تنیدگی‌های اعضای خانواده است. از نظر اسلام، جدایی زن و شوهر امری ناخوشایند است و گفته شده که

۱. قائمی، نظام حیات خانواده در اسلام، ص ۳۵۴.

۲. احسانبخش، صادق، نقش دین در خانواده، ج ۲، ص ۳۷۱.

۳. بهشتی، خانواده در قرآن، ص ۱۰۶.

منفورترین امور نزد خداوند خانه‌ای است که به واسطه طلاق و جدایی ویران شود. سخنان اولیای دین (ع) زشتی و فاجعه‌آمیز بودن طلاق را گزارش می‌کند تا آنجا که پیامبر (ص) فرمود: به حدی به من در مورد زن سفارش شد که گمان کردم طلاق دادن زن جز در صورت ارتکاب زنا از سوی او، سزاوار نیست،^۱ ولی در شرایطی که ادامه زندگی به صورت متعادل با آرامش روانی، ممکن نباشد، ترک طلاق نامناسب^۲ و حتی ادامه زندگی مشترک موجب ضرراست.^۳ دین اسلام طلاق یعنی جدایی رسمی زن و شوهر را در قوانین خود پذیرفته است؛ زیرا گاه به هر دلیل ادامه زندگی مشترک برای زن و شوهر دشوار می‌شود، هرچند ممکن است جدایی به دلایل موهوم و مقطعی روی دهد. از سوی دیگر، اسلام حد طلاق را سه بار قرار داده است تا اگر مردی پس از مرتبه سوم بخواهد با همسر مطلقه خود ازدواج کند، لازم باشد پیش از آن، زن با مرد دیگری ازدواج کند و پس از طلاق، بتواند دوباره به عقد همسر اول^۴ درآید. این قانون در واقع شیوه‌ای برای جلوگیری از طلاقهای مکرر و بدون دلیل است. از آنجا که طلاق به متلاشی شدن خانواده می‌انجامد و عوارض نامطلوبی برای همه اعضای خانواده در پی دارد، تعالیم اسلام به روشهای گوناگون سعی کرده است از وقوع طلاق جلوگیری کند؛ از جمله قرارداددن شرایط خاص زمانی^۵ و وجود شاهدهایی برای انجام آن که دشوارتر از انجام عقد ازدواج است. افزون بر اینها، پس از طلاق نیز زن و شوهر در شرایط خاص می‌توانند در ایام عده بدون عقد ازدواج بلکه با یک لبخند رضایت، زندگی مشترک را از سر بگیرند.^۶ همچنین لزوم سکونت زن در ایام عده در منزل مرد مطابق قوانین اسلام، می‌تواند زمینه‌ای عاطفی ایجاد کند تا زن و مرد بار دیگر به هم پیوند بخورند و زندگی خانوادگی آنها گسسته نشود. در هر حال، اگر اختلاف زن و شوهر به طلاق کشید، دین اسلام توصیه می‌کند که طلاق همراه با احسان و نیکی به زن باشد^۷ و نباید به حدی زن تحت فشار قرار گیرد که ناچار شود با گذشت از همه حقوق خود به طلاق تن دهد.^۸

۱. حرزعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۲۶۷. ۲. همان، ص ۲۶۹.

۳. بقره، ۲۹۹. ۴. بقره، ۲۳۰.

۵. از جمله اینکه طلاق هنگامی صحیح است که از زمان پایان آخرین عادت ماهانه، تا زمان وقوع طلاق،

آمیزشی بین زوجین روی نداده باشد (صفائی و...، مختصر حقوق خانواده، ص ۲۲۳).

۶. همان، ص ۳۵۳.

۷. «سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ» و «تَسْرِيحُهُنَّ بِإِحْسَانٍ» بقره، ۲۳۱ و ۲۲۹.

۸. «وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْنَهُنَّ» نساء، ۱۹.

طلاق اگر با احسان و نیکی به زن و پرداخت همه حقوق او بر مبنای صحیح و مقبول همراه باشد، زمینه ازدواج مجدد و شروع زندگی متعادل‌تری برای هر یک از زن و مرد بهتر فراهم خواهد شد.

طلاق، به هر دلیل آثار روانی مخربی بر اعضای خانواده دارد. بیماری و رنجوری (۶۸/۹۴)، خستگی (۷۰٪)، بی‌اعتمادی نسبت به دیگران، کاهش کمیّت و کیفیت کار، احساس شکست در زندگی (۷۵٪)، نگرانی نسبت به فرزندان، ستیزه‌جویی، خودکشی، انحرافات اجتماعی، ناامیدی نسبت به آینده، اضطراب، دلتنگی، عصبانیت، و احساس گناه و پریشانی افراد، از عوارض روانی طلاق در زن و مرد است که در برخی موارد به درصد فراوانی آنها در زنان و مردان مطلقه اشاره کرده‌ایم^۱. پیشگیری از طلاق با حل مشکلات خانوادگی و راههای بهینه‌سازی روابط زوجین، اولین ابزار برای جلوگیری از بروز این حالات روانی است. حمایت اجتماعی، عاطفی و اقتصادی از این افراد، به ویژه زنان، می‌تواند در رفع عوارض روانی سودمند باشد. گاه واکنش دیگران نسبت به این افراد شدیدترین ضربه‌ها را بر آنان وارد می‌کند. در مقیاس سازگاری مجدد، طلاق پس از مرگ همسر، دومین عامل تنیدگی‌زا در زندگی است و ۷۳ درجه سازگاری مجدد را می‌طلبد^۲. باید به زن و مرد راههای مقابله با فشارها را آموخت و با مشاوره‌های پی در پی، آنها را در جهت سازگاری مجدد و ازدواج دوباره سوق داد.

فرزندان طلاق نیز با مشکلات عاطفی، اجتماعی و اقتصادی متعددی روبه‌رو می‌شوند. اغلب آنان از تغییر و تحولاتی که در خانواده روی می‌دهد، ناآگاه هستند و والدین احساس می‌کنند نمی‌توانند اعتماد به نفس کافی به فرزند خود بدهند. هدایت فرزندان در جهت برخورد سالم با طلاق، مسئله با اهمیتی است که کوتاهی در آن آثار زیانباری بر کودکان دارد. نزاعهای زناشویی برای همه فرزندان سخت و ناگوار است، هر چند برای پسر بچه‌ها تحمل این اختلافات دشوارتر است. آنان عصبی مزاج، خودسر و نامنظم بار می‌آیند و به اندازه دو برابر همسالان پسر رفتار مراجع انتظامی می‌شوند. دختران نیز مضطرب، نگران و منزوی می‌شوند یا از آداب اجتماعی لازم بی‌بهره می‌مانند.

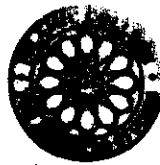
بر اساس مطالعات انجام شده، فرزندان در سال اول جدایی والدین دچار احساس

۱. فرجاد، آسیب‌شناسی اجتماعی...، ص ۳۰۰. ۲. دیماثو، روان‌شناسی سلامت، ج ۲، ص ۵۳۴.

خشم، ترس، افسردگی و احساس شدید گناه می‌شوند، و افزون بر اینها، در دراز مدت واکنشهایی از قبیل کم شدن نمره در آزمونها، پیشرفت و هوش، و فقدان الگوی مناسب برای ایفای زن یا مرد بودن از خود بروز می‌دهند و در نهایت، به مشکلات عاطفی و جنسیتی و دشواری‌هایی در زندگی زناشویی آینده گرفتار می‌شوند.^۱ پرداختن به همه این مشکلات، مجالی مستقل می‌طلبد و ما در این جا تنها به ارائه راه‌حلهایی برای پذیرش طلاق از سوی کودکان می‌پردازیم.

در مرتبه اول، فرزندان باید از پیش با مسئله طلاق و جدایی آشنا شوند، که در این صورت، درک و پذیرش همه مراحل آن برایشان بسیار ساده‌تر خواهد بود. بدین منظور، والدین باید چند روز قبل از جدایی، آمادگی و فرصت کافی برای درک مسئله به فرزند خود بدهند، و در مرتبه دوم، باید پس از جدایی برنامه‌ای منظم برای دیدار با کودک فراهم کنند، به گونه‌ای که در هفته اول جدایی - اگر امکان داشته باشد - هر روز به دیدار کودک بروند و سپس، برنامه تماس و ملاقات منظمی با کودک ترتیب دهند. در مورد طلاق باید برای کودک توضیحاتی ارائه شود. این در حالی است که تحقیقات نشان می‌دهد به ۸۰ درصد کودکان در مورد طلاق مطلبی گفته نمی‌شود. مسئله مهم، مطمئن ساختن کودک از ادامه رابطه با پدر و مادر است که در صورت تحقق آن، احساس ناامنی و تردید در کودک کم‌تر خواهد شد.^۲

از دیدگاه اسلامی، اگر والدین به مسئولیتشان نسبت به فرزندان توجه کنند و استمرار این مسئولیت حتی پس از طلاق و نیز وظایف مالی و عاطفی آنان نسبت به فرزندان به آنها گوشزد شود، مشکلات فرزندان می‌تواند تا حدی تقلیل یابد. به نظر می‌رسد اصل قرآنی «رها کردن با احسان» حداقل چیزی است که میزان و کیفیت رابطه زن و شوهر مطلقه را در نگهداری و تربیت فرزند، حفظ و تقویت می‌کند.



**TCAS
JAKARTA
LIBRARY**

نظام خانواده در اسلام

تعالیم اسلام - افزون بر توصیه‌هایی که در باب چگونگی روابط اعضای خانواده و اصلاح و بهبود آن دارد - در جنبه‌های دیگر مانند اقتصاد و حقوق خانواده نیز قوانین و توصیه‌هایی ارائه کرده است که در کارایی بیشتر خانواده و حفظ آن از نابهنجاری‌ها تأثیر می‌گذارد. در این فصل، پس از بیان انواع خانواده در اسلام از دیدگاه حقوقی و شرعی، به اقتصاد خانواده می‌پردازیم. بیان نمونه‌های رفتاری خانواده‌های الگو در اسلام نیز بخشی دیگر از این فصل است که می‌تواند رمز موفقیت این خانواده‌ها را نشان داده و زمینه همانندسازی با آنها را فراهم کند. سپس ملاکهای کارآمدی و به عبارت دیگر، نقاط کلیدی دیدگاه اسلام در باره خانواده را بررسی خواهیم کرد. در پایان این فصل نیز به جمع‌بندی دیدگاه‌های اسلام در خانواده خواهیم پرداخت و در جهت ارائه نظام جامعی از خانواده، مطابق دیدگاه اسلام، گامی به پیش خواهیم نهاد.

۱. انواع خانواده از دیدگاه اسلام

از مهم‌ترین اصول شرعی و حقوقی دین اسلام و دیگر ادیان الهی، تشکیل خانواده و ازدواج با فردی از جنس مخالف است. این قانون مبتنی بر اصل طبیعی تفاوت زن و مرد است. در انسان و سایر حیوانات، تولید مثل تنها از راه لقاح نطفه فرد نر و تخمک ماده تحقق می‌یابد. به علاوه، تولید مثل از اهداف طبیعت و ضرورت بقا و از انگیزه‌های اصلی و مهم ازدواج به شمار می‌رود. ازدواج - همان‌گونه که در فصلهای پیشین گذشت - در بردارنده نوعی تعهد بین زن و مرد است؛ بنابراین، ازدواج و تشکیل خانواده خارج از این محدوده، یعنی بین دو زن یا دو مرد، انحراف از قانون طبیعی است و انجام آن عواقب

نامطلوبی دارد که انسان را از تعادل و تکامل باز می‌دارد^۱. قرآن، حصول مودت و رحمت و آرامش برای زن و مرد را حاصل ازدواجی می‌داند^۲ که مطابق روند طبیعی است و تناسب اجزای جنسی زن و مرد باهم، در این رابطه نقش محوری دارد. به دلایل یاد شده، تعالیم اسلام برقراری روابط جنسی و به طریق اولی ازدواج دو مرد یا دو زن را به شدت نهی کرده است.^۳ قرآن در بیان داستان قوم لوط، از عمل آنها به اسراف^۴ و فاحشه^۵ یاد می‌کند که به معنای خروج از حد و عمل بسیار زشت و نامناسب است. جالب توجه آن است که حتی کسانی که این رفتار را انجام می‌دادند، به بزه و انحراف آن اذعان داشتند.^۶ اشاره قرآن به عاقبت شوم قوم لوط^۷ هدفی جز عبرت آموزی و ایجاد انگیزه قوی در ترک این رفتار ندارد؛ بنابراین، هرگونه ازدواج دو فرد هم‌جنس از دیدگاه اسلام امری انحرافی و نابهنجار است که در برخورد با آن در درجه اول باید چنین رابطه‌ای از هم گسسته شود. در نتیجه، توجه برخی نظریه‌پردازان خانواده به چنین روابطی که در بردارنده نوعی به رسمیت شناختن این رابطه است^۸، با روند طبیعی ازدواج در عالم طبیعت و مبانی اسلام و ادیان الهی که منطبق بر نیازهای طبیعی انسان و در راستای تعادل و تعالی او است، مخالف می‌باشد.

اصل دوم در قوانین اسلام، ازدواج هر زن در یک دوره معین، فقط با یک مرد است. بر اساس نیازهای طبیعی و ویژگی‌های خاص اعضای تناسلی زن، دین اسلام و سایر ادیان الهی ازدواج و برقراری روابط جنسی زن در دوره زمانی معین را فقط با یک مرد تجویز می‌کند. در بحث حدود و مرزهای رفتاری در خانواده، این امر بررسی شد که هرگونه روابط جنسی خارج از محدوده خانواده از نظر اسلام نامناسب است؛ بنابراین، خانواده شرعی از نظر اسلام خانواده‌ای است که زن در آن در دوره زمانی معین تنها با یک مرد وابستگی زوجی دارد. با توجه به این دو اصل، انواع خانواده‌های قانونی از دیدگاه اسلام را بررسی می‌نماییم.

وقتی از دگرگونی و تغییرات افراطی خانواده در قرن حاضر سخن به میان می‌آید،

۱. طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۵، ص ۲۰-۲۱. ۲. روم، ۲۱.

۳. کلینی، کافی، ج ۵، ص ۵۴۳-۵۵۱، حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۳۴۴.

۴. «إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِّمَّنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّشْرِقُونَ» اعراف، ۸۱.

۵. اعراف، ۸۰، نمل، ۵۴.

۶. تعبیر «إِنَّهُمْ أَنْأَسُ يَنْتَطَهَّرُونَ» در قرآن پاکدامنی طلبی مخالفان این رفتار در میان قوم لوط نشان می‌دهد.

۷. هود، ۸۲ و ۸۳.

۸. اعراف، ۸۲.

۹. کارلسون. خانواده درمانی، تضمین کارآمد، ص ۲۳.

الگوها و انواع متعددی از خانواده مطرح می‌شود. از دیدگاه اسلام، فقط خانواده‌هایی سالم و مشروع‌اند که این دو اصل در آنها حاکم باشد. افزون بر این، زن و مرد بر اساس یک قرارداد اجتماعی، زندگی خانوادگی را آغاز می‌کنند؛ بنابراین، خانواده‌های تحت عنوان همزیستی، همجنس‌گرایان، ازدواج‌های قراردادی غیرسستی، و افرادی که نه به عنوان زن و شوهر بلکه به طور موقت با هم زندگی می‌کنند و حتی ممکن است در همان زمان با مرد یا زن دیگری روابط جنسی داشته باشند، از دیدگاه اسلام بهنجار و طبیعی محسوب نمی‌شوند؛ زیرا نمی‌توانند حد مناسب و قابل قبولی از اهداف اسلام در ازدواج و تشکیل خانواده را تأمین کنند؛ در نتیجه تأکید دوهرتی^۱ بر انعطاف به عنوان ارزش عمده خانواده در عصر حاضر، پذیرفتنی نیست. او به خانوادهٔ جمعی و کثرت‌گرا معتقد است که به افراد آزادی می‌دهد تا شکل‌هایی از خانواده را متناسب با نیازهای در حال تغییر آنان در دوره‌های مختلف زندگی، برگزینند.^۲ به نظر می‌رسد، برخلاف دیدگاه دوهرتی، تطابق شکل هر خانواده با ساختار واحد، بر اساس نظام ارزشی خاص برای جلوگیری از فروپاشی خانواده ضروری است. در غیر این صورت اهداف مورد نظر تشکیل خانواده، مانند حمایت عاطفی و روانی زن و مرد از یکدیگر، حصول آرامش، و تولید و پرورش فرزندان سالم، تحقق نخواهد یافت.

۱-۱. خانواده‌های تک‌همسری: در این خانواده‌ها که در بین مسلمانان غالب است، مرد با یک همسر زندگی می‌کند. برخی اصل را در دین اسلام تک‌همسری می‌دانند، بدین معنا که در شرایط عادی بی‌تردید بهتر از چند همسری است، زیرا مقتضای تعلق خانوادگی، اختصاص و تعلق جسم و روح هر یک از زوجین به دیگری است و وحدت و یگانگی در زوجیت اختصاصی، بهتر و کامل‌تر تحقق می‌یابد.^۳ اهدافی مانند سکونت، آرامش^۴، مودت و رحمتی^۵ که قرآن برای ازدواج و رابطه زن و شوهر بیان می‌کند، بی‌تردید با تک‌همسری بهتر تحقق می‌یابد. در این خانواده‌ها، سوء تفاهمها آسان‌تر حل می‌شود و به علت نیاز عاطفی زوجین به یکدیگر و انحصار ارضای آن در یک رابطه خطی، آنان به تقویت این رابطه اهتمام می‌ورزند و استمرار و طولانی شدن مشکلات و

1. Doherty.

۲. کارلسون، خانواده درمانی، تضمین کار آمد، ص ۲۷. ۳. مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، ص ۳۶۳.

۴. «وَجَعَلَ مِثْلَهَا رُؤُوسَهَا لِيَتَكَبَّرَ عَلَيْهَا» اعراف، ۱۸۹. ۵. روم، ۲۱.

سردی رابطه را بر نمی‌تابند. بررسی چند همسری و نکاتی که در آن‌جا بیان خواهد شد، این واقعیت را بهتر روشن خواهد کرد.

۱-۲. خانواده‌های چند همسری: قوانین اسلام نوع دیگری از خانواده را به رسمیت شناخته که در آن یک مرد می‌تواند به طور هم‌زمان با بیش از یک تا حداکثر چهار زن، زندگی زناشویی داشته باشد. همه زنان در حقوق همسری برابرند و در قوانین اسلام تمایزی در حقوق آنها وجود ندارد.^۱ با بررسی آیات قرآن^۲ و سخنان معصومین(ع)، می‌توان دریافت که چند همسری به این شکل در اسلام پذیرفته شده است. البته بررسی مورخان و تمدن‌شناسان تاریخ عربستان و حتی ایران نشان می‌دهد که اسلام چند همسری را ابداع نکرده، بلکه این خانواده‌ها پیش از اسلام نیز معمول بوده است.^۳ دین اسلام، چند همسری را تعدیل نمود و برای آن شرایطی مقرر کرد، تا حقوق زنان بهتر تأمین شود. با بررسی علل تاریخی، اجتماعی و روانی-فردی تعدد همسر این مسئله روشن خواهد شد.

در بررسی علل تاریخی چند همسری، اولین فرضیه‌ای که گاه مطرح شده این است که زورگویی، تسلط مرد بر زن و به تعبیری مردسالاری، قانونی را به نفع مردها تثبیت کرده که با برطرف شدن شرایط، برداشته شده است. هرچند قدرت مردان در گردش تاریخ بشر بسیار تأثیرگذار بوده، ولی نبود چند همسری در جوامع و ملل مغرب زمین با وجود قدرت و تحکم بسیار مردها در اروپای قرون وسطی، چنین فرضیه‌ای را با تشکیک رو به رو می‌سازد. هوسرانی مردها نیز نمی‌تواند در جنبه تاریخی، به تنهایی منشأ چند همسری محسوب گردد؛ زیرا برای چنین مردانی راههای سهل‌تر و بی‌دردس‌تر از چند زنی وجود داشته، مانند روابط آزاد جنسی، که بتوانند تنوع طلبی خود را ارضا کنند، بدون آن که زنی بگیرند و مسئولیت اداره او و فرزندان را متحمل شوند.^۴ به نظر می‌رسد مهم‌ترین عامل در قانون‌مند کردن روابط جنسی و ازدواج در طول تاریخ، امری جز تعالیم ادیان الهی نبوده است. در امر چند همسری نیز تجویز و

۱. در مواردی مانند تقسیم شبها و سهم هر زن، نفقه و ارث تفاوتی بین همسران یک مرد از نظر اسلام وجود ندارد (حز عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۸۰-۹۳).

۲. «فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَتْنًى وَتَلْتُمْ وَرَبِّعًا» نساء، ۳.

۳. دورانت، ویل، تاریخ تمدن، روسو و انقلاب، ج ۱، ص ۶۱؛ لوبون، گوستاو، تاریخ تمدن، ص ۵۰۷؛ کریستین سن، آرتور امانوئل، ایران در زمان ساسانیان، ص ۳۴۶. ۴. مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ص ۳۸۷.

تأیید ادیان الهی موجب استمرار این پدیده شده است. آیین یهود و مسیحیت منعی بر چند همسری نداشته و آن را تأیید کرده‌اند، ولی برخی روحانیون مسیحی آن را منع کرده‌اند؛ البته برخی مانند مارتین لوتر کینگ، - مؤسس مذهب پروتستان - آن را تأیید کرده‌اند.^۱

در بررسی عوامل اجتماعی چند همسری، باید به شرایط و مقتضیات اجتماعی که آن را ضروری می‌سازد، توجه شود. در این باره نکته محوری، فزونی عدد زنان آماده ازدواج بر عدد مردان آماده ازدواج است. آمارها در شرایط کنونی ایران این واقعیت را تأیید می‌کند، به گونه‌ای که مازاد زنان ۱۵-۲۹ ساله از مردان ۲۰-۳۴ ساله در سال ۱۳۷۵، حدود یک میلیون و ششصد هزار نفر بوده است. افزون بر این، تغییرات نسبتهای جنسی ازدواج نکرده‌ها در ایران، دشواری‌های بیشتر دختران را برای ازدواج نشان می‌دهد.^۲ در مورد کشورهای دیگر نیز آمارهایی از جمهوری کره، شوروی، کشورهای اروپایی و حتی آمریکا، فزونی زنان آماده ازدواج بر چنین مردانی را تأیید می‌کند.^۳ علت این فزونی نیز تا حدی روشن است؛ زیرا در بسیاری حوادث، تلفات جنس مرد از تلفات زنان بیشتر است. به طور کلی، زنان به دلیل برخورداری از برخی امتیازهای زیست‌شناختی بخت بیشتری برای ادامه زندگی دارند، هر چند این امر در برخی شرایط اجتماعی و اقتصادی و نسبت خاص برای توضیح اختلاف در مرگ و میر بر حسب جنس کافی نیست.^۴ در جنگها که با رشد صنعت در قرن حاضر تلفات بی‌شماری داشته است، درصد بالایی از تلفات به جنس مرد اختصاص دارد. به علت مقاومت بیشتر جنس زن در برابر بیماری‌ها، امید زندگی زنان در بیشتر کشورها، به طور متوسط بیش از مردان است، برای مثال، در یازده کشور صنعتی فنلاند، فرانسه، آمریکا، اتریش، کانادا، استرالیا، بلژیک، انگلیس، سوئد، ژاپن و یونان امید زندگی بدو تولد در زنان به طور متوسط شش سال بیش از مردان است.^۵ بنابراین، می‌توان گفت که شرایط اجتماعی نیز زمینه‌ای مساعد برای چند همسری فراهم می‌کند.

۱. فرحات، کرم حلمی، تعدد الزوجات فی الادیان، ص ۱۸-۱۱؛ مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ص ۳۷۴.

۲. درودی آمی، ناهید، «عدم توازن نسبت‌های جنسی در سنین ازدواج»، جمعیت، سال دهم، ش ۴۱، ص ۱۶-۹.

۳. مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ص ۱۶۴.

۴. سید میرزایی، سید محمد، جمعیت‌شناسی عمومی، ص ۶۴.

۵. همان، ص ۶۱.

در بعد روانی و فردی نیز تفاوت‌هایی در زن و مرد دیده می‌شود، که نیاز بیشتر مرد به روابط جنسی و به تبع آن چند همسری را تأیید می‌کند. زنان در یک سوم هر چرخه تقریباً یک ماهه میلی به روابط جنسی ندارند و از لحاظ جسمی نه تنها چنین روابطی برای آنها لذت‌آور نیست،^۱ بلکه غالباً از آن نفرت دارند و این جدای از محدودیتی است که ادیان الهی برای روابط جنسی در روزهای عادت ماهانه قرار داده‌اند. فرزندزایی و ایفای مسئولیت‌های مادری نیز که هنوز در همه فرهنگ‌ها امری پذیرفته شده است، زنان را از لحاظ علایق و نیازهای جنسی در سطح پایین‌تری قرار می‌دهد.

با توجه به دلایل یاد شده می‌توان به این واقعیت اذعان کرد که در چنین شرایطی، به ویژه وقتی فزونی زنان آماده ازدواج نسبت به مردان پدیده‌ای انکارناپذیر باشد، با منع چند همسری، زنان فشار بیشتری را متحمل می‌شوند و از یک حق طبیعی یعنی ازدواج محروم می‌گردند. مسئله مهم در ازدواج زنان تنها تأمین نیازهای جنسی نیست، بلکه نیازهای عاطفی، تکیه‌گاه روانی، پشتوانه اقتصادی، فرزندزایی، و نیازهای مادری همه در پرتو ازدواج برای زنان قابل تأمین هستند. وقتی شرایطی ایجاد شود که ازدواج به صورت تک‌همسری برای زنان مقدور نباشد، سه راه در پیش روی آنهاست: نیازهای طبیعی خود را سرکوب کنند و خود را از این حق محروم سازند که در این فرض باید متحمل محرومیت از همه مزایای ازدواج شوند. راه دوم این است که خارج از محدوده ازدواج، نیازهای خود را ارضا نمایند که در این صورت، نه تنها نیازهای آنها به طور کامل و حتی به طور قابل قبولی ارضا نمی‌شود، بلکه به علت عدم پذیرش آزادی جنسی از سوی بیشتر جوامع و ادیان الهی، این روش آثار روانی ناخوشایندی از قبیل احساس گناه به همراه خواهد داشت. راه سوم این است که زن بتواند در کنار زن دیگری به همسری مردی درآید. در این حالت، هرچند به برخی مزایای تک‌همسری ناآل نخواهد شد، در بعد قانونی و حقوقی تفاوتی با این‌گونه زنان نخواهد داشت و از همه حقوق همسری که در فصل‌های پیشین بیان گردید، بهره‌مند خواهد شد.^۲ از سوی دیگر، مرد نیز باید نسبت به رعایت این حقوق اهتمام داشته باشد؛ بنابراین، تعدد همسر به طور کلی می‌تواند برای زنان و جامعه سودمند باشد، و عدم پذیرش این قانون نیز پیامدی جز آزادی روابط

۱. قرآن نیز به این امر اشاره کرده است: «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذَىٰ فَاعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ»

۲. «وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ» بقره، ۲۲۸.

بقره، ۲۲۲.

جنسی در پیش روی جوامع قرار نمی‌دهد و از این رو، فرهنگ غرب برای فرار از این مشکلات حدود روابط جنسی و قانون‌مند کردن آن را نادیده می‌گیرد.

اسلام با پذیرش چند همسری شرایط و حدودی برای آن قرار داده است تا از پیامدهای نامطلوب احتمالی آن جلوگیری کند. دین اسلام عدالت و صلاحیت قطعی مرد^۱ را برای اختیار کردن بیش از یک زن شرط کرده است. قرآن به مردان توصیه می‌کند تا از توان خود در برقراری عدالت بین زنان اطمینان حاصل نکرده‌اند، به یک همسر بسنده کنند.^۲ قرآن ضمن اعلام اینکه مردها، از نظر عاطفی هرگز نمی‌توانند بین زنان عدالت برقرار کنند و بی‌تردید به برخی گرایش بیشتر خواهند داشت، به آنان توصیه می‌کند همه گرایش خود را به یک زن معطوف نسازند و دیگری را به صورت سرگشته و بلا تکلیف رها نکنند.^۳ با توجه به شرایط سنگین تعدد همسر از قبیل رعایت عدالت در رفتار، هم زیستی و هم خوابگی، تأمین مخارج، و عدم برانگیختن هیجانات همسران، اقدام به ازدواج مجدد باید با دقت و بررسی عمیق روان‌شناختی صورت گیرد؛ برای نمونه، شرایطی مانند بیماری و زمین‌گیری زن، نازایی او، ناتوانی در معاشرت و روابط جنسی و عاطفی با مرد، سرد مزاجی زن، و مسافرت مرد بین چند شهر و شدت نیاز جنسی در او، معمولاً موجب بروز مشکلات و فشارهایی برای چنین مردانی می‌شود که گاه خانواده‌ها را به مرز فروپاشی می‌کشاند. در این شرایط، مردان می‌توانند با رعایت جوانب مختلف اخلاقی، به ازدواج مجدد اقدام نمایند. در عین حال، باید تا حد توان از بروز پیامدهای نامطلوب این امر که از جمله آنها ضربه عاطفی به زن اول است، جلوگیری کنند. هر چند این امر بیشتر جنبه فرهنگی دارد؛ زیرا در برخی کشورهای اسلامی چند همسری امری عادی تلقی می‌شود و زنان برای این مسئله اهمیت چندانی قائل نمی‌شوند و به زندگی خود ادامه می‌دهند.

۳- ۱. خانواده‌های ازدواج موقت: قوانین اسلام نوع دیگری از ازدواج را به رسمیت شناخته که در مقابل ازدواج دائم - قراردادی که تا پایان عمر زن و شوهر ادامه دارد - می‌تواند به صورت موقت و در دوره زمانی خاصی باشد. در این ازدواج پس از گذشت دوره زمانی معین، زن و مرد خود به خود از هم جدا می‌شوند و نیازی به طلاق نیست.

۱. طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۴، ص ۳۰۲.

۲. «فَإِنْ حَفَّتُمْ اللَّأْتَعِيلُوا فَوَجِدْهُ» نساء، ۳.

۳. «وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَتَّبِعُوا كَلَّ الْأُنثَىٰ فَتَدْرُوهَا كَالْمُعَلَّةِ» نساء، ۱۲۹.

آیه قرآن^۱ و روایات اهل بیت (ع)^۲ این ازدواج را تأیید کرده و همه فقهای مذهب شیعه آن را پذیرفته‌اند. علمای اهل سنت نیز معتقدند این ازدواج در زمان رسول خدا (ص) به دلیل همین آیه تأیید گردیده، ولی بعد نسخ شده^۳ و یا خلیفه دوم آن را لغو کرده است.^۴ با بررسی شرایط اجتماعی و نیازهای جنسی مرد و زن، می‌توان به تأثیر مثبت این قانون بر سلامت روانی و اخلاقی جوامع، خانواده‌ها و افراد پی برد. البته هر قانون مفیدی ممکن است زمینه‌ای را برای سوء استفاده و بروز رفتار نابهنجار فراهم کند. عوامل اجتماعی برای لزوم قانون چند همسری در مورد ازدواج موقت نیز صادق است، به ویژه که در برخی شرایط ازدواج دائم حتی با وجود پذیرش چند همسری، برای تعدادی از زنان و مردان مقدور نیست. عدم استفاده از این قانون، می‌تواند یکی از عوامل آزادی روابط جنسی در جوامع کنونی به ویژه جوامع غربی باشد. از آن‌جا که ازدواج دائم در بیشتر جوامع برای بسیاری به ویژه جوانان تا مدتها پس از بروز نیاز جنسی، فراهم نیست و در برخی شدت این نیاز زیاد است، افراد برای رفع این نیازها به برقراری روابط جنسی بدون هرگونه چهارچوب و حد و مرزی می‌پردازند. در این حالت، نیازهای جنسی افراد تأمین و ارضا می‌شود، ولی بسیاری از حدود و اخلاقیات در چهارچوب روابط انسانی آسیب می‌بیند، به گونه‌ای که برجسته‌ترین جنبه‌های روابط انسانی بین زن و مرد، رنگ جنسی به خود می‌گیرد و جنبه‌های دیگر تحت الشعاع قرار می‌گیرد.

همان‌گونه که در بحث چند همسری گذشت، نیاز و فعالیت‌های جنسی مرد از زن بیشتر است، و وضعیت فیزیولوژیک و روانی آنها شاهدهی بر آن است؛ از این رو، در بیشتر جوامع مردان بیشتر از زنان به دنبال تنوع‌طلبی و روابط جنسی گسترده‌تر هستند. این امر موجب می‌شود که از لحاظ قانونی نیز راه موجهی برای ارضای نیازهای شدید برخی مردان قرار داده شود. علامه طباطبایی^۵ نیز به چنین راه حلی برای این واقعیت اجتماعی اشاره دارد. نظر کلی و گسترده به جهان انسانی نشان می‌دهد که روابط جنسی در جوامع بشری را نمی‌توان به ازدواج دائم محدود ساخت و هرگونه روابط جنسی دیگر را غیرقانونی شمرد؛ زیرا ازدواج دائم به تنهایی نمی‌تواند به نیاز جنسی پاسخ دهد. دولت‌ها و قوانین مربوط نیز در همه کشورهای توسعه یافته و غیر آن توانسته‌اند از شیوع روابط

۱. «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً» نساء، ۲۴.

۲. جزعاملی، وسائل الشیعة، ص ۴۳۶ - ۴۴۴.

۳. سیوطی، الدر المنثور، ج ۲، ص ۱۳۹.

۴. طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۴، ص ۴۶۸ - ۴۷۱.

۵. همان، ص ۴۸۰.

جنسی موقت جلوگیری کنند و در همه شهرها مراکزی آشکار یا پنهان برای این عمل وجود دارد. در این شرایط، دینی که بخواهد روابط جنسی را به ازدواج قانونی محدود کند و از روابط جنسی غیرقانونی جلوگیری نماید، ناگزیر است ازدواج موقتی را با شرایطی خاص در قانون خود جای دهد، تا در حد توان از پیامدهای نامناسب روابط جنسی نامشروع جلوگیری کند.^۱ حضرت علی(ع) فرمود: «اگر عمر ازدواج موقت را ممنوع اعلام نمی‌کرد، غیر از افراد ناصالح کسی مرتکب زنا نمی‌شد»؛^۲ به دیگر سخن، ازدواج موقت راهی است که در بسیاری از موارد می‌تواند مانع برقراری روابط جنسی نامشروع شود؛ بنابراین، قانون ازدواج موقت به طور کلی می‌تواند برای سلامت روانی جامعه، خانواده‌ها و افراد مفید باشد. البته استفاده از این ازدواج شرایط و حدودی دارد و باید در این رابطه به توصیه‌هایی توجه شود تا حد امکان از پیامدهای احتمالی و نامناسب آن جلوگیری شود. در این مورد اشکالهایی مطرح شده که ما بیشتر به بعد روان‌شناختی آن توجه داریم. برخی گفته‌اند اساس ازدواج بر دوام و استمرار است؛ زیرا زن و مرد در ازدواج به دنبال تکیه‌گاهی روانی و آرامش‌بخش هستند، و این در صورتی است که آن دو خود را همیشه متعلق به یکدیگر بدانند و تصور جدایی به ذهن آنها خطور نکند؛ به همین جهت ازدواج موقت نمی‌تواند نیازهای اساسی زن و مرد را برآورده سازد.^۳ انگیزه مردان در ازدواج موقت، در بیشتر موارد، منحصر به ارضای نیازهای جنسی است. در مقابل زنان افزون بر نیازهای جنسی، انگیزه‌های روانی دیگری را دنبال می‌کنند. در عمل هرچند مردها از ازدواج موقت بهره‌هایی می‌برند، زنان کم‌تر به اهداف دیگر خود دست می‌یابند و معمولاً پس از اتمام دوره ازدواج، خود را ناکام می‌بینند.^۴ با استفاده از تعالیم اسلام، و با تبیین فلسفه ازدواج موقت و شناخت دقیق شرایط آن، این مشکلات را می‌توان تا حدی کاهش داد. در صورتی که مرد و به ویژه زن بدانند تنها تا مدتی معین به زوجیت هم درمی‌آیند، انتظارات خود را از ابتدا تعدیل خواهند کرد. در ارضای نیازهای عاطفی و جنسی، این پینش اولیه می‌تواند کارساز باشد؛ بدین معنا که زن انتظار همسری دائمی را که پشتوانه محکمی برای او باشد، ندارد و مرد

۱. مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ص ۶۱-۵۸.

۲. حرزعاملی. وسائل الشیعه. ج ۱۴، ص ۴۳۶. «کان علی(ع) یقول: لولا ما سبقنی به ابن الخطاب ما زنی الّا شقی».

۳. مطهری. نظام حقوق زن در اسلام، ص ۶۴-۶۵.

۴. سالاری فر، محمدرضا، مقایسه نظریه خانواده درمانی مینوچین با دیدگاه اسلام در خانواده، ص ۵۷.

نیز چنین توقعی در او ایجاد نمی‌کند. این ازدواج می‌تواند برای مردانی که به دلایلی در ازدواج دائمی به ارضای نیازهای اساسی خود نرسیده‌اند و نیز زنانی که ازدواج دائم برایشان مقدور نیست، زمینه‌ای برای برون‌ریزی عاطفی و ارضای نیازهای روانی هرچند در کوتاه مدت فراهم کند. این ازدواج در مقایسه با یک رابطه جنسی آزادانه و بدون قید و شرط می‌تواند بخشی از نیازهای زن و مرد را برطرف کرده و پیامدهای نامناسب کم‌تری داشته باشد؛ زیرا خروج از قوانین که در رابطه جنسی آزاد روی می‌دهد، در ازدواج موقت پدید نمی‌آید. روشن است که اساس خانواده در اسلام بر پایه ازدواج دائمی است و به کار بردن عنوان «خانواده» برای ازدواج موقت، که گاه ممکن است ساعتی بیشتر به طول نینجامد، دشوار می‌نماید، مگر آن‌که برخی آثار ازدواج را در آن در نظر بگیریم؛ بنابراین، ازدواج موقت از نظر اسلام شیوه‌ای مقطعی برای حل برخی مشکلات افراد است. البته اگر مردان دارای همسر، به ازدواج موقت اقدام کنند، ممکن است ضربه‌های شدید عاطفی به خانواده آنان وارد شود و به همین جهت، اشاره خواهیم کرد که بر اساس توصیه‌های اولیای دین (ع)، مردان دارای همسر باید تا حد امکان از ازدواج موقت خودداری کنند.^۱

از دیگر مشکلات خانواده‌های ازدواج موقت، اداره فرزندان است؛ زیرا وضعیت آنها پس از اتمام دوره ازدواج، مشابه فرزندان طلاق خواهد شد. چنین فرزندی اگر بعد از پایان دوره زوجیت متولد شوند، از ابتدا با جدایی پدر و مادر و معمولاً محرومیت از توجه و محبت مستمر پدر روبه‌رو خواهند بود. این خانواده آشیانه نامناسبی برای کودکان است و آنان بی‌سرپرست و از حمایت پدری و مادران و مهربان و مادری دلگرم به خانواده، محروم می‌مانند.^۲ تعالیم اسلام برای توجه به این مشکل خانوادگی دو راه پیشگیرانه و حل‌کننده دارد. فقهای شیعه هدف ازدواج موقت را بهره‌وری و ارضای نیاز جنسی می‌دانند،^۳ در حالی که در ازدواج دائم بر تولید نسل و تشکیل خانواده تأکید می‌شود؛ به همین جهت در ازدواج دائم فقط با رضایت زن و شوهر، جلوگیری از تولید نسل رواست، ولی در ازدواج موقت هر یک از زوجین می‌توانند به طور مستقل مانع تولید مثل شوند؛^۴ بنابراین، با توجه به شرایط نامناسبی که فرزندان ازدواج موقت در آینده با آن

۱. کلینی، فروع کافی، ج ۵، ص ۴۵۲، ح ۲، ۱، ۳ و ۴. ۲. مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ص ۶۹.
 ۳. نجفی، جواهر الکلام، ج ۳۰، ص ۱۴۷-۱۵۲؛ سایر احکام ازدواج موقت نیز شاهد بر همین نکته است.
 ۴. همان، ص ۱۸۷.

روبه‌رو خواهند بود، اصل اولیه استفاده از ازدواج موقت به منظور ارضای نیازهای جنسی و جلوگیری از تولید مثل است. با این حال اگر فرزندی حاصل ازدواج موقت باشد، همه وظایف و توصیه‌هایی که در مورد رابطه فرزندان و والدین از نظر اسلام در مباحث این کتاب بیان شد، عیناً در مورد این گونه فرزندان و والدین، یعنی خانواده ازدواج موقت، جریان می‌یابد. در این شرایط، والدین هرچند از هم جدا هستند، باید به نیازهای جسمانی، عاطفی و روانی فرزند خود اهمیت دهند و کوتاهی در این مسؤلیت، موجب بازخواست در درگاه الهی و از نظر حقوقی نیز قابل پی‌گیری است. در این حالت نیز مانند سایر خانواده‌ها، احساس مسؤلیت و تعهد والدین می‌تواند مشکل را تا حدی حل کند، و حتی در مواردی ممکن است والدین بتوانند فرزندان را بهتر از فرزندان ازدواج دائم پرورش دهند.

یکی از مشکلات مهم در ازدواج موقت، پیامدهای منفی آن در خانواده مردانی است که به این ازدواج اقدام می‌کنند. کم توجهی به همسر و فرزندان، و تمرکز سرمایه‌گذاری عاطفی بر همسر موقت، موجب ناکامی و محرومیت اعضای خانواده اصلی او از حقوق مشروع خود می‌شود. همین امر، بی‌اعتمادی و مشکلات در روابط میان فردی را در خانواده افزایش می‌دهد. گاه خانواده که باید محلی برای آرامش بخشی اعضا باشد، به محیطی تنش‌زا و نفرت‌آور تبدیل می‌شود. هوسرانی و زیاده‌روی در ازدواج موقت، به سلامت و آرامش خانواده آسیب جدی وارد می‌سازد.

در رویارویی با این مشکل، آموزه‌های اسلام در درجه اول به دنبال مهار و تعدیل نیازهای جنسی است، هر چند توجه به این نیاز و ارضای آن را امری مطلوب می‌شمارد؛ از این رو، در کلمات اولیای دین آمده است: افرادی که به دنبال کام‌جویی و لذت‌طلبی از زنان گوناگون باشند، مورد لعن و خشم خدا قرار می‌گیرند.^۱ اولیای دین در قضیه ازدواج موقت، بر نیازهای عاطفی همسران تأکید کرده‌اند. امام رضا(ع) از پیروانش می‌خواهد که به خاطر جلب رضایت همسران خود از ازدواج موقت خودداری کنند و با این عمل، از همسر خود غافل نشوند تا در نتیجه، آنها از دین خدا روی‌گردان و از دوستی ائمه(ع) منصرف شوند و حتی به خاطر این قانون، به ائمه(ع) نفرین کنند.^۲ امام موسی بن جعفر(ع) نیز به یکی از اصحاب خود که در باره ازدواج موقت پرسید، فرمود:

۱. کلینی. فروع کافی، ج ۶، ص ۵۴، «ان الله بیغض و یلعن کل ذواق من الرجال» کلمه «ذواق» به معنای بهره‌جویی و جشیدن لذت از زنان گوناگون است که شامل افراط در ازدواج موقت نیز می‌شود.

۲. همان، ج ۵، ص ۴۵۳، ح ۳.

تو را با ازدواج موقت چه کار؟! در حالی که خداوند تو را از آن بی‌نیاز کرده است.^۱ مرحوم کلینی نیز اجتناب از ازدواج موقت را برای افرادی که می‌توانند نیازهای جنسی خود را با همسر دائمی خود برآورده کنند، لازم شمرده است.^۲ همچنین ائمه اطهار^۳ ازدواج موقت را برای دخترانی که تاکنون ازدواج نکرده‌اند، مناسب ندانسته‌اند؛ زیرا این امر عیبی و نقصی برای خانواده دختر به شمار می‌رود. با توجه به نکاتی که بیان شد و سخنان ائمه (ع) که ذکر گردید، به نظر می‌رسد ازدواج موقت تنها برای افرادی با شرایط ذیل مناسب است:

الف - زنان و مردانی که به علت شرایط اجتماعی، اقتصادی، وضعیت تحصیلی و جز اینها، ازدواج دائم برای آنها، مقدور و یا بسیار دشوار است.

ب - مردانی که به علت بیماری همسر یا به علت مسافرت و عدم دسترسی به همسر، در ارضای نیازهای جنسی خود مشکل دارند.

ج - مردانی که به علت میل جنسی بسیار قوی با یک همسر ارضا نمی‌شوند و ممکن است به فساد و فحشا آلوده گردند.^۴

در این شرایط، با رعایت سایر نکات از جمله حقوق و نیازهای عاطفی همسر دائمی و خانواده، انجام ازدواج موقت می‌تواند به حل مشکلات برخی خانواده‌ها کمک کند و افراد را از محرومیت‌های عاطفی و گاه فروپاشی خانواده بازدارد.

۲. آثار روان‌شناختی قوانین اقتصادی اسلام در خانواده

تعالیم اسلام، قوانین اقتصادی ویژه‌ای برای خانواده دارد که نه تنها نظام اقتصادی خانواده را اداره و تنظیم می‌کند، بلکه در سلامت روانی، تعادل و تعالی خانواده و اعضای آن نقش مؤثری دارد. در این قسمت، با بررسی سه امر اقتصادی مهم در خانواده از دیدگاه اسلام، یعنی مهریه، نفقه و ارث، تأثیرهای روان‌شناختی آنها را مورد توجه قرار می‌دهیم.

۱. همان، ص ۴۵۲، ح ۱.

۲. همان.

۳. همان، ص ۴۶۲.

۴. روایات وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۳۶ - ۴۵۰ و روایات مستدرک الوسائل، ج ۱۴ می‌تواند شاهی برای این نظر باشد، که از جمله آنها می‌توان به روایات «باب کراهة المتعة مع الغنی عنها و استلزامها الشنعة او نساد النساء...» وسائل الشیعة (ج ۱۴، ص ۴۵۳) اشاره کرد.

۱-۲. مهریه

«مهریه» از سوی مرد به زن داده شود.^۱ مرد و زن در مورد مهریه و مقدار آن باید به توافق برسند^۲ و زن پس از ازدواج مالک مهریه می‌شود و می‌تواند در آن هرگونه تصرفی بکند. مهریه پیش از بعثت پیامبر(ص) نیز در ازدواجها وجود داشته و اسلام آن را تعدیل و مواردی از آن را باطل اعلام کرده است.^۳ در درجه اول، مهریه امر با ارزشی است که از جانب مردی که زن می‌خواهد سالها با او زندگی مشترک داشته باشد، به او داده می‌شود. قرآن از مهریه به «صَدَقَة» تعبیر می‌کند که نشانه راستین بودن علاقه مرد و افزون بر آن، به معنای صداقت در باور است. کلمه «نحله» نیز به معنای هدیه و پیش‌کشی است.^۴ این امر تأثیر روان‌شناختی ویژه‌ای در زن بر جای می‌گذارد. وی احساس می‌کند مرد به او علاقه‌مند است و علاقه خود را در میدان عمل نیز نشان داده و حاضر است هزینه آن را بپردازد. اینکه چرا مرد باید پیش‌کش را بپردازد، به تفاوت روان‌شناختی زن و مرد در عشق‌ورزی باز می‌گردد. بدون شک جذابیت ظاهری و روانی جنس زن از مرد بیشتر است و همین امر موجب شده که امروزه بیشتر فرهنگها از زن به سان وسیله مناسبی برای تبلیغات، استفاده کنند؛ در نتیجه مرد به سوی زن کشیده می‌شود و زن نیز با حیا و خودداری این جاذبه را بیشتر می‌کند؛ چنان‌که در حیوانات نیز چنین وضعیتی دیده می‌شود و حیوان نر همیشه به دنبال جفت خود می‌دود.^۵ در این رابطه مرد با هدیه‌ای، موجبات رضایت زن به پیوند ازدواج را فراهم می‌کند.

نکته دوم، ارزش اقتصادی مهریه برای زنان است. وضعیت زیستی و اجتماعی زنان به گونه‌ای است که در همه دوره‌های تاریخ، در بعد اقتصادی از مردها پایین‌تر بوده‌اند.^۶ زنان در مدت بارداری و پس از زایمان که به شیردهی و پرورش نوزاد می‌پردازند، عملاً نمی‌توانند فعالیت و کار درآمدزایی داشته باشند. افزون بر این، حتی در عصر حاضر در بیشتر جوامع مسؤلیت اداره خانه با زنان است و این خود وقت بسیاری از آنها می‌گیرد، بدون آن‌که در برابر آن در آمدی کسب کنند؛ از این رو، قرار دادن مهریه برای خود زن و نه پدر یا خورشان او، پشتوانه اقتصادی نسبتاً مطمئنی را برای او فراهم می‌آورد تا با

۱. رک: رساله‌های فقهی و آیات قرآن مانند سوره نساء، ۴.

۲. «ماتراضیا علیه...» کلینی، فروع کافی، ج ۵، ص ۳۷۸.

۳. مطهری، نظام حقوق زن در اسلام ص ۲۳۸. ۴. همان، ص ۲۳۵.

۵. همان، ص ۲۳۲-۲۳۴.

۶. امام رضا(ع) در سخنی، با بیان دلایل تشریح مهریه، به این امر اشاره دارد: «... مع ان النساء محضورات عن

التعامل والمتجر... حرعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۵، باب ۱۱، ح ۹.

دلگرمی بیشتری به ایفای مسؤولیتهای خانوادگی پیردازد. در متون اسلامی، شواهدی وجود دارد که اهمیت اقتصادی مهریه را برای زنان نشان می‌دهد. به طور کلی، ندادن مهریه به زن نوعی دزدی به شمار رفته است.^۱ این امر باعث می‌شود رابطه جنسی مرد با همسر قانونی خود مانند روابط غیرمشروع به نظر برسد^۲ و حتی در روایات آمده است خداوند یکی از گناهانی را که نمی‌بخشد،^۳ انکار مهریه زن و ندادن مهریه به او است. حال اگر مهریه تنها جنبه‌ای عاطفی داشت و صرفاً زمینه‌ای برای آغاز یک زندگی خانوادگی بود ندادن آن به زن به این شدت مذمت و توبیخ نمی‌شد. نکته دیگر، تأکید رضایت طرفین بر مهریه است^۴ که همین امر آن را قانونی می‌کند و حتی اگر مقدار آن بسیار زیاد باشد،^۵ قابل انکار و ترک نیست. این جنبه‌های مهریه نیز اهمیت اقتصادی آن را نشان می‌دهد.

مهریه در مرد نیز آثار روان‌شناختی ویژه دارد. در درجه اول، او درمی‌یابد که ازدواج امری آسان نیست و از همان ابتدا باید برای آن سرمایه‌گذاری کند. همین امر موجب می‌شود او با بینش بالاتر و شناخت عمیق‌تری به ازدواج روی آورد. در درجه دوم، تأثیر مهریه به پس از ازدواج بازمی‌گردد. به طور کلی اگر برای کسب چیزی سرمایه‌گذاری کنیم، راضی نمی‌شویم آن را به سادگی از دست بدهیم. حال هر چه این سرمایه‌گذاری بیشتر و گسترده‌تر باشد، چشم‌پوشی از آن دشوارتر و با تأمل بیشتر است. بر اساس نظریه هماهنگی شناختی فستینگر، کسی که برای کاری یا قبول عضویتی هزینه بیشتری پرداخت کرده باشد، خود را به قابل تحمل بودن وضعیت بیشتر متقاعد می‌کند.^۶ در مورد ازدواج نیز مرد سرمایه‌گذاری عاطفی و مادی گسترده‌ای کرده است و به همین جهت نمی‌تواند به آسانی از آن دست بردارد. به دلایل یاد شده، مهریه نباید مقدار ناچیزی باشد.^۷ البته به لحاظ قانونی ازدواج با مهریه پایین نیز صحیح است، ولی با توجه

۱. عن ابی عبدالله (ع): «السواک ثلاثة ... مستحلّ مهور النساء...» مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۳۴۹.

۲. قال النبی (ص): «من ظلم امرأة مهرها فهو عندالله زان...» همان؛ حرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۲۲.

۳. «ان الله تعالی غافر کل ذنب الا من جحد مهرأ...» همان.

۴. عن ابی عبدالله (ع) سألته عن المهر ماهو؟ قال: «ما تراضی علیه الناس» کلینی، فروع الکافی، ج ۵، ص ۳۷۸.

۵. «الصداق ما تراضیا علیه الناس من قلیل او کثیر فهذا الصداق» حرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۲.

۶. صدیق اورعی، غلامرضا، جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی جوانان، ص ۱۱۱.

۷. در روایتی از امیرمؤمنان علی (ع) نقل است که فرمود: دوست ندارم مهریه زن از ده درهم کم‌تر باشد که

مشابه پول زنا شود (حرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۱۱).

به بعد روان‌شناختی آن توصیه می‌شود مهریه مقداری باشد که فرد نتواند به آسانی از آن بگذرد.

در مجموع می‌توان گفت مهریه هدیه‌ای است که پیوند زن و شوهر را از ابتدای زندگی تقویت کرده و زمینه پدیدآیی و گسترش روابط عاطفی مثبت را فراهم می‌کند. البته محبت بین زن و مرد، ریشه‌ها و زمینه‌های اساسی می‌طلبند که قرار دادن مهریه فقط برای تقویت آن است نه ایجاد آن؛ از این رو، زیاد گرفتن مهریه موجب محبت نمی‌شود و در کلمات اهل بیت (ع) نیز آمده است: مهریه را به عنوان یک هدیه محسوب کنید^۱؛ زیرا اگر در مقدار آن زیاده‌روی کنید، بیشتر موجبات دشمنی بین زن و مرد را فراهم خواهید کرد.^۲ همچنین گفته شده بهترین زنان مسلمان، زیباترین و کم‌مهریه‌ترین آنان هستند.^۳

برخی پس از بررسی تبیین‌های مختلف جامعه‌شناختی مهریه، تعبیر هدیه و پیش‌کش را برای آن مناسب‌تر با مبانی اسلامی می‌دانند. مفاهیم معرف مهریه مانند نخله، صداق، عطیه و کابین، بر هدیه و بدون عوض بودن مهریه دلالت صریح دارند، توصیه‌های اخلاقی مؤکد به کم گرفتن آن، بنای تعالیم دین بر تسامح در محاسبه ارزش مادی و اقتصادی آن از راه معرفی برخی معادله‌های معنوی، سفارش به بخشش رضامندان آن از سوی زن به عنوان راهی برای تحکیم بیشتر خانواده، ارجاع مقدار آن به رضایت طرفین، تحلیل موقعیت مرد در جریان زناشویی، مسئله تقاضامندی وی و برخی امور دیگر، بر هدیه بودن این حق مالی در تعالیم اسلامی دلالت دارد. در مورد استحقاق یک سویه زن نسبت به دریافت این هدیه نیز، افزون بر نکاتی که گذشت، به این امور اشاره شده است: اخذ تعهد محکم به تشکیل یک زندگی مشترک مادام‌العمر، قبول مسئولیتهای متنوع ناشی از پیمان زناشویی، ابراز قدردانی به پاس اجابت از سوی زن، ایجاد زمینه مناسب جهت ارضا و شکوفایی تمایلات اصیل انسانی، محرومیت زن از تحصیل برخی هزینه‌های فردی و اجتماعی ناشی از ایفای مسئولیتهای خانوادگی و ابراز محبت و ایجاد عشق و علاقه وافر به عنوان مهم‌ترین سرمایه تحکیم و تثبیت خانواده.^۴ به نظر می‌رسد این تبیین، تا حدی جنبه‌های مختلف مهریه را مورد توجه قرار داده است.

۱. مجلسی. بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۳۵۳.

۲. «لا تغالوا بمهور النساء فتكون عداوة» حرعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۱۰.

۳. «افضل نساء امتی اصبحهنّ وجهاً و اقلهنّ مهراً» کلینی، فروع الکافی، ج ۵، ص ۳۲۴.

۴. شرف‌الدین، سید حسین، تبیین جامعه‌شناختی مهریه، ص ۳۰۲ - ۳۷۱.

نکته قابل توجه در فرهنگ ایران در عصر کنونی، فزونی مهریه و به تبع آن دشواری ازدواج به سبب موانع گسترده است. دختران ایرانی با وجود تحصیلات بیشتر باز به دنبال مهریه‌ای بیشتر بوده‌اند. پیروزی انقلاب اسلامی موجب شد که برای مدتی، مهریه‌ها به حالت عادی و متعادل باشد، لیکن پس از چند سال باز روند رو به افزایش مهریه ادامه یافت.^۱ در تبیین جامعه‌شناختی فزونی مهریه، امور ذیل بیان شده است: نسبه بودن مهریه، غلبه روحیات اقتصادی و نگرشهای محاسباتی، عدم استیفای کامل حقوق زن، طلاق و کنترل تمایلات نوجویانه مرد، ارتقای منزلت اجتماعی زن، بالا رفتن هزینه‌ها و تشریفات ازدواج و شیوع ازدواجهای برون فامیلی.^۲

از آن‌جا که مهریه از نظر شرعی و قانونی، در هر حال بر عهده مرد است، فزونی مهریه او را در تعهدات مالی سنگین‌تری قرار می‌دهد؛ مهریه در ازدواج موفق، معمولاً از سوی زن مطالبه نمی‌شود و در این رابطه، به ندرت مشکلی بروز می‌کند؛ اما اگر ازدواج ناموفق باشد و به طلاق بینجامد، مرد بدترین وضعیت را خواهد داشت. با توجه به این واقعیتهای تعدیل میزان مهریه با نگاهی دقیق‌تر به آن، به صورت یک بدهی قطعی می‌تواند از بروز مشکلات بعدی تا حدی جلوگیری کند. در غیر این صورت، مهریه که به عنوان ابزاری برای تحکیم روابط خانوادگی و پیوند زناشویی در نظر گرفته می‌شود، به زمینه‌ای برای دشمنی و بروز مشکلات بیشتر تبدیل می‌گردد.

۲-۲. نفقه

بر اساس تعالیم اسلام مخارج اقتصادی خانواده، یعنی زن و فرزندان، برعهده مرد است.^۳ این مخارج که شامل محل سکونت^۴، خوراک و پوشاک^۵ و سایر امور وابسته به آنها مانند تحصیلات است، باید با توجه به زندگی زن و فرزندان و شرایط زمانی و اجتماعی آنها باشد. زن در امور اقتصادی خانواده مسئولیتی ندارد، هرچند درآمد زیادی داشته باشد. مسئولیت اساسی زن همراهی در روابط مناسب در زندگی خانوادگی است

۱. محسنی و... ازدواج و خانواده در ایران، ص ۳۱۹ و ۳۲۲.

۲. شرف‌الدین، تبیین جامعه‌شناختی مهریه، ص ۳۱۸-۶۸.

۳. عن ابی عبدالله(ع) قال قلت له: من الذی اجیر علیه و تلزمی نفقته؟ قال: «الوالدان و الولد و الزوجة» حرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۲۳۷.

۴. «أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وُجُوْكُمْ» طلاق، ۶.

۵. «يشبعها و يكسوها...» حرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۲۲۴، ح ۵.

و فقط کوتاهی در این امور در زمینه خانواده، برای زن مسئولیت آور است. در خانواده، زن مسئولیت برقراری روابط مناسب با همسر، تولید نسل و پرورش فرزندان را بر عهده دارد و درگیر نشدن او در تأمین مخارج خانواده، فراغتی برای او ایجاد می‌کند که بتواند با آرامش بیشتری به ایفای مسئولیتها پردازد. نکته جالب توجه در مسائل خانواده آن است که مخارج زن بیش از مرد است. بسیاری وسایل خانه بیشتر مورد استفاده زن است، و افزون بر آن، لباس و وسایل زینتی برای زن اهمیت بیشتری دارد. این امور لازمه نقش زن در خانواده است و کمبود و فقدان آنها، در درجه اول زن را با مشکل روبه‌رو می‌کند. اگر زن خود بخواهد به تأمین این امور پردازد، ناگزیر در ایفای مسئولیتهای همسری و مادری با مشکلاتی بسیار روبه‌رو خواهد شد. توجه به این قانون و سعی در اجرای مناسب آن، مرد و زن را در یک فضای روان‌شناختی ویژه‌ای قرار می‌دهد، به گونه‌ای که مرد خود را مسئول تأمین مخارج خانواده می‌داند و با نگرشی مثبت به فعالیتهای اقتصادی و هزینه کردن برای خانواده می‌پردازد. در این حالت، انتظار او از زن به ایفای مسئولیتهای خانوادگی محدود می‌شود. در همین رابطه، فعالیت و کار زن در خانه نیز کمکی است که زن به اداره خانواده می‌کند، در حالی که مسئولیت اساسی او نیست. زن برای تأمین مخارج خود، به فعالیت اقتصادی نیازی ندارد و در این راستا خود را مدیون مرد می‌داند که این امر نوعی وابستگی به همسر در او پدید می‌آورد. این احساس وابستگی موجب می‌شود وظایف همسری و مادری را تا حد توان و با عشق و علاقه انجام دهد.

از نظر اسلام، زن دارای استقلال اقتصادی است و اختیار مصرف اموال خود در جهات گوناگون را دارد،^۱ هرچند شایسته است به گونه‌ای رفتار نکند که انسجام خانواده را مختل سازد. از سوی دیگر، اداره اقتصادی خانواده بر عهده مرد می‌باشد و در این مورد زن باید با هماهنگی و رضایت شوهر رفتار کند. این امر به وحدت و انسجام خانواده کمک می‌کند و مدیریت خانواده را که در واقع مبتنی بر اداره اقتصادی خانواده است و پیش از این به آن اشاره شد و آیات قرآن نیز شاهد آن است، به نوعی وحدت و قوت می‌بخشد.^۲ بر همین اساس، از نظر اسلام زن ملزم نیست برای اداره خانواده به فعالیت اقتصادی درآمدزا پردازد، هرچند این فعالیت مادام که به مسئولیتهای خانوادگی

۱. «لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا لَهُمْ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا لَهُنَّ» نساء، ۳۲.

۲. «الرِّجَالُ رَاعٍ عَلَىٰ أَهْلِ بَيْتِهِ وَكُلٌّ رَاعٍ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ وَالرِّجَالُ رَاعِيَةٌ عَلَىٰ مَالِ زَوْجِهَا وَ مَسْئُولَةٌ عَنْهَا» نوری،

مستدرک الوسائل، کتاب نکاح، باب ۶۲، ح ۳.

او آسیبی نرساند و حقوق سایر اعضای خانواده پایمال نشود، برای او جایز است. بخشی دیگر از نفقه مربوط به هزینه فرزندان در کودکی یا وقتی است که نیازمند باشند، و هزینه والدین هنگام نیازمندی است. از نظر اسلام، حقوق متقابل بین فرزندان و والدین مستلزم آن است که در صورت نیازمندی هر یک و توانایی دیگری بر تأمین مخارج او، به کمک او بشتابد و اداره اقتصادی او را برعهده گیرد. این قانون اقتصادی اسلام در خانواده نشان می‌دهد که اسلام خانواده را در چهارچوب خانواده هسته‌ای زن و شوهر نمی‌داند، بلکه خانواده را گستره‌ای از خویشاوندان درجه اول، یعنی فرزندان، فرزندان آنها و پدر و مادر والدین در نظر می‌گیرد. این نگاه به خانواده روابط عاطفی و اجتماعی گسترده‌ای را به دنبال می‌آورد که در بحث خویشاوندی به آن اشاره شد.

۳-۲. ارث

«ارث» یکی دیگر از قوانین اقتصادی خانواده است که در اسلام بر آن تأکید شده و برای هر مرتبه از افراد، درصدی از مال بر جای مانده از متوفی قرار داده شده است.^۱ این درصد بر اساس تعلق خانوادگی است و با وجود برخی افراد، سهمی به بقیه نخواهد رسید. اولین مرتبه ارث در اسلام به فرزندان و والدین فرد متوفی مربوط است که در صورت زنده بودن آنها سهمی به مراتب بعدی، مانند خواهر و برادر متوفی، نخواهد رسید. ارث افزون بر آن که نوعی پشتوانه اقتصادی برای افراد خانواده است، تأثیری روان‌شناختی نیز بر آنها دارد. این امر در واقع تقویت وابستگی و تعلق خانوادگی است که ناخودآگاه موجب می‌شود فرد به روابط عاطفی با والدین یا فرزندان ادامه دهد. البته روابط عاطفی بین اعضای خانواده باید فراتر از منافع اقتصادی باشد، ولی گاه مبادی شناختی و عاطفی روابط استحکام ندارند و همین تعلق اقتصادی می‌تواند زمینه‌ای برای تقویت مبادی دیگر رابطه شود. قانون ارث نیز شاهد دیگری برای گستره نظام خانواده است و باید به جنبه‌های رابطه‌ای آن توجه شود، تا زمینه‌ای را برای تقویت انسجام خانوادگی فراهم کند.

۳. خانواده‌های الگو در اسلام

در خلال مباحث گذشته، برخی آموزه‌های اسلام در باره خانواده مورد توجه قرار گرفت. این تعالیم را که از آیات قرآن و سخنان پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) استفاده می‌شود،

می توان با نمونه های رفتاری این بزرگان دین، غنایی خاص بخشید. آنان هر توصیه ای را که به دیگران داشتند، خود نیز بدان پایبند بودند. افزون بر این، رفتارهای آنها در خانواده خود در درجه ای از کمال قرار داشت که دیگران توان رسیدن به آن را نداشتند و گاه خود به این نکته تصریح می کردند و با این حال از دیگران می خواستند در حد توان، به این رفتارها اقتدا کنند.^۱ به نظر می رسد همانندسازی با این نمونه های رفتاری، راه آسان تری برای بهبود کارکرد و انجام وظایف افراد در خانواده است. یکی از شیوه های مؤثر یادگیری، مشاهده الگوی رفتاری است. در این حالت، فرد با توجه به نمونه رفتاری مناسب و به یادگیری آن، در موقع مناسب آن را به اجرا در می آورد. این نوع یادگیری، بخش مهمی از آموزه های انسان را در بر می گیرد.^۲ از عوامل مؤثر در این یادگیری آن است که الگو، نزد یادگیرنده از وجهه و اعتبار، قوت، لیاقت و صمیمیت برخوردار باشد. به علاوه، الگوهایی که به موفقیت و کارآمدی مشهورند، بیشتر در معرض توجه اند.^۳

اولیای دین (ع) به این دو اصل یعنی اهمیت پیروی از یک الگوی شخصیتی و رفتاری،^۴ و اعتبار و جاهت آن، توجه دارند و بر همین اساس مردم را به پیروی از الگوهای مناسب دعوت می کنند. یکی از این الگوهای مناسب رفتاری از دیدگاه قرآن، حضرت ابراهیم (ع) است.^۵ افزون بر وی، خداوند در قرآن به افراد اعلام می کند که پیامبر اسلام (ص) الگویی نیکو برای پیروی است.^۶ علی (ع) که از نزدیک شاهد همه رفتارها و شیوه زندگی پیامبر (ص) بود، ایشان را بهترین سرمشق دانسته، که همگان را برای همانندسازی در حد کمال کفایت خواهد نمود.^۷ بر اساس آیات قرآن، پیامبر (ص)^۸ و خانواده او دارای ویژگی های شخصیتی و رفتاری بسیار مناسب و به دور از هرگونه نابهنجاری رفتاری، شخصیتی و اخلاقی هستند.^۹ خانواده پیامبر (ص) عبارت اند از: دختر ایشان - حضرت فاطمه (س) - و همسر او - علی (ع) - و فرزندان آنها که پیامبر (ص)

۱. «انکم لاتقدرون علی ذلک و لکن اعینونی بروع و اجتهاد و عفة و سداد» نهج البلاغه، نامہ ۴۵.

۲. کدیور، پروین، روان شناسی تربیتی، ص ۱۲۸.

۳. هرگنهان، بی. آر و... مقدمه ای بر نظریه های یادگیری، ص ۴۳۲.

۴. امیرمؤمنان علی (ع) در یکی از سخنان خود، به این موضوع اشاره دارد: «و ان لکل مأموماً امام یقتدی به»

نهج البلاغه، نامہ ۴۵.

۵. ممتحنه، ۴.

۶. «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ...» احزاب، ۲۱.

۷. نهج البلاغه، خطبه ۱۶۰.

۸. «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خَلْقٍ عَظِيمٍ» قلم، ۴.

۹. «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» احزاب، ۳۳ و «مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَىٰ وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ» نجم، ۲ و ۳.

در واقعه مهم مباحثه - که بر اساس آیات قرآن بحث مرگ و زندگی در آن مطرح است - آنان را به همراه خود آورد.^۱ شواهد تاریخی بسیاری نیز سلامت اخلاقی و مراتب کمال این خانواده را تأیید می‌کند و اهل سنت و شیعه به آن تصریح کرده‌اند.^۲

حضرت علی (ع) در این زمینه می‌فرماید: «مردم! به اهل بیت پیامبران بنگرید. از آن سو که گام بر می‌دارند بروید؛ قدم جای قدمشان بگذارید؛ آنها هرگز شما را از راه هدایت بیرون نمی‌برند و به پستی و هلاکت بازمی‌گردانند.»^۳ بر این اساس و از آن‌جا که یکی از ابعاد مهم زندگی فرد رویارویی با ازدواج و خانواده است، ما به نمونه‌های رفتاری بزرگان دین اسلام (ع) اشاره می‌کنیم تا زمینه‌ای برای پیروی از رفتار آنها و بهبود کارکرد خانواده‌ها فراهم شود.

۱-۳. رویارویی با ازدواج

همه اولیای دین اسلام (ع) ازدواج را امری مناسب می‌دانستند^۴ و خود به انجام آن پایبند بودند. آنان در عین اهتمام به رشد و تکامل معنوی، به دنبال دنیاگریزی و رهبانیت نبودند و به افراد تأکید می‌کردند که ازدواج نه تنها با معنویت تعارضی ندارد، بلکه در رشد آن بسیار مؤثر است؛ برای نمونه، امام صادق (ع) به زنی توصیه می‌کند که حتماً ازدواج کند؛ زیرا اگر رهبانیت و دوری از ازدواج در معنویت تأثیر مثبت داشت، شخصیتی مانند حضرت فاطمه (س) در این جهت پیش‌گام بود.^۵

نکته دوم، بی‌اعتنایی به امور مادی و تکلفات و رویارویی آسان و معمولی آنان با ازدواج است، به گونه‌ای که هم خود به آسانی ازدواج کردند^۶ و هم در تزویج فرزندان از تکلف پرهیز می‌نمودند.^۷

از نکات مورد توجه اولیای دین (ع) در ازدواج، ملاکهای انتخاب همسر است. آنان به

۱. «قُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ آبْنَاءَنَا وَآبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكٰذِبِينَ» آل عمران، ۶۱.

۲. محمدی ری شهری، محمد، اهل بیت (ع) در قرآن و حدیث.

۳. نهج البلاغه، خطبه ۹۷ و ۱۶۰.

۴. «قال رسول الله (ص): ما بنی فی الاسلام بناء احب الی الله... من التزویج» حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۳.

۵. از امام صادق (ع) در جواب زنی که به بهانه زهد و معنویت ازدواج نمی‌کرد، روایت شده است: «انصرفی، فلو کان ذلک فضلاً لکانت فاطمه احق منک» همان، ص ۱۱۷.

۶. برای آگاهی از نمونه‌های از آسان‌گیری امام سجاده (ع) در ازدواج رک: نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۸۷.

۷. عبدوس، محمدتقی و محمد محمدی اشنهاردی، سیره امامان شیعه، ص ۲۶ و ۲۷.

ملاکهای تقوا، دانش، عقل و اخلاق اهمیت می دادند. اصل همانندی، در ازدواج اولیای دین (ع) مورد تأکید بود، به گونه‌ای که در ازدواج حضرت علی (ع) و حضرت فاطمه (س) همانندی آنها اهمیتی ویژه داشت^۱ و در کلمات پیامبر گرامی اسلام (ص) آمده است: جز علی (ع) کسی همانند فاطمه (س) نبود.^۲ البته همانندی در طبقه اقتصادی و اجتماعی، در ازدواج اولیای دین (ع) ملاک نبود و آنان به این اصل ملتزم نبودند^۳ و دیگران را نیز به عدم توجه به ملاکهای طبقاتی و اقتصادی توصیه می کردند.^۴

یکی از شرایط ازدواج، مهریه است و اولیای دین (ع) در مورد مهریه روش متعادل و معقولی داشتند. مهریه حضرت فاطمه (س) پانصد درهم و به قولی چهارصد مثقال نقره بود. دختران دیگر پیامبر (ص) نیز مهریه‌ای بیش از این نداشتند.^۵ نکته درخور توجه آن است که این مهریه برای تهیه جهیزه یا وسایل عروس صرف می شد که در مورد حضرت فاطمه (س) وسایل در حد ضرورت زندگی تهیه گردید. سایر ائمه (ع) نیز مهریه‌هایی به همسران خود می دادند تا به اختیار خود هرچه برای زندگی نیاز دارند، تهیه کنند. ائمه اطهار (ع) در منزل همسران خود زندگی می کردند و با اشاره به این اصل که همسر در صرف مهریه اختیار کامل دارد، به معترضان پاسخ می دادند.^۶ جشن، ابراز شادمانی و حضور دیگران در مراسم ازدواج از توصیه‌ها و شیوه‌های رفتاری اولیای دین (ع) در ازدواج بود.^۷

۲-۳. برخورد پیامبر (ص) با همسران

یکی از ویژگی‌های مهم اخلاقی و رفتاری پیامبر اسلام (ص) و ائمه (ع) برخورد مناسب با همسران بود و در این میان پیامبر گرامی اسلام (ص)، بزرگ‌ترین سرمشق برای مردان در برخورد با زنان می باشد. دو آیه در قرآن شدت توجه و اهتمام پیامبر (ص) به برخورد

۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۰۵. ۲. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۴۶۱.

۳. ازدواجهای پیامبر (ص) و علی (ع)، حسن (ع) و حسین (ع) و بقیه فرزندان آنها شاهدی بر این واقعیت است که آنان با زنانی از طبقات اجتماعی و اقتصادی متفاوت ازدواج می کردند (عبدوس و...، سیره امامان شیعه، ص ۱۷۶). نمونه دیگر، ازدواج پیامبر (ص) با زینب، همسر پیشین پسرخوانده خود، است که بنابر آیات قرآن (احزاب، ۳۷ و ۳۸) برای تسهیل در امر ازدواج صورت گرفت.

۴. ازدواج جویری از این نمونه است که به توصیه پیامبر اسلام (ص) انجام شد (کلینی، کافی، ج ۵، ص ۳۴۷).

۵. معروف حسینی. هاشم، زندگی دوازده امام (ع)، ص ۸۳-۸۴.

۶. «أنا تزوج النساء فنعطيهنّ فیشرین ما شئن، لیس لنا منه» کلینی، فروع کافی، ج ۶، ص ۴۷۶ و ۴۴۸.

۷. مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۱۵ و ۱۰۶، معروف حسینی، زندگی دوازده امام (ع).

مطلوب با زنان را نشان می‌دهد. در یکی از این موارد خداوند به پیامبر(ص) خطاب می‌کند که چرا برای جلب رضایت همسرانت، برخی امور را که خدا برای تو حلال کرده، بر خود حرام می‌کنی؟^۱ بر اساس مضمون این آیه، پیامبر اکرم(ص) به حدی برخشودنی همسرانش تأکید داشت که از حق خود نیز می‌گذشت. در آیه دیگر^۲، خداوند به همسران پیامبر(ص) خطاب می‌کند که اگر علیه ایشان، هم صدا شوید، خداوند، جبریل، مؤمنان صالح و فرشتگان به یاری او خواهند آمد. این واقعه نشان می‌دهد که تا چه حد پیامبر(ص)، در برخورد با همسرانش گذشت داشته که خداوند در مقام دفاع از او، زنان او را تهدید می‌کند.

به گفته اصحاب پیامبر(ص)، هرگاه همسران از ایشان چیزی می‌خواستند با آنها همراهی می‌کرد و مردی آسان‌گیر در خانواده بود.^۳ از خود پیامبر(ص) روایت است که فرمود: بهترین شما کسانی هستند که به زنهای خود مهربان‌تر باشند و من بیش از همه شما به زنانم خوبی می‌کنم.^۴ از ویژگی‌های مهم زندگی خانوادگی پیامبر اسلام(ص) برخورد و رفتار عادلانه با همسران حتی در شرایط حاد و استثنایی بود.^۵ همسران پیامبر(ص) روحیات مختلفی داشتند^۶ و برخورد محبت‌آمیز و مدارای بسیار پیامبر(ص)، فضای آرامی را در خانواده بزرگ پیامبر(ص) حاکم می‌کرد. از روشهای پیامبر(ص) گفتگوی نشاط‌بخش و شوخی با همسران بود، به گونه‌ای که در جمع اعضای خانواده مانند یک همسر معمولی ولی با شایستگی‌های رفتاری و اخلاقی حضور می‌یافت.^۷ پیامبر(ص) نه تنها با خانواده بلکه با مردم، نیز به طور دائم خوش‌رو، خوش برخورد و نرم‌خو بود و خشونت و درشت‌خویی بروز نمی‌داد.^۸ قرآن با تأکید بر این

۱. تحریم، ۱.
۲. تحریم، ۴.
۳. «عن جابر: كان رسول الله رجلاً سهلًا إذا هويت [عائشه] الشيء، تابعها عليه» مسلم بن الحجاج القشيري، صحيح مسلم، ج ۴، ص ۱۶۰.
۴. «انا خيركم لسنائي» صدوق. من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۴۲۵.
۵. برای نمونه، در حجة الوداع، هر روز و شب را به یکی از همسرانش اختصاص می‌داد (تهذیب، ج ۲، ص ۸۹) و حتی در زمان بیماری نیز به همه همسرانش سرکشی می‌کرد (فیطاف به بینهن) (همان، ج ۳، ص ۱۲۱).
۶. عبدالله ناصح علوان، تعدد الزوجات في الاسلام، ص ۶۱، ۷۵، ۸۱، ۸۲ و ۸۵، همچنین برخی آیات قرآن به این مسئله اشاره دارد؛ از جمله: احزاب، ۲۸ و ۲۹؛ تحریم ۱-۴.
۷. «ملاعتك اهلك فانه من السنة» تهذیب، ج ۲، ص ۸۷؛ طباطبایی، محمدحسین، سنن الشیبهی(ص)، ص ۹۸؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۳۵۳.
۸. دلشاد تهرانی، مصطفی، سیره نبوی، ص ۱۵ و ۳۷.

ویژگی های ایشان، آن را ناشی از رحمت الهی دانسته و می فرماید: اگر پیامبر(ص) این ویژگی ها را نداشت، مردم از دور او پراکنده می شدند.^۱

۳-۳. برخورد پیامبر(ص) با فرزندان

به طور خلاصه، روش پیامبر(ص) در خانواده مدارا و رفق^۲ بود که با فروتنی از سرمحبت^۳ و گذشت و چشم پوشی^۴ همراه می شد. روش عیب جویی و سرزنش نداشت^۵ و نرم خوترین مردمان بود.^۶ با شیوه احترام به خانواده و همه مردم، از کوچک و بزرگ و زن و مرد، رابطه عاطفی مثبتی با آنان برقرار می کرد.^۷ افزون بر انجام کارهای شخصی خود، در اموری مانند خرد کردن گوشت و دوشیدن شیر گوسفند به اهل خانه کمک می کرد.^۸ نزد خانواده و مردم از زینت و لباس مناسب بهره می برد.^۹ در برخورد با همسران، بسیار صمیمی و عادی بود، به گونه ای که عطر را اول به آنان می داد^{۱۰} و در گسترش روابط عاطفی با آنان در ابعاد مختلف، تأکید داشت.^{۱۱} پیامبر(ص) در باره رعایت حدود شرعی در خانواده بسیار حساس بود^{۱۲} و بی توجهی به این امور، چه از جانب خانواده یا دیگران، موجب ناخشنودی ایشان می شد. قرآن در آیاتی به زنان پیامبر(ص) و مردم توصیه هایی دارد که حساسیت پیامبر(ص) را در این مورد نشان می دهد.^{۱۳}

برخورد رسول خدا(ص) با فرزندان خود و به طور کلی با همه کودکان به ویژه دختران در دوره ای که به آنان محبت نمی شد و احترامی برای آنان قائل نبودند و زنده به گورشان می کردند^{۱۴}، بسیار جالب توجه است. در روابط غیرکلامی، ایشان کودکان خود را هر روز نوازش می کرد^{۱۵} و می بوسید و دیگران را به این رفتار توصیه می نمود.^{۱۶} گاه

۱. «فِيمَا رَحِمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِيُنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًا غَلِظَ لِقَلْبِكَ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ» آل عمران، ۱۵۹.

۲. دلشاد تهرانی، سیره نبوی، ص ۱۵ - ۲۲.

۳. «وَأَخْفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ» حج، ۸۸؛ طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۵، ص ۳۲۸.

۴. آیه ۱۹۹ سوره اعراف «خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ» شاهدهی بر این امر است.

۵. متقی هندی، کنز العمال، ج ۳، ص ۳۳. ۶. طباطبایی، سنن النبی(ص)، ص ۳۵.

۷. همان، ص ۵۳. ۸. همان، ص ۴۱ و ۷۳.

۹. همان، ص ۴۸ - ۹۰ - ۹۷. ۱۰. همان، ص ۹۸ - ۹۹.

۱۱. همان، ص ۹۶ - ۱۴۶ و ۱۴۷. ۱۲. همان، ص ۱۵۰.

۱۳. احزاب، ۵۳، ۳۵ و ۲۷.

۱۴. قرآن در آیه ۵۹ سوره نحل به این قضیه اشاره کرده است.

۱۵. مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۴، ص ۹۹.

۱۶. حسینی زاده، سیره توپیتی پیامبر(ص) و اهل بیت(ع)، ج ۱، ص ۷۹.

با آنان هم‌بازی می‌شد و با فرزندان خود و دیگر کودکان، بازی می‌کرد.^۱ هنگام نماز، کودکان بر دوش ایشان بالا می‌رفتند و ایشان گاه سجده را به همین جهت طولانی می‌کرد.^۲ در برخورد با کودکان عدالت را رعایت می‌نمود و در مسابقات و بازی‌ها هر دو طرف را تشویق می‌کرد.^۳ پیامبر اسلام (ص) با همه بزرگی شخصیت، فرزندان را بر پشت خود سوار می‌کرد.^۴ جالب این که ایشان با کودکان دیگر نیز به همین شیوه برخورد می‌کرد.^۵ بارها کودکان در دامن پیامبر (ص) ادرار می‌کردند و ایشان اجازه نمی‌داد نوزاد را از آغوش او بگیرند و آنها را به نکته بهداشتی قطع ادرار توجه می‌داد.^۶ برخورد ایشان با دختران بسیار ملاحظت‌آمیز بود^۷ و در پرتو چنین برخوردی موفق شد نگرش منفی مردم آن زمان را نسبت به فرزندان دختر تا حد زیادی تغییر دهد. در سخن گفتن به کودکان احترام می‌گذاشت^۸ و به آنها سلام می‌کرد.^۹

۴ - ۳. روش زندگی حضرت علی (ع) و فاطمه (س)

ائمه معصومین (ع) نیز در برخورد با همسران خود، رسم و شیوه پیامبر (ص) را در پیش گرفتند. حضرت علی (ع) آب و هیزم خانه و جارو و نظافت آن را برعهده می‌گرفت و همسر ایشان - فاطمه زهرا (س) - آرد کردن، خمیر و پخت نان را انجام می‌داد.^{۱۰} افزون بر همکاری، حضرت علی (ع) در امور خانواده و مسائل مهم با فاطمه زهرا (س) مشورت می‌نمود^{۱۱} و فاطمه (س) نیز در نهایت تواضع با ایشان همراهی می‌کرد.^{۱۲} این زن و مرد متعالی که بزرگ‌ترین اولیای خدا از خانواده ایشان پدید آمدند، در خانه کوچکی زندگی می‌کردند که دارای وسایل ساده در حد مردم طبقه پایین جامعه آن روز بود.^{۱۳} اعضای

۱. همان، ص ۱۱۰.
۲. مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۲، ص ۳۸۴.
۳. حسینی زاده، سیره تربیتی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)، ص ۱۰۹.
۴. مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۲، ص ۳۸۴.
۵. حسینی زاده، سیره تربیتی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)، ص ۱۱۱.
۶. همان، ص ۱۰۵.
۷. حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۱۰۰.
۸. مجلسی، بحارالانوار، ج ۳۷، ص ۷۱.
۹. طباطبایی، سنن النبی (ص)، ص ۴۲.
۱۰. حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۴، باب ۱۲۴ از ابواب مقدمات نکاح.
۱۱. دشتی، محمد، نهج الحیة، ص ۱۶۴ - ۱۶۷.
۱۲. برای نمونه، در مسئله مهمی، فاطمه (س) به علی (ع) می‌گوید: «خانه، خانه توست و من همسر تو هستم؛ هر آنچه می‌خواهی انجام بده» مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۷۰.
۱۳. معروف حسینی، زندگی دوازده امام (ع)، ص ۸۵.

این خانواده عبارتند از: حضرت علی (ع) که در قرآن جان پیامبر (ص) معرفی شده است، فاطمه (س) که پیامبر (ص) او را بهترین زنان جهان می خواند و حسن (ع) و حسین (ع) که در قرآن فرزندان رسول خدا (ص)^۱ و در کلمات پیامبر (ص) سالار جوانان اهل بهشت شمرده شده اند و زینب (س) و ام کلثوم (س) که پیام رسانان حماسه کربلا بودند.^۲ قرآن در موارد بسیاری این خانواده را می ستاید.^۳ این خانواده در رفتارها و برخوردها می تواند برای خانواده ها بهترین سرمشق باشد که تا حد امکان خود را به صفات و شیوه های رفتاری آنها نزدیک کنند.

روابط عاطفی در این خانواده بسیار عمیق بود، به گونه ای که فاطمه زهرا (س) عشق و محبت خود به علی (ع) را به سلمان ابراز می دارد،^۴ و در شرایطی به علی (ع) می گوید: «جان من فدای تو و حافظ تو؛ همواره با تو خواهم بود در خوبی و راحتی و سختی و بلاها»^۵ از آن سو، علی (ع) نیز عشق وافر و بی همسر - فاطمه (س) - داشت، به گونه ای که در شهادت او می گوید: «صبرم کم شده و توان خویشتنداری برایم نمانده؛ کار همیشگی ام اندوه و شب بیداری است، تا آنکه در دار آخرت با تو باشم».^۶ در طول زندگی، گفتگوی عاطفی و شوخی بین این دو همسر جریان داشت و تفریح و سرگرمی بخشی از زندگی آنها بود.^۷ این جمله علی (ع) عمق روابط عاطفی و سالم بین دو همسر به تصویر می کشد: «به خدا سوگند! هیچ گاه فاطمه (س) را خشمگین و مجبور به کاری ننمودم. او هم مرا خشمگین ننمود و هیچ گاه از دستورم سربچی نکرد. دائماً به او نظر می کردم و از دلم نگرانی ها و غمها برطرف می شد.»^۸ فاطمه (س) در شرایط سخت اقتصادی، وضعیت همسر خویش را درک می کرد و با صبر و تحمل، چیزی را بر او تحمیل و درخواستی خارج از توان و قدرت علی (ع) از او نمی کرد.^۹

در برخورد با فرزندان و پرورش آنها نیز شیوه های رفتاری این خانواده سرمشق و نمونه بود. حضرت فاطمه (س) در برآورده کردن نیازهای مادی فرزندان و مراقبت از

۱. در آیه ۶۱ سوره آل عمران تعبیر «انفسنا» به معنای «جان ما» آمده است.

۲. قال النبی (ص): «... الحسن و الحسین سیدا شباب اهل الجنة...» صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۲۰.

۳. آیه تطهیر و نیز سوره های کوثر، انسان و احزاب. ۴. دشتی، نهج الحیاة، ص ۱۴۵.

۵. همان، ص ۱۴۷. ۶. نهج البلاغه، خطبه ۲۰۲.

۷. نیلی پور، مهدی، فرهنگ فاطمیه، ص ۱۸۷ و ۱۸۹. ۸. همان، ص ۱۸۶.

۹. دشتی، نهج الحیاة، ص ۲۲.

آنها، نهایت سعی را داشت و در بسیاری موارد از نیازهای خود چشم پوشی می‌کرد.^۱ در مورد نیازهای عاطفی، اصل احترام و خطاب مهربانانه را رعایت و آنان را با عنوان «نور چشمان و میوه دل^۲» صدا می‌کرد. همه حرکات و رفتار و حضور و غیاب فرزندان را زیر نظر داشت.^۳ بازی با فرزندان در این خانواده، مورد توجه بود.^۴ فاطمه (س) و علی (ع) با فرزندان کوچک خود هم‌بازی می‌شدند و با وجود همه مسؤولیتها و مشکلات اجتماعی، از ایجاد نشاط و شادمانی در کودکان غفلت نمی‌کردند. حضرت علی (ع) نه تنها با فرزندان خود بازی می‌کرد، بلکه با کودکان بی‌سرپرست نیز به بازی می‌پرداخت^۵ و این در زمانی بود که فرمان‌روایی یک کشور بزرگ را بر عهده داشت. برقراری عدالت بین فرزندان نکته دیگر مورد توجه بود.

در این خانواده مسائل معنوی، دعا و تربیت دینی فرزندان، و اسباب معنوی حل مشکلات و مسائل زندگی مورد اهتمام بود.^۶ ایثار در خانواده و نسبت به دیگران، در این خانواده در درجه بالا قرار داشت، تا آن‌جا که خداوند در سوره انسان آنان را دارای مرتبه بالایی از درجات دنیوی و اخروی معرفی می‌کند و از خود گذشتگی آنها را ارج می‌نهد: «آنان غذای خود را با وجود نیازمندی، به مسکین و یتیم و اسیر می‌دهند و می‌گویند: ما شما را به خاطر خدا اطعام می‌کنیم و هیچ پاداش و سپاسی از شما نمی‌خواهیم.»^۷ فاطمه زهرا (س) در دعا کردن، دیگران را مقدم می‌کرد و به فرزندان نیز این را می‌آموخت.^۸ برای یک زن مهم‌ترین شب زندگی، شب عروسی است و توجه به لباس و زینت در آن شب، مهم‌ترین چیز است. فاطمه زهرا (س) در شب عروسی لباس نو خود را به فقیری که در خانه آمده بود، و پیراهن کهنه‌ای می‌خواست، هدیه داد^۹ تا همه زنان را به خوشی‌ها و لذتهای معنوی زندگی رهنمون سازد.

۵ - ۳. سیره خانوادگی سایر ائمه (ع)

سایر ائمه (ع) نیز در زندگی خانوادگی خود سرمشقهای سودمند و متعالی هستند. آنان

۱. برای نمونه. در تاریخ آمده است که بارها فاطمه (س) خود گرفته می‌ماند و فرزندانش را با غذای خود سیر

می‌کرد (نیلی پور، فرهنگ فاطمیه، ص ۷۷). ۲. همان، ص ۱۸۰.

۳. انصاری، عذرا، جلوه‌های رفتاری حضرت زهرا (س)، ص ۳۷.

۴. همان، ۵. مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۱، ص ۵۲.

۶. نیلی پور، فرهنگ فاطمیه، ص ۱۸۱-۱۸۲ و ۷۶. ۷. انسان، ۸-۹.

۸. محمدی ری شهری، اهل بیت (ع) در قرآن و حدیث، ج ۱، ص ۳۹۸.

۹. نیلی پور، فرهنگ فاطمیه، ص ۱۵۷-۱۵۸.

برای همسران خود شخصیت و اعتبار قائل بودند.^۱ در امور اقتصادی، استقلال نظر آنها را ارج می‌نهادند.^۲ در امور معنوی از آنها کمک می‌گرفتند.^۳ اصل مدارا با همسران در امامان معصوم (ع) تا حدی بود که برخی از آنان به تحریک مخالفان، مورد سوء قصد همسرانشان قرار گرفتند.^۴ این امر نشان می‌دهد که آنان با وجود ناسازگاری زنان خود، به مدارا و برخورد مناسب با آنها ادامه می‌دادند. به زینت خود، خانه و خانواده توجه داشته، به خواست خانواده در این مورد اهمیت می‌دادند.^۵ آنان با اطرافیان، کوچک و بزرگ، مأنوس شده، گفتگو می‌کردند، غذا می‌خوردند و سرگرمشان می‌کردند.^۶ در مشکلات زندگی صبور بودند و حتی در مسائلی بزرگ مانند مرگ فرزند با وجود کوتاهی دیگران، چنان بردباری نشان می‌دادند که مایه شگفت همگان می‌شد.^۷ در برخورد با فرزندانشان محبت، احترام، بازی با آنان، پذیرش آنان، آزادی و در عین حال نظارت بر آنان، رعایت عدالت بین آنها، دوری از تنبیه و سرزنش و به طور کلی، نرمی و مدارا با آنان را اصل قرار می‌دادند.^۸ ائمه اطهار (ع) با وجود حساسیت در برابر مسائل شرعی، با رفتار و اخلاق خود به اصلاح مردم و حتی خانواده خویش می‌پرداختند.^۹ و از امر و نهی مستقیم و تندی در برخورد با اشتباهات اعضای خانواده دوری می‌جستند.^{۱۰} بر اصل احترام به پدر و مادر و تأثیر مهم جایگاه آنان در خانواده، در آیات قرآن و کلمات ائمه اطهار (ع) بسیار تأکید شده است که پیش‌تر گذشت. سیره و رفتار معصومین (ع) با والدین خود نیز در سهای جالبی در بر دارد. پیامبر اکرم (ص) در کودکی والدین خود را از دست داد، ولی نسبت به فرزندان پدر و مادر شیری خود، نهایت

۱. عبدوس. سیره امامان شیعه. ج ۲، ص ۸. ۲. کلینی، کافی، ج ۶، ص ۴۸۰.

۳. عن ابی عبدالله (ع): «کان ابی (ع) اذا حَزَنَتْهُ امْرُؤٌ جمع النساء و الصبیان ثم دعا و اُتوا» همان، ج ۲، ص ۴۸۷.

۴. امام حسن (ع) به دست همسرش - جعدہ - و امام جواد (ع) به دست همسرش ام‌الفضل مسموم شدند. زندگی دوازده امام (ع): ج ۱، ص ۶۱۰ و ج ۲، ص ۴۶۷.

۵. امام باقر (ع): «فَتَزَيَّنْتُ لِي عَلِيٌّ اَنْ اَتَزَيَّنَ لَهَا كَمَا تَزَيَّنْتُ لِي» کلینی، کافی، ج ۶، ص ۴۴۸، ۴۷۵ و ۴۸۰.

۶. محمّدی ری شهری، اهل بیت (ع) در قرآن و حدیث، ص ۴۵۹.

۷. واکنش امام صادق (ع) در مرگ ناگهانی فرزند خود. شاهدهی بر این موضوع است: اهل بیت در قرآن و حدیث، ص ۴۵۶.

۸. حسینی زاده، سیره تربیتی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)، ج ۱، ص ۷۷ - ۱۳۷؛ کریمی نیا، محمد علی، رفتارهای اجتماعی پیشوایان اسلام، ص ۵۵ - ۷۷.

۹. کریمی نیا، رفتارهای اجتماعی پیشوایان اسلام، ص ۹۳ - ۱۱۸.

۱۰. امام رضا (ع) در پاسخ به کسانی که از ایشان می‌خواستند خانواده خود را امر و نهی کند، فرمود: در نصیحت، خشونت نهفته است «النصیحة خشنة» (حسینی زاده، سیره تربیتی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)، ج ۱، ص ۱۳۸).

احترام را قائل بود و لباس خود را فرش زیر پای آنان قرار می‌داد.^۱ امام سجّاد(ع) از غذا خوردن با مادر امتناع می‌ورزید، به این عذر که می‌ترسم به لقمه‌ای دست ببرم که او زودتر بخواهد بردارد و به همین جهت از من برنجد.^۲ ایشان وقتی فردی را می‌بیند که در حال راه رفتن بر دست پدر تکیه داده و احترام لازم را رعایت نمی‌کند، اظهار ناخرسندی کرده و دیگر با این فرد صحبت نمی‌کند.^۳

۴. طرحی کلی از نظام خانواده در اسلام

مباحث این کتاب نشان می‌دهد که تعالیم اسلام در باره خانواده و همه ابعاد روان‌شناختی آن توصیه‌های الزامی و ترجیحی دارد و نمی‌توان جنبه‌ای از کارکردها یا روابط افراد در خانواده یا حقوق افراد و وظایف آنها را در نظر گرفت که آموزه‌های اسلام در باره آن دیدگاهی ارائه نداده باشد؛ از این رو، می‌توان نظریه‌ای جامع در باب ابعاد روان‌شناختی خانواده، از تعالیم اسلام استنباط نمود. در این جا به اختصار شواهدی از نظریه اسلام در باره خانواده را باز می‌گوییم.

۱- ۴. جامعیت دیدگاه اسلام درباره خانواده: این مطلب، از دیدگاه‌های اسلام در مسائل اساسی خانواده به شرح ذیل روشن می‌شود.

تعالیم اسلام ماهیت خانواده را با تعریفی معین که از دست‌کم یک زن و یک مرد تشکیل شده، در نظر می‌گیرد. انواع متعددی برای خانواده به رسمیت می‌شناسد. در نگاه به گستره خانواده آن را به صورت هسته‌ای در نظر نمی‌گیرد. به خویشاوندان درجه اول زن و شوهر، یعنی والدین آنها، سهم مهمی در کارکردهای خانواده داده و برای همه افراد خانواده، از پدر و مادر بزرگ گرفته تا نوه‌های آنان، مسؤلیتهایی در نظر می‌گیرد. نکاتی که در باره اقتصاد خانواده و وظایف والدین زن و شوهر در این کتاب بیان شد، شاهدی بر توجه اسلام به خانواده به صورت گسترده‌تری است. در خصوص اهداف تشکیل خانواده، تعالیم اسلام بر همه ابعاد الهی، انسانی، دنیوی و اخروی تأکید دارد. ارزشهای تعیین‌کننده در خانواده به زندگی دنیا و نیازها و مسائل فردی و اجتماعی محدود نمی‌شود و در نوع رابطه اعضای خانواده، ارزشهای دینی و الهی تأثیرگذار است. تعالیم اسلام درباره چگونگی روابط اعضای خانواده و مسؤلیتهای متقابل یا وظایف

۱. طبرسی. فضل بن حسن، اعلام الوری، ص ۱۲۰. ۲. طبرسی، ابن‌نصر. مکارم‌الاخلاق، ص ۲۲۱.

۳. کلینی، اصول کافی، ج ۴، ص ۵۰.

آنها، روابط کلامی و غیرکلامی آنها و نیازهای عاطفی و جنسی، توصیه‌هایی دارد؛ برای مثال، در مورد رابطه زن و شوهر، و رابطه والدین و فرزندان که جنبه‌های از این رابطه به تقسیم قدرت در خانواده، مدیریت خانواده و تصمیم‌گیری‌ها باز می‌گردد و یا به فاصله روان‌شناختی اعضا و مرزهای بین آنان مربوط می‌شود، توصیه‌های بسیار دارد. همچنین تعالیم اسلام برای بهبود کارایی خانواده، راهکارهای اعتقادی، اخلاقی و رفتاری پیشنهاد می‌کند.

تعالیم اسلام دربارهٔ محدودهٔ روابط اعضای خانواده با افراد دیگر و به تعبیر دیگر، باز یا بسته بودن خانواده و محدودهٔ روابط با دیگران توصیه‌هایی بسیار دارد. روابط خانواده با خویشاوندان از رابطه آنها با دیگران بازتر است. اسلام بر روابط خویشاوندی و نقش آن در سلامتی و تعادل خانواده، تأکید دارد و قطع این روابط یا بسته بودن این مرز را نمی‌پذیرد و با ابزارهای تشویقی و گاه تنبیهی، افراد را به حفظ این روابط ترغیب می‌کند. تعالیم اسلام در اداره اقتصادی خانواده، مسئولیت اصلی را بر عهده مرد می‌گذارد و زن را در خانواده متوجه مسؤلیتهایی دیگر می‌کند. اسلام با تعیین مهریه، پشتوانه اقتصادی نسبتاً مناسبی در ابتدای زندگی برای زن فراهم می‌کند و استقلال اقتصادی او را کاملاً به رسمیت می‌شناسد. قوانین اقتصادی اسلام زمینه‌ای برای حمایت مادی از همه اعضای خانواده از جمله پدر و مادر بزرگ و نوه‌ها فراهم می‌کند. این امر تأثیر خاصی بر اعضای خانواده و روابط آنها دارد که پیش از این بیان شد.

تعالیم اسلام برای حل مشکلات خانواده نیز راهکارهایی دارد که در دو مرحله پیشگیری و حل مشکل به کار می‌آید. گاه مراحل مشکل، جزئیات و راه‌حل آن ارائه می‌شود. در این رابطه، قوانین حقوقی اسلام برای مواردی که مشکلات شدت می‌یابد، راههای مؤثری را پیش روی خانواده‌ها قرار می‌دهد که تا حد امکان نظام خانواده سلامت، تعادل و کارایی لازم اعضا را تأمین کند و در صورت انحلال، ضربه‌های عاطفی کم‌تری به اعضا وارد شود.

۲ - ۴. مهم‌ترین راهبردهای سلامتی و کارکرد مناسب خانواده از دیدگاه اسلام: برای تأمین کارآمدی خانواده به گونه‌ای که کل خانواده و اعضای آن، اهداف و وظایف مورد نظر اسلام را تحقق بخشند، باید به ویژگی‌ها و شرایطی توجه شود. در مرحله اول، با توجه به اهداف ارزشی اسلام در تشکیل خانواده از جمله قرب معنوی و رشد دین‌داری افراد، برخورداری اعضا از اعتقادات دینی در ابعاد خداشناسی، معاد، نقش انبیای الهی

و جانشینان آنان در حد نصاب و معقول خانواده را کار آمد می‌کند. خانواده‌هایی که در این زمینه‌ها از استحکام کافی برخوردار نباشند، نمی‌توانند بخشی از اهداف و وظایفی را که اسلام برای خانواده در نظر گرفته، تحقق بخشند. تکالیف ویژه دینی نیز به همین بعد ارزشی مربوط است که بخشی از اهداف تشکیل خانواده را تأمین می‌کند.

دومین مفهوم محوری در نظام خانواده از دیدگاه اسلام عدالت است. در خانواده درمانی نیز موضوع عدالت و به عبارت دیگر، تقسیم عادلانه ثمره‌های خوشبختی، از مقوله‌های مرکزی به شمار می‌رود. تحقق عدالت در محبت و ابراز عشق، قدردانی و سپاس‌گزاری، احترام به منزلت فردی، امنیت عاطفی و به طور کلی، در همه امور مادی و معنوی است؛ برای مثال، والدین با تلاشهای بدنی و اقتصادی، و محبت و مراقبت، زمینه رشد را برای فرزندان فراهم می‌کنند. سرمایه‌گذاری فرزندان نیز در ابتدا با لبخند، شکوفایی، و برقراری عواطف مثبت و پس از سالها با قدردانی، احترام و احتمالاً کمکهای اقتصادی است. عدالت در روابط انسانی در مورد شایستگی‌ها و اعمال خیرخواهانه مثبت، پیش شرط زندگی متعادل به شمار می‌رود. بر اساس اندیشه عدالت، باید دیدگاه‌های همه اعضای خانواده و احساس آنها مبنی بر سهیم بودن در بنا و استواری زندگی خانوادگی به رسمیت شناخته شود.^۱ از دیدگاه اسلام، عدالت اساس همه نظامهای انسانی است،^۲ با وجود این، مفهوم عدالت قرار دادن هر چیز در جای مناسب خود است^۳ و این با توازن و تساوی تفاوت دارد. افزون بر این، برقراری عدالت به معنای توازن در سرمایه‌گذاری، در نظام خانواده معمولاً غیرممکن است. تا چه اندازه می‌توان سرمایه‌گذاری والدین را جبران کرد؟ همان‌گونه که در بررسی وظایف فرزندان نسبت به والدین گفته شد، زحمات و تلاشهای والدین به حدی است که نهایت کوشش فرزندان نیز نمی‌تواند آن را جبران کند. البته در سرمایه‌گذاری برای فرزندان، تأکید اسلام بر رعایت عدالت به معنای توازن است. در مجموع، عدالت به معنای رعایت حقوق اعضای خانواده و دوری از کوتاهی یا تعدی نسبت به آنها، از امور حداقلی در خانواده است. به نظر می‌رسد تعالیم اسلام در روابط اعضای خانواده بر مفهوم فراتری از عدالت، یعنی مدارا، تأکید می‌کند که در خانواده از عدالت مؤثرتر و مهم‌تر است.

۱. زیمرن، مفاهیم و تئوری‌های کلیدی خانواده درمانی، ص ۲۷۷.

۲. «العدل اساس. به قوام العالم» مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۸۳.

۳. «العدل یضع الامور مواضعها»، نبع البلاغه، حکمت ۴۳۷.

مدارا با افراد به برخورد ملایم و آرام، مصاحبت نیکو و دوری از تندى و شدت در روابط بازمی‌گردد.^۱ به نظر می‌رسد از دیدگاه اسلام، مدارا بیش از هر ویژگی دیگر به کارآمدی مناسب و مطلوب خانواده کمک می‌کند. مدارا شامل نوعی گذشت است؛ به این صورت که فرد در شرایطی که حق با او است،^۲ با نرمی و ملایمت برخورد کند. در رهنمودهای اولیای دین (ع) بر مدارای زن و شوهر با یکدیگر، بسیار تأکید شده است. به مرد توصیه شده که در هر شرایط با زن مدارا کند.^۳ این توصیه کلی با دلیلهایی همراه شده است؛ از جمله این که زن امانتی در دست مرد است،^۴ یا سرپرستی و خوشی و سعادت زن در دست مرد است،^۵ یا در صورتی که زن در شرایط ضعیف‌تری است، وضع او را رعایت کند.^۶ در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) آمده است: به قدری به من در مورد رعایت حال زنان سفارش شد که گمان کردم فقط در صورت انجام عمل بسیار بد و علنی، طلاق زن جایز است.^۷ این سخن و مانند آن از اهل بیت (ع) نشان می‌دهد اسلام از مرد در مدارا کردن با زن و برخورد و مصاحبت نیکو با او انتظار زیادی دارد. حاکمیت اصل مدارا در خانواده به زمینه‌های شناختی و عاطفی در اعضای خانواده، به ویژه زن و شوهر، نیازمند است. از آن‌جا که در خلال مباحث این کتاب، به ویژه فصل دوم، این نکات بررسی گردید، در این جا به اشاره‌ای بسنده می‌کنیم. در بعد شناختی، نکته مهم توجه زن و مرد به تفاوت‌های روان‌شناختی و جنسیتی آنان با یکدیگر است، به گونه‌ای که هر یک ویژگی‌های مرد و زن را شناخته و در رفتار و برخورد با یکدیگر، این تفاوتها را به رسمیت بشناسد. نکته دیگر، این واقعیت است که هر یک از زن و مرد، از دو محیط متفاوت و دو فرهنگ ویژه خانوادگی، زندگی مشترک را آغاز کرده‌اند. هر خانواده ارزشها و ساختار شخصیتی ویژه‌ای را پرورش می‌دهد. توجه زن و مرد به تفاوت پیشینه، و سعی در سازگاری تدریجی با آن، شرط لازم دیگری برای مدارای زن و شوهر است. همچنین، توجه به تفاوت‌های روان‌شناختی والدین و فرزندان و درک موقعیت طرف

۱. «مداراة الناس ملاینة الناس و حسن صحبتهم» مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۴۳۸؛ «مداراة من غیر عنف» ج ۸۴، ص ۳۱.

۲. «من صبر علی خلق المرأة سیئة الخلق... اعطاء الله ثواب الشاکرین»، حرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۲۴.

۳. علی (ع) فرمود: «فدارها علی کل حال و احسن الصحبة لها» همان، ص ۱۱۱؛ «فانهنّ عوان عندکم» نوری، مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۵۵۱.

۴. علی (ع) فرمود: «انهنّ امانة فلا تضارهنّ».

۵. «فان الله قد ملّکة ناصبتها و جعله التّمیم علیها»، حرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۲۲.

۶. «اتقوا الله فی الضعیفین یعنی بذک الیتیم و النساء»، همان، ص ۱۲۴.

۷. «اوصانی جبرئیل بالمرأة حتی ظننت انه لا ینبغی طلاقها الا من فاحشه مبنیة» همان، ص ۱۲۱.

مقابل، زمینه مدارا بین سایر اعضای خانواده را فراهم می‌کند. در جنبه عاطفی، تلاش در برقراری رابطه عاطفی مثبت که تجلی آن در ابراز محبت و دوری از کینه و نفرت و توجه مثبت نامشروط به یکدیگر است، زمینه‌انگیزی و عاطفی مدارا را فراهم می‌کند.

برخی نمونه‌های رفتاری مدارا عبارت‌اند از: تحمل و صبر در برابر کژخلقی همسر^۱، چشم‌پوشی و گذشت در صورت بروز رفتار نامعقول^۲، مصاحبت نیکو^۳، احسان و نیکی^۴، دوری از توسل به زور و خشمگین ساختن و^۵ آزار رساندن به زن^۶، کمک به همسر در امور خانه^۷، و همراهی با علایق و سلیقه‌های او^۸. طبیعت روابط خانوادگی از جمله برخورد مرد با زن به گونه‌ای است که زن به علت برخی شرایط، ممکن است نتواند با مرد برخورد مناسبی داشته باشد و در نتیجه، به برخی حقوق او بی‌توجهی کند. در این شرایط، گذشت و مدارا بهترین راه حل ممکن است؛ زیرا اگر مرد بخواهد حقوق خود را به طور کامل استیفا کند، غالباً در این مسیر زیاده‌روی کرده و حقوق زن را پایمال می‌نماید.^۹

به زن نیز توصیه شده است که تا حد امکان با شوهر خود مدارا کند و گاه از حقوق جزئی خود بگذرد،^{۱۰} تا خانواده انسجام خود را حفظ کرده و به وظایف و کارکردهای لازم بپردازد. در متون اسلامی برای زنان بعد از انجام وظایف الهی و دینی، مسئولیتی بالاتر از وظایف آنها نسبت به همسر قرار داده نشده است.^{۱۱} جالب آنکه انجام این مسئولیتها در ردیف جهاد در راه خدا قرار داده شده است.^{۱۲} افزون بر این، در بُعد روان‌شناختی بیشترین سرمایه‌گذاری عاطفی زن در مورد همسر است، به گونه‌ای که

۱. همان، ص ۱۲۴.

۲. «وان جهلت غفرلها» همان، ص ۱۲۱.

۳. همان، ص ۱۲۰.

۴. «رحم الله عبداً احسن فیما بینه و بین زوجته» همان، ص ۱۲۲.

۵. «ولا تکرهوا النساء و لاتسخطوا بهن» نوری. مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۲۵۱.

۶. همان، ص ۲۵۰؛ حرّعاملی. وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۱۱۶.

۷. مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۱۳۲.

۸. «المؤمن يأكل بشهوة عیاله و المناق يأكل اهلہ بشهوتہ» حرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۲۵۰.

۹. این مطلب را می‌توان از این حدیث برداشت کرد: «قال رسول الله (ص): ثلاثة ان لم تضلمهم ظلموک سفلة و زوجتک و خادمک» مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۱۳۹.

۱۰. آیه ۱۲۸ سوره نساء، می‌تواند شاهی بر این موضوع باشد: «وَإِنْ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْثِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا

فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ».

۱۱. «فمن اعظم الناس حقاً على المرأة؟ قال (رسول الله (ص): زوجها» حرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۱۲ و

۱۲. «جهاد المرأة حسن التبعل» همان، ص ۱۱۶.

کسی به اندازه شوهر برای او اهمیت ندارد.^۱ برخی نمونه‌های رفتاری مدارای زن عبارت‌اند از: در همه شرایط تا حد امکان نیازهای عاطفی مرد را برآورده سازد، هرچند حق زن را رعایت نکرده باشد؛^۲ سعی کند در امور مختلف زندگی با هماهنگی او عمل کند و حتی عبادتهایی مانند نذر، صدقه، و روزه مستحبی را با رضایت او انجام دهد؛^۳ در خانه به همسرش خدمت کند؛^۴ در اختلافات سعی کند هر چه زودتر با شیوه‌های عاطفی مشکل را حل نماید؛^۵ به هیچ وجه همسرش را آزار ندهد؛ و با همسر برخورد ملایم، سهل و بی تکلف داشته^۶ و عذرهای او را بپذیرد.^۷ انعطاف‌پذیری در خانواده که از ویژگی‌های خانواده کارآمد تلقی شده، تحت مفهوم مدارا قابل تبیین است. انعطاف‌پذیری به اعضای خانواده کمک می‌کند با گفتگو و تعامل مناسب و تحمل یکدیگر به نیازهای هم پاسخ دهند. در مقابل، ساختار خانوادگی خشک و غیرقابل انعطاف که نوعی سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری و درگیری‌های حل‌ناشدنی ویژگی آن است، مشکلات و آسیبهای خانوادگی را افزایش می‌دهد.^۸

مدارا در روابط بین والدین و فرزندان نیز اساس روابط مناسب در خانواده است. والدین باید در برخورد با فرزندان شیوه‌ای ملایم و به دور از اجبار،^۹ تندی و خشونت در پیش گیرند.^{۱۰} در این رابطه، گاه برای حفظ روابط مناسب بین فرزندان، به برخی بیشتر توجه کنند^{۱۱} و در عین حال، تلاش کنند با آنها برخورد عادلانه داشته باشند. از خطاهای آنها چشم‌پوشی کنند^{۱۲} و در مجموع، والدین باید بسیار تلاش کنند تا روابط فرزندان با آنها به تندی و جدایی کشیده نشود.^{۱۳} فرزندان نیز باید با والدین برخوردی محترمانه داشته باشند^{۱۴} و حتی در شرایطی که والدین به آنها ظلمی کرده‌اند، برخورد مناسب را

۱. «ما یُعَدُّ الزَّوْجَ عِنْدَ الْمَرْأَةِ شَيْءًا» کلینی. فروع کافی، ج ۵، ص ۵۰۶.
۲. «لا تَبِيتَ لَيْلَةً وَ هُوَ عَلَيْهَا سَاخِطٌ قَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ (ص). وَ انْ كَانَ ظَالِمًا؟ قَالَ: نَعَمْ» همان، ص ۱۱۲.
۳. حرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۱۲. ۴. همان، ص ۱۲۳.
۵. همان، ص ۱۱۶. ۶. «الهِئَةُ اللَّيْتَةُ الْمَوَاتِيَةُ» همان، ص ۱۵.
۷. «جِهَادُ الْمَرْأَةِ أَنْ تَصْبِرَ عَلَى مَاتَرِي مِنْ أَذَى زَوْجِهَا وَ غَيْرَتِهِ» همان، ص ۱۱۱.
۸. موسوی. اشرف السادات، «عملکرد نظام خانواده و بهداشت روانی اعضای خانواده» اندیشه و رفتار. سال ششم ش ۲ و ۳، ص ۹۲.
۹. «وَلَا تَسْرُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَى آدَابِكُمْ...» فرید تنکابنی. الحدیث، ج ۳، ص ۱۱۰.
۱۰. «وَلَا يَرْهَقُهُ وَ لَا يَغْرُقُ بِهِ» حرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۲۰۰.
۱۱. فرید تنکابنی، الحدیث، ج ۳، ص ۶۷.
۱۲. «يَقْبَلُ مِسْرَةً وَ يَتَجَاوَزُ عَنْ مَعْسُورَةٍ» حرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۲۰۰.
۱۳. همان، ص ۱۹۹. ۱۴. همان، ص ۲۱۷ و ۲۲۰.

ادامه دهند.^۱ احترام به والدین به حدی است که حتی فرزندان در امور مهمی مانند مسائل دینی نیز نباید با آنها تندی کنند و باید با آنها بدون قطع روابط، به مصاحبت نیکو ادامه دهند.^۲

۳-۴. سخن پایانی: از مجموع مباحثی که در این فصل بررسی شد، می‌توان طرحی کلی برای خانواده مطلوب از دیدگاه اسلام استنباط کرد. در یک خانواده مطلوب، سلسله مراتب به خوبی رعایت می‌شود؛ پدر و مادر اقتدار ویژه‌ای دارند و فرزندان در نوجوانی و حتی میان‌سالی احترام خاصی برای والدین قائل‌اند. بین زن و شوهر نیز احترام و اقتدار شوهر پذیرفته شده و زن در مواردی می‌پذیرد که مرد تصمیم‌گیری نهایی را بر عهده داشته باشد. در منظومه زن و شوهری وظایف به خوبی انجام می‌شود و مودت و رحمت بین زن و شوهر برقرار و نیازهای عاطفی دو طرف مورد توجه است. والدین با شور و شوق به وظایف خود عمل می‌کنند و بر ارزش وظایف خود آگاه‌اند. بر اساس آنچه در باره حدود خانواده از نظر اسلام بیان شد، در یک خانواده مطلوب حدود حجاب، روابط با نامحرمان و حدود در داخل خانه رعایت می‌شود. التزام به تقوا و اجتناب از گناهانی مانند موسیقی و آوازخوانی حرام، شراب‌خواری، غیبت و تهمت و رذایل اخلاقی مانند تکبر و حسد، مورد توافق همه اعضا می‌باشد. البته ممکن است لغزشهایی صورت گیرد، ولی بنای افراد بر رعایت تقواست. حقوق افراد مورد توجه و اصل بر عدالت است.

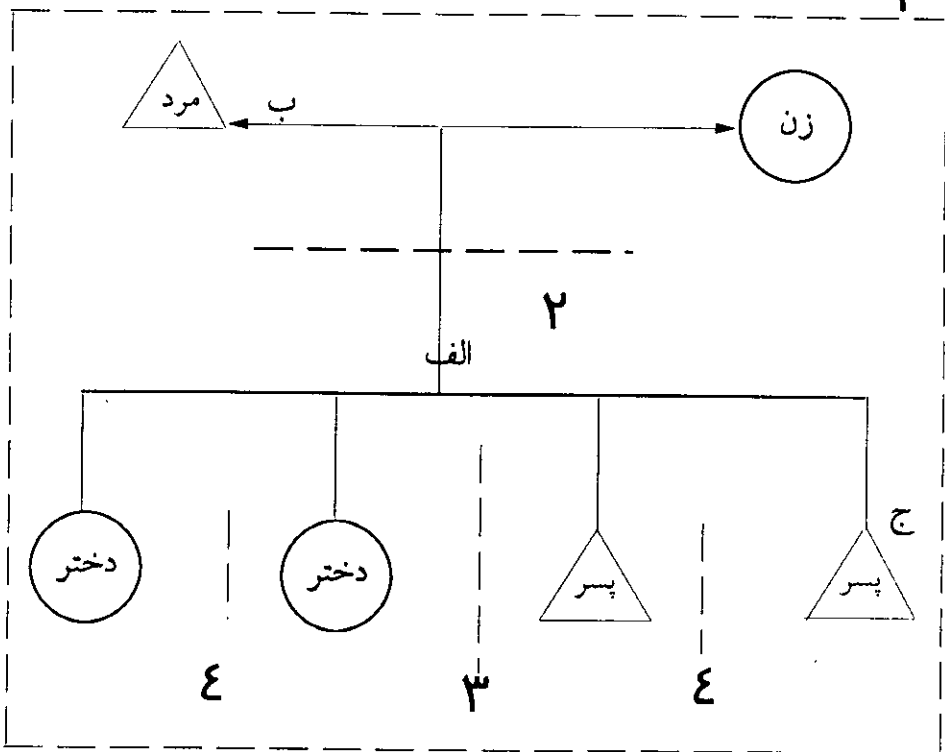
همان‌گونه که بیان شد، اصل محوری در روابط اعضای خانواده در اسلام مدارای آنان با یکدیگر است. به روابط با خویشاوندان، به ویژه والدین زن و شوهر، توجه می‌شود و تعامل و حمایت اجتماعی بین خویشاوندان ارزش به شمار می‌رود. کفو و هم‌ردیف بودن زن و شوهر، عاملی مهم در بناگذاری یک خانواده مطلوب و کارآمد از نظر اسلام است. خانواده مطلوب از نظر اسلام از هر مشکل و اختلافی مصون نیست، ولی در اختلافها حریمها شکسته نمی‌شود و افراد پس از فرو نشستن هیجانات، به دنبال حل مشکل و حتی اصلاح و جبران ضعفها و رفتارهای نامناسب خود هستند. شکل ۳، طرح کلی خانواده مطلوب از نظر اسلام را نشان می‌دهد.

به نظر می‌رسد خانواده مطلوب، بار ارزشی فراتر از خانواده کارآمد یا سالم را دارد. خانواده درمان‌گران، بر اساس اموری مانند راهبردهای حل مشکلات، فضای عاطفی

۱. همان، ص ۲۱۷.

۲. «وَإِنْ جَنَدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبَيْهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا، لقمان، ۱۵.

خانواده، قابلیت تغییر در مراحل مختلف زندگی خانوادگی، تعادل و توازن نزدیکی و فاصله در روابط خانوادگی، و وجود مرزهای مؤثر بین نسلی، خانواده کارآمد را از خانواده مختل متمایز می‌کنند^۱. در یک مقایسه می‌توان همه این مفاهیم را در خانواده مطلوب از دیدگاه اسلام، مشاهده کرد. افزون بر این، باورهای دینی پایدار، عدالت محوری، و مدارا سه مفهوم مرکزی خانواده مطلوب از دیدگاه اسلام است. بدیهی است اهداف تشکیل خانواده در اسلام، مقتضی ساختار و ارزشهای ویژه برای خانواده است که پیش از این به آن اشاره شد.



- △ مرد
- زن
- ↔ پیوند سببی (ازدواج)
- پیوند نسبی (رابطه خونی)
- - - مرزها

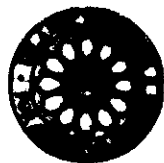
شکل ۳، طرح کلی برای خانواده مطلوب از دیدگاه اسلام

مرزهای خانواده

۱. بین کل خانواده و بیرون آن مرزی وجود دارد و محیط خانواده کاملاً باز یا کاملاً بسته نیست. از جمله آثار این مرز، ورود کنترل شده افراد به محیط خانواده و ورود نامحرمان با محدودیت بیشتر است.
۲. بین والدین (زن و شوهر) و فرزندان مرزی انعطاف‌پذیر وجود دارد که از آثار آن، برخورداری زن و شوهر از فضای اختصاصی فیزیکی و روانی ویژه است که از جمله فواید آن، لزوم اجازه گرفتن اعضای خانواده در ساعات معینی از شبانه روز برای ورود به این فضا است.
۳. مرز بین فرزندان دختر و پسر در عین باز بودن، دارای محدودیت‌هایی است که از جمله آنها لزوم اختصاص فضای فیزیکی خاص در خانه برای دختران و پسران است.
۴. بین دو فرزند پسر یا دو فرزند دختر نیز مرزی با محدودیت‌هایی کم‌تر از مرز بین دختران و پسران وجود دارد که از آثار آن، لزوم جدا بودن بستر خواب برای هر پسر یا دختر در خانواده است.

مراتب در خانواده

- الف - زن و شوهر در بالاترین مراتب خانواده قرار دارند.
- ب - اقتدار مرد در منظومه زن و شوهری بیشتر است.
- ج - فرزندان خانواده چه دختر و چه پسر در یک مرتبه قرار دارند، هر چند فرزندان بزرگ‌تر در مواردی از اقتداری بیشتر برخوردارند.



منابع

- * قرآن کریم، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران: نشر نیلوفر، ۱۳۷۴.
- * قرآن کریم، ترجمه جلال‌الدین مجتبوی، تهران: نشر حکمت، ۱۳۷۱.
- * قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران و قم دارالقرآن الکریم، ۱۳۷۳.
- * قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، تهران و قم: دارالقرآن الکریم، ۱۳۷۸.
- * نهج البلاغه، ترجمه محمدجعفر امامی و محمدرضا آشتیانی، قم: مدرسه امیرالمؤمنین(ع)، ۱۳۷۵.
۱. آدامز پیل و همکاران، روان‌شناسی کودکان محروم از پدر، ترجمه خسرو باقری و محمود عطاران، تهران: انتشارات تربیت، ۱۳۷۳.
۲. آذربایجانی، مسعود و دیگران، روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه و سمت، ۱۳۸۲.
۳. آرگیل، مایکل، روان‌شناسی شادی، ترجمه مسعود گوهری و دیگران، اصفهان: جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۲.
۴. آزاد، پیمان، زندگی بدون احساس گناه، تهران: نشر روشنایی، ۱۳۷۷.
۵. آمدی، عبدالواحد، غررالحکم و دررالکلم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶.
۶. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۳۸۵ ق.
۷. ابن سعد، الطبقات الکبری، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۰ ق.
۸. ابن سینا، حسین بن عبدالله، تدابیرالمنازل او السیاسات الالهیة، بغداد: مطبعة الفلاح، ۱۹۲۹ م.
۹. _____، قانون در طب، ترجمه عبدالرحمان شرفکندی، چ ۶، تهران: نشر سروش، ۱۳۷۰ ش.
۱۰. ابن شعبه الحرانی، الحسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول(ص)، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۹۷۴ م.

۱۱. ابن‌ماجه، محمد بن یزید، سنن ابن‌ماجه، تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت: داراحیاء التراث العربی ۱۳۹۵ ق.
۱۲. احسانبخش، صادق، آثار الصادقین، قم: دارالعلم، ۱۳۶۶.
۱۳. _____، نقش دین در خانواده: رشت: نشر جاوید، ۱۳۷۴ ش.
۱۴. احمدی ابهری، علی، «نقش ایمان و اعتقاد مذهبی در درمان بیماری‌ها»، فصلنامه اندیشه و رفتار، سال سوم، ضمیمه ش ۹ و ۱۰، ۱۳۷۶ ش.
۱۵. احمدی، ذکراالله، نهاد عاقله در حقوق کیفری اسلام، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۱ ش.
۱۶. احمدی، سید احمد، روانشناسی نوجوانان و جوانان، اصفهان: نشر ترمه، مشعل، ۱۳۷۱ ش.
۱۷. احمدی، محمدرضا، «نقش صله رحم در بهداشت روانی»، معرفت، سال دهم، ش ۴۶، ۱۳۸۰ ش.
۱۸. اسماعیلی، علی جوان، انگیزه و رفتار جنسی، تهران: نشر لقاءالنور، ۱۳۸۱ ش.
۱۹. اصفهانی، سید ابی‌الحسن، وسیله النجاة مع تعالیق الامام الخمینی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۰ ش.
۲۰. اصفهانی، محمدمهدی، تغذیه با شیر مادر و مسأله خویشاوندی، تهران: دانشگاه علوم پزشکی ایران، ۱۳۷۴ ش.
۲۱. اعرافی، علیرضا، آراء دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، جلد اول، قم: دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۷ ش.
۲۲. اعزازی، شهلا، خانواده و تلویزیون، مشهد: نشر مرنديز، ۱۳۷۳ ش.
۲۳. _____، خشونت خانوادگی «زنان کتک خورده» تهران: نشر سالی، ۱۳۸۰ ش.
۲۴. اکثر، ر. ا، برگزیده افکار راسل. روان‌شناسی رابطه زناشویی، ترجمه عبدالرحیم آگاهی، تهران: نشر امیر، ۱۳۷۰ ش.
۲۵. امانی، مهدی، جمعیت‌شناسی عمومی ایران، تهران: سمت، ۱۳۸۰ ش.
۲۶. _____، مبانی جمعیت‌شناسی، تهران: سمت، ۱۳۷۷ ش.
۲۷. امینی، ابراهیم، انتخاب همسر. سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
۲۸. امینی، عبدالحسین، الغدير فی الكتاب السنة و الادب، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۶ ش.

۲۹. انصاریان، حسین، نظام خانواده در اسلام، قم: نشر امّ ایها، ۱۳۷۶ ش.
۳۰. انصاری، شیخ مرتضی، کتاب المکاسب، بیروت: مؤسسه النعمان، ۱۹۹۰ م.
۳۱. انصاری، عذرا، جلوه‌های رفتاری حضرت زهرا(س)، قم: نشر دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲ ش.
۳۲. باباطاهر، دویتهی‌های باباطاهر، تهران: نشر باقرالعلوم(ع)، ۱۳۶۹ ش.
۳۳. بارکر، فیلیپ، خانواده درمانی پایه، ترجمه محسن دهقانی و زهره دهقانی، تهران: نشر رشد، ۱۳۷۵ ش.
۳۴. باطنی، محمدرضا، فرهنگ معاصر انگلیسی - فارسی، تهران: نشر فرهنگ معاصر، ۱۳۷۴ ش.
۳۵. بانکی‌پور فرد، امیر حسین، «تحلیلی بر روابط دختران و پسران دانشجوی»، مجموعه مقالات هم‌اندیشی بررسی مسائل و مشکلات زنان، قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۸۰ ش.
۳۶. بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۹۹۹.
۳۷. برنشتاین، ف. ج، زناشویی درمانی، ترجمه حسن پورعابدی نائینی و غلامرضا منشئی، تهران: انتشارات رشد، ۱۳۸۰.
۳۸. بشارت، محمدعلی و منیژه فیروزی، «مقایسه زنان و مردان ناباور بر حسب سبک دل‌بستگی و سازش روان شناختی با بارداری»، مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی، تهران: دانشگاه تهران، سال سی و سوم، ش ۲، پائیز و زمستان ۱۳۸۲ ش.
۳۹. بنی اسدی، حسن، بررسی عوامل مؤثر اجتماعی - فردی در زوج‌های سازگار و ناسازگار در شهر کرمان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۵ ش.
۴۰. بنی‌هاشمی، سیدمحمد حسن، توضیح المسائل مراجع، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۱ ش.
۴۱. بورنستین، ف. ج، روشهای درمان مشکلات زناشویی، ترجمه حسن توزنده جانی و نسرین کمال‌پور، مشهد: نشر مرن‌دیز، ۱۳۸۰ ش.
۴۲. بهشتی، احمد، خانواده در قرآن، نشر طریق القدس، قم: ۱۳۶۱ ش.
۴۳. بی‌ریا، ناصر و...، روان‌شناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی، ج ۲، تهران: سمت، ۱۳۷۵ ش.
۴۴. بیهقی، احمد بن‌الحسین، السن الکبری، بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۰۶ ق.

۴۵. پروین، ل. ا، روان‌شناسی شخصیت، ترجمه محمد جعفر جوادی و پروین کدیور، تهران: نشر رسا، ۱۳۷۲ ش.
۴۶. تانن، دوبرا، تفاوت‌های کلامی در زن و مرد، ترجمه قرچه داغی، زهره فتوحی، تهران: نشر اوحدی ۱۳۷۵ ش.
۴۷. تاییر، ادوارد، بچه‌های طلاق، ترجمه توراندخت تمدن، تهران: نشر چکامه، ۱۳۷۲ ش.
۴۸. ترمذی، محمد بن عیسی، الجامع الصحیح و هوسن الترمذی، تحقیق و شرح احمد محمد شاکر، بیروت: دار احیاء التراث العربی، [بی تا].
۴۹. جزائری، سید عبدالله، تحفة السنیة فی شرح نخبة المحسنیة، بی تا، بی جا، ۱۳۵۳ ش.
۵۰. جزائری، غیاث الدین، اعجاز خوراکی‌ها، تهران: نشر پرستو، ۱۳۷۵ ش.
۵۱. جمل، ابراهیم محمد، تعدد الزوجات فی الاسلام، قاهره: دارالاعتصام، ۱۴۰۴ ق.
۵۲. جوان، جعفر، جغرافیای جمعیت ایران، مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۰ ش.
۵۳. حاجی ده آبادی، محمد علی، مجموعه مقالات برگزیده همایش بین المللی علمی-کاربردی جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر، تهران: روزنامه جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۹ ش.
۵۴. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، تحقیق عبدالرحیم ربانی شیرازی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۹۹۱ م.
۵۵. حسینی زاده، سید علی، سیره تربیتی پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) ج ۱، تربیت فرزندان، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۰ ش.
۵۶. حسینی، علی اکبر، اخلاق در خانواده، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۶۹ ش.
۵۷. حسینی، ک، «نگاهی به پدیده فال و فالگیری در ایران»، ایران دخت، ش ۱۱، ۱۳۸۱.
۵۸. حسینی، هاجر و سیده فاطمه محبی، «غرب و خانواده‌های تک والدی»، کتاب زنان، س ۶، ش ۲۴، تابستان ۱۳۸۳.
۵۹. حق دوست، علی اکبر و دیگران، «بررسی دیدگاه دانشجویان علوم پزشکی پیرامون عوامل مؤثر در ازدواج»، فصلنامه اندیشه و رفتار، سال دوم، ش ۳، ۱۳۷۴ ش.
۶۰. حکیم باشی، حسن، «آیه نشوز و ضرب از نگاهی دیگر»، پژوهش‌های قرآنی، س ۷، ش ۲۸ و ۲۷، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۰ ش.
۶۱. خانه کودک، احکام ما و کودکان، قم: الهادی، ۱۳۷۶.

۶۲. خداپناهی، محمد کریم، روان‌شناسی فیزیولوژیک، تهران: سمت، ۱۳۸۰ ش.
۶۳. خداحیمی، سیامک و دیگران، روان‌شناسی زنان، تهران: خاتم، ۱۳۷۹ ش.
۶۴. خمینی، سید روح‌الله، تحریر الوسیله، قم: دارالعلم، ۱۳۶۲.
۶۵. خواجه‌جوی، محمد، ترجمه اسفار ملاصدرا، تهران: انتشارات مولی، ۱۳۷۸.
۶۶. درایتی، مصطفی، معجم الفاظ غرر الحکم و دررالکلم، مؤلف تمیمی آمدی، قم: نشر دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲ ش.
۶۷. درودی آهی، ناهید، «عدم توازن نسبت‌های جنسی در سنین ازدواج»، جمعیت، س ۱۰، ش ۴۱، سازمان ثبت احوال کشور، ۱۳۷۲ ش.
۶۸. دشتی، محمد، نهج‌الحیاء، فرهنگ سخنان فاطمه (س)، قم: نشر مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین علی (ع)، ۱۳۷۲ ش.
۶۹. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، مکتب‌های روان‌شناسی و نقد آن، ج ۱، تهران: سمت، ۱۳۶۹ ش.
۷۰. دلشاد تهرانی، مصطفی، سیره‌نوی، دفتر دوم، تهران: نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۲ ش.
۷۱. دورانت، ویلیام جیمز، تاریخ تمدن: روسو و انقلاب، ترجمه ضیاءالدین علایی طباطبایی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۰ ش.
۷۲. _____، لذات فلسفه، ترجمه: عباس زریاب خویی، تهران: اندیشه، فرانکلین ۱۳۵۴.
۷۳. دهخدا، علی‌اکبر، امثال و حکم، تهران: سپهر، ۱۳۷۶ ش.
۷۴. _____، لغت‌نامه دهخدا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۲ ش.
۷۵. دیلمی، احمد و مسعود آذربایجانی، اخلاق اسلامی، قم: معارف، ۱۳۷۹ ش.
۷۶. دیماتئو، ام. رابین، روان‌شناسی سلامت، ترجمه سید مهدی موسوی و...، تهران: سمت، ۱۳۷۸ ش.
۷۷. رئوف، هبه، مشارکت سیاسی زن، ترجمه محسن آرمین، تهران: نشر قطره، ۱۳۷۷ ش.
۷۸. راستی، زهرا و اکرم اسماعیلی، انحلال نکاح به واسطه عیب، (مواد ۱۱۲۱ تا ۱۱۲۵ قانون مدنی)، تهران: سفیر صبح، ۱۳۸۰ ش.
۷۹. رشیدرضا، محمد، المنار فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالفکر، ۱۳۰۳ ش.

۸۰. روزن بام، هایدی، خانواده به منزلت ساختاری در مقابل جامعه، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۷ ش.
۸۱. زحیلی، وهبة مصطفى، التفسير المنير في العقيدة و الشريعة و المنهج، بیروت، دارالکفر المعاصر، ۱۴۱۱ق
۸۲. زمخسری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التزیل، بیروت: دارالکتاب القری، ۱۴۰۷ق.
۸۳. زیگر جونی، «برتری فرزند پسر»، ترجمه زهره دهقانی، مجله زنان، ش ۵۰.
۸۴. زیمون، ف. ب، مفاهیم و تئوری‌های کلیدی در خانواده درمانی، ترجمه و تألیف سعید پیرمرادی، تهران: نشر همام، ۱۳۷۹ ش.
۸۵. ساروخانی، باقر، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، تهران: سروش، ۱۳۷۰ ش.
۸۶. سالاری فر، محمدرضا، «مرزها در خانواده از دیدگاه اسلام و مکتب ساخت‌نگر»، فصلنامه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۱ ش.
۸۷. _____، مقایسه خانواده‌درمانی مینوچین با دیدگاه اسلام در خانواده، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۹ ش.
۸۸. _____، «همسرگزینی در اندیشه دینی»، کتاب زنان، ش ۲۵، ۱۳۸۳ ش.
۸۹. سالاری، محمد، سحر و جادوگری، قم: انتشارات مشهور، ۱۳۸۰ ش.
۹۰. ستیر، ویرجینا، آدم‌سازی در روان‌شناسی خانواده، ترجمه بهروز بیرشک، تهران: انتشارات رشد، ۱۳۷۰ ش.
۹۱. سبحانی، جعفر، نظام النکاح فی الشریعة الاسلامیة الغراء، قم: نشر امام صادق(ع)، ۱۴۱۷ق.
۹۲. سجادی، سیدابراهیم، «قرآن و مشارکت اجتماعی زنان»، پژوهش‌های قرآنی، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، سال هفتم، ش ۲۸ و ۲۷، ۱۳۸۰ ش.
۹۳. سیدمیرزایی، سید محمد، جمعیت‌شناسی عمومی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۱ ش.
۹۴. سیف، سوسن، تئوری رشد خانواده، تهران: نشر دانشگاه الزهراء، ۱۳۶۸ ش.
۹۵. سیوطی، جلال‌الدین، الدر المنثور، قم: نشر مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ق.
۹۶. شرف‌الدین، سید حسین، تبیین جامعه‌شناختی مهریه، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، ۱۳۸۰ ش.

۹۷. شفیعی مازندرانی، سید محمد، راز خوشبختی، قم: نشر مشهور، ۱۳۷۷ ش.
۹۸. شکرکن، حسین و دیگران، مکاتب روان‌شناسی ج ۲، تهران: دفتر همکاری حوزه و دانشگاه و سمت، ۱۳۷۲ ش.
۹۹. صدر، سیدموسی، «تنبیه بدنی زن در نگاه‌های گوناگون»، پژوهش‌های قرآنی، سال هفتم، ش ۲۷ و ۲۸، ۱۳۸۰ ش.
۱۰۰. صدوق، محمد بن علی، الامالی، قم: مؤسسة البعثة، ۱۴۱۷ ق.
۱۰۱. _____، الخصال، قم: انتشارات اسلامی، ۱۳۶۲ ش.
۱۰۲. _____، من لایحضر الفقیه، بیروت. دارالاضواء، ۱۴۱۳.
۱۰۳. صدیق اورعی، غلامرضا، جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی جوانان، مشهد: نشر جهاد دانشگاهی مشهد، ۱۳۷۴ ش.
۱۰۴. صفائی، سیدحسین و اسدالله امامی، مختصر حقوق خانواده، تهران: نشر دادگستر، ۱۳۷۶ ش.
۱۰۵. ضمیری، محمدرضا، «مشروب خواری، جرمی علیه زنان و خانواده»
۱۰۶. طباطبایی، سیدمحمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۷۴ ش.
۱۰۷. _____، سنن النبی (ص)، ترجمه محمد هادی فقهی، تهران: نشر اسلامی، ۱۳۷۵ ش.
۱۰۸. _____، شیعه در اسلام، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۳ ش.
۱۰۹. طباطبایی یزدی، محمد کاظم، عروة الوثقی، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۹ ق.
۱۱۰. طبرسی، ابونصرحسن بن فضل، مکارم الاخلاق، قم: منشورات الرضی، ۱۹۷۲ م.
۱۱۱. طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری باعلام الهدی، قم، دارالکتب الاسلامیه، ابی تا.
۱۱۲. _____، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالمعرفة، ۱۹۸۸ م.
۱۱۳. طوسی، خواجه نصیر الدین، اخلاق ناصری، تصحیح و توضیح مجتبی مینوی و علیرضا حیدری، تهران: نشر خوارزمی، ۱۳۶۰ ش.
۱۱۴. طوسی، محمد بن حسن، ملاذ الاخیار فی فهم تهذیب الاخبار، قم: نشر مکتبه آیت‌الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۶ ق.

۱۱۵. عبدوس، محمدتقی و محمد محمدی اشتهاردی، بیست اصل از اصول اخلاقی امامان، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم ۱۳۷۷ ش.
۱۱۶. ———، سیره امامان شیعه (ع)، ج ۳، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۵ ش.
۱۱۷. عثمان نجاتی، محمد، قرآن و روان‌شناسی، ترجمه عباس عرب، مشهد: نشر آستان قدس رضوی (ع)، ۱۳۷۶ ش.
۱۱۸. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، نورالثقلین، تصحیح سیدهاشم رسولی محلاتی، قم: نشر اسماعیلیان، ۱۳۷۰ ش.
۱۱۹. عسکری، حسین، نقش بهداشت روان در ازدواج، تهران: نشر گفتگو، ۱۳۸۰ ش.
۱۲۰. عک، خالد عبدالرحمان، آداب الحیاة الزوجیة فی ضوء الکتاب و السنة، بیروت: دارالمعرفة، ۱۹۹۷ م.
۱۲۱. ———، بناء الاسرة المسلمة فی ضوء القرآن و السنة، بیروت: دارالمعرفة، ۱۹۹۸ م.
۱۲۲. علوان، عبدالله ناصح، تعدد الزوجات فی الاسلام، بیروت: دارالسلام، ۱۹۸۸.
۱۲۳. غباری بناب، باقر، «باورهای مذهبی و اثرات آنها در بهداشت روان»، فصلنامه اندیشه و رفتار، سال اول، ش ۴، ۱۳۷۴ ش.
۱۲۴. غزالی، ابوحامد، کیمیای سعادت، حسین خدیو جم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸ ش.
۱۲۵. فتال نیشابوری، محمدبن احمد، روضة الواعظین، قم: نشر رضی، ۱۳۶۸ ش.
۱۲۶. فتحی، رسول، ریلکس تراپی، تهران: امید انقلاب، ۱۳۷۸ ش.
۱۲۷. فرجاد، محمدحسین، آسیب‌شناسی اجتماعی ستیزه‌های خانواده و طلاق، تهران: انتشارات منصور، ۱۳۷۲ ش.
۱۲۸. فرحات، کرم حلمی، تعدد الزوجات فی الادیان، قاهره: الآفاق العربیة، ۲۰۰۲ م.
۱۲۹. فرید تنکابنی، مرتضی، الحدیث، روایات تربیتی از مکتب اهل بیت (ع)، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۱ ش.
۱۳۰. فرید تنکابنی، مرتضی، نهج الفصاحه، راهنمایی انسانیت: کلمات قصار حضرت رسول اکرم (ص)، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴ ش.
۱۳۱. فقیهی، علی نقی، مشاوره در آینه علم و دین، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۶ ش.
۱۳۲. فیض کاشانی، محسن، المحجة البیضا فی تهذیب الاحیاء، بیروت: نشر اعلمی للمطبوعات، ۱۹۸۳ م.

۱۳۳. قائمی، علی، نظام حیات خانواده در اسلام، تهران: انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران، سال ۱۳۶۸.
۱۳۴. قرائتی، محسن، تفسیر نور، ج ۷، قم: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۰ ش.
۱۳۵. قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ ش.
۱۳۶. قمی، شیخ عباس، سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار، قم: دارالاسوة، ۱۴۲۲ ق.
۱۳۷. _____، مفاتیح الجنان، ترجمه الهی قمشه‌ای، قم: نشر مسجد جمکران، ۱۳۸۱ ش.
۱۳۸. _____، منتهی الآمال، تهران: نشر هجرت، ۱۳۷۰ ش.
۱۳۹. کارلسون، ج، خانواده درمانی، تضمین کارآمد، ترجمه شکوه نوابی نژاد، تهران: نشر انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۸ ش.
۱۴۰. کار، مهرانگیز، بچه‌های اعتیاد، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۷۵ ش.
۱۴۱. کاظمی پور، شهلا، بررسی دموگرافیک تغییر سن ازدواج، پایان نامه، دانشگاه تهران، ۱۳۵۱.
۱۴۲. کدیور، پروین، روان‌شناسی تربیتی، تهران (سمت)، ۱۳۷۹.
۱۴۳. کریستن سن، آرتور امانوئل، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه مجتبی مینوی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۰.
۱۴۴. کریمی نیا، محمدعلی، تربیت اجتماعی، رفتارهای اجتماعی پیشوایان اسلام، قم: نشر پارسایان، ۱۳۷۷ ش.
۱۴۵. کلینی، محمدبن یعقوب، اصول کافی، ترجمه سید جواد مصطفوی، تهران: نشر فرهنگ اهل بیت (ع)، [بی تا]
۱۴۶. _____، الکافی، بیروت: دارالاضواء، ۱۹۹۲ ق.
۱۴۷. کی نیا، مهدی، عوامل اجتماعی طلاق، قم: مطبوعات دینی، ۱۳۷۳ ش.
۱۴۸. گوش، شیاتی، «دخترهای بدشگون»، ترجمه الهام صادقی، کتاب زنان، ش ۷، ۱۳۷۱ ش.
۱۴۹. لوبون، گوستاو، تمدن اسلام و عرب، ترجمه سید هاشم حسینی، تهران: کتابخانه اسلامی، ۱۳۶۴ ش.

۱۵۰. ماراسومی، رادمیکاکو، «حقوق بشر و خشونت بر علیه زنان»، مجله فرزانه، ش ۸، نشر بانو، ۱۳۷۵ ش.
۱۵۱. ماسن، پاول هنری، رشد و شخصیت کودک، ترجمه مهشید یاسایی، تهران: نشر پایا، ۱۳۶۸.
۱۵۲. متقی هندی، علاء الدین، المرشد الی کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ ق.
۱۵۳. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۹۸۳ م.
۱۵۴. ———، حلیه المتقین، قم: هجرت، ۱۳۸۰ ش.
۱۵۵. محسنی، منوچهر و ابوالقاسم پور رضا انور، ازدواج و خانواده در ایران، تهران: انتشارات آرون، ۱۳۸۲ ش.
۱۵۶. محمدی ری شهری، محمد، اهل بیت (ع) در قرآن و حدیث، ترجمه حمیدرضا شیخی، حمید رضا آژیر، قم: دارالحدیث، ۱۳۷۹ ش.
۱۵۷. ———، میزان الحکمة، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم: دارالحدیث، ۱۳۷۹ ش.
۱۵۸. مزلو، ابراهام، انگیزش و شخصیت، ترجمه احمد رضوانی، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۶۷ ش.
۱۵۹. مسلم بن الحجاج القشیری، صحیح مسلم بشرح النووی، بیروت: دارا کتاب العربی، ۱۹۸۷ م.
۱۶۰. مصطفوی، سید جواد، بهشت خانواده، نشر قدس، قم: دارالفکر، ۱۳۷۲ ش.
۱۶۱. مطهری، مرتضی، اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۵۹ ش.
۱۶۲. ———، تعلیم و تربیت از نظر اسلام، قم: نشر صدرا، ۱۳۷۲ ش.
۱۶۳. ———، مسئله حجاب، قم: نشر صدرا، ۱۳۶۸ ش.
۱۶۴. ———، نظام حقوق زن در اسلام، قم: نشر صدرا، ۱۳۷۱ ش.
۱۶۵. مظاهری، محمدعلی و دیگران، «مقایسه بهداشت روانی در زوجهای جشنهای ازدواج دانشجویی و زوجهای عادی»، فصلنامه انجمن ایرانی روان‌شناسی، سال هفتم، ش ۱، بهار ۱۳۸۲ ش.
۱۶۶. معروف الحسینی، هاشم، زندگی دوازده امام (ع)، ترجمه محمد رخشنده، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۳ ش.

۱۶۷. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱، تهران: نشر دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۸.
۱۶۸. منصور، محمود و پریخ دادستان، دیدگاه پیازه در گستره تحول روانی، تهران: بعثت، ۱۳۷۴ ش.
۱۶۹. منصور، محمود و پریخ دادستان، روانشناسی ژنتیک ج ۲، تهران: نشر دریا، ۱۳۷۲.
۱۷۰. منطقی، مرتضی، چکیده تازه‌های تحقیق در دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی ایران، ش ۲۸، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ناشر مرکز اطلاعات مدارک ملی ایران، ۱۳۸۱ ش.
۱۷۱. موسوی، اشرف السادات، «عملکرد نظام خانواده و بهداشت روانی اعضای خانواده»، مجله اندیشه و رفتار، ۲۲ و ۲۳.
۱۷۲. موصلی، احمد بن علی، مسند ابی یعلی، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸ ق.
۱۷۳. مهریزی، مهدی، شخصیت و حقوق زن، تهران: انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۸۲ ش.
۱۷۴. میراحمدی زاده، علیرضا، «رضامندی زناشویی»، مجله اندیشه و رفتار، سال، ش ۳۲، سال هشتم، ۱۳۸۲ ش.
۱۷۵. میرخان، عزت‌السادات، رویکردی نوین در روابط خانواده، تهران، سفیر صبح، ۱۳۸۰ ش.
۱۷۶. میشل، توماس، کلام مسیحی. ترجمه حسین توفیقی، قم: نشر مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۷۷ ش.
۱۷۷. مینوچین، سالوادور، خانواده و خانواده درمانی، ترجمه باقر ثنائی، تهران: نشر امیرکبیر، ۱۳۷۵ ش.
۱۷۸. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲ ش.
۱۷۹. نراقی، ملا احمد، معراج السعاده، تهران: نشر جاویدان، ابی تا.
۱۸۰. نراقی، ملا مهدی، جامع السعادات، نجف: مطبعة النجف الاشرف، ۱۹۶۳ م.
۱۸۱. نوری طبرسی، حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت: نشر مؤسسه آل‌البيت لاحیاء التراث، ۱۹۸۸ م.
۱۸۲. نیسی، عبدالکاسم و...، «مقایسه عملکرد تحصیلی، سلامت روانی و جسمانی دانش‌آموزان پسر فاقد و واجد پدر»، مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران، دوره سوم، سال هشتم، ۳ و ۴، ۱۳۸۰.
۱۸۳. نیشابوری، محمد ابن حسین، مصباح الشریعة. قم: نشر امام صادق (ع)، ۱۴۱۶ م.

۱۸۴. نیلی پور، مهدی، فرهنگ فاطمیه، اصفهان: نشر مرکز فرهنگی شهید مدرس، ۱۳۸۰ ش.
۱۸۵. وکیلی، مهناز، نکاح موقت از کتاب زبده البیان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، ۱۳۷۵ ش.
۱۸۶. وهابی، زهرا، نقش تلویزیون در بزهکاری اطفال و نوجوانان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق، ۱۳۷۹ ش.
۱۸۷. هاپ واکر، ل، «دین به زندگی معنا می‌بخشد»، ترجمه اعظم پویا، مجله نقد و نظر، معنای زندگی، سال هشتم، ش ۱ و ۲، ۱۳۸۲ ش.
۱۸۸. هاشمی رفسنجانی، اکبر و دیگران، تفسیر راهنما، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۳ ش.
۱۸۹. هرگنهان، بی آر و متیو، السون، مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری، ترجمه علی اکبر سیف، تهران: دانا، ۱۳۷۴ ش.
۱۹۰. هیشمی، علی ابن ابوبکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ م.
۱۹۱. هی لی، ج، روان‌درمانی خانواده، ترجمه باقر ثنائی، تهران: نشر امیرکبیر، ۱۳۷۷ ش.
۱۹۲. یونگ، کارل گوستاو، روانشناسی و دین، ترجمه فواد روحانی، تهران: شرکت نشر کتابهای جیبی، ۱۳۷۰ ش.
193. Ayman, R. and Chemens. M. (1992) *Leadership: Theory and research*. Academic Press Inc.
194. Baron, R. and Byrne, D. (1997) *Social Psychologist*. Massachusetts: Viacom.
195. Carlson N. (1986) *Physiology of Behavior*. Massachusetts: Allyn and Bacon.
196. Goldenberg, I. and Goldenberg, H. (1980) *Family: An overview*. California: Wadsworth, Inc. Belmont.
197. Minuchin, S. and Fishmand, H. C (1981) *Family Therapy Thechniques*. Harvard College.
198. Report of the United Nations, Specil Report *Violence Women* (1995)
199. Forsyth D. R. (1995) *Our Social World*, 1st ed, Brooks / cole.

نمایه اشخاص و اماکن

اعزازى، شهلا، ۱۳۸، ۱۵۹	آدامز، پل، ۶۰
اکتر، ر، ا، ۴۸	آذربایجانی، مسعود، ۲۷، ۵۴، ۱۴۷
امام باقر(ع)، ۳۶، ۳۸، ۱۳۱	آرگیل، مایکل، ۵۵
امام جواد(ع)، ۴۰، ۱۹۳	آزاد، پیمان، ۲۱
امام حسن(ع)، ۱۸۷، ۱۹۱، ۱۹۳	آمدی، عبدالواحد، ۱۲۰
امام حسین(ع)، ۹۱، ۱۸۷، ۱۹۱	آمریکا، ۱۷۱
امام رضا(ع)، ۴۰، ۱۷۷، ۱۷۹	ابراهیم(ع)، ۱۶، ۱۱۶، ۱۳۲، ۱۴۹، ۱۸۵
امام سجاد(ع)، ۴۱، ۶۶، ۱۸۶، ۱۹۴	ابن ابی الحدید، ۱۱۵
امام صادق(ع)، ۶۹، ۱۸۶	ابن سینا، ۶، ۷، ۵۱
امام علی(ع)، ۳۴، ۵۱، ۶۹، ۷۳، ۸۲، ۹۳، ۱۱۹، ۱۲۹	ابن شعبه الحرانی، الحسن بن علی، ۱۵۰
۱۲۳، ۱۶۰، ۱۷۵، ۱۸۰، ۱۸۵-۱۸۷، ۱۹۰-۱۹۲	ابن یعلی، ۵۰
امام کاظم(ع)، ۱۳۱، ۱۷۷	اتریش، ۱۷۱
امامی، اسدالله، ۹۳	احسانبخش، صادق، ۱۶۲
امانی، مهدی، ۲۰	احمدی ابهری، علی، ۱۰۹
امینی، عبدالحسین، ۶۶	احمدی، ذکر الله، ۶۳
انصاری، شیخ مرتضی، ۲۰، ۱۴۲	احمدی، سید احمد، ۲۳
انگلستان، ۲۴، ۱۷۱	احمدی، محمد رضا، ۶۷
ایران، ۱، ۲۴، ۲۷، ۲۸، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰	استرالیا، ۱۷۱
۱۷۰، ۱۷۱	اسماعیل(ع)، ۱۴۹
بابا طاهر، ۱۰۶	اسماعیلی، علی، ۴۶
بارکر، فیلیپ، ۶۴، ۹۶	اصفهانی، محمد مهدی، ۸۲

- بانکی پور، امیر حسین، ۷۷
 بحرانی، سید هاشم، ۸۷، ۱۱۵
 بختیاری، فاطمه، ۶۱
 برتالانفی، ۱۱
 برنشتاین، ۱۲۵
 بشارت، محمد علی، ۵۶
 بلژیک، ۱۷۱
 بنی اسدی، حسن، ۱۴۴
 بنی هاشمی، سید محمد حسن، ۲۱
 بورنستین، ف، ج، ۵۴
 بهشتی، احمد، ۱۵۴
 بی‌ریا، ناصر، ۸۱، ۸۹، ۱۱۳
 پروتستان، ۲۹، ۱۷۱
 پروین، ل، ۸۹
 پویا، اعظم، ۱۱۴
 پیامبر(ص)، ۱، ۵، ۶، ۱۵، ۳۲، ۳۴، ۳۸، ۴۱، ۴۷، ۵۸،
 ۶۲، ۶۹، ۷۴، ۷۹، ۸۴، ۸۶، ۸۷، ۹۳، ۱۰۰، ۱۰۲،
 ۱۰۳، ۱۱۱، ۱۱۳، ۱۲۷-۱۲۹، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۴۳،
 ۱۴۸، ۱۷۴، ۱۸۴، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۹-۱۹۳
 تانن، دویرا، ۱۲۳
 تایبر، ادوارد، ۶۰
 جزائری، سید عبدالله، ۵۰
 جزائری، غیاث‌الدین، ۱۶۰
 جمل، ابراهیم محمد، ۶
 جوان، جعفر، ۲۴
 جونی زیگر، ۸۴
 حاجی ده‌آبادی، محمد علی، ۱۴۷
 حسینی، علی اکبر، ۱۳۰، ۱۴۹
 حسینی، ک، ۱۴۴
 حسینی، هاجر، ۶۱
 حق دوست، علی اکبر، ۳۵
 حکیم باشی، حسن، ۱۵۶
 خداپناهی، محمد کریم، ۷۶
 خدا رحیمی، سیامک، ۸۴
 خرماشاهی، بهاء‌الدین، ۹۲
 خمینی، سید روح‌الله، ۲۰
 خواجوی، محمد، ۴۵
 خواجه نصیرالدین طوسی، ۸
 درودی آهی، ناهید، ۱۷۱
 دلشاد تهرانی، مصطفی، ۱۸۸
 دورانت، ویل، ۱۷۰
 دورانت، ویل، ۹۴
 دهخدا، علی اکبر، ۱۲۷، ۱۲۹
 دیلمی، احمد، ۱۲۶
 دیماآتو، ام، ۵۵، ۱۱۲
 رئوف، هبه، ۹۴
 راستی، زهرا، ۴۹
 راسل، ۴۸
 رشید رضا، محمد، ۱۸، ۵۴، ۷۷
 روزن‌بام، عایدی، ۱۳۰، ۱۳۳
 روژه پیره، ۹۴
 زاهدی، زهره، ۸۴
 زمخسری، محمود بن عمر، ۵۴
 زیمون، ف، ب، ۱۱، ۵۱

- ژاپن، ۱۷۱
 ساروخانی، باقر، ۱۳
 سالاری فر، محمدرضا، ۱۷۵
 سالاری قاینی، محمد، ۱۴۴
 ستیر، ویرجینیا، ۴۵، ۱۱۷
 سجادی، سید ابراهیم، ۹۴
 سوئد، ۱۷۱
 سید میرزایی، سید محمد، ۱۷۱
 سیف، سوسن، ۱۹
 شرف‌الدین، سید حسین، ۱۸۱
 شوروی، ۱۷۱
 شهید مطهری، ۱۱، ۵۸، ۹۴
 شیانتی گوش، ۸۴
 صادقی، الهام، ۸۴
 صدر، سید موسی، ۱۵۷
 صدیق اورعی، غلامرضا، ۲۷، ۱۸۰
 صفایی، سید حسین، ۹۳
 ضمیری، محمدرضا، ۱۴۲
 طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۰، ۵۴، ۹۴، ۱۱۳،
 ۱۷۴، ۱۸۹
 طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، ۶۳
 طبرسی، ابونصر، ۱۹۴
 طبرسی، فضل بن حسن، ۲۶
 طوسی، ۹
 عبدالله بن حسن، ۶۹
 عبدالله ناصح علوان، ۱۸۸
 عبدالمطلب، ۳۱
 عبدوس، محمد تقی، ۹۱
 عثمان نجاتی، محمد، ۵۹
 عربستان، ۱۷۰
 عسکری، حسین، ۱۳۴
 عک، خالد عبدالرحمن، ۵۰، ۱۵۴
 علامه محمد حسین فضل الله، ۹۴
 عمر، ۱۷۵
 عیسی (ع)، ۵۷
 غباری بناب، باقر، ۱۱۲
 غزالی، ۸
 فاطمة زهرا(س)، ۳۴، ۱۸۶، ۱۸۷
 فتال نیشابوری، محمد بن احمد، ۷۳
 فتحی، رسول، ۵۱
 فرانسه، ۱۷۱
 فرجاد، محمد حسین، ۱۳۴
 فرحات، کرم حلمی، ۱۷۱
 فرید تنکابنی، مرتضی، ۳۲، ۴۸، ۸۲، ۱۴۹
 فقیهی، علی نقی، ۱۶۱
 فولادوند، محمد مهدی، ۹۲
 فیض کاشانی، ۹، ۱۰
 قائمی، علی، ۱۰۲، ۱۳۶
 قرائتی، محسن، ۱۰۹
 کارلسون، ج، ۷۶، ۱۳۳، ۱۴۵، ۱۶۸، ۱۶۹
 کار، مهرانگیز، ۱۴۱
 کاظمی پور، شهلا، ۲۴
 کانادا، ۱۷۱
 کدیور، پروین، ۱۸۵

- کرمان، ۱۴۴
 کره، ۱۷۱
 کریستین سن، ۱۷۰
 کریمی نیا، محمد علی، ۱۹۳
 کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۷، ۱۷۸
 کی نیا، ۱۳۷
 لوبون، گوستاو، ۱۷۰
 ماراسومی، رادمیکاکو، ۱۴۶
 مارتین لوتر کینگ، ۱۷۱
 ماسن، پاول، ۲۵
 متقی هندی، ۳۸
 مجتبیوی، جلال الدین، ۹۲
 مجلسی، ۹۴
 محسنی، ۱۸۲
 محسنی، منوچهر، ۲۴
 محمد حنغیه، ۹۱
 محمدی ری شهری، محمد، ۳۲، ۱۱۵، ۱۹۲
 مریم(س)، ۵۷
 مزلو، ابراهام، ۴۰
 مصطفوی، سید جواد، ۱۲۴
 مطهری، مرتضی، ۱۲، ۴۹، ۵۸، ۱۰۲، ۱۰۴، ۱۶۹
 مظاهری، محمد علی، ۵۵
 معروف الحسینی، هاشم، ۱۸۷، ۱۹۰
 مقداد، ۳۱
 مکارم شیرازی، ناصر، ۵۶، ۹۲، ۱۰۹
 منصور، محمود، ۵۶، ۵۸، ۸۹
 منطقی، مرتضی، ۱۴۷
 موسوی، اشرف السادات، ۱۹۹
 موسی(ع)، ۵۹
 مهریزی، مهدی، ۱۵۶
 میر احمدی زاده، علیرضا، ۱۳۴
 میشل، توماس، ۱۹
 مینوچین، سالوادر، ۷۵، ۷۶، ۹۱، ۱۷۵
 نجفی، محمد حسن، ۱۷، ۳۶، ۱۷۶
 نراقی، مهدی، ۲۶
 نوح(ع)، ۱۶
 نوری طبرسی، حسین، ۲۲
 نیسی، عبدالکاظم، ۶۰
 نیلی پور، مهدی، ۱۹۱
 وهابی، زهرا، ۱۳۸
 هاپ واکر، ل، ۱۱۴
 هاشمی، ۹۴
 هرگنهان، بی، آر، ۱۸۵
 هیثمی، ۵۰
 هی لی، ج، ۹۱
 یحیی(ع)، ۵۷
 یوسف(ع)، ۱۰۶
 یونان، ۱۷۱
 یونگ، کارل، گوستاو، ۱۱۴
 یهودیان، ۲۹

نمايه آیات

- إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ، (بقره، ۱۵۶) ۱۱۵
- أَجَلٌ لَكُمْ لَيْلَةٌ الصِّيَامِ الرَّفِثِ إِلَىٰ نِسَائِكُمْ هُنَّ لَبَاسٌ لَكُمْ ... (بقره، ۱۸۷) ۴۶، ۵۰، ۵۵
- وَابْتَغُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ، (بقره، ۱۸۷) ۵۲
- وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَجِيضِ قُلْ هُوَ أَكْبَرُ فَاعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَجِيضِ، (بقره، ۲۲۲) ۱۷۲
- وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَىٰهِنَّ دَرَجَةٌ، (بقره، ۲۲۸) ۸۰، ۹۲، ۱۷۲
- الطَّلَاقُ مَرَّتَانٍ فَإِمْسَاكُهُم بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحُهُمْ بِإِحْسَانٍ، (بقره، ۲۲۹) ۱۸، ۱۶۳
- أَوْ تَسْرِيحُهُنَّ بِمَعْرُوفٍ، (بقره، ۲۳۱) ۱۸، ۱۶۳
- فَإِنْ أَرَادَا فِضَالًا عَنِ تَرَاضٍ مِّنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا، (بقره، ۲۳۳) ۱۴۸
- حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ، (بقره ۲۳۸) ۱۳۱
- كُلٌّ آمِنٌ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نَعْرِقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّن رُّسُلِهِ، (بقره، ۲۸۵) ۱۱۲
- زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبِّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ ... (آل عمران، ۱۴) ۴۷
- فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ... (آل عمران، ۶۱) ۱۸۶
- وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ، (آل عمران، ۱۵۹) ۱۴۸
- فِيمَا رَحِمَهُ مِنَ اللَّهِ إِنَّتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ، (آل عمران، ۱۵۹) ۱۸۹
- فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاجِدَةً، (نساء، ۳) ۹۴، ۱۷۳
- فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مِثْنَىٰ وَتِلْكَ وَزُبْعٌ، (نساء، ۳) ۱۷۰
- وَكَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا، (نساء، ۶) ۱۱۰
- و عاشروهن بالمعروف، (نساء، ۱۹) ۹۴
- وَأَخَذَ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا، (نساء، ۲۱) ۱۸، ۱۵۴
- وَمَنْ لَّمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا أَنْ يَنْكِحَ الْمُخْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمِنْ مَّا مَلَكَتْ ... (نساء، ۲۵) ۴۱
- لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا لِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا، (نساء، ۳۲) ۱۸۳

- الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ ... (نساء، ۳۴) ۹۲، ۱۰
- وَأَلْتَبِى تَخَافُونَ نُشُورَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَأَهْجُرُوهُنَّ فِى الْمَضَاجِعِ ... (نساء، ۳۴) ۱۵۳
- وَأَهْجُرُوهُنَّ فِى الْمَضَاجِعِ، (نساء، ۳۴) ۱۵۴
- فَإِنْ أَطَعْتَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا، (نساء، ۳۴) ۱۵۷
- وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْتَغُوا حَكْمًا مِّنْ أَهْلِهَا وَحَكْمًا مِّنْ أَهْلِهَا ... (نساء، ۳۵) ۱۶۱
- وَكَفَى بِاللَّهِ نَصِيرًا، (نساء، ۴۵) ۱۱۰
- فَادْكُرُوا اللَّهَ قِيَمًا وَقُودًا، (نساء، ۱۰۳) ۱۳۱
- وَإِنَّ امْرَأَةً خَافَتْ مِنْ مِّمَّ بَغْلَهَا نُشُورًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا ... (نساء، ۱۲۸) ۱۹۸
- وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا ... (نساء، ۱۲۹) ۱۷۳
- كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ، (نساء، ۱۳۵) ۹۴
- وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى، (مائدة، ۲) ۱۲۹
- كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ، (مائدة، ۸) ۹۴
- إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، (انعام، ۱۶۲) ۱۱۰
- أَتَأْتُونَ الفُجْحَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِّنَ الْعَالَمِينَ، (اعراف، ۸۰) ۵۱
- خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ، (اعراف، ۱۹۹) ۱۸۹
- وَإِذَا تَلَّيْتُمْ عَلَيْهِنَّ عَابْتَهُنَّ زَادْتُهُنَّ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِنَّ يَتَوَكَّلُونَ، (انفال، ۲) ۱۱۱
- وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِى كِتَابِ اللَّهِ، (انفال، ۷۵) ۷۱
- إِن كَيْدُكُمْ عَظِيمٌ، (يوسف، ۲۸) ۱۵۹
- أَلَا يَذُكُرِ اللَّهُ تَطْمَلِينَ الْقُلُوبِ، (رعد، ۲۸) ۱۱۰
- قُلْ هُوَ رَبِّى لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ مَتَابِ، (رعد، ۳۰) ۱۱۱
- تَجِيئُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ، (ابراهيم، ۲۳) ۱۲۸
- إِنَّمَا يَفْتَرِى الْكُذِّبَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ، (نحل، ۱۰۵) ۱۱۷
- كَلَّا نُمِدُّ هُنُوًا وَهَنُوءًا مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ، (اسراء، ۲۰) ۱۱۱
- فَلَا تَقُلْ لَهُمَا آقِبِ (اسراء، ۲۳) ۸۷

وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيْتَنِي صَغِيرًا، (اسراء، ٢٣) ٨٧

لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، (كهف، ٣٩) ١١١

وَالْبَقِيَّةَ الصَّالِحِينَ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَصْلًا، (كهف، ٤٦) ١٥

وَبَرًّا بِوَالِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا، (مريم، ٣٢) ١٤١

وَلَا تَمُدَّنْ عَيْنِيَكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ مِن آرَافٍ خَيْرًا مِّنْهُم زهرة الخيوة الدنيا، (طاه، ١٣١) ١٢٠

وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا، (طاه، ١٣٢) ١٣١

إِنَّ الَّذِينَ يَزُمُونَ الْمَخْسَنَاتِ الثَّقِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لُعُنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ... (نور، ٢٣) ١٣١

... وَالطَّيِّبَاتِ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ ... (نور، ٢٦) ٢٣، ١٣٥

وَأَنْكِحُوا الْأَيْمَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ ... (نور، ٣٢) ٢٥، ٣١، ٣٣

الرِّئَاسِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ ... (نور، ٣٣) ٣٣

فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبْرَكَةٌ طَيِّبَةٌ، (نور، ٤١) ١٢٨

وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ هَادِيًا وَنَصِيرًا، (فرقان، ٣١) ١١٠

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا، (فرقان، ٥٣) ٤١

رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَرْوَاجِنَا وَذُرِّيَّتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ، (فرقان، ٧٣) ٥٩

فَرِحْنَا بِكَ إِذْ كَادَتْ تُكْبِدُنِي بِهِ لَوْلَا أَن رَّبُّنَا عَلَىٰ قَلْبِهَا لَتَكُونُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ، (قصص ١٠-١٣) ٥٩

إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ، (عنكبوت، ٤٥) ١٣٢

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتِ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا، (روم، ٣٠) ٢٧

وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ، (لقمان، ١٢) ١٢٢

أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ، (لقمان، ١٣) ١٢٣

وَإِنْ جَاهِدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا ... (لقمان، ١٥) ٩٢، ٢٠٠

وَاعْصِمْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ، (لقمان، ١٩) ١٢٢

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ ... (احزاب، ٢١) ١٨٥

إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا، (احزاب، ٣٣) ١٨٥

يَسْبِقُنِي إِتَىٰ أَرَىٰ فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَىٰ قَالَ يَأْتِيَتِ أَعْمَلُ مَا تُؤْمَرُ، (صافات، ١٠٢) ١٣٩

أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ، (زمر، ۳۶) ۱۱۰

أَدْفَعِ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ ... (فصلت، ۳۴) ۹۱

لَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ أَدْفَعِ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ ... (فصلت، ۳۴ و ۳۵) ۱۵۴

هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ، (فتح، ۴) ۱۱۰

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ، (حجرات، ۱۰) ۹۰ و ۱۲

لَا يَسْخَرُونَ قَوْمًا مِنْ قَوْمٍ عَسَى أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءً مِنْ نِسَاءٍ، (حجرات، ۱۱) ۱۲۵

أَجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِمَّنْ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ، (حجرات، ۱۲) ۱۱۸

نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ، (قاف، ۱۶) ۱۱۰

مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَىٰ وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ، (نجم، ۲ و ۳) ۱۸۵

ولا يعصينك في معروف (ممتحنه، ۱۲) ۷۹

وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ، (طلاق، ۲ و ۳) ۱۱۱

وَأْتِمِرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ، (طلاق، ۶) ۱۳۹

قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ، (تحريم، ۶) ۱۵، ۱۳۱

هَمَّازٌ مَشَاءُ بِنَمِيمٍ، (قلم، ۱۱) ۱۳۲

وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ، (ضحى، ۱۱) ۱۲۴

وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ، (عصر، ۲) ۱۲۲

نمايه روايات

اِنَّ اهلك توجر فقال: يا رسول الله(ص)، آتيهم وأوجر؟... اذا خاف على نفسه فأتى الحلال أجر، ٤٨

اثتمروا النساء فى بناتهن، ١٤٩

ابعد الناس من النجاح المستهتر باللهو والمزاح، ١٤٣

اتخذوا الاهل فآته ارزق لكم، ٢٥

اتقوا الله فى الضعيفين: النساء و الصبيان، ٧٨

اتقوا الله فى الضعيفين يعنى بذلك اليتيم و النساء، ١٩٧

اتقوا الله فى النساء فانهن عوارى عندكم، ٧٨

اجر المغنية التى تزف العرائس ليس به بأس...، ٢٠

احب الاعمال الى الله الصلاة و هى آخر وصايا الانبياء، ١٣١

...احنى على ولد...، ٣١

اختاروا لنطفكم فان الخال احد الضجيعين، ٣٣

اخوان الشياطين، ٢٢

اذا اراد احدكم ان يأتى زوجته فلا يعجلها فان للنساء حوائج، ٥٠

اذا ارادكم احدكم ان يتزوج امرأة فليسأل عن شعرها كما يسأل عن وجهها فان الشعر احد الجمالين، ٣١

اذا اردت ان تحبب المخلوقون فأحسن اليهم، ١٢٨

اذا تزوجها لدينها رزقه الله المال و الجمال، ٣٩

اذا جائكم من ترضون خلقه و دينه فزوجوه الا تفعلوه تكن فتنة فى الارض و فساد كبير، ٢٤، ٣٨

اذا جامع احدكم اهله فلا يأتين كما يأتى الطير ليمكث و ليلبث، ٥٠

اذا صبرت للمحنة فقلت تحدها، ١٢١

اذا كان بأحدكم أوجاع فى جسده و قد غلبته الحرارة فعليه بالفراش... غشيان النساء فانه يسكنه و يطيفه، ٥١

اذا نظر الوالد الى ولده فسره كان للوالد عتق نسمة، ١٢٦

اذا وعدتم الصبيان ففؤا لهم... ان الله ليس يغضب لشيء كغضبه للنساء و الصبيان، ١٣١

اربع من كن فيه كمل اسلامه... و حسن خلقه مع اهله، ٣٧

استشعروا الصبر فآته ادعى الى النصر، ١٢١

اصناف لا يستجاب دعاؤهم رجل تؤذيه امراته بكل ما تقدر عليه... يقول له:... فان شئت خليتها و ...، ٣٧

اطلبوا الخير عند حسان الوجوه فان افعالهم اخرى ان يكون حسناً، ٢٨

اطیب العیش، القناعة، ١٢٠

اعدلوا بین اولادکم كما تحبون الله يعدلوا بینکم فی البر و اللطف، ٨٣

اغتربوا و لاتضروا، ٣٢

افضل الشفاعات من تشفع بین اثنین فی نکاح حتی یجمع الله شملهما، ٤٤

افضل الصدقة علی اختک و ابنتک و هی مردودة علیک لیس لها کاسب غیرک، ٩٠

افضل العبادة العفاف، ٢٦

افضل العبادة عفة البطن و الفرج، ٢٣

افضل نساء امتی اصبحهنّ وجهاً و اقلهنّ مهراً، ١٨١

اکبر الکبائر سوء الظنّ بالله، ١١٩

اکثر اهل الجنة من المستضعفين النساء علم الله ضعفهنّ فرحمهنّ، ٧٨

اکرموا اولادکم واحسنوا آدابهم یغفرلکم، ٨٣

الاخیرکم بشرار نسائکم... و لاتقبل منه عذراً و لاتغفرله ذنباً، ١٥٢

الاباء ثلاثة: اب زوجک و اب ولدک و اب علمک، ٦٦

الاصدقاء نفس واحدة فی جسام متفرقة، ١٣٨

البخل جامع مساوی العیوب، ١٢٢

التي اذا غضب زوجها لم تکتحل بعین حتی یرضی، ١٥٢

الجواد محبوب محمود، ١٢٨

... الحسن و الحسین سیدا شباب اهل الجنة... ١٩١

الحیاء علی وجهین، فمنه الضعف و منه قوّة و احلام و ایمان، ٤٦

الدّ الاشیاء مباضعة النساء، ٤٨

الرجل راع علی اهل بیته و کل راع مسؤول عن رعیتة و المرأة راعیة علی مال زوجها و مسؤولة عنها، ١٨٣

الرجل یرید ان یتزوج المرأة یرجو له ان ینظر لیها؟ قال: نعم و ترقق له الثیاب لانه یرید ان یشتریها ...، ٣٩

السراق ثلاثة ... مستحلّ مهور النساء...، ١٨٠

السمح الکفین... لا یلجئ عیاله الی غیره.. ان من شرّ رجالکم البهات البخیل الفاحش، الأکل وحده... الملجئ

عیاله الی غیره...، ٣٣

الصدقات ما تراضیا علیه الناس من قليل او کثیر فهذا الصدقات، ١٨٠

...الطفهن بازواجهن و ارحمن باولادهن...، ٣١

العدل اساس، به قوام العالم، ١٩٦

العدل یضع الامور مواضعها، ١٩٦

الغناء رقیة الزنا، ١٤٢

- الغناء عَشُّ النفاق، ١٤٢
- الكذب يوجب الوقيعه، ١٢٥
- الكذب يؤدّى الى النفاق، ١٢٥
- الكفوان يكون عفيفاً و عنده يسار، ٤٠
- اللهم انى اعوذ بك من ولد يكون على ربا، ٩٢
- المال مآدة الشهوات، ١٣٦
- المتبرجة مع زوجها... و اذا خلا بها بذلت له ما يريد منها، ٤٩
- المرأة الجميلة تقطع البلغم، ٢٢
- المؤمن كفو المؤمنة و المسلم كفو المسلمة، ٣٤
- المؤمن لا يلهو حتى يغفل، ١٤٣
- المؤمنون بعضهم اكفاء بعض، ٣٤
- المؤمن يأكل بشهوة عياله (اهله) و المنافق يأكل اهله بشهوته، ١٣٠، ١٩٨
- النميمة القاالة بين الناس، ١٤٢
- الهوا و العبوا فانى اكره ان يرى فى دينكم غلظة، ١٤٣
- اما لك جارية تضحكك... فان ذلك يقطع البلغم، ٥١
- امرأة صالحه اذا رآها سرته و اذا اقسم عليها ابرته، ٣٨
- امرأة صالحه تعينه على امر الدنيا و الاخرة، ٨٠
- انا اعلم بما يصلح عليه امر دين عبادى المؤمنين، ١١٢
- انا خيركم لنسائى، ١٨٨
- ان استطعت ان يكون لك ذرية تثقل الارض بالتسييح، ٦١
- ان اكمل المؤمنين ايماناً احسنهم خلقاً، ٣٧
- ان الابكار بمنزلة الثمر على الشجر اذا ادرك ثمارها فلم تجتن افسدته الشمس و نثرته الرياح وكذلك الابكار اذا ادركن ما يدرك النساء فليس لهن دواء الا البعولة و الا لم يؤمن عليهن الفساد لانهن بشر، ٢٣
- ان الله تعالى خلق مائة رحمة فرحمة بين خلقه يتراحمون بها، ١١٠
- ان الله تعالى غافر كل ذنب الا من جحد مهراً...، ١٨٠
- ان الله يبغض و يلعن كل ذواق من الرجال، ١٧٧
- انا نتزوج النساء فنعطيهن مهورهن فيشترين ما شئن ليس لنا منه شىء، ٧٩
- ان هنا الناس عيشاً من كان بما قسم الله له راضياً، ١٢٠
- ان خطب اليك رجل رضىيت دينه و خلقه فزوجه و لا يمنعك فقره وفاقته...، ٣٤، ٤١
- انصرفى، فلو كان ذلك فضلاً لكانت فاطمه احق منك، ١٨٦

- انظر این تضع نفسک و من تشرکه فی مالک و تطلعه علی دینک و سزک، ١٨
انکحوا الاکفاء و انکحوا فیهم و اختاروا لنطفکم، ٣٤
انکم لا تقدرّون علی ذلک و لکن اعینونی بورع و اجتهاد و عفة و سداد، ١٨٥
ان للام ثلثی البرّ و للاب الثلث، ٨٦
انّ للنکبات غایات لابد ان ينتهی اليها... فان اعمال الحيلة فیها عند اقبالها زائدٌ فی مکروهها، ١٢١
انما المرأة قلادة فانظر ما تتقلّد، ١٨
اتما المرأة لعبة من اتخذها فلا یضیعها، ٥١
اتما مثل المرأة مثل الضلع المعوّج، ان ترکته انتفعت به و ان اقمته کسرتة، ٧٦
ان من خیر رجالکم... البرّ بوالديه... أن من شرّ رجالکم... العاق بوالديه، ٣٤
ان من خیر نساءکم... الستيرة...، ٣٢
ان من شرّ نساءکم... التي لا تتوزع من قبیح...، ٣٢
انه فی الجنة درجة لا یبلغها الا امام عادل او ذو رحم وصول او ذو عیال صبور، ١٢١
انهنّ امانة فلا تضارهنّ، ١٩٧
ان یترک المرء و ان کان محقاً، ١٣٥
... ان یوتئ النساء فی ادبارهنّ فقال (علی «ع»): سفلت سفل الله بک، أما سمعت الله یقول:، ٥١
اوصانی جبرئیل بالمرءة حتی ظننت انه لا ینبغی طلاقها الا من فاحشه مبیّنة، ١٩٧
اولّ اللہو لعب و آخره حرب، ١٤٣
ایاکم و تزویج الحمقاء، فان صحبتها ضیاع و ولدها ضیاع، ٣١
...ایاکم و خضراء الدمن... المرأة الحسناء فی منبت السوء، ٣٣
ایاکم و نکاح الزنج فانه خلق مشوّة، ٣٢
ایاکم و مصادقة الاحمق فانه یرید ان ینفک فیضرک، ١٣٨
ایسرک ان تراها علی ما تراک علیه اذا کنت علی غیر تهیة؟... من اخلاق الانبیاء التتظّف و التّطیّب و...، ٥٠
...أترغبون عن النساء، انی أتى النساء...، ٤٩
بالاحسان تملك القلوب، ١٢٨
بناء احبّ الی الله و اعزّ من التزویج، ٥
تبسم الرجل فی وجه اخیه حسنة و صرفه القذی عنه حسنة و ما عُبد الله بشیء احبّ الی الله...، ٩٠
تختیروا للرضاع كما تختیرون للنکاح فان الرضاع یغیّر الطباع، ٨٢
تختیروا لنطفکم فان النساء یلدن اشباه اخوانهنّ و اخواتهنّ، ٣٢
تزوج التي هويت و دع التي هوی ابواک، ٣٨
تزوج سواء ولوداً فانی مکاثر بکم الامم... ما السواء قال: القبیحة، ٣٩

- تزوجوا الابدكار فانهن اطيب شيئا افواها، ٣٠
- تزوجوا بكرى ولوداً و لا تزوجوا حسناء، جميلة عاقراً فانى اباهاى بكم الامم يوم القيامة، ٣٩
- تزوجوا فانى اكاثر بكم الامم غداً فى القيامة...، ٥٨
- تزوجوا فى الحجر الصالح فان العرق دسّاس، ٣٣
- تزوجوا فى الشكاك و لاتزوجوهم، لان المرأة تأخذ من ادب الرجل و يقهرها على دينه، ٣٣
- تزوج و الآفانت من المذنبين، ٢٣
- ...تعين زوجها على دهره و تساعده على دنياه و لاتعين الدهر، ٣١
- تلين جانبك و تطيب كلامك و تلقى اخاك ببشر حسن، ٣٦
- تورث الضفائن، تزرع الشحنة فى قلوب الرجال، ١٤٢
- ثلاث لم يجعل الله لاحد فيهن رخصة: اداء الامانه...، ٧٨
- ثلاث من سنن المرسلين... كثرة الطروقه، ٤٧
- ثلاثة ان لم تظلمهم ظلّموك سفلة و زوجتك و خادمك، ١٩٨
- ثلاثة لا يدخلون الجنة... قاطع الرحم، ٧٠
- ثلاث يصفين وذا المرء لآخيه المسلم... يدعوه باحب الاسماء اليه، ١٢٤
- ... ثم اذا قضى حاجته قبل ان تقضى حاجتها فلا يعجلها حتى تقضى حاجتها، ٥٠
- ثمره التواضع المحبّة، ١٢٦
- جلوس المرء عند عياله احب الى الله من اعتكاف فى مسجدى، ١٢٧
- جمال العيش القناعة، ١٢٠
- جهاد المرأة ان تصبر على ماترى من اذى زوجها و غيرته، ٨٠، ١٩٩
- جهاد المرأة حسن التبعّل، ٧٩، ١٩٨
- حبّ التى من الدنيا ثلاث: الطيب و النساء و قره عيني فى الصلاة، ٤٧
- حسن خلق يدارى به الناس، ٣٦
- حسن خلق يعيش به فى الناس، ٣٦
- حسن هذا النكاح لا السفاح... اسندوا النكاح و اعلنوا بينكم و اضربوا عليه بالدق...، ٢٠
- خاطر بنفسه من استغنى برأيه، ١٤٨
- خمس من لم تكن فيه لم يتهنأ بالعيش... القناعة...، ١٢٠
- خياركم، خياركم لنسائه، ٢٧
- خير الجوارى ما كان لك فيها هوى و كان لها عقل و ادب، ٣٨
- خير النساء ان لا يرين الرجال و لا يراهن الرجال، ٣٢
- خيركم، خيركم لنسائه و انا خيركم لنسائي، ٧٩

- خير نسائکم التي اذا خلت مع زوجها خلعت له درع الحياء، ٤٦، ٤٩
- خير نسائکم التي ان غضبت أو اغضبت قالت لزوجها: يدي في يدك لا تكتحل بغمض حتى ترضى، ١٥٢
- خير نسائکم... العزيزة في اهلها، ٣٣
- خير نسائکم... العفيفة في فرجها، ٣٢
- رحم الله عبداً احسن فيما بينه و بين زوجته، فان الله... قد ملكه ناصيتها و جعله القيم عليها، ٧٨
- ردال موتاكم العزاب، ٢٢
- رضى الرب في رضى الوالدين و سخط الرب في سخط الوالدين، ٩٢
- رعتان يصلّيها المتزوج افضل من سبعين ركعة يصلّيها اعزب، ٢٦
- زوجه من رجل تقى، فان احبها اكرمها و ان ابغضها لم يظلمها، ٣٧
- زوجة سالحة تعاونه و يحصن بها فرجه، ٣٨
- ... زوجة سالحة تعينه على امر الدنيا والاخرة، ٣١
- سألت عمّن اتى جاريتها في دبرها... المرأة لعبة لا تؤذى...، ٥١
- سعد امرء لم يمت حتى يرى خلفاً من نفسه، ٥٩
- شاب سخطى مرهق في الذنوب احب الى الله من شيخ عابد بخيل، ١٣٣
- شرار امتى عزابها، ٢٢
- ضع امرک اخيک على احسنه حتى يأتیک ما يقلبک، ١١٨
- طوبى لمن كانت امه عفيفة، ٨٢
- عبدى المؤمن لا تصرفه فى شىء الا جعلته خيراً له فليرض بقضائى، ١١٢
- عليک بذوات الدين تربت يداک، ٣١
- فاحبط رحمة منها الى الارض فيها تراحم الخلق، ١١٠
- فارجع الى اهلك فاصبهم، ٥٢
- فاشفقوا عليهم و طيبوا قلوبهم حتى يقفن معکم و لا تکرهوا النساء و لا تستخطوا بهن، ١٥٠
- فاصبر مغموماً او مت متأسفاً، ١٢١
- فان الرجل اذا اتى اهله بقلب ساکن و عروق هادئه و بدن غير مضطرب... فخرج الرجل يشبه اباه و امه، ٥٢
- فان الصبر من الايمان كالرأس من الجسد...، ١٢١
- فان الله قد ملكه ناصبتها و جعله القيم عليها، ١٩٧
- فان المرأة ريعانة وليست بقهرمانه، ٧٦
- فان ريع الجنة توجد من مسيرة الف عام و لا يجدها عاق و لا قاطع رحم...، ٧٠
- فائه لا دين لمن لا صبر له، ١٢١

فانهنّ عوان عندكم، ١٩٧

فانى انا الله الرحمن الرحيم، ١١٢

فَتَزَيَّنْتُ لى على ان اتزين لها كما تزيتت لى، ١٩٣

فدارها على كل حال، ٧٨

فدارها على كل حال واحسن الصحبة لها، ١٩٧

فرق بين النكاح والسفاح ضرب الدّف، ٢٠

فليكن بينهما ملاعبه «مداعبة» فانه اطيب للامر، ٥٠

فَمَرُوا صبيانكم بالصلاة اذا كانوا بنى سبع سنين...، ١٣١

فمن اعظم الناس حقاً على المرأة؟ قال (رسول الله ص): زوجها، ١٩٨

فهلا فتاة تلاعبها و تلاعبك، ٢٢

فهلا فتاة تلاعبها و تلاعبك، ٥٠

... قالت ما يهتمك ان كنت لرزقك فقد تكفل لك به غيرك... قال رسول الله (ص)... لها نصف اجر الشهيد، ١١١

قال رسول الله (ص): ما بنى فى الاسلام بناء احب الى الله... من التزويج، ١٨٦

قُمْ فأصب من اهلك فانه منك صدقة عليها، ٥٢

قول الرجل للمرأة انى احبك لا يذهب من قلبها ابداً، ١٢٤

كان ابى (ع) اذا خزنه امر جمع النساء والصبيان ثم دعا و آمنوا، ١٩٣

كان على بن الحسين (ع): اذا اتاه جتته على ابنته او على اخته بسط رداءه ثم اجلسه ثم يقول: «مرحباً

بمن كفى المؤتة و ستر العوره، ٦٦

كان على (ع) يقول: لولا ما سبقنى به ابن الخطاب ما زنى الا شقى، ١٧٥

كسب الحرام يبين فى الذرية، ٨٢

كل من اشتد لنا حبا اشتد للنساء حبا، ٧٩

لايمان لمن لا حياء له، ٤٦

لا بأس ان يستعين بكل شىء من جسده عليها، ٥٠

لا بأس بذلك اذا لم يكن مثلذا، ٣٩

لا تبئت ليلة و هو عليها ساخط، ١٩٩

لا تجماع امراتك بشهوة امرأة غيرك...، ٥٢

... لا تزوجها الا ممن هو على رأيها، ٣٣

لا تزوجه ان كان سئى الخلق، ٣٣

لا تضربه و اهجره و لا تطل، ٨٥

- لا تطولنّ صلاتكنّ لتمنعن ازواجكنّ، ٤٩
- لا تنكحوا القرابة القريبة فان الولد يخلق ضاويًا، ٣٣
- لا يتزوج المستضعف مؤمنة، ٣٣
- لا يتزوج المؤمن ناصبة و لا يتزوج الناصب مؤمنة، ٣٢
- لا يتزوج شارب خمر فانّ من فعل فكانما قادهها الى الزنا، ٣٧
- لا يتزوج شارب خمر فانّ من فعل فكانما قادهها الى الزنا، ٣٣
- لا يجتمع المال الاّ بخصال خمس: بخل شديد و امل طويل و حرص غالب و قطيعة الرحم و ...، ١٣٩
- لا يجد عبداً طعم الايمان حتى يترك الكذب هزله و جدّه، ١٢٥
- لا يدخل الجنة من فى قلبه مثقال ذرّة من كبر، ١٣٥
- لا يسميه باسمه، ٨٧
- لا يعدم الصبور الظفر و ان طال به الزمان، ١٢١
- لكاد العفيف ان يكون ملكاً من الملائكة، ٢٦
- لكلّ شىء شىء ليس تريخ اليه و ان المؤمن ليستريح الى اخيه المؤمن كما يستريح الطير الى شكله، ٩٠
- لم يرسلنى الله بالرهبانية و لكن بعثنى بالحنيفية السمحة اصومى و اصلّى و ...، ٢٢
- لم يرسلنى الله تعالى بالرهبانية و لكن بعثنى بالحنيفة السهلة السمحة، ٤٧
- لو امرت احدًا ان يسجد لاحد لأمرت المرأة ان تسجد لزوجها، ٧٩
- لو نظرت اليها فآته اخرى ان يدوم بينكما، ٣٩
- لهو المؤمن فى ثلاثة اشياء... و مفاكهة الاخوان...، ١٤٣
- ما اظنّ رجلاً يزداد فى الايمان خيراً الاّ ازداد حباً للنساء، ٧٩
- ما اظنّ رجلاً يزداد فى هذا الامر خيراً الاّ ازداد حباً للنساء، ٧٩
- ما افاد رجل بعد الايمان خيراً من امرأة ذات دين و جمال شرّه اذا نظر اليها...، ٥١
- ما افاد رجل بعد الايمان خير من امرأة ذات دين و جمال، ٣١
- ما اكثر شعر رجل قط الاّ قلّ شهوته، ٢٥
- ما اكرم النساء الاّ كريم و لا اهانهنّ الاّ لثيم، ٧٨
- ما بنى فى الاسلام احبّ الى الله من التزويج، ٥
- ما تلذذ الناس فى الدنيا و الآخرة بلذّة اكثر لهم من لذّة النساء، ٤٨
- ما عبد الله بشىء افضل من عقّة بطن و فرج، ٢٦
- ما للشيطان سلاح ابلغ فى الصالحين من النساء الاّ المتزوّجون اولئك المطهرون المبرؤون، ٥٧
- ما يتغيّل الزوج عند المرأة شىء، ١٩٩

- مجالس اللهو تفسد الايمان، ١٤٣
- مداراة الناس ملاينة الناس و حسن صحبتهم، ١٩٧
- مداراة من غير عنف، ١٩٧
- ... مع قناعة تملأ القلوب و العيون غنى، ١٢٠
- ملاعبتك اهلك فانه من السنة، ١٨٨
- من احب ان يلقى الله طاهراً مطهراً فليتعف بزوجه، ٥٧
- من احب ان يلقى الله... طاهراً مطهراً فليلقه بزوجة، ٢٣
- من اخلاق الانبياء حب النساء، ٤٧
- من اراد البقاء و لابقاء... و ليقل غشيان النساء، ٥٣
- من استبد برأيه هلك، ١٤٨
- من استغنى بعقله زل، ١٤٨
- من ترك التزويج مخافة العيلة فقد اساء بالله الظن، ٢٥
- من تزوج احرز نصف دينه، ١٩، ٢٦
- من تزوج لله و لصلة الرحم تزوج الله بتاج الملك، ٣٢
- من حسن برّه باهله زاد الله فى عمره، ٧٨
- من رضى بالقضاء اتى عليه القضاء و عظم الله اجره و من سخط القضاء مضى عليه القضاء و احبط الله اجره، ١١٢
- من زوج اخاه المؤمن امرأة يأنس بها و تشد عضده و يستريح اليها... انسه بمن احب من الصديقين، ٤٤
- من زوج كريمته من فاسق نزل عليه كل يوم الف لعنة، ٣٧
- من سعادة الرجل ان يكون له الولد يعرف فيه شبهه و خلقه و خلقه و شمائله، ٥٩
- من سعادة الرجل ان يكون له ولد يستعين بهم، ٦٠
- من صبرت على سوء خلق زوجها، اعطاها مثل / ثواب / أسية بنت مزاحم، ٣٧
- من صبر خفت محنته، هانت مصيبتته، ١٢١
- من صبر صببر صبر الابرار و الا سلا سلوا الاعمار، ١٢١
- من صبر على خلق امرأة سيئة الخلق و احتسب فى ذلك الاجر، اعطاه الله ثواب الشاكرين فى الآخرة، ٣٧، ١٩٧
- من ظلم امرأة مهرها فهو عند الله زان...، ١٨٠
- من عرض لآخيه المسلم فى حديثه فكأتما خدش فى وجهه، ١٢٥
- من قنع بالمقسوم استراح من الهم و الكد و التعب، ١٢٠
- من كانت له ثلاث اخوات... فاحسن صحبتهم و اتقى الله فيهن فله الجنة، ٩٠
- من كظم غيظاً و هو يقدر على امضائه حشى الله قلبه امناً و ايماناً يوم القيامة، ١٤٦

- من لم يشكر المُنعم من المخلوقين لم يشكر الله، ١٢٤
 من لم يشكر والديه لم يشكر الله، ١٢٤
 من وصل من قطعه، ٩١
 نسائكم حرث لكم، ٥٢
 واحسن الصحبة لها ليصفو عيشك، ٧٨
 وان جهلت غفر لها، ٧٨
 وان لكل مأموماً امام يقتدى به، ١٨٥
 وتعرض نفسها عليه غدوة و عشية، ٤٩
 وخير الجوارى ما كان لها عقل و ادب فلست تحتاج الى ان تأمر و تنهى، ٣١
 ... و عليك بذات الدين...، ٣٥
 ولا ترفع صوتك فوق اصواتهما، ٨٧
 ولا تقسروا اولادكم على آدابكم...، ١٩٩
 ولا تمتعه نفسها و ان كانت على ظهر قتب، ٤٩
 ولا يرهقه و لا يخرق به، ٨٥، ١٩٩
 ولا يستسب له، ٨٧
 وليرض بقضايى اكتبه فى الصديقين عندى، ١١٢
 وليكن بينهما رسول، قيل: ما الرسول؟ قال: القبلة و الكلام، ٥٠
 وَوَزِيرٌ سَبْعَ سِنِينَ، ١٤٩
 هنّ يرين اذك ذو اقتدار خير من ان يرين حالك على انكسار، ٩٣
 هو (الزواج) اغض للبصر و اعف للفرج و اكف و اشرف، ٥٧
 يا رب! ما هذا الخلق الحسن فقد انسنى قربه و النظر اليه؟ فقال الله: يا آدم، هذه امتى حواء افتحب ان تكون
 معك تؤنسك و تحدثك؟...، ٥٥
 يامعشر الشباب عليكم بالباه، ٢٢
 يا نبى الله، ان لى ابنة عمّ قد رضيت جمالها و حسنها و دينها ولكنّها عاقر؛ فقال: لا تزوجها، ٣٩
 يجبل المؤمن على كل طبيعة الا الخيانة و الكذب، ١١٧
 يفتح ابواب السماء فى اربعة مواضع... عند نظر الولد فى وجه الوالدين، ٥
 يقبل ميسوره و يتجاوز عن معسوره، ١٩٩
 يكسب الصادق بصدقه ثلاثاً: حسن الثقة به، المحبّة له و المهابة عنه، ١١٧
 ينبغى للرجل ان يوسع على عياله لئلا يتمّوا موته، ١٢٢